

فہرست مثنوی حمید

تالیف عبدالباقی کولپیناری

ترجمہ توفیق حسین



<p>مزدگانی کہ جسم جانشده است عشق با جملہ پیمان شدہ است آیت عشق را بیان شدہ است ابن حقیقتہ برو عیا شدہ است</p>	<p>جان چو جسم الفقی بگرفت درو بام جهان وجود گرفت بدلیل لباس عاریتی ہر کہ دیوانہ گشت درین عالم</p>
---	---

کین ہم طوطی اقا کن فیکون
شتم نیت پیش اہل جنون

<p>ابن ہم غم ز پیش برداری دست با عشق در کمر داری خوش بشناس کہ ببرداری سوزش از جان خوش برداری دست اکت چو کار کرداری شتم نیت پیش اہل جنون</p>	<p>کر بلوغ دلم نظر داری چند کوی کہ عشق می ورزیم اصل و فرع جہا، توی امروز کہ بدیعانہا عشق رسمی ای نعیمی بیدن نشانی را کین ہم طوطی اقا کن فیکون</p>
---	---

تمام شد از دست حقیر الفقیر المؤمن درویش عیسی ابن کمال
الدین خواجہ علی مدینہ آرگوری کسری عفر اللذذ نوبہا و
عواقبہا فی الدارین آمین بحمدہ وآلہ اجمعین



سازمان چاپ و اشاعت

قیمت: ۳۴۰۰ ریال

ترجمہ توفیق ہ سبجانی

تأليف: عبدالباقي گوپینارلی

فہرست متون حروریہ

۹۰۲

۵۸۶۶۱۰۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



فہرست متون حیرت

تألیف

عبدالباقی گولپینارلی

ترجمہ

توفیق ہ۔ سبحانی

گولپینارلی، عبدالباقی، ۱۸۹۹-۱۹۸۲.

فهرست متون حروفیه / تألیف عبدالباقی گولپینارلی؛ ترجمه توفیق ه. سبحانی -- تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.

ده، ۱۷۶ ص.

۱. حروفیه - کتابشناسی. الف. سبحانی، توفیق ه.

ب. عنوان. ۰۱۶/۲۹۷۸۷۵

ف ۵الف / ۷۸۳۵ Z [۲۹۷/۸۷۵۰۱۶]



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فهرست متون حروفیه

تألیف عبدالباقی گولپینارلی

ترجمه توفیق ه. سبحانی

چاپ اول: بهار ۱۳۷۴، تعداد ۱۰۰۰ نسخه

توزیع: تهران - میدان حسن آباد - خیابان استخر - ساختمان شماره ۳

تلفن: ۶۷۲۶۰۶ و ۶۷۵۸۸۲ و ۶۷۱۴۵۹ و ص. پ ۱۵۸۱۵/۱۳۱۱

مندرجات

۱	پیشگفتار
۲	زندگانی فضل الله
۱۴	آثار او
۱۶	خلفای او
۱۸	منابع حروفیه و حروفیه
۲۸	کتب عمده حروفیه
۲۹	عبادات آیین حروفی
۳۰	حروفیه در ایران و سرزمینهای ترک

*

۳۹	کتابشناسی				
	کتابخانه ملت بخش فارسی				
صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف	
۴۴	{ علی امیری، فارسی ۱۸۶ ” ” ” ” ” ” ” ” ۲۶۹	فارسی	دیوان فارسی	I. ؟	} مجموعه
۴۴		”	دیوان فارسی	II. فضل الله حروفی	
۴۵		”	تاریخ قتل فضل	— III	
۴۵		”	دیوان فارسی	IV. علی	
۴۶		”	دو ترجیع بند فارسی	V. شریف (میر)	
۴۶		”	ترجیع	VI. کلیمی	
۴۶		”	شعری در قالب مثنوی	VII. رحمة الله	
۴۷		”	شعری در قالب مثنوی	VIII. علی	
۴۷		”	شعر فارسی	IX. شریف (میر)	
۴۸		”	استوانامه	غیاث الدین محمد	

صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف	مجموعه
۵۰	۴۳۷	فارسی	رساله فارسی	جاویدی علی	}
۵۱		»	شرح پنجاه پایه	جاویدی علی	
۵۱	۴۳۸	»	دیوان	نسیمی عمادالدین	
۵۳	۴۳۹	»	»	»	
۵۵	۸۳۴	»	محبّت نامه	فضل الله	
۵۶	۸۲۵	»	مکتوب	عیات الدین محمد	
۵۶	۹۲۰	»	جاودان نامه	فضل الله حروفی	
۶۰	۹۸۹	»	دیوان فارسی	نعیمی (فضل الله)	
۶۱	۹۹۰	»	رساله	فاضلی (میر)	
۶۲	۹۹۱	»	شعر	[فضل و دیگران]	
۶۳	۹۹۲	»	عرش نامه	فضل الله حروفی	
۶۴	۹۹۳	»	نفایس الحقایق	I. ؟	}
۶۴		»	رساله یی درباره حروف	II. جاویدی علی	
۶۵		»	اسم و مستأ	III. شریف (میر)	
۶۶		»	رساله	IV. ؟	
۶۶		»	رساله	V. ؟	
۶۶		»	رساله	VI. ؟	
۶۷		»	رساله	VII. ؟	
۶۷		»	رساله	VIII. اسحاق (سید)	
۶۷		»	زبدة النجات	IX. ابو الحسن	
۶۷		»	رساله	X. اسحاق (؟)	
۶۸		»	رساله	XI. ؟	
۶۸		»	بخشی از عرش نامه	XII. [فضل الله]	
۶۸		»	مبحثی از جاودان	XIII. [فضل الله]	
۶۸	»	رساله	XIV. ؟		
۶۹	»	وصیت نامه	XV. فضل الله		
۶۹	»	اسامی بعضی خلفای فضل	XVI. ؟		
۷۰	»	مثنوی	XVII. جلال سافر شاه		
۷۰	»	رساله	XVIII. اسحق		
۷۰	»	فارسی	رساله	XIX. ؟	
۷۰	»	»	رساله	XX. ؟	

صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف	
۷۱	۱۰۰۰	فارسی	جاودان نامه	فضل الله حروفی	
۷۲		»	عرش نامه	فضل الله حروفی	
۷۲	۱۰۰۳	»	دیوان	رحمة الله	
۷۲	۱۰۰۴	»	[درباره سوره ها و آیات]	؟	
۷۳	۱۰۰۶	»	[اشعار و...]	؟	
۷۴	1009	»	وصیتنامه	I. فضل الله حروفی	مجموعه
۷۵		»	رساله بی درباره حروفیه	II. ؟	
۷۵		»	بخشی از محشرنامه	III. شریف	
۷۵		»	تقسیم چهل شبانه روزی	IV. ؟	
۷۵	1011	»	عرش نامه	I. فضل الله حروفی	مجموعه
۷۶		»	نوم نامه	II. فضل الله حروفی	
۷۶		»	اشارت نامه	III. اسحق	
۷۷	۱۰۱۲	»	رساله	مثالی	
۷۹	۱۰۱۹	»	محشرنامه	شریف	
۸۰	۱۰۲۷	»	بیان الواقع	شریف	
۸۲	1030	»	نوم نامه	I. فضل الله	مجموعه
۸۳		»	رساله	II. ؟	
۸۳	۱۰۳۱	»	محرم نامه	اسحاق	
۸۵	۱۰۳۲	»	تراب نامه	اسحاق (سید)	
۸۷	1034	»	تراب نامه	I. اسحاق (سید)	مجموعه
۸۷		»	شرح پنجاه بیت عرش نامه	II. جاویدی	
۸۹	۱۰۳۵	»	حج نامه	شریف (سید)	
۸۹	1037	»	تراب نامه	I. اسحاق (سید)	مجموعه
۹۰		»	ولایت نامه	II. سید اسحاق	
۹۰	1039	فارسی	رساله	I. فاضلی (میر)	مجموعه
۹۱		»	نسب نامه...	II. ؟	
۹۱		»	نوشته فارسی... تاویل قربانی	III. ؟	
۹۱		ترکی	ترجمه ترکی و تلخیص...	IV. ؟	
۹۱		فارسی	لغت لهجه گرگانی به فارسی	V.	
۹۱		»	نوشته بی به ترکی رساله ترکی	VI.	
۹۲		فارسی	شرح تقسیمات	VII. فاضلی	

صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف	
۹۲	۱۰۴۱	»	بشارت نامه	I. ابوالحسن	مجموعه
۹۳		ترکی	بشارت نامه	II. رفیعی	
۹۵		»	گنج نامه	III. رفیعی	
۹۵		»	رساله یی ترکی در مثنوی	IV. پناهی	
۹۶	»	»	مفتاح الغیب	V. منالی	
۹۷	۱۰۴۲	فارسی	خواب نامه	اسحاق (سید)	
۹۸	۱۰۴۳	»	صلوات نامه	اشقورت دده	
۱۰۱	۱۰۴۶	»	جاودان نامه	فضل الله حروفی	
۱۰۳	۱۰۵۲	»	شعری در ۷۶ بیت در	I. ابوالحسن	مجموعه
		»	قالب مثنوی		
۱۰۳		»	اطاعت نامه	II. [کمال الدین]	
۱۰۴		»	رسالة فارسی	III. ؟	
۱۰۴	۱۰۵۲	»	هشت بیت	IV. علی	مجموعه
۱۰۵		»	رساله فارسی...	V. ؟	
۱۰۵	»	ترکی	رساله یی درباره حروفیه	VI. ؟	
۱۰۵	۱۰۵۳	فارسی	بیان الواقع	شریف	مجموعه
۱۰۶		»	رساله	I. فاضلی (میر)	
۱۰۷		»	رساله به ماهیت شرح مواردی...	II. [فاضلی (میر)]	

استانبول، کتابخانه ملت، شرعیه

صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف	
۱۰۸	۹۴۶	ترکی	مقدمه الحقایق	نسیمی	
۱۰۹	۱۲۳۸	»	عشق نامه	عبدالمجید بن فرشته	
۱۰۹	۱۳۴۰	»	رسالة بدون نام	؟	
۱۱۰	۱۳۵۶	»	کشف نامه	محیطی	
۱۱۱	۱۳۶۲	»	وحدت نامه	I. مقیمی	مجموعه
۱۱۱		»	عشق نامه	II. عبدالمجید بن فرشته	
۱۱۲	۱۳۶۳	»	آخرت نامه	عبدالمجید بن فرشته	
۱۱۳	۱۳۶۴	»	آخرت نامه	عبدالمجید بن فرشته	

صفحه	کتابخانه	زبان	نام کتاب یا رساله	مؤلف
۱۱۴	۱۳۶۸	»	عشق نامه	عبدالمجیدبن فرشته

علی امیری - آثار منظوم

۱۱۵	{ ۲۸۵ ۱۱۸ » » ۳۹۱	ترکی	دیوان	عرشی	} مجموعه
		»	مفتاح الغیب	I. مثالی	
۱۱۹		»	فیض نامه	II. مثالی	
۱۲۰		»	دیوان ترکی	III. مثالی	
۱۲۱		ترکی	دیوان	مثالی	

نسخ خطی کتابخانه دانشگاه استانبول

۱۲۳	۵۰	فارسی	شرح قصیده	سید شریف	
۱۲۵	۱۳۰	»	دیوان	شریف (میر)	
۱۲۶	۱۵۲	»	دیوان	شریف (میر)	
۱۲۸	۴۴۸	»	دیوان	نسیمی، عمادالدین	
۱۳۰	{ ۱۱۵۸ » » » »	ترکی	توحیدنامه	I. علی الاعلی	} مجموعه
۱۳۱		»	فراق نامه	II. علی الاعلی	
۱۳۱		»	مرثیه	III. علی الاعلی	
۱۳۱		»	مرثیه	IV. علی الاعلی	
۱۳۲		»	مثنوی	V. ؟	
۱۳۳	۱۱۹۵	»	قیامت نامه	علی الاعلی	
۱۳۴	{ ۹۶۸۵ » »	»	ترجمه خوابنامه	I. عبدالمجیدبن فرشته	} مجموعه
۱۳۶		ترکی	هدایت نامه	II. عبدالمجیدبن فرشته	
۱۳۶		ترکی	آخرت نامه	III. عبدالمجیدبن فرشته	

۱. این شماره در فهرست ۳۸۵ و در متن ۲۸۵ است. احتمالاً رقم فهرست صحیح است. م.

قونیه، کتابخانه موزه مولانا، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی

۱۳۸	۱۱	ترکی	دیوان	محیطی
۱۳۹	-	»	دیوان	عرشی
۱۴۰	-	»	جاودان	مرتضی درویش
۱۴۳				رموز به کار رفته در متن از سوی حروفیان
۱۴۴				رموز متون حروفیه
۱۴۵				نامهای الفبایی کاتبان...
۱۴۶				اعلام

به نام خدا

شب ۷۳/۳/۱۷ هنگامی که کتاب‌شناس نامور ایران استاد محمدتقی دانش‌پژوه از پشت تریبون سخنرانی در محفل بزرگداشت خود که به ابتکار و همت فرهنگستان زبان و ادب برپا شده بود، پایین آمدند، در انتهای سالن مرا دیدند، سلام کردم، جواب سلام مراداند و گفتند: «آقای توفیق سبحانی شما چرا کاتالوگ حروفیه گولپینارلی را ترجمه نمی‌کنید؟ من نسخه‌یی از کتاب را کاغذ پیچ کرده‌ام که به شما بدهم». پرسیدم: استاد لازم است ترجمه شود؟ گفتند: «واجب است آقا». گفتم: چشم، ترجمه‌اش می‌کنم.

کتاب را داشتم و از روی نیاز و برای پاسخ‌گویی به پرسش چند نفر از دوستان از نظر گذرانده بودم. اطاعت از فرموده استاد دانش‌پژوه و ارادت به مرحوم گولپینارلی سبب شد که از ۷۳/۳/۱۸ ترجمه را آغاز کردم و در مدتی کوتاه به پایان رساندم. در واقع باعث این ترجمه همان جلسه بزرگداشت فرهنگستان زبان و ادب است، لذا ضمن قدردانی از دوست ارجمند و دانشمند جناب دکتر محمدرضا نصیری دبیر فرهنگستان زبان و ادب و آرزوی موفقیت ایشان در برپا داشتن چنان محافلی در بزرگداشت دیگر دانشمندان و اندیشه‌وران ترجمه‌ام را به استاد محمدتقی دانش‌پژوه که مشوق من در پرداختن به کتب خطی و از جمله این ترجمه بودند، تقدیم می‌کنم.

توفیق هـ. سبحانی

مهرماه ۷۳

پیشگفتار

می‌توانیم بگوییم که درباره حروفیه و فضل‌الله حروفی، مؤسس این مذهب، یا به عبارت صحیح‌تر این دین، تاکنون تحقیقی مفصل انجام نگرفته است. جدی‌ترین تحقیق درباره حروفیه را از دکتر صادق کیا، استاد زبان فارسی میانه دانشگاه تهران در کتاب موسوم به واژه‌نامه گرگانی در دست داریم (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳، تهران، ۱۳۳۰ ه. ش، ۳۵۰ صفحه). اما استاد در این کتاب پراچ خود، مقایسه فارسی بالهجه گرگانی را مخصوصاً اساس قرار داده است. از این رو هم در کتاب خود، بررسیهای بسیار ارجمند خویش را که تمام نوشته‌ها و اطلاعات موجود تا آن زمان را تصحیح می‌کند، تنها در صفحات ۹-۳۸ و ۲۸-۳۱۳ خلاصه کرده و در قسمتهای دیگر به بررسی ویژگیهای لهجه پرداخته است. اما کتابی که قبل از این انتشار یافته و هشت متن از حروفیه را هم دربر دارد و حاوی تحقیقی از کلمان هوار و مرحوم دکتر رضا توفیق است، به‌استثنای متون، بهیچوجه صلاحیت احتجاج ندارد^۱.

1. *Textes Hourifis avec Traduction*, E. Tc. Edités par Clément Huart Suivis d'une étude par le Dr. Rizâ Tevfîq; E. J. W. Gibb Memorial, Volume IX, Leyden: E. J. Brill, Imprimic Oriental. London - 1909 - 1327II.

در این کتاب، هدایت‌نامه که اساس تأویل در حروفیه را تعیین می‌کند (صص ۱-۱۲)، محرم‌نامه سیداسحاق (صص ۱۳-۵۸)، رساله فارسی به‌نام نهایت‌نامه (صص ۵۹-۶۵)، یک رساله دیگر فارسی (صص ۶۶-۷۲)، رساله دیگر فارسی موسوم به در تعریف ذره (صص ۷۳-۸۳)، یک رساله فارسی دیگر (صص ۸۴-۸۹)، دو رساله فارسی از سیدشریف (امیر شریف) (صص ۸۴-۸۹، ۹۰-۹۸)، رساله منظوم فارسی به‌نام اسکندرنامه (صص ۹۹-۱۲۵) آمده است. از نسخه شماره ۱۳۹ در میان نسخ خطی فارسی دانشگاه استانبول درمی‌یابیم که هدایت‌نامه از حسن استرآبادی است که در تبریز مقیم شده بود. رساله دوم میرشریف سؤمین رساله مجموعه‌یی است که در شماره ۹۹۳ در همین فهرست توصیف کرده‌ایم. محرم‌نامه و ترجمه آن هم در فهرست ما آمده است. این متنها میان سالهای ۱۱۳۸-۱۱۴۱ هـ استنساخ شده‌اند.

اطلاعات موجود در مقاله موسوم به *Die Anfänge der Hurūfīsette* از پروفیسور هلموت ریتز، حقیقتاً بسیار با ارزش است (Oriens, No 1, Vol. 7; 30. 6. 1945, Leiden; pp.1-54). اما تاکنون متون حروفیه به طور جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته، کتابشناسی و فهرستی درباره این متون فراهم نشده است. در ماده «فضل الله» که در *دایرةالمعارف اسلام* به وسیله کلیمان هوار نوشته شده، با آنکه تاریخ تولد و مرگ «فضل» صحیح است، مطالعاتی که درباره خود او و حروفیه و کتابهای مربوط به فضل الله عنوان کرده است، نادرست و ناقص است، منابعی هم که از آنها استفاده کرده است، منابع اصلی نیست (جزء ۳۵، فضل الله، استانبول، چاپخانه ملی آموزش، ۱۹۴۷، صص ۵۳۶-۵۳۵؛ حروفیه؛ جزء ۴۶، ۱۹۵۰، صص ۵۹۸-۶۰۰). مقاله‌ی تحت عنوان فضل الله حروفی را که در *دایرةالمعارف اسلام* که هم اکنون به زبان فرانسوی و انگلیسی انتشار می‌یابد، نوشته‌ایم با آنکه به‌مآخذ اصلی مستند است، امروز کافی نمی‌دانیم، (فرانسوی، صص ۷۵۱-۷۵۴؛ انگلیسی، صص ۷۳۳-۷۳۵). از این رو اکنون که فهرست مهم‌ترین متون حروفیه را عرضه می‌کنیم، از نو و یک بار دیگر نوشتن مقاله‌ی را درباره زندگانی فضل، اساس اعتقادات حروفیه و گسترش آن ضروری و مفید می‌دانیم.

زندگانی فضل الله

اطلاعاتی که نزدیک‌ترین کتابهای تاریخ به دوره فضل الله، مؤسین مذهب یا به عبارت صحیح تر دین حروفی و کتابهای متأخر که آنها را مأخذ اتخاذ کرده‌اند، به دست می‌دهند، با اطلاعاتی که با لذات معاصران او به دست داده‌اند، که پیروان دینی بوده‌اند که به وسیله او بنیان نهاده شده بود، هرگز انطباق ندارد. با آنکه همه مأخذ اتفاق دارند که وی در قرن ۸ هجری / ۱۴ میلادی می‌زیسته است، چنانکه مثلاً شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی در کتاب *ضوء اللامع لاهل القرن التاسع* خود، نام فضل را عبدالرحمن و کشتن او را در ۸۰۴ هـ / ۱۴۰۱-۱۴۰۲ م) قید می‌کند (مصر، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۴؛ جزء ۶، صص ۱۲۷-۱۲۸)؛ تقی‌الدین محمد بن معین‌الدین که در ۹۷۹ هـ / ۱۵۷۱ م در دکن وفات یافته، در *عرفات العاشقین* می‌نویسد که او بعد از مرگ تیمور (م ۸۰۷ هـ / ۱۴۰۴ م)، به دست شاهرخ (م ۸۵۰ هـ / ۱۴۴۷ م) در باوانات به قتل رسید (صادق کیا: *واژه‌نامه گریگانی*، صفحه ۱۴). از

مآخذ متأخر، در کشف الظنون، ذیل ماده جاودان و عرش نامه (که عرس یا عرس نامه نوشته شده) نام او جلال‌الدین و قتل او در ۸۰۴ هـ قید شده است (جلد ۱، ستون ۵۸۷؛ جلد ۲، ستون ۱۱۳۲)، مخصوصاً رضاعلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ هـ / ۱۸۷۲ م) که در ریاض‌العارفین او را از مردم مشهد می‌خواند، همه نادرست‌اند.

کتاب فارسی استوانه از امیرغیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمدالاسترآبادی که پس از مرگ فضل و امیر نورالله فرزند دختر فضل‌الله موسوم به مخدوم زاده به دنبال سوء قصد یکی از پیروان حروقیه به نام احمدلر بر شاهزخ که روز جمعه بیست و سوم ربیع‌الآخر سال ۸۳۰ هـ / ۱۴۲۷ م رخ داد (ضوء‌اللامع، جلد ۶، صفحه ۱۷۳؛ خواندمیر: حبیب‌السیر، جزء سوم از جلد سوم، بمبئی، ۱۲۷۳ هـ / ۱۸۵۸، صص ۱۲۷-۱۲۸)، دستگیر شد و مدتی طولانی در زندان ماند و به محاکمه کشیده شد، همه این رویدادها را به طور مفصل به «حسن» از خلفای فضل در نامه‌یی تقریباً طولانی شرح می‌دهد (نگاه کنید به مقاله ما در مجله شریقات، شماره ۱، استانبول، ۱۹۵۶، صص ۳۷-۵۷)، و محرم‌نامه سیداسحاق استرآبادی از خلفای فضل، دو مآخذ بسیار مهم‌اند که بررسی آنها برای تعقیب گام به گام زندگانی فضل‌الله حروفی ضروری است. در ابتدای استوانه، تولد فضل ۷۴۰ هـ / ۱۳۳۹-۱۳۴۰ م، ابتدای اشاعه دینی که بنیان نهاده بود، ۷۸۸ هـ / ۱۳۸۶ م و قتل او در تاریخ ۷۹۶ هـ / ۱۳۹۴ م نشان داده شده است (استانبول، کتابخانه ملت، کتابهای فارسی علی‌امیری، شماره ۲۶۹، برگ آ ۱). در اولین رساله مجموعه شماره ۱۰۵۲ در کتابهای فارسی علی‌امیری نیز مطلب زیر را می‌بینیم: «ظهور و بروز فضل خدا از هجرت حبیب خدا عم در هفت صد و هشتاد و هشت شد و ولادت او در هفت صد و چهل واقع شد و شهادت او در هفت صد و نود و شش شد و مقتول شدن دجال که میرانشاه پلید است در هشت صد و سه» (آ ۷). علی‌الاعلی، والامقام ترین خلفای فضل در قیامت‌نامه خود، در بیت‌های زیر ثبت کرده است که فضل، اولین جمعه از ذی‌القعدة سال ۷۹۶، پیش از آنکه قرن هشتم^۱ پایان یابد، به قتل رسیده است:

کین ذوالقعدة چو روز نو شد	کین داسه ماه جان درو شد
گویا که به جمعه روز آخر	طوفان زتور گشته ظاهر

.....
 در شد بسفینه مکرم
 هم ماه حرام هم محرم

.....
 بگذشت ز دال ستّ تسعین
 هشت صد نشده تمام ازین دین

(کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخ خطی فارسی، شماره ۱۱۹۵، برگ آ - ب ۶۷). «عرشی»، منسوب به «محیطی» از شعرای حروفیه و گویا از خلفای او، در عنوان مثنوی پنج سطر در دیوانش که با این سخنان آغاز می‌شود: «حضرت صاحب بیان ج ه حضرت رسول الله ج ه دن یدی یوز قرق یلدنصرکه عالم ذاتدن عالم صفاته گلدیلر...»^۱، تولّد خود را سال ۹۷۰ هجری قید می‌کند و می‌نویسد که میان ولادت وی و تولّد فضل ۲۳۰ سال فاصله است و می‌گوید که عبارت «یاری داد» هم این ۲۳۰ سال را نشان می‌دهد و به همین مناسبت غزلی هفت بیتی می‌سراید که تولّد فضل را بیان می‌کند:

بحمدالله که عرشی بنده را آن فضل یاری داد

بیاموزند علم من لدن از لطف شد استاد^۲

علیّ الاعلی در توحیدنامه اش در بیت:

استرآبادست تخت کائنات زانکه شاه آنجا نمود از روی ذات

آشکارا استرآبادی بودن فضل را خبر می‌دهد (کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخ خطی فارسی، شماره ۱۱۵۸، آ ۵۰)؛^۳ فضل شخصاً هم در نوم نامه خود، خود را استرآبادی می‌خواند (واژه‌نامه گرگانی، صفحه ۲۹ و پاورقی ۱). سید اسحاق که در استوانامه به عنوان پیشوای اهل

۱. یعنی: «حضرت صاحب بیان - جلّ اسمه - ۷۴۰ سال بعد از حضرت رسول الله - جلّ اسمه - از عالم ذات به عالم صفات آمدند...».

۲. نسخه متعلق به نگارنده، آ - ب ۱۳؛ در تراب‌نامه سید اسحاق در کتابهای فارسی علی‌امیری، شماره ۱۰۳۴، در برگ ۲ هم قید شده است که عرشی در ۹۷۰ تولّد یافته و در ۱۰۳۰ وفات کرده است.

۳. هرچند در واژه‌نامه می‌گوید که این بیت در کرسی‌نامه است و چنین ایجاب می‌کند که این مثنوی و توحیدنامه از آثار علی‌الاعلی باشد (صفحه ۲۸۲، پاورقی ۱ و صص ۲۸۲-۲۸۴). اما از بیت زیر در مثنوی درمی‌یابیم که نام آن توحیدنامه است:

هرکه این توحیدنامه را بخواند سرّ (حق) بر او دگر مخفی نماند

چنانکه به موازات این بیت در هامش به قلم سرخ قید کرده‌اند که «اسم کتاب» است (آ ۱۵).

خراسان معرفی می‌شود، در خواب‌نامه خود می‌گوید: فضل در سال ۷۷۲ هجری / ۱۳۷۰-۱۳۷۱ میلادی در اصفهان به چله‌نشینی پرداخت و در آن زمان سی و دو سال داشت (علی‌امیری، کتب فارسی، شماره ۱۰۴۲، آ-ب ۲۵) که با این حساب نیز تولدش ۷۴۰ است و این قید، تاریخ تولدی را که قبلاً عرض شد، تأیید می‌کند. اینکه نام او شهاب‌الدین فضل‌الله است، نیز از بیت زیر در توحیدنامه به دست می‌آید:

فضل را چون شد شهاب‌الدین لقب احتراق جن زعلم او طلب
(نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، آ ۱۵) و از مطلع شعری که در تاریخ مرگ او سروده شده است، نیز همین مطلب تأیید می‌گردد:

فضل یزدان شهاب ملت و دین که بُد از آفرینش او مقصد

میرشریف، چنانکه از مدایح او در دیوانش برمی‌آید، از خلفای فضل‌الله بوده، در بدایع‌الوقایع از سیادت فضل‌خبر می‌دهد و شجره او را قید می‌کند (کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۵۲، ۷۸۱-۸۱۲) همان شجره در صلات‌نامه اشقورت دده هم آمده است (علی‌امیری، کتب فارسی، ۱۰۴۳، آ ۵۱). در یکی از رساله‌های میرفاضلی، خلیفه‌علی‌الاعلی هم این شجره موجود است (همان، ۱۰۳۹، ب ۳۰؛ بعلاوه در همین مجموعه، شجره‌یی که با جمله «نسب‌نامه حضرت صائل ج ه نسب صاحب‌التأویل الذی ورد فی شانہ بتعین اسمہ و زمانہ بلسان رسول اه و هو المسمی بف اه» آغاز می‌شود، در ب ۸ قید شده است). در شجره‌های قید شده میان فضل و حضرت علی در بعضی بیست تن و در بعضی دیگر بیست و دو تن قرار می‌گیرند. این اختلاف، مخصوصاً از آنجا ناشی شده است که در شجره، پدرش بهاء‌الدین و پدر او حسن نام یک شخص به صورت بهاء‌الدین حسن قید شده است. گمان می‌کنیم که در هر دو روایت هم در اینکه نام جدّ نهم یا هشتم او محمد‌الیمینی است، نکته‌یی است که ضرورتاً دقت را جلب می‌کند. چون می‌دانیم که سرزمین یمن از اواخر قرن سوم هجری / نهم میلادی، یکی از مهم‌ترین مراکز باطنیه بوده است (محمدبن حسن‌الدیلمی: قواعد عقائد آل محمد، ر. استروسمان؛ Die Geheimlehre; der Batiniten; Dogmatik des Hauses Muhammed. Bibliotheca Islamica. 11. استانبول، مطبوعه دولت، ۱۹۳۸، ب ۹،

از خواب‌نامه سیداسحاق استرآبادی، خلیفه فضل درمی‌یابیم که فضل چگونه در راه

تصوّف به سلوک پرداخته است. سیداسحاق واقعه را به نقل از فضل چنین شرح می‌دهد:
روزی درویشی این بیت از مولانا را می‌خواند:

از مرگ چه اندیشی چون ذات بقا داری در گور کجا گنجی چون نور خدا داری
فضل معنی حقیقی این بیت را از استادش کمال‌الدین می‌پرسد. او نیز به فضل که در آن ایام
هیجده‌ساله بود می‌گوید که این معنی را به یاری عبادت، ریاضت، عشق، ذوق و جذب می‌توان
دریافت. از این رو فضل خود را به عبادت می‌سپارد. به راه تصوّف گام می‌نهد و «نمدپوش»
می‌شود. به حج می‌رود و در بازگشت به خوارزم می‌آید. بنا بر روایتی که سیداسحاق از
ابوالحسن اصفهانی نقل می‌کند، [فضل] شبی با خود می‌گوید که این کار هم فایده‌یی ندارد،
اگر امشب نیز گشایشی حاصل نشود، از این کار دست برمی‌دارم. آن شب در رؤیا خود را در
باغ خود در استرآباد می‌بیند. آنجا «مقعد صدق» بود (قرآن کریم، قمر، ۵۴ / آیه ۵۵). سلیمان
پیامبر هم در آنجا بود، «مقام اعراف» هم در آن نزدیکی بود (قرآن کریم، اعراف، ۷ / آیه
۴۶). سلیمان می‌پرسد که هدهد کجاست؟ هدهد حاضر می‌شود. کلاغی سیاه می‌آوردند،
به فرمان سلیمان پرهایش را می‌کنند و از دیوار باغ به بیرون می‌اندازند. سلیمان آن کلاغ را
به فضل می‌دهد. چون فضل بیدار می‌شود، خواب خود را چنین تعبیر می‌کند که سلیمان
خداست، هدهد روح و کلاغ نفس است و خوشحال می‌شود. اگرچه ایجاب می‌کند که این
انتساب به سبب ولادت فضل در ۷۴۰، سال ۷۵۸ باشد، اما باز در خواب‌نامه گفته شده است
که به دنبال رؤیایی که در ۷۵۶ دیده است، این تعبیر هم از طرف حضرت محمد به وی اعطا
شده است (۱۹۲). به این ترتیب، شاید تاریخ انتساب پیش‌تر از هیجده‌سالگی باشد و سنّ وی
به‌طور تخمینی گفته شده باشد. در کتابخانه دانشگاه استانبول، در میان نسخ خطی فارسی،
محفوظ به شماره ۴۴۸، در برگهای ب ۱۱۴ - ب ۱۱۵ در دیوان فارسی نسیمی یک مثنوی
شانزده بیتی آمده است. از ابیات زیر مندرج در آن مثنوی - که از فضل است - درمی‌یابیم
شخصی که فضل به وی انتساب جسته است، «حسن» نام داشته است:

گر کسی پرسد که ای فضل‌اله	بگذرانیدی ز کونین عزّ و جاه
پیر تو در راه حق اول که بود	بر تو این در از کدامین کس گشود
مرشد من بود کو در راه دین	عارف حق عالم علم یقین
قطب عالم مرد معنی شیخ حسن	سیرت آیین او شد پیر من

مرد معنی بود آن صاحب نظر	داده بود او از من و علمم خبر
آنچه گردد راه دین او بود راه	هست بر حقیقتش علمم گواه
تا بکشف انبیا ره یافتم	موبموا اسرار حق بشکافتم

اگرچه درباره این شخص اطلاعی نداریم، اما با در نظر گرفتن اینکه با اوصافی چون «قطب عالم» و «مرد معنی» ستوده می شود، از صوفیه و احتمالاً از باطنیه بوده است. از پنجمین بیت از ایات فوق هم در می یابیم که او به تعبیر حروقیه از «ظهور و حضور» فضل، و دارا بودن او بر علم تأویل و اشاعه آن خبر داده است و یا به بیان صحیح تر او را به این راه راهنمایی کرده است.

باز از طریق خواب نامه آگاه می شویم که فضل در خوارزم و یزد بوده است، از آنجا به محلی به نام توقچی (= توخچی) که وابسته به اصفهان بود، رفته و مدتی در آنجا اقامت کرده و بعد به تبریز رفته است. سلطان اویس پسر حسن جلایری (م ۷۷۵ هـ / ۱۳۷۴-۱۳۷۵ م) در مجالس فضل حاضر می شده و با وی مصاحبت داشته است. و حتی فضل برای تبرک کلاه درویشی به وی داده است. زکریای وزیر و شیخ خواجه صاحب صدر اعتقادی در حق وی داشته اند (آ - ب ۱۹). در ماه رمضان سال ۷۷۵ هـ / ۱۳۷۴ م به وی علم تأویل احکام شرعی داده شده است. در خواب نامه قید شده است که فضل این مطالب را در جاودان نامه، محبت نامه و عرش نامه آورده است. واژه نامه گرگانی می نویسد که نوشته زیر در حاشیه کرسی نامه آمده است:

«اول تاریخ که هست موجودات که قوام اشیا باوست بر ضمیر منیر حضرت ف رب العالمین نزول کرد آخر ماه مبارک شعبان المعظم که هم چهارده است سال بر هفتصد و هفتاد و پنج در محله ولی دوله الله ولی الدین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور در بلده طیبه رب غفورالمسمی بالتبریز و من دخله کان آمننا منافی تاریخ حرف بسم الله نیست از برای آنکه تاریخ بسم الله بعد از این تاریخ بود که اصل است دلیل می توان گفت» (صص ۲۸۹-۲۹۰). باز از واژه نامه در می یابیم که در همان کتاب در بخش «سرّ وجود» گفته است که سرّ از تبریز ظهور خواهد کرد و در بخش «سرایمان» هم ضمن ایات زیر بیان کرده است که ذات در تبریز ظهور کرده است (صفحه ۲۹۰):

آن کثیرالرحمة مهرآفرین نام خود قهار کرد در روز دین
لاجرم از شهرهای این جهان کرد در تبریز ذات خود عیان

باز در همان کتاب، در «سرّلام الف» می‌گوید قیامت در آذربایجان آشکار شد (صفحه ۲۹۱)، در بخش «سرّنطق» هم بیان آن اعتقاد دیده می‌شود (همان صفحه). واژه‌نامه به نقل از همان کتاب می‌گوید که فضل در سال ۷۷۸ هـ / ۱۳۷۶ م به‌اشاعه دینی که تأسیس کرده بود، پرداخته است (صفحه ۴۹۲).^۱

دینی که فضل بنیان نهاده بود، در اصفهان به‌اشاعه آن آغاز کرد. ابتدا با تعبیر خواب به کار پرداخت و با این عمل شهرتی یافت. سپس در غاری به گوشه‌نشینی مشغول شد. درویشی ملقب به «مسافر» در حال احتضار بود، فضل از غار بیرون آمد و به‌احوالپرسی وی رفت. درویش به فضل گفت که دیگر زمان ظهور فرارسیده است و خیر داد رؤیایی که در تبریز دیده است، دلیل بر آن است. گمان می‌کنیم این درویش که به‌عنوان «مسافر» از وی یاد می‌شود، همان شیخ حسن باشد که گفتیم فضل از او بحث کرده است. در اطراف فضل که خود را مهدی می‌پنداشت و معرفی می‌کرد، هفت تن گرد آمده بودند که عبارتند از شخصی مسنّ به‌نام فخرالدین، جلال بروجردی، فضل‌الله خراسانی، حسینی، عبدل اصفهانی و دوتن از نایین و دشت (رشت؟) و مؤلف حج‌نامه یعنی میرشریف.^۲ اینان اولین پیروان فضل بودند (واژه‌نامه، صص ۲۸۶-۲۸۸). می‌دانیم که فضل پیش از ۷۷۵ و در ۷۹۰ در توقچی بوده است. حتی در سال ۷۷۲ که سی و دو ساله است، باز در اصفهان است و در آنجا به‌چله‌نشینی پرداخته است (خواب‌نامه، آ-ب ۳۵؛ این نکته را هم بگوییم که این تاریخ و ذکر سنّ او باتوجه به تاریخ ولادت او کامل است). در ۷۷۵ هـ / ۱۳۸۸ م باز در اصفهان و در توقچی است. در استوانه هم از توقچی بحث به‌میان آمده است. و به‌نقل از درویش حسام‌الدین یزدجردی واقعه‌یی روایت شده است (آ ۸۰-ب ۸۲). شاه منصور (سلطنت ۷۸۹-۷۹۵ هـ / ۱۳۸۷-۱۳۹۳ م) از شیراز به اصفهان آمد و نتوانست آنجا را فتح کند، هنگامی که دوباره برگشت و

۱. ابیات فارسی این صفحات، در میان کتابهای فارسی علی‌امیری، در حج‌نامه شماره ۱۰۳۵ آمده است، نگاه کنید به باورقی پیشین.

واژه‌نامه بیش از ۳۵۰ صفحه ندارد، اگر منظور صفحه ۲۹۴ باشد، در آن صفحه چنین مطلبی نیست - م.

۲. تعدادی که اسامی آنها ذکر شده، هشت تن‌اند - م.

آن شهر را گشود، باز وی در آنجا بود (خواب نامه، آ ۳۲). مدتی در گیلان و دامغان اقامت داشته است (آ ۲۸ - ب ۳۸).

معلوم می‌شود که فضل در اواخر عمر به باکویه (باکو) رفته است (محرم نامه، آ ۴۷). در اصل او با این محلّ علقه‌بی نزدیک دارد. در جاودان از عبارت: «این سه اوراق آنست که سید حسن در تاریخ یوم‌الاربعاء فی سنة ستة عشر جمادی‌الآخر از باکویه آورد» معلوم می‌شود که یکی از مریدان او به نام سید حسن برای او نوشته‌بی آورده است (واژه‌نامه، صفحه ۳۱).^۱ باز در همان کتاب این مطلب آمده است: «در باکویه در دوّم ربیع الآخر سنه ست و تسعین و سبعمائه» که این تاریخ تقریباً شش ماه قبل از مرگ وی را نشان می‌دهد (همان صفحه). در محبت‌نامه هم در رباعی زیر خبر می‌دهد که از باکویه نامه‌بی دریافت کرده است:

ای بهشت جاودانم روی تو با محبت عرش نامه روی تو
تا بخوانم روضه باکوی تو می‌رسد از نامه نو بوی تو

علی‌الاعلی هم در ابیات زیر از قیامت‌نامه بیان می‌کند که آنجا اقامتگاه معشوق است (همان صفحه):

آمد چو ندا ز راه باکو برخیز بیا و دست و پا کو
آن جای نشست دلبر ماست با آنکه برفت جاش برجاست

فضل، چنانکه در خواب‌نامه هم بیان شده است، هنگامی که در شماخی خواب قاضی بایزید را تعبیر می‌کرده، از کشته شدن خود هم خبر داده است (ب ۴۹). چون از حضور این شخص برخاسته است تا به حجره خود رود، به موجب فرمانی که از استرآباد رسیده بود، دستگیر می‌شود، او را به قلعه النجق می‌برند (آ ۵۰). به امر میرانشاه محبوسش می‌کنند (آ ۵۵). پس از محاکمه به فتوای شخصی به نام شیخ ابراهیم (واژه‌نامه به نقل از کرسی‌نامه [حج‌نامه]، صفحه ۲۹۳) روز ششم ذی‌القعدة سال ۷۹۶ اعدامش می‌کنند. طنابی برپای او می‌بندند و جسد او را در کوچه و بازار بر روی زمین می‌کشند، سپس مریدان جنازه‌اش را می‌گیرند و به خاکش می‌سپارند.

از فضل دو وصیت‌نامه در دست ماست. وصیت‌نامه اول در مجموعه شماره ۹۹۳ در میان

۱. در متن به صفحه ۳۲ ارجاع داده شده است.

کتابهای فارسی علی امیری در برگ آ ۱۰۴ است که نوشته‌اند به خط خود وی در میان اوراق محبت‌نامه یافته‌اند. فضل در این وصیت‌نامه جز دوری از اطفال و دوستان، هیچ مسأله‌ی را مهم تلقی نکرده است و امید بسته است که این نوشته به دست دوستان برسد. مخصوصاً دردناک بودن شبهای خود را بیان کرده است. شروان را به کربلا، تمام روزهای خود را به عاشورا، ناهلان را به شمر و یزید و خود را به حضرت حسین مانند کرده است. این وصیت‌نامه کوتاه با اختلاف جزئی از مقاله پروفسور براون در *Journal of the Royal Asiatic Society* اخذ و در واژه‌نامه نقل شده است (صص ۳۰-۳۱).

وصیت‌نامه دوم مفصل‌گونه است و در این وصیت «همشیره بزرگ سلام‌الله» را بر دیگر همشیره‌ها وصی تعیین کرده است و خبر داده که وصیت‌نامه اول را که در لای محبت‌نامه فرستاده شده برای «مخدوم‌زاده سلام‌الله علیها» نوشته است. این وصیت‌نامه در مجموعه شماره ۱۰۰۹ از کتابهای فارسی علی امیری، رساله اول است. در نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه استانبول، در مجموعه شماره ۱۲۹۱ در برگهای آ ۳۸-۴۵ هم آمده است و به کوشش ما در مجله شرقیات منتشر شده است (شماره ۲، استانبول، مطبعة عثمان بالچین، ۱۹۵۸، صص ۵۳-۶۲).

*

فضل، بنا به نوشته خواب‌نامه در تبریز به پایمردی خلیفه‌اش به نام کمال‌الدین هاشمی با دختری از مردم استرآباد ازدواج کرده است. درباره نسب وی در پایان بیان‌الواقع میرشریف که به شماره ۱۰۲۷ در میان کتب فارسی علی امیری نگهداری می‌شود، با خطی جداگانه سطور زیر آمده است (ب ۶۱):

«تناسل توالد حضرت ایشان اول حضرت مخدومه بزرگ فاطمه و دوم حضرت مخدوم‌زاده و حضرت مخدومه دیگر نصرت فرزندان حضرت مخدوم‌زاده امیرنورالله و بی بی ام‌الکتاب و امیرکلیم‌الله و امیرسلام‌الله فرزندان حضرت مخدومه نصرت اول حضرت خاتون بی بی لقب خواندگار و امیرمسیح‌الله و بی بی علم‌الکتاب و امیرحبيب‌الله فرزندان حضرت امیر نورالله اول بی بی ام‌الکتاب و عیسی‌اه و وجه‌اه از حضرت خواندگار و فرزندان حضرت امیر مسیح‌الله بی بی علم‌الکتاب و بی بی ام‌القری و امیر روح‌الله از یک مادر بی بی علم‌الکتاب از یک مادر بی بی ام‌القری و امیر روح‌الله از یک مادر صلوات‌الله‌الفضل

والسلام و زضوانه اجمعین».

در باره قتل فضل سه ماده تاریخ در دست است. یکی از آنها در صلات نامه اشقورت دده (کتب فارسی علی امیری، ۱۰۴۳، آ ۳) است و در دیوان فارسی نسیمی هم آمده است (همان بخش، ۴۳۸، ب ۴۸). در صلات نامه، بیت دوّم قطعۀ تاریخ که در دیوان نسیمی آمده موجود نیست. این تاریخ لفظی است. در این تاریخ دوّم بیت مربوط به تاریخ مشهور است و احمد رفعت همین بیت را در مرآة المقاصد فی دفع المفاسد آورده است (استانبول، خان وزیر، مطبعة ابراهیم افندی، چاپ سنگی، ۱۲۹۳، صفحه ۱۳۳). همین تاریخ در مجموعه‌یی از قرن ۱۶ م / ۱۰ هـ متعلق به رائف یلکنجی کتابفروش و دیوان نسیمی (آ - ب ۴۸) به شماره ۴۳۸ از کتابهای فارسی علی امیری و دیوان نسیمی به شماره ۴۳۹ از همان کتابخانه، پیش از قطعات و رباعیات قید شده است. قطعۀ ماده تاریخ مندرج در دیوان نسیمی نسبت به نوشته مجموعه متعلق به رائف یلکنجی صحیح تر است و یک بیت هم بیشتر دارد. چنین استنباط می شود که هر دو ی این ماده تاریخ از نسیمی است، اما در هیچکدام تخلّص نیست. احتمالاً قتل فضل و تحت تعقیب قرار گرفتن همه حروقیه باعث شده است که شاعران تخلّص به کار نبرند. سوّمین تاریخ را در اولین برگ دیوان کهنه نسیمی متعلق به فخری بیلگه که علاقه مند به کتاب است، قبلاً دیده و استنساخ کرده بودیم. در مجموعه شماره ۱۸۶ کتب فارسی علی امیری، در ب ۱۹۴ هم همان تاریخ آمده است، احتمالاً این هم از نسیمی است. این هر سه تاریخ صراحت دارند که فضل در پنجاه و شش سالگی، روز جمعه ششم ذی القعدة ۷۹۶ به قتل رسیده است. چون یکی از این ماده تاریخها را هنگامی که درباره نسخه شماره ۴۳۹ دیوان نسیمی بحث می کردیم، نوشته ایم، دو تاریخ دیگر را هم در اینجا قید می کنیم:

فضل یزدان شهاب ملّة ودین	که بُد از آفرینش او مقصد
در سما سایه ضمیر وجود	در زمین سایه خدای احد
بلکه او بود او کزو پیدا	گشت سیمای عقل و روح و جسد
چون به پنجاه و شش رسیدش سال	گشت عازم به سوی ملک ابد
در آنجه زدست ساقی دور	خورد جام شهادت سرمد

۱. به قرینه «مایه» کلمه قبلی هم باید «خمیر» باشد.

روز آدینه بود و ذی‌القعدة نود و شش فزوده بر هفتصد
لعنت ایزد و ملایک باد
به کسی کو سبب شد اندر بد

*

عالم‌الغیب و شهادت مالک ملک یقین
پادشاه قصر شش سو و بهر سو هفت تو
آنکه در بستان دهر و گلستان کائنات
از نسیم خلق او دارند گلها رنگ و بو
صاحب تاویل سلطان ازل فضل آله
آنکه از وی شد پدیدار اربدست و ار نکو
چون بیان بیست و هشت و سی دو ناچار ازوست
سال عمرش بود بی‌شک بیست و چار^۱ و سی و دو
یافت در تیغ شهادت شربت شهد وجود
چون شهید انبیا بود از ازل بی‌گفت و گو
شد شهید عشق او ذات شریف فضل حق
چون وجود اوست مطلوب از جمیع جست و جو
در آنجه مشهد پاکش بیوس و بعد از آن
سال تاریخش برون آراز «شهید عشق او»^۲

در رساله‌یی از میرفاضلی به این نوشته برمی‌خوریم: «صاحب بیان حضرت‌تدرینک مرقد
شریفلری تبریزدن اوته استرآباد یا کنده آنجه دیرلر بر قصبه انده واقع اولوب زیرزمینده در
علی‌الاعلی حضرت‌تدری دخی انده دفن اولنوب اندن غیردی دخی بر مزار وارددر حضرت‌تک
اورتسی سیاه و علی‌الاعلانک یشیلدر و اول بر مزار قرمزیدر» (کتاب فارسی علی‌امیری،

۱. در اصل: «بیست و چهار».

۲. این هر سه تاریخ را در مجله شرقیات منتشر کرده‌ایم، مقایسه کنید (شماره ۵، چاپخانه دانشکده ادبیات،
۱۹۶۴: بکناشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل‌الله، صص ۱۵-۲۲).

۱۰۳۹، ب ۹۲).^۱ باز در آخرین برگ رساله دیگری از فاضلی همان نوشته را می‌بینیم (همان بخش، ۹۹۰، آ ۶۳). هم از این نوشته‌ها و هم از نوشته پایانی مندرج در محبت‌نامه کتابخانه موزه واتیکان که «هدایتی که در آخر ماه رمضان در حرم ح ف در سنه سبع عشر و ثمانمائه به این فقیر ارزانی شده بود...» معلوم می‌شود که برای فضل به شیوه سلجوقیان مرقدی به صورت «سرداب» ساخته‌اند (به واژه‌نامه، صفحه ۳۲ هم نگاه کنید)، علی‌الاعلی هم بعدها در کنار وی دفن شده است. اینکه در مراسم حج، طواف هم در آنجه به صورت عرف درآمده بود، و در صلوات‌نامه به صورتی مفصل شرح داده شده است (ب ۳۵ - آ ۳۶)، پیش‌تر از آن در استوانامه هم آمده، و بیان اینکه این مراسم در «مقتل‌گاه» هم برپا می‌شده است، این نکته را معلوم می‌کند که تنها در مدفن فضل آرامگاهی بنا نشده است، بلکه در قتلگاه او بناهایی هم ساخته شده و بدین‌سان به کعبه مانند شده است (آ - ب ۱۰۱).

در قسمت منثور در پایان بشارت‌نامه که رفیعی در ۸۱۱ هـ / ۱۴۰۸ م تألیف کرده است، آمده است که فضل «مُعْتَبَاتِ خَمْسٍ» (قرآن، لقمان، ۳۱ / آیه ۳۴) را می‌دانست، از آن جمله هنگام مرگ خود، قاتل خود، مشخصات قاتل، قد، قواره، نام، نام پدر، نام مادر وی، شهری که در آن به قتل خواهد رسید، سرخ‌رنگ بودن غلاف شمشیری که او را با آن به قتل خواهند رساند، بودن آیه‌الکرسی روی آن شمشیر، و کشته شدن خود در شب جمعه بعد از عصر روز پنجشنبه ششم ذی‌القعدة همه را در وصیت‌نامه خود خبر داده است (نسخ خطی ترکی دانشگاه استانبول، شماره ۷۷، ب ۵۰ - آ ۵۱). هیچ تردیدی نیست که این مطالب درباره فضل عبارت از ردیابی مناقبی است که بعدها و به‌هنگام نقل دهان به دهان شاخ و برگ پیدا کرده است. اما در اینجا توضیح دهیم که در کتاب راهنمای تبدیل تاریخهای هجری به تاریخ میلادی از مرحوم فائق رشید اونات (= Onat)، غرّه ذی‌القعدة سال ۷۹۶ مصادف با روز جمعه، و ششمین روز آن چهارشنبه است. اما بی‌هیچ تردید چون در آن سال هلال روزشنبه رؤیت شده است، ششمین روز آن پنجشنبه بوده است و چون عرفاً بعد از غروب پنجشنبه را جمعه

۱. یعنی: مرقد شریف حضرت صاحب بیان دورتر از تبریز در نزدیک استرآباد در قصبه‌یی که آنجه می‌گویند واقع است و در زیرزمین قرار دارد. حضرت علی‌الاعلی هم در آنجا مدفون است. در آنجا مزار دیگری هم هست. روپوش مزار حضرت سیاه و از آن علی‌الاعلی سبز است و آن مزار دیگر روپوش قرمز دارد.

به حساب می آورند، از این رو قبول کرده اند که وی روز جمعه به قتل رسیده است. چنانکه ابیات زیر در کرسی نامه هم همین مطلب را تأیید می کند (واژه نامه، صفحه ۲۹۶)

غُرَّة ذوالقعدة یکشنبه بود کز آلنجه شمس معنی رونمود

.....
 اوسط ماه حج است این ذوالقعيد کاندرو شهد شهادت درکشيد

از خواب نامه (۴۸۱) در می یابیم اندیشه های فضل که دین جدید را «تأویل» می نامید و با هفت تن به اشاعه آن آغاز کرده بود، در اندک زمانی طرفداران زیادی پیدا کرده است، عده کثیری از علما، سادات و حتی امرا مرید وی شده اند و مریدان وی را «درویشان حلال خور و راست گوی» می گفته اند.

آثار او

در استوانه امیرغیاث الدین از آثار فضل از جاودان نامه الهی، محبت نامه الهی و عرش نامه الهی نام برده شده است (ب ۷). علاوه بر اینها کتابی به نام نوم نامه هم از مآخذ این کتاب بوده است (ب ۲۷). نام جاودان، محبت نامه و عرش نامه در خواب نامه سید اسحاق هم آمده است. حتی او می نویسد که جاودان بعد از مرگ فضل شهرت پیدا کرد (۴۳). به فضل کتابی دیگر به نام جاودان صغیر هم نسبت داده اند (واژه نامه، صفحات ۱۴، ۲۴، ۲۶)، اما ما به چنین کتابی بر نخورده ایم. ولی چنانکه در فهرست خود هم عرض کرده ایم، سرلوحه فهرست دَرْتیم در ترجمه جاودان، «فهرست الابواب ترجمه جاودان صغیر» است. ترجمه، آن جاودان که با شش کلمه «ابتدا» آغاز می شود و به لهجه گرگانی نوشته شده است، نیست، بلکه جاودانی است که به فارسی رایج نوشته شده است و با جمله «از جمیع عالم روی به کعبه می باید کردن» آغاز می شود. با توجه به این سرآغاز، می توان گفت که احتمالاً آن جاودان را که به لهجه گرگانی و برای اولین بار نوشته شده، جاودان کبیر، آن یکی را که بر اساس قرار دادن این نسخه به فارسی رایج نوشته شده و نسبت به آن دیگری مختصرتر بوده و بعداً نوشته شده جاودان صغیر گفته اند. می دانیم که عشق نامه ابن فرشته را هم جاودان و جاودان صغیر نامیده اند.

فضل دیوان کوچکی هم دارد. او در شعر تخلص «نعیمی» را به کار برد، اشعارش از نظر فنی بی نقص است، اما شاعری نیست که هرگز با شاعران استاد و سترگ ایرانی مانند سعدی و حافظ سنجیده شود. از این نظر، فضل در میان شاعران ایران تنها از آن جهت که شعر ساخته و

دیگر به سبب افکاری که تلقین می‌کرده است، قابل یادآوری است.

در خواب‌نامه می‌نویسد که فضل کتابی در فقه به نام عزالدین شاه شجاع (م ۷۸۶ هـ / ۱۳۸۴ م) تألیف کرده است و بعد به این دستاویز که اگر سلطان اویس به تبریز بیاید، ممکن است آن کتاب را ببیند، دوباره نام وی را پاک کرده است (آ - ب ۲۴). اما این کتاب تا کنون به دست نیامده، شاید از میان رفته است.

نسخه‌های نوم‌نامه بسیار نادر شمرده نمی‌شود. این کتاب منثور که به لهجه گرگانی نوشته شده، کتابی است که در آن خوابهایی را که خود در سال ۷۶۵، و ماههای جمادی‌الاولی و شوال ۷۸۶ و سالهای ۷۸۶، ۷۹۲ و ۷۹۳ و در زمانهایی که سالهای آن معلوم نیست، دیده است توضیح می‌دهد و رؤیاهای دیگران و گاه رؤیاهای کسانی را بدون اظهار رؤیای خود از راه کشف بیان می‌دارد و تعبیر آنها را بر زبان می‌آورد. هنگام بحث از رؤیاهای نامهای چندتن به میان می‌آید که در میان آنان نامهای سلطان اویس، توقمش خان، امیر تیمور یا تیمور شل، یعنی تیمورلنگ هم آمده است. آخرین تاریخ سال ۷۹۶ را نشان می‌دهد. معلوم می‌شود که این کتاب تقریباً به صورت یادداشتهای گهگاهی رؤیاهای و تعبیرها حتی بدون رعایت ترتیب تاریخ تا زمان مرگ فضل نوشته شده است. شاید خود او و شاید بعدها یکی از خلفای وی آن را تدوین کرده و به صورت کتاب درآورده است.

محبت‌نامه هم منثور است و به لهجه گرگانی نوشته شده است. نسخه‌های این کتاب کمیاب است. هدایت‌نامه عبدالمجید بن فرشته عزالدین از حروفیان قرن ۹ هجری / ۱۵ میلادی به تأثیر محبت‌نامه تألیف شده است.

عرش‌نامه به فارسی معمولی نوشته شده است. کتابی است منظوم در قالب مثنوی بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن. در اواخر آن طی ابیات زیر می‌گوید که عرش‌نامه را جاودان‌نامه هم می‌گویند:

کرد این را عرش‌نامه نام حق کس نگیرد تاابد بر آن سبق

جاودان‌نامه باشد نام او [کذا] باز چون جاوید هست اکرام او

باتوجه به این ابیات می‌توان به این احتمال هم اندیشید که جاودان‌نامه صغیر که به فضل نسبت داده‌اند، همان عرش‌نامه است.

مهم‌ترین کتاب فضل جاودان‌نامه است. اگر در نظر بگیریم که در یک جای این کتاب

منثور که به لهجه گرگانی نوشته شده است و خطوط اصلی آن نظام را که فضل بنیان نهاده بیان می‌کند، از بروجرد بحث به میان می‌آید و در ربیع‌الآخر ۷۹۶، یعنی کمابیش شش ماه قبل از کشته شدنش به اقامت خود در باکویه آشکارا اشاره می‌کند، گمان می‌کنیم جاودان کتابی است که در زمانی طولانی و در چند مکان از ثبت تأویلات که به ذهنش می‌رسیده و مقتضی بوده پدید آمده است. نسخه‌یی که در هفدهم رمضان سال ۹۹۲ به خط عالمی شاعر به نام «وجهی» از روی دستخط مخدوم زاده یعنی دختر فضل استنساخ شده است، به شماره ۹۲۰ جزو کتب فارسی علی‌امیری ثبت شده است.

خلفای او

میرشریف از خلفای فضل در کتاب موسوم به بیان‌الواقِع با قید «آنچه به خاطر دارم»، خلفای فضل را به ترتیب اینچنین آورده است:

امیرسیدعلی، حسین کیابن ثاقب، مولانا مجدالدین، مولانا محمود، مولانا کمال‌الدین هاشمی، خواجه حافظ حسن، شیخ علی مغزایش، مولانا بایزید، توکل بن دارا، مولانا ابوالحسن، امیرسید اسحاق، امیرسید نسیمی، مولانا حسن بن حیدر، حسین غازی، سلیمان. میرشریف بر گفته‌های خود می‌افزاید که از این خلفا چهارصد تن سید بودند که شب و روز با فضل‌الله بودند و هر جا که او می‌رفت، همراه وی می‌رفتند (ب ۵۱ - آ ۵۲). از میان آنان امیرسیدعلی، همان علی‌الاعلی است که در استوانامه به عنوان «خلیفه‌الله، وصی‌الله» یاد شده و نوشته است که گزیده‌ترین خلفای فضل است (آ ۲، آ ۱۱، ب ۲۹، آ ۳۷). نامهای مجدالدین، سیداسحاق و نسیمی هم در استوانامه آمده است (آ ۲، آ ۳۷)، در همان رساله نامهای درویش بهاء‌الدین، درویش علی محمدنائینی، عیسی بتلیسی، محمدتیرگر، تاج‌الدین، سیدمظفر و حسام‌الدین یزدجردی هم آمده است (آ - ب ۱۲، آ ۳۷، آ - ب ۴۰، آ ۸۰). در صلوات‌نامه اشقورت دده از این عده از علی‌الاعلی، نسیمی و سیداسحاق نام برده می‌شود. علاوه براینان از سیدشریف مؤلف بیان‌الواقِع، جاویدی و میرفاضلی خلیفه‌علی‌الاعلی نیز یاد شده است. جاویدی در رساله‌یی که در شوال ۱۰۰۰ هـ / ۱۵۹۲ م نوشته، توضیح داده است که نامش علی است (کتب فارسی علی‌امیری، ۴۳۷، آ ۲). این شخص، جانشین دست‌بُریده محمدمیرزاست، وی نیز خلیفه میرفاضلی است. «سرچشمه خلفای جاویدی»، حمزه است که

بر جاودان شرحهایی به صورت حاشیه نوشته است. خلیفه حمزه هم اشقورت دده است (کتب فارسی علی امیری، ۱۰۴۳، آ-ب ۳۱). حمزه در ۱۰۳۳ هجری وفات کرده است (همان بخش، ۱۰۳۴، آ). امیر غیاث الدین، مؤلف استوانامه هم خواهرزاده علی الاعلی است. بجز استوانامه رساله دیگری به نام ترابنامه هم دارد و احتمالاً از خلفای فضل و یا علی الاعلی است. در محرمنامه سیداسحاق، از مقریان صاحب تأویل، یعنی فضل از سید تاج الدین کهنای بیهقی (مجموعه رسائل حروفیه، کلیمان هوار، صفحه ۴۲) و مولانا کمال الدین هاشمی و امیر علی دامغانی که ابتدا از نزدیکان سلطان اویس بود و حکومت خراسان داشت و سپس ملازم صحبت فضل شد، و پیر حسن دامغانی نام برده شده است (همان، صفحه ۴۳). در این کتاب و نومنامه نامهای دیگری هم آمده است که تعدادی از آنان رجال حکومتی اند که قاطعانه از ارتباط و وابستگی معنوی آنان با فضل الله آگاه نیستیم (واژهنامه، صفحه ۳۶؛ نمونه‌هایی از متون و ترجمه‌های فارسی آنها، صص ۲۳۶-۲۴۶). میرفاضلی در یک رساله خود از خلفای فضل نامهای: علی الاعلی، سید ابوالحسن، کمال الدین هاشمی رومی (که معلوم می‌شود از مردم آناطولی بوده)، و کمال الدین هاشمی اصفهانی را می‌نویسد و قید می‌کند: «صاحب دولتک چهاریاری در»^۱ (علی امیری، ۹۹۰، آخرین برگ).

واژهنامه ابیات زیر از عبدالمجید بن فرشته را از کتاب دانشمندان آذربایجان نقل می‌کند و می‌نویسد از نه خلیفه فضل، مجد، محمود، کمال هاشمی و ابوالحسن محرم اسرار فضل بوده‌اند (صفحه ۲۶):

محرم خلوت سرای همدمی مجد و محمود و کمال هاشمی
بوالحسن دان چار او را باز یاب چون وصیت کرد گفت اینک کتاب

در میان این چهار تن نام علی الاعلی ذکر نشده است. مجد، باید همان شخصی باشد که در استوانامه با عبارت «مولانا معظم و مجتبیای مکرم قدوة الافاضل مولانا مجد الملة والدین رضوان الله علیه» از وی یاد شده است (آ ۲۹). نام محمود در بیان‌الواقع هم آمده است. از همه آن کتابهایی که نام خلیفه‌ها را نوشته‌اند، چنین استنباط می‌کنیم که ابوالحسن شخصی بجز علی الاعلی است. در محرمنامه این شخص اولین راوی سیداسحاق است. از همان کتاب

۱. یعنی: چهاریار صاحب دولتند.

درمی یابیم که این شخص کتابی هم به نام فتحنامه داشته است که ما ندیده ایم (آ ۳۹). بنا به ابیات زیر در کرسی نامه کمال هاشمی احتمالاً فردی است که جاودان را که به صورت مسوده بوده، نوشته و به شکل کتاب در آورده است (واژه نامه، صص ۳۰۲-۳۰۳):

از کمال هاشمی اول عیان در کتابت شد کتاب جاودان

آفرین بر جان استاد کلام از علی آن بنده فی ضاد ولام

در این همان شخص است که برای فضل زن گرفته است.

در محرم نامه از نقیب مشهد رضوی عبدالحی (ب ۲۵)، سیدصاین الدین بیهقی (ب ۳۰ - آ ۳۱)، سیدفخرالدین قزوینی (آ ۳۱)، حتی قاسم الانوار تبریزی هم بحث شده است (ب ۲۴). صاین الدین باید همان صاین الدین علی اصفهانی باشد که گلشن راز را شرح کرده و متهم به الحاد شده است و در واقعه احمد لر نیز که بعداً درباره اش بحث خواهیم کرد، متهم شمرده شده است (سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران، جلد ۱، صفحات ۱۶۴، ۲۷۴-۲۷۵، ۴۵۱؛ جلد ۲ صفحه ۷۷۹). سیدفخرالدین قزوینی، می تواند فخرالدین برادر حمدالله مستوفی مورخ قرن هشتم باشد (همان، جلد ۱، صفحه ۲۲۳؛ جلد ۲، صص ۷۶۴-۷۶۵). چون احمد لر به درگاه قاسم الانوار هم رفت و آمد می کرده است، علیه او هم سوءظنی پیدا شده، و دستور داده اند که از هرات به سمرقند کوچ کند. اما لزوم تذکر این مطلب را هم احساس می کنیم:

ما در اشعار قاسم الانوار (م بعد از ۸۶۴ هـ / ۱۴۶۲-۱۴۶۳ م) هیچ شعری در ستایش فضل و تلقین حروفیگری نمی بینیم. ولی باطنیان از دیرباز برای جلب مردم به سوی خود ترفندی به کار می بردند. هر مرد به شهرت رسیده و از سوی مردم بزرگ تلقی شده را از خود قلمداد می کنند و بدین نحو در مردم این اندیشه را بیدار می کنند که مادام که بزرگمردی چون او پیرو این راه باشد، پس البته این راه راهی درست است. نام قاسم الانوار و عده یی دیگر که اعتقاد آنان به فضل و حروفیه کاملاً معلوم نیست، شاید به این مقصد در منابع حروفیه راه یافته است.

منابع حروفیه و حروفیه

تقدّس برخی اعداد، معانی گوناگون قائل شدن برای بعضی حروف از زمانهای بسیار کهن، و گمان می کنیم از اعتقادات ابتدایی و جادویی انسان برجای مانده است. این گونه در یافتها را در عهدعتیق مخصوصاً در بخش حزقیال و دانیال و در عهدجدید در وحی یوحنا آشکارا

می‌بینیم: حتی این کتاب دوم ما را آگاه می‌کند که حرف اول و آخر به آغاز و انجام دلالت می‌کنند (مثلاً: ۸/۱، ۶/XXI). می‌دانیم که به حروف آغازین بیست و نه سوره قرآن کریم گهگاه معانی گوناگون داده‌اند. هم در دیوان حسین بن منصور حلاج (م ۳۰۹ هـ / ۹۲۲ م)، (لویی ماسینیون، دیوان الحلاج، مجله آسیایی، ژانویه - مارس، ۱۹۳۱، مثلاً نگاه کنید: ۶۳، ۸۳، ۹۴) و هم در کتاب الطواسین (تصحیح ل. ماسینیون، Librairie Paul Geuthmer، ۱۹۱۳، صص ۱۳-۱۴، ۳۱، ۵۶، ۶۰، ۶۳)، درباره حروف و اعداد و تقابل حروف با اعداد اشارات فراوانی هست، حتی در اخبار الحلاج هم (گردآوری ل. ماسینیون، پاریس، ۱۹۳۶، صفحات ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۵۹، ۶۰، ۷۱، ۹۵-۹۶) برخی مطالب درباره حروف نقل شده است و بالاتر از آن حتی می‌دانیم که از «خط استوا» که در نظام اندیشگی «فضل» از عناصر اساسی است نیز بحث شده است (پیشین، صفحه ۵۳). اعتقاد باطنیه در این باب نیز بر ما معلوم است (مثلاً در خوان الاخوان ناصر خسرو؛ تصحیح یحیی الخشاب، مصر - قاهره، Imprimerie de L'institut Français D'archéologie Orientale، ۱۳۵۹ هـ / ۱۹۴۰ م، صص ۶۶-۶۷، و همچنین وجه دین او، چاپخانه شرکت کاویان، برلین، ۱۳۴۳، صص ۷۶-۷۷). در فتوحات مکیه ابن عربی به حروف اهمیت فراوان داده شده و روی این اندیشه مصرانه تأمل شده است (مصر - بولاق، جلد ۲، باب هفتادونهم، صص ۱۳۵-۱۳۷. به مناسبت ختم الولاية، اندیشه‌های باطنی، بخشهایی که کاملاً طبق عقاید باطنیه توجیه می‌شود، جلد ۴، باب پانصد و پنجاه و هفت، صفحه ۲۱۵). در اینجا علاوه کنیم که او در شجرة الکون آفرینش انسان را بر مبنای اسم محمد (ص) می‌داند (مصر، المطبعة البهیة، ۱۳۱۰) و این عربی رسالاتی متعدد درباره حروف دارد (نگاه کنید: عثمان یحیی؛ Histoire et Classification de L'oeuvre D'Ibn 'Arabi Enstitut Français de Damas; Damas - 1964, I-II)

از مجموع این سخنان می‌توان چنین نتیجه گرفت:

فضل الله اسلوب باطنیه را پذیرفته بود، طریقی که در جوانی از روی تقلید در آن سلوک کرده بود، طریقی بود که اعتقادات باطنیه را تلقین می‌کرد. او نیز با معانی داده شده به اعداد و تقابلهای عددی سرگرم شده بود، حتی وی با عهد عتیق و عهد جدید تا بدان حد مأنوس شده بود که می‌توانست به آن کتابها استدلال کند (مثلاً: کتابخانه علی امیری، کتب فارسی، ۹۲۰، جاودان، برگ ب ۴۴۰). احتمالاً آثار ابن عربی را هم مطالعه کرده بود. عربی می‌دانست، بر

ادبیات ایران وقوف داشت. می‌دانیم در میان دانشهایی که ذاتاً معتقدند اکثر در کشف و استخراج اتفاقات پیش از وقوع آنها به کار می‌روند و «علوم غریبه» و «علوم خفیه» می‌گویند، علمی هم به نام «علم حروف» وجود دارد (نگاه کنید به مناقب‌العارفین که در ۷۱۸ هـ استنساخ شده، متنی که پروفیسور تحسین یازجی فراهم کرده، انجمن تاریخ ترک، سری سوم، شماره ۳، جلد ۱، آنکارا، ۱۹۵۹، صفحه ۴۲۱).

فضل‌الله شیوه تأویل باطنیه، مخصوصاً اهمیتی را که به حروف داده شده بود، و در صورت احساس لزوم مناسبت حروف با شمارها را به دست گرفته، راه ارجاع همه امور و احکام دینی به بیست و هشت حرف عربی و سی و دو حرف فارسی را دنبال کرده است، و علم حروف را که کامل نبود و هدف آن به شیوه واضح مدون نشده بود، و چنانکه عرض کردیم بیشتر برای استخراج رویدادهای آینده به کار می‌رفت، حقیقتاً نسبت به روزگار خویش صورتی اصیل بخشیده، خود را مهدی، مسیح، مظهر حق، ظهور حق شناخته و معرفی کرده و بدین نحو حروفیه را بنیان نهاده است.

اعتقادات حروفی را از دیدگاه اساسی اینچنین می‌توانیم خلاصه کنیم:

ظهور هستی با صوت است، صوت در هر پدیده هستی که از عالم غیب به عالم عین می‌آید و در عالم تعین ظهور می‌کند، موجود است. این موجودیت در جانداران بالفعل، ولی در غیر جانداران بالقوه است. اگر چیزی بی جان را بر بی جانی دیگر بزنیم، صوت که جوهر آن است، ظهور می‌کند؛ این ظهور در جانداران از روی اراده و اختیار است. کمال صوت کلام یعنی کلمه است و این نیز تنها در انسانها ظهور می‌یابد. کلمه از حروف تشکیل می‌شود. بنابراین اصل صوت و کلمه حرف است. حضرت محمد (ص) با بیست و هشت حرف سخن گفته است، در زبان عربی بیست و هشت حرف است و قرآن از این حروف پدید آمده است. در فارسی سی و دو حرف هست. جاودان فضل از این سی و دو حرف تدوین یافته است. در قرآن به جای این چهار حرف، یعنی (پ، چ، ژ، گک) در فارسی، «لا» آمده است. «لا» اگر چنانکه خوانده می‌شود، نوشته شود، چهار حرف است: (ل ا م ف). این چهار حرف، یعنی «لا» در فارسی قائم مقام چهار حرف است. در چهره انسان چهار خط سیاه است: دوا برو، چهارمژه و موی سر. چون انسان با این هفت خط از مادر متولد می‌شود، اینها را «خطوط امیه» گویند. اگر اینها را از دیدگاه حال و محلّ، یعنی خطوط و جای آنها حساب کنند، چهارده می‌شود. در سنین

بلوغ در مردان هفت خطّ دیگر نیز پیدا می‌شود: دو خط سبیل در چپ و راست، دو خطّ ریش، و یک خط پایین لب. اینها را هم «خطوط آیه» نام نهاده‌اند. اینها نیز از نظر حالّ و محلّ چهارده تاست و جمع این دویست و هشت می‌شود که معادل بیست و هشت حرف قرآن است. اگر موی سر و خط پایین لب با خط استوا از وسط دو قسمت شود، خطّی هشت تایی تشکیل می‌دهد که مجموع آن دو شانزده می‌شود و به اعتبار حالّ و محلّ سی و دو می‌شود که معادل سی و دو حرفی است که جاودان با آنها نوشته شده است. سوره فاتحه غُصارة قرآن است، هفت آیه است، هفت نام هم دارد. یکی از آن نامها «سبع المثانی» است. این سوره معادل هفت خطّ چهره است. کشیدن دستها به صورت پس از قرائت فاتحه اشاره بدان است. اگر «آمین» گفته شود، هفت آیه، هشت آیه می‌شود. اگر موی سر هم - چنانکه سنّت است - از وسط به دو نیمه تقسیم شود، هشت خط می‌شود. در سوره فاتحه هفت حرف وجود ندارد. در چهره «حوا» یعنی زن هم خطوط آیه نیست. از این رو فاتحه را «امّ الكتاب» گفته‌اند. سرّ قرآن در حروف مقطّعه ابتدای بیست و نه سوره قرآن نهفته است. این حروف چهارده حرف غیر مکرّر است: «ال ر ک ه ی ع ص ط س ق ن». اگر این حروف بسط داده شوند، یعنی چنانکه تلفّظ می‌شوند، نوشته شوند، هفده حرف به وجود می‌آید، زیرا که در «الف»، «ف»، در «صاد»، «د»، و در «نون»، «و» وجود دارد. این هفده حرف را «محکّمات» گویند. انسانی که در سفر نباشد، روزانه هفده رکعت نماز واجب می‌خواند که معادل شماره این هفده حرف «محکّمات» است. انسان مسافر یازده رکعت نماز می‌خواند. بجز این هفده حرف، بقیّه حروف یازده تاست: ب ت ث ج خ ذ ز س ص ظ غ. این حروف را «متشابهات» گویند. نماز در سفر به شمار «متشابهات» است. جمع این دو هم بیست و هشت می‌شود. انسان غیر مسافر هر روز هفده رکعت و روز جمعه پانزده رکعت نماز می‌خواند، زیرا که دورکعت نماز جمعه معادل چهار رکعت نماز ظهر است، جمع این دو سی و دو می‌شود.

آیین حروفیه بدین سان نماز، روزه، حج، زکات و تمام احکام را با بیست و هشت و سی و دو مطابقت می‌دهد و می‌پذیرد که این حرفها در وجود انسان هم هست. همچنین قیامت، ظهور مهدی (عج)، دابة الارض، نزول عیسی (ع)، طلوع خورشید از مغرب، صراط، میزان، بهشت و جهنّم را هم تأویل می‌کند و با این حروف مطابقت می‌دهد.

به اعتقاد حروفیه دور کاینات بر سه اساس مبتنی است: نبوّت، امامت و الوهیت. نبوّت با

آدم پیامبر آغاز شده، با حضرت محمد(ص) به کمال رسیده است. بعد دور امامت با حضرت علی(ع) آغاز شده و با یازدهمین امام، حسن العسکری(ع) این دور به پایان رسیده است. با ظهور فضل که مهدی است، دور الوهیت شروع شده است. همه انبیا، شهید فضل، یعنی گواه و بشارتگر اویند. فضل ظهورنهایی است. بنابراین در توحیدنامه، هر کاملی که پس از وی بیاید، تنها از فرمان او اطاعت می‌کند راه او را پی می‌گیرد، ظهوری دیگر نیست و نخواهد بود:

هیچ کس زین پس نخواهد آمدن جز به فرمان بردن و پیرو شدن

تاویل امور دینی با حروف و خطوط، شیوه‌ی است که برای آماده‌سازی این اعتقاد تأسیس شده است. اساس اعتقاد حروفی خداسازی انسان است. فضل الله در این اساس، از ادیان کهن، از اهمیتی که اسلام به انسان داده است و مخصوصاً از تصوّف بهره فراوان برده است. کاینات ظهور هستی مطلق است، اما این ظهور از عالم قوه، یعنی ملکوت به عالم طبیعت و عناصر آمده، از افلاک و عناصر جمادات، نباتات و حیوانات به وجود آمده‌اند. این دور در انسان کمال خود را یافته است. انسان مردمک دیده کاینات است، و انسانی در میان انسانها هم مردمک دیده همه انسانهاست. او آمر، حاکم، مدبّر و متصرّف تمام کاینات است. همان گونه که همه موجودات مطیع و متقاد انسان است، همه انسانها نیز مطیع و متقاد آن یگانه انسانند. این انسان یگانه که در هر دوری هست، پیامبر و امام است. پیامبری در وجود حضرت محمد(ص) به کمال خود ظهور کرده است و از همین رو او آخرین پیامبر است. هر پیامبر وصیّی دارد که مظهر سرّ اوست و اوست که بعد از پیامبر امام امت می‌شود. امامت نیز در حضرت علی(ع) کمال خود را یافته است. این کمال در وجود امامانی که از نسل او آمده‌اند ظاهر شده است. دور امامت در یازده امامی که از نسل علی(ع) آمده‌اند، در امام حسن العسکری(ع) پایان یافته و دوره غیبت آغاز شده است. دور الوهیت با آخرین امام که مهدی است، آغاز می‌شود. مهدی فضل است. و چون بعد از وی دیگر ظهوری نخواهد بود، هر صاحب کمالی با پیروی از وی می‌تواند به کمال دست یابد. آن موعودی که یهودیان در انتظار آند، و مسیحیان می‌گویند که از آسمانها نزول خواهد کرد و آن مهدی که مسلمانان نیز قبولش دارند و عیسی(ع) و محمد(ص) بشارتگر اویند، فضل است. و بدینسان آن دوره‌ی که همه پیامبران، بشارت آن را داده‌اند آغاز شده، قیامت قیام کرده و دنیا به آخرت بدل شده است. حروفیه در این اعتقاد که خیلی بعدها از سوی بهایان نیز پذیرفته شده است از سوی آیین یهود و مسیحیت و از

سوی دیگر از اسلام بهره گرفته و معتقدات این سه دین را یکی کرده است. حروقیه که با پذیرفتن امامت و مخصوصاً با شناختن حضرت علی (ع) تا امام یازدهم و اعتقاد به غیبت مهدی (ع) و ظهور او از شیعه متأثر است، با پذیرفتن آنکه مهدی در آخرالزمان تولد خواهد یافت نیز از اهل سنت بهره مند شده است. پیروان حروقیه عبارتی به مضمون «جز عیسی مهدی دیگر نیست» را که به عنوان حدیث نقل شده است، به صورت اساس معتقدات خود در آورده‌اند (این عبارت تقریباً در تمام کتب حروقیه آمده است)، و در عین حال عیسویت فضل را پذیرفته‌اند. چون ممکن نبود شیعه امامیه که معتقد بودند امام دوازدهم تولد یافته، پس از غیبت کوتاه اول، غیبت کبری کرده، اگر زمانش فرارسد به‌اذن الهی ظهور خواهد کرد، فضل را به عنوان مهدی بپذیرند، حروقیه با شیعه به مخالفت برخاستند و همچنین با صوفیه که وجود «قطب» را قبول داشتند، مخالفت کردند (بهاییان نیز همان راه را که نتیجه همان اندیشه بود در پیش گرفته بودند). مثلاً سیداسحاق (واژه‌نامه، صفحه ۳۱۲) می‌گوید:

کاشف اسرار دین انبیا	حجّة القائم زحق فضل خدا
آخرین چارده معصوم پاک	اولین گرگ‌گوش هم نیست پاک
.....
از تشیع دم زنی ای بوالفضول	منکر مهدی شوی باشد قبول

میرشریف در ابیات زیر به مخالفت با صوفیه برخاسته است (دیوان، نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه استانبول، شماره ۱۳۰، آ ۷۳):

مدّتی در جهان سیر وسلوک	بوده‌ام در مقام اهل شکوک
گاه در ظاهر علوم بدم	یار غار جماعت مفلوک
گاه در طمطراق صوفیه	بوده‌ام باحث از فصوص وفکوک
.....
ناگهان فضل ایزدی بنواخت	بر مثال ملوک این مملوک

رفیعی هم در بشارت‌نامه در ابیات زیر حال خود را قبل از رسیدن به نسیمی بیان می‌کند (نسخ خطی ترکی دانشگاه استانبول، شماره ۱۳۰، آ - ب ۱۱۳):

جاهل و محروم و سرگردان ایدوم	هر نفس بین فکر ایله حیران ایدوم
گرچه بیر قاچ فندن آلمیشدوم خبر	سچمز ایدوم آنلرکله خیر وشر

بیر یوله گیدرایکن آزار ایدوم
 گاه مشایخن ویرر ایدوم خیر
 هر نه دورلو علمه کم قیلسام نگاه
 «عرشی» هم در دیوان خود (ب۱۷) بر هر دو طایفه می تازد:

بندۀ فی و ضاد و لامم بن
 سنیان اولدی لشکر یا جوج
 شیعیان اولدی تابع دجال
 فارغم از تمام خوف و خطر
 قیلدی ارض اوزره فتنه بی مر
 آدنی قودی مذهب جعفر^۲

در غزلی به مطلع:

ای طالب تحقیق اولان ارباب تصوف
 در ایات زیر ارباب تصوف را نکوهش می کند:

.....

رقص ائتمه نون آدینی قومش حلقه توحید
 شیدا ایله دولمشوش قامو اسباب تصوف

.....

سجاده سی تقلید ایله دور خرقه سی تزویر
 جهالی دولاندیرمغه دولاب تصوف
 (ب۲۴ - آ۲۵) ۴

۱. یعنی: جاهل و محروم و سرگردان بودم، هر لحظه با هزار اندیشه حیران بودم. هرچند از چند فن خبر داشتم، اما خیر و شر را به وسیله آنها تمیز نمی دادم. هنگامی که در راهی می رفتم، گمراه می شدم، گاه می ساختم و گاه ویران می کردم. گاهی از مشایخ خبر می دادم و می گفتم معتبرتر از اینان کسی نیست. به هر نوع علمی که نظر می انداختم، هیچ چیز برای من فتح نمی شد و آه می کشیدم.
۲. یعنی: من بنده فضلیم از هر خوف و خطر فارغم. سنیان لشکر یا جوج شدند و روی زمین فتنه بی شمار برپا کردند. شیعیان تابع دجال شدند و اسمش را مذهب جعفر گذاشتند.
۳. یعنی: ای ارباب تصوف که طالب تحقیق به سوی فضل حق بیاید تا باب تصوف باز شود.
۴. یعنی: رقص را حلقه توحید نامیده اند، اسباب تصوف همه با شیدایی پر شده است. گردونه تصوف برای ←

روحی بغدادی در ترکیب بند خود در ابیات زیر اهل تصوّف را ملامت کرده است:
صوفی که صفاده گچنور مالک دینار بپردرهمنی آلسان اولور خاطری دَرهم^۱

*

تقلید ایله سجّاده نشین اولموش اوتورموش تحقیقده اما خر بگسته عنان دور^۲
در بیت زیر می گوید که ارباب تصوّف از اسما خبری ندارند:
نیدوگون فهم ائتدیک اسمادان غرض جاندور بزه

باده صافی گرک صوفی تصوّف برطرف^۳
اعتراض بر شیعه و اهل سنت، تصوّف و ارباب تصوّف دو عنصری است که تقریباً در هر کتاب حروفیه دیده می شود.

در این کار فضل که بر بیست و هشت حرف چهار حرف دیگر افزوده و آن را به سی و دو حرف رسانده است، به عبارتی صحیح تر در قرار دادن زبان فارسی به جای زبان عربی، و در شناختن و شناساندن جاودان به صورت یک کتاب وحی و کتابی دینی به مثابه قرآن و حتی به مثابه کتابی که همه ادیان را تکمیل می کند، گمان می کنیم که احساسات ملی نیز تأثیر داشته است. و فضل زبان فارسی را زبان دینی قرار داد و به جای حاکمیت عرب حاکمیت ایران را جایگزین کرد و خود به صورت ظهوری الهی که مقامش برتر از تمام انبیاست، میان پیروانش پذیرفته شد. این باور در مؤسس نقطویه، محمود که محمود مطرود خوانده شد و با فضل مخالفت کرد، کاملاً پدیدار شده است. به عقیده او دوره عرب دیگر به سرآمده، دور عجم (ایران) آغاز شده است (صادق کیا: نقطویان یا پسیخانیان، ایران گوده، شماره ۱۳، تیرماه ۱۳۲۰ یزدگردی، صفحه ۱۱ و بعد).

آیا هستی و حیات موجود در این هستی که از عالم مجردات به عالم مرکبات آمده، از

→ گرداندن جهال سجاده اش به تقلید و خرقه اش به تزویر است.

۱. یعنی: صوفی که در صفا زندگی می کند، صاحب دینار است، اگر دیناری از او بگیری، خاطرش درهم می شود.

۲. یعنی: به تقلید سجاده نشین شده و نشسته است، اما در حقیقت الاغی عنان گسته است.

۳. یعنی: دریافتیم که غرض از اسما چیست، غرض جان است، تصوّف را بگذار، باده صافی لازم است.

افلاک به عناصر رسیده و از اتحاد افلاک با عناصر به عالم جمادات، نباتات و حیوانات آمده، و از خوردنیها و نوشیدنیها (جمادات، نباتات و حیوانات) در انسان به نطفه و امشاج تبدیل شده و به صورت انسان در آمده و مظهر کلام شده است، حالتی از ماده است و یا قابلیت است که در مرحله انسانی به دست آورده است، یا روح - چنانکه اهل شرع می پذیرند - یک نفخه الهی است و پس از مرگ هم وجود خواهد داشت، آیا سرای دیگر که آخرتش می نامند، وجود دارد؟ به نظر می رسد که این اندیشه حروفیه را کاملاً پریشان کرده است. غیاث الدین استوانامه خود می گوید که این سؤال را از علی الاعلی پرسیده است و او در جواب گفته است که به پرسش نیازی نیست، چندین کتاب خوانده اید و در این باب معلوماتی دارید. غیاث الدین می گوید که «درویشان اعلم و اکمل و افضل اسبق» آن روزگار، درویش علی، درویش بهاء الدین، امیر سید عماد الدین نسیمی، مولانا محمد نائینی، درویش مولانا حسن یزدجردی، درویش علی گیلانی، مولانا حسن حیدری و درویشان دیگر، وجود آخرت را می پذیرفتند و می نویسند امیر نورالله وی را به بتلیس فرستاد، و او حضرت بی بی ام الکتاب، امیر کلیم الله، بی بی فاتحه الکتاب و امیر سلام الله را که در سال ۸۲۶ هـ / ۱۴۲۲-۱۴۲۳ م در آنجا به طاعون مرده بودند، در خواب دید که در بهشتند و حتی دید که کنیز خلیفه الله، یعنی علی الاعلی موسوم به آق بغا نیز بر در بهشت نشسته است (آ ۲۵ - آ ۴۰). و می گوید که برخی از اهالی روم، یعنی حروفیه آناتولی بر آنند که بعد از مرگ حیات دیگری نیست و می گویند که مرگبات دوباره به مفردات بدل خواهند شد، و امیر علی کیوان، درویش صدر ضیا و درویش حسن از درویشان بغداد نیز بر این اعتقادند (ب ۳۹ - آ ۴۰). می گوید برخی از حروفیه می گویند که نماز را صاحب تأویل خواند، روزه را هم گرفت، دیگر برای ما تکلیفی نیست. اما مریدان امیر اسحاق معتقدند که انسان تا در صورت بشری است، یعنی تا زنده است تکلیف از وی ساقط نیست و وجود آخرت را هم می پذیرند. می گوید برخی دیگر هم معتقدند که دنیا برای ما به بهشت مبدل شد و عقیده دارند که در بهشت تکلیف نیست. می نویسند با درویش محمد تیرگر از زندان رها شد و از مازندران با امیر نورالله به بغداد رفت، در آنجا با محمد تیرگر همین بحث را ادامه داد. تیرگر تناسخ را قبول داشت (آ ۴۱ - ب ۴۲). «محمود راشانی» از علما هم که مصنفاتی در حکمت دارد، در اصفهان با فضل رفت و آمدی دارد و آخرت را انکار می کند،

اما فضل نفی شعور روح انسانی را پس از مرگ رد می‌کند، به محمود کراماتی نشان می‌دهد، پول دفن شده او را کشف می‌کند و مسأله حکمت را که از ذهن او خطور می‌کند، بر زبان می‌آورد (ب ۸۲ - آ ۸۵).

ما ناچاریم که از مجموع این مطالب چنین نتیجه‌یی استخراج کنیم:

حروفیانی که آخرت، روح و بقای روح را انکار می‌کنند و سقوط تکلیف را بر زبان می‌آورند، احتمالاً افرادی هستند که کمی غیرمحتاط و بی‌تحمّل‌اند. رازی را که اقتضا می‌کند پیش همه کس فاش نکنند، فاش می‌کنند؛ و افرادی هستند که ادراک نمی‌کنند که موجودیت یک جامعه، تنها با حفظ انضباط است و این انضباط هم با عرفها و عادات و اعتقادات می‌تواند تأمین شود. در قبال آن افرادی که منکران تکلیف‌اند، روح و آخرت را رد می‌کنند افرادی هستند که می‌کوشند انضباط عمومی را تأمین کنند و این ردّ جز تقیه که برای مشوب ساختن ذهن سالکان جدید این راه به عمل می‌آید، چیزی نیست. مثلاً غیاث‌الدین می‌نویسد سید سعید شهید، از علی‌الاعلی درباره اشعار امیرسید عمادالدین نسیمی که در آنها دعوی انانیت است می‌پرسد و می‌گوید او که از شما کسب فیض کرده است، چگونه است که اینچنین ادعاهای عظیمی می‌کند. علی‌الاعلی هم می‌گوید که مقامات عظیم من در قرآن در آیاتی چون «وهو العلی العظیم، علی کبیر» یاد شده است. می‌گوید سی سال از این پرسش گذشت. بعد گفت برای آنکه اکنون از من به‌خیر یاد کنند، می‌نویسم و در قرآن کریم هر اسم «علی» از اسماء حسنی که در آیات آمده است همه را ردیف می‌کند (آ ۹۶ - ب ۹۷). فضل هم همه کلمه‌های «فضل» را که در قرآن آمده متعلق به خود می‌داند. بعد هم در وصیت‌نامه‌اش از خدا بحث می‌کند و از حضرت حسین (ع) دم می‌زند. میرشریف در بیان‌الواقع از فلاسفه یونان گرفته تا حکما، از مشرّعان تا صوفیه آرای همه را درباره معاد خلاصه می‌کند و بعد هم برای فضل که کشته‌اند و طناب برپایش انداخته و روی زمین کشیده‌اند، الوهیت قائل می‌شود. افرادی که از چنین اعتقادی حمایت می‌کنند یا حقیقتاً افرادی بی‌دانش و کم‌شعورند و یا تازه به‌این راه درآمده‌اند و هنوز در راهند و روزی به مرحله انکار خواهند رسید. اما ما باور داریم افراد دانشمندی که این اعتقاد را تلقین یا تمثیل می‌کنند، به‌هیچ چیز اعتقادی ندارند. از این رو هم حروفیه را به‌تمام معنی به‌صورت دینی کاملاً باطنی می‌دانیم و حکم می‌کنیم حرفه‌ایی که درباره انطباق آن با شریعت زده می‌شود، عبارت از تقیه است (درباره باطنیه به کتاب ما به‌نام

سیماونه قاضیسی اوغلی شیخ بدرالدین، استانبول، انتشارات اِتی، ۱۹۶۶، صص ۱۲-۲۹ نگاه کنید).

کتاب عمده حروفیه

کتابهای اساسی حروفیه، آثار فضل، مخصوصاً جاودان است. پس از آن توحیدنامه و قیامتنامه امیرسیدعلی، یعنی علیّ الاعلی است که با اوصافی چون: «خلیفه الله، وصی الله، خلیفه فضل الله، واقف اسرار سرایر کلام الله، و علیّ العالی الاعلی» از او یاد می شود، همچنین کتابهای حجّ نامه، محشرنامه، اسم و مسمّا و بیان الواقع از میرشریف، خلیفه فضل؛ و خواب نامه، اشارت نامه، محرم نامه، تراب نامه از امیراسحاق خلیفه دیگر او؛ استواننامه امیرغیاث الدین، بشارت نامه و زبده النجات ابوالحسن خلیفه دیگر وی، و اطاعت نامه از یکی از کمال الدین ها که به عنوان چهاریار نام برده می شوند و شاید از کمال القیتاغ که گمان می کنیم همان کمال الدین هاشمی باشد؛ بعد از آنها رساله و شرح تقسیمات از میرفاضلی، خلیفه علیّ الاعلی، رساله های جاویدی که به جای دست بریده محمد میرزا، خلیفه میرفاضلی نشسته است، شرحی که حمزه، خلیفه جاویدی به مثابه حاشیه بر جاودان نوشته، دیوان نسیمی خلیفه فضل و مقدمه الحقائق او، مثنویهای موسوم به بشارت نامه و گنج نامه از رفیعی جانشین نسیمی، عشق نامه و آخرت نامه عبدالمجید بن فرشته عزالدین، رسائل و دیوان محیطی که در ۹۶۰ هـ به دنیا آمده، صلات نامه اشقورت محمد دده، خلیفه حمزه، دیوان عرشی از مریدان محیطی که در ۹۷۰ هـ به دنیا آمده، و در ۱۰۳۰ هـ در گذشته است، رسائل و دیوان مثالی که می دانیم در ۹۶۶ هـ در قید حیات بوده است.

حروفیه که از آذربایجان و ایران در آناطولی گسترش یافته، چنانکه در فهرست خواهید دید، از قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی، زبان فارسی را رها کرده، ترکی را پذیرفته است. نسیمی، آن مقدار شعر ترکی سروده است که می توان دیوانی فراهم کرد، رساله موسوم به مقدمه الحقائق خود را به زبان ترکی تدوین کرد. رفیعی، خلیفه وی دومثنوی خود را به ترکی نوشت، و عبدالمجید، عشق نامه و آخرت نامه خود را به ترکی تدوین کرد، و خواب نامه را به ترکی برگردانید. یمینی منسوب به آق یازیلی ابراهیم ثانی که در ۹۰۱ هـ / ۱۴۹۵-۱۴۹۶ م تولّد یافته، یا در همان تاریخ از طرف پیروان عثمان بابا (Ottoman Baba)،

به عنوان قطب انتخاب شده، فضیلت‌نامه خود را به ترکی نوشته است^۱، پیش از آن ولایت‌نامه عثمان بابا که ولایت‌نامه شاهی خوانده می‌شده، از سوی کوچک ابدال، یکی از درویشان وی به ترکی تألیف شده است. محیی‌الدین ابدال هم که از همان شاخه است، با سرودن معتقدات حروفیه در قالب ترانه‌های عامیانه هجایی به اشاعه آن برخاسته است. قاسمی هم همان شیوه را دنبال کرده است^۲. یک درویش بکتاشی به نام درویش مرتضی که در سده‌های ۹-۱۰ هـ/ ۱۶-۱۷ م می‌زیسته، جاودان را با تصرّفاتی به ترکی ترجمه کرده است^۳.

عبادات آیین حروفی

چون حروفیه فضل را به عنوان ظهور ذات حقّ می‌پذیرند، در عبادات اسلامی هم تغییراتی داده‌اند. اول در تکبیرها و شهادتها در اذان و اقامه، مثلاً «اشهدان لاله الا فضل الله» می‌گویند و نام فضل را می‌افزایند. در وضو هم عضوهای وضو را می‌شویند و به هنگام مسح اشعاری به فارسی می‌خوانند که درباره معتقدات حروفیه بیست و هشت حرف و سی و دو حرف است. در نماز بعد از سوره برای تکمیل سی و دو حرف از عرش‌نامه ایاتی می‌خوانند. در رکوع و سجده ذکرشان: «سبحان ربی الفضل الاعلی و بحمده؛ سبحان ربی الفضل العظیم و بحمده» است. در تحیت، تشهد و سلام، نام فضل و خلفایش را می‌گویند. حجّ آنان در النجق برپا می‌شود. در محل قتل فضل که «مقتل‌گاه» می‌گویند، احرام می‌بندند و آنجا را هفت بار طواف می‌کنند (احتمالاً قبله‌شان هم آنجاست). بر قلعه سنجریه که میران شاه - که ماران شاه می‌گویند - ساخته یا تعمیرش کرده، سنگ می‌اندازند و شیطان را سنگسار می‌کنند. حجّ و عمره‌یی با این مراسم دارند. عبادات آنان بر مبنای تلفیقی از فقه اهل سنت و شیعه پدید آمده است. این مطالب را از استوانامه که کمابیش بیست سال بعد از ۸۴۶ هـ، یعنی بعد از کشته شدن

۱. فضیلت‌نامه را دونفر به‌نامهای علی حیدر و احمد خضر در ۱۳۲۵-۱۳۲۷ در مطبعه جهان استانبول با غلطهای فراوان به چاپ رسانده‌اند. در صفحه ۸۳ از یمنی، آق‌یازیلی و عثمان بابا بحث شده است.
 ۲. درباره محیی‌الدین ابدال و قاسمی به کتاب ما تحت عنوان شاعران علوی - بکتاشی نگاه کنید: استانبول، کتابفروشی رمزی، ۱۹۶۳ (صفحات ۱۴، ۱۶، ۲۶۷-۲۶۸ و ۲۷۰).
 ۳. درباره این ترجمه که به نام دُرّتیم خوانده شده در این فهرست به آخرین کتاب در کتابهای ع. گولپینارلی نگاه کنید.

فضل نوشته شده است کسب کرده‌ایم (آ ۲۵، آ ۳۸)، (آ ۹۶ - ب ۱۰۰).^۱ در صلوات‌نامه اشقورت دده، خلیفه حمزه هم که در ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۳-۱۶۲۴ م وفات کرده، از اذان، اقامه، وضو، نماز، نمازهای جمعه و عید، نمازهای دیگر و مخصوصاً از مراسم حج در النجق بحث شده است. در این کتاب همچنین اورادی به عربی در الوهیت فضل آمده است (ب ۳۹ - آ ۴۳).

حروفیه این شیوه عبادت و مخصوصاً مراسم حج را چقدر و تا چه زمانی اجرا کرده‌اند؟ گمان می‌کنیم که این اعمال زمانی بسیار اندک اجرا شده باشد. زیرا که در منابع متأخر در این باره به هیچ اشاره‌ی بر نمی‌خوریم. حتی به نظر ما این اطلاعات در صلوات‌نامه اشقورت دده، فقط به ماهیت اطلاعاتی است که از مآخذ کهن نقل شده است. تغییراتی که در عبادات دین اسلام به عمل آمده، بی‌تردید عمدی است و تفرقه جدیدی است که باطنیه می‌خواهد در دین اسلام پدید آورد، چنانکه همین عمل را در بهاء‌الله و بهاییان نیز می‌بینیم.

حروفیه در ایران و سرزمینهای ترک

با قتل فضل‌الله، حروفیه با تعقیبی سفت و سخت مواجه شدند. بعد از سوء قصد احمدلر از پیروان حروفیه به شاهرخ (م ۸۵۰ هـ / ۱۴۴۷ م) در روز جمعه ۲۳ ربیع‌الآخر سال ۸۳۰ هـ / ۱۴۲۷ م (سخاوی: ضوء اللامع، جزء ۶، صفحه ۱۷۳؛ حبیب‌السیر، جزء سیم از جلد سیم، صص ۱۲۷-۱۲۸)، بلافاصله احمدلر به قتل رسید. اما چون دریافتند که کشتن او پیش از بازجویی کاری خطا بوده است، به تفتیش پرداختند. کلیدی که همراه احمد بود، باعث شد که خانه او را پیدا کنند و بفهمند که او از حروفیه است و با برپا داشتن تکیه امرار معاش می‌کند. یکی از یاران او، خطاطی به نام مولانا معروف هم دستگیر و زندانی شد. خواجه عضدالدین خواهرزاده فضل و تعداد کثیری از حروفیه که معلوم شد با احمدلر معاشرت و مصاحبت دارند، دستگیر و اعدام شدند و اجسادشان به آتش کشیده شد. امیرنورالله نوه فضل، امیرغیاث‌الدین، مؤلف استوانامه و حروفیان دیگر بازداشت و پس از محاکمه طولانی آزاد شدند. در این میان معلوم شد که احمدلر به خانقاه قاسم‌الانوار هم رفت و آمد می‌کرده است،

۱. تاریخ ۸۴۶ و قتل فضل دقیقاً ۵۰ سال باهم فاصله دارند نه ۲۰ سال - م.

به‌وی فرمان داده شد که هرات را ترک کند. سیدقاسم به‌همین مناسبت، غزلی به‌مطلع زیر ساخت:

نمی‌دانم چه افتادست قسمت از قدرما را کزین درگاه می‌رانند دایم دربدر ما را
و به‌سمرقند رفت و الغ با وی به‌احترام رفتار کرد (حبیب‌السییر، پیشین، همان جلد، همان صفحه).

بعد از آن، دختر فضل و حروفیی به‌نام یوسف در زمان جهان‌شاه قراقویونلو (م ۸۷۲ هـ / ۱۴۶۷ م) به‌همراه حروفیان در تبریز اغتشاشی برپا کردند، اغتشاش سرکوب شد و دختر فضل با قریب پانصدتن حروفیی دستگیر و اعدام شدند و اجسادشان را سوزاندند. روایت می‌کنند که رباعی زیر از دختر فضل است (واژه‌نامه، صفحه ۲۷ به‌نقل از دانشمندان آذربایجان):

در مطبخ عشق جز نکو را نکشند لاغر صفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی زکشتن مگریز مُردار بود هرآنچه او را نکشند

سیداسحاق در محرم‌نامه خود از این دختر به‌نام «کلمة الله هی العلیا» یاد می‌کند و در مثنویهایش او را «قرّة العین فضل» می‌نامد و می‌نویسد که فضل در وصیت‌نامه هم او را وصی خود تعیین کرده است.

*

حروفیه که در ایران با سرکوب مواجه شدند، آناتولی و روم ایللی را برای خود پناهگاهی یافتند و به آن نواحی مهاجرت کردند. خواجه اسحاق (م ۱۳۱۰ هـ / ۱۸۹۲-۱۸۹۳ م) می‌گوید که پس از قتل فضل، علی‌الاعلی، خلیفه وی به آناتولی رفت و در خانقاه حاجی بکتاش ساکن شد و آیین حروفیه را به بکتاشیان تلقین کرد (کاشف‌الاسرار و دافع‌الاشرار، استانبول، ۱۲۹۱، صص ۴-۵). در کتاب ایضاح‌الاسرار هم که مؤلف آن نامعلوم است، و چون اس ظفر را مأخذ اتخاذ کرده است، معلوم می‌شود که بعد از ۱۲۴۳ هـ / ۱۸۲۶ م تألیف شده است، همین اطلاعات مندرج است (کتب خطی ترکی دانشگاه استانبول، شماره ۴۳۸۲). اما تاکنون سندی به‌دست نیامده است که این روایت را به‌زمانی دورتر ببرد و آن را نسبتاً قطعی تر کند. عرض کردیم که علی‌الاعلی در النجف در کنار فضل آرمیده است. در استوانه‌نامه تصریح شده است که علی‌الاعلی در ۸۲۲ هـ / ۱۴۱۹ م در گذشته است و این، بیست و شش

سال بعد از کشته شدن فضل است. کمی بعید به نظر می‌رسد که علی‌الاعلی طی این مدت به آناتولی کوچ کند، مدتی در خانقاه حاجی بکناش بماند و بعد دوباره بازگردد و به‌النجد برود. اگر علی‌الاعلی اینچنین سیاحتی داشت، نمی‌توان احتمال داد که مؤلف استوانامه که دربارهٔ ادعاهای نسیمی از علی‌الاعلی سؤال کرده، جوابهای او را نوشته اسم و رسم بسیاری از رجالی را که با فضل مناسباتی داشته‌اند و جاهایی را که با آنان دیدار کرده، نوشته است و افرادی از خانوادهٔ فضل را که در ۸۲۶ هـ به طاعون درگذشته‌اند، نام برده و از رمضان سال ۸۴۶ هـ بحث کرده است، از چنین سیاحتی سخن به میان نیاورده باشد. در آثار علی‌الاعلی نیز دربارهٔ چنین سیاحتی نشانی نیست. اما در عوض میرشریف در حج‌نامه خود می‌نویسد که به آناتولی آمد، کتابهای فضل و دیگر کتابهای مربوط به حروفیه را به آناتولی فرستاد و خود آورد و همراه برادر خود تا سواحل دریای سیاه رفت (واژه‌نامه، صفحات ۲۸۲-۲۸۳؛ باورقی ۹؛ فهرست نسخ خطی موزه مولانا (قونیه)، جلد ۱، توضیحات نسخه شماره ۱۶۴۴، صص ۲۲۴-۲۳۱). به آنکارا آمدن عمادالدین نسیمی، از خلفای فضل و درخواست ملاقات از حاجی بایرام ولی، در میان سخنان اوغلانلرشیخی ابراهیم که در ۱۰۶۵ هـ / ۱۶۵۵ م درگذشته، آمده است (در صحبت‌نامه صنع‌الله غیبی، خلیفه وی). این شاعر (یعنی نسیمی) که قبل از ۸۱۱ هـ در حلب پوست بدنش را کردند و کشتند، مسلم است که در جاهای بسیاری از آناتولی سیاحت کرده و خلفایی را پرورده است. چنانکه یکی از خلفای او هم رفیعی است که در پَرُوْر مدفون است. هیچ تردیدی نیست که رفیعی هم در جاهایی که سیر و سیاحت کرده و خلفایی پرورش داده است. ما در گسترش حروفیه در آناتولی و انتقال آن به روم ایلی، نه تأثیر علی‌الاعلی بلکه تأثیر میرشریف و نسیمی را می‌بینیم. حروفیه بدین نحو و به وسیلهٔ اینان در بکناشیه اثر گذاشته است. چنانکه نسیمی هنوز هم به اعتقاد بکناشیان از خود آنان شمرده می‌شود و در میان علویان نیز یکی از هفت تن شاعر بزرگ و الهی شناخته می‌شود (به دایرةالمعارف اسلام، مقاله‌یی که ذیل مادهٔ نسیمی نوشته‌ایم، جزء ۹۲، استانبول، ۱۹۶۲، صص ۲۰۶-۲۰۷ نگاه کنید).

حروفیه در قرن پانزدهم / نهم هجری در سرزمین آل عثمان چنان قدرتی یافته بودند که تا دربار نفوذ کرده بودند. فخرالدین عجمی (م ۸۶۵ هـ / ۱۴۶۰ م) از وزیر محمود پاشا (م ۸۷۹ هـ / ۱۴۷۴ م) شنید که فاتح به حروفیه تمایلی پیدا کرده است، با استفاده از نفوذ خود

به نام شریعت، هنگامی که مدرّس مسجد اوج شرفه‌لی در ادرنه بود، حروفیان را زنده زنده در آتش سوزانید (مجدی: ترجمه شقائق النعمانیه، استانبول، مطبعة عامره، ۱۲۶۹، صص ۸۱-۸۳). حامدی این واقعه را در قصیده‌یی که برای محمود پاشا سروده، در این ابیات ثبت کرده است:

نیارد کرد پنهان اهل کفر اسلام از بدعت
 که تیغش سدّ فولادی است پیدا اهل ایمان را
 شده نخل شریعت سبز زآب عدل قیاضش

شرار تیغش آتش زد نهال اهل عصیان را

در کنار این ابیات قید کرده‌اند که «اشارت به سوختن حروفیان» است (فهرست موزه‌های آثار عتیقه استانبول، ۱۱۴۸، ۱۳۴۴؛ چاپ عکسی به همت اسماعیل حکمت ارتایلان، استانبول، ۱۹۴۹، مقدمه، صفحه ۱۰، متن، صفحه ۲۸۴). تاریخ نشانجی هم زیر عنوان «منع طایفه قلندران رافضیان» می‌نویسد که در دوره سلیمان قانونی نیز حروفیان را از سرزمین آل عثمان تبعید کردند (استانبول، مطبعة عامره، ۱۲۷۹، صص ۲۳۴-۲۳۸). در وفيات پرعبر لاولی الالباب من اعتبر هم در این باب مطالبی آمده است (نسخ خطی ترکی دانشگاه استانبول، شماره ۲۴۱۸، ب ۱۰۲ - آ ۱۰۳).

علی‌رغم همه این آزارها، در سده‌های ۹-۱۰ هـ / ۱۶-۱۷ م، آرای حروفیه یکی از اعتقادات اصلی بکتاشیه شده، و برای اشاعه خود از سویی از بکتاشیان و از سوی دیگر از میان خود به پرورش پیروان ادامه داده است. بالی سلطان (بالی سلطان، ۹۲۲ هـ / ۱۵۱۶ م) که از سوی بکتاشیان پیر دوم شمرده می‌شود، و واضع ارکان بکتاشی به حساب می‌آید، در یکی از نَفَس‌های خود در چهارپاره‌های زیر از ارکان حروفیه بحث می‌کند (ع. گولپینارلی: شاعران علوی - بکتاشی، صص ۲۳-۲۴):

استوایی نوزلر گوزوم	سبع‌المثانیدور یوزوم
انالحقّی سؤیلر سؤزوم	معراجیمیز داردور بیزیم
خبر آلدوق محکماتدن	سچمه یوز ذاتی صفاتدن
بالیم نهان سؤیلر حقندن	ارشادیمیز سردور بیزیم

۱. یعنی: چشم در انتظار استواست، چهره‌ام سبع‌المثانی است، سخن انالحق می‌گوید، معراج ما بالای دار

چنانکه قبلاً هم به عرض رساندیم، عثمان بابا، و آق یازیلی که از طرف پیروان آن شاخه به عنوان قطب شناخته می‌شود، محیی‌الدین ابدال از همان شاخه، و یمنی به اشاعه اعتقادات حروفیه می‌پرداختند. حیرتی ینیجه وارداری (۹۴۱ هـ / ۱۵۳۴ م)، برادر یوسف سینه چاک مولوی، و یکی از شاعران قدرتمند شعر دیوانی (درباری)، محیطی (متولد ۹۶۰ هـ / ۱۴۴۳ م)، خلیفه او عرشی (۹۷۰-۱۰۳۰ هـ / ۱۵۶۲-۱۶۲۱ م)، مثالی که در میان بکتابیان «گل بابا» خوانده می‌شود و رساله‌ی ترکی و منظوم به نام مفتاح‌الغیب و دیوان دارد و بعلاوه رساله‌ی منثور دیگری از وی در دست است، روحی بغدادی (۱۰۱۴ هـ / ۱۶۰۵-۶۰۶ م. درباره‌ی روحی نگاه کنید به مقاله ما با عنوان: روحی بغدادی، در دایرة‌المعارف ماهانه، شماره ۴۷، جلد ۴، مارس ۱۹۴۵، صص ۱۳۷۰-۱۳۷۳) که قدرتمندترین شاعر دیوانی ادبیات ترک و حتی از دیدگاه انتقادی از شاعران اصلی آن ادبیات است، و عالی (۱۰۰۸ هـ / ۱۵۹۹ م) شاعر و مورخ که از سوی روحی بغدادی مورد ستایش قرار گرفته و در اثنایی که روحی در بغداد بود او نیز در آنجا به سمت دفترداری اشتغال داشت، از حروفیه‌اند. شخصی حقیقتاً عالم، چون جلال بیک (۹۸۲ هـ / ۱۵۷۴-۱۵۷۵ م) که تا مقام میرلوی ارتقا یافته بود نیز فریفته حروفیه شده بود. در نامه‌ی منظوم به افرادی که او را حروفی خوانده‌اند، نوشته در ابیات زیر آشکارا حروفی و ایشیق^۱ بودن خود را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که به حروفیه، «ایشیق» هم می‌گفته‌اند و از حروفیه دفاع می‌کند (نگاه کنید: ع. گولپینارلی: حروفیه و نامه‌ی از میرعالم جلال بیک، مجله ترکیات دانشگاه استانبول، شماره ۱۴، ۱۹۶۵، صص ۹۳-۱۱۰، مخصوصاً صفحات ۱۰۶-۱۰۸):

اهل حقه حروفیدور دیرسن	سن که علم لدنده قاصر سن
واقف اولدونمی سن حروفه ندور	مصحفک جوهر حروفی ندور
نور دور اسمی و صفاتی آنک	مفرداتی مرگباتی آنک
شبهه یوق اولدیغنده شیطانی	قدح ایدنلر حروف قرآنی

است. از محکمت‌های خبر یافتیم، ذات را از صفات جدا نمی‌کنیم، بالیم از حق نمان سخن می‌گوید، ارشاد ما سری است.

۱. ایشیق: محرف «عاشق» است که در عثمانی به درویشان طریقه‌های مختلف اطلاق می‌شده است. - م.

حمدلله عقیده میزدور خوب حرف قرآنه اولموشوز منسوب
ایشیق اولمقی یی اولمادان اشک خردن ابتر دورور مرانی نه شک^۱

در میان بکتاشیانی که در قرن ۱۰ هـ / ۱۶ م می زیستند، در «محیطی»، «عرشی» و «مثالی»، و در «ویرانی» مؤلف رساله که چون از «قایغوسز»، «سیدعلی سلطان» و «یمینی» منتسب به آق یازیلی استشهاد کرده است، معلوم می شود که بعد از قرن ۱۰ هـ / ۱۶ م می زیسته است، افرادی که سلسله آنان به خلفای فضل می رسد، و حتی در «حیرتی»، «روحی»، و «حالی» آرای حروفی در مرحله اول است و جزو اعتقاد اساسی آنان است. ابدال، قلندری و یا بکتاشی بودن آنان در مرحله بسیار واپس تر مانده است و تقریباً پرده بی برای پوشاندن حروفی بودن آنان است. مثلاً در میان بکتاشیان دوره های اخیر در محرابی ابراهیم بابا (۱۳۳۸ هـ / ۱۹۱۹ م، نگاه کنید به: شاعران علوی - بکتاشی، صص ۱۵-۱۶ و ۱۷۵) که به سید عبدالقادر بلخی (۱۳۴۱ هـ / ۱۹۲۳ م)، قطب ملامتی - حمزوی هم انتساب جسته بود، تقریباً نوعی سازگاری ظاهری دیده می شد. که نشان می داد که این هم هست. حتی توفیق نی زن (۱۳۷۳ هـ / ۱۹۵۳ م) نیز از «فضل یزدان»، «جاودان» و «سی ودو» سخن گفته است (پیشین، صفحه ۱۷، صفحات ۱۵۸-۱۵۹، سومین بند مخمس که در ۱۵۹ آغاز می شود).

گمان می کنیم که در مولویه نیز استوا که در خرقة، کناره دسته گل و در میانه کلاه و از قسمت فوقانی کشیده می شود به تأثیر حروقیه است. در سماعخانه، خطی فرضی که از مسند شیخ تا دم در کشیده می شود و سماعخانه را به دو قسمت تقسیم می کند و «خط استوا» گفته می شود همین تأثیر وجود دارد (نگاه کنید: ع. گولپینارلی: مولویه بعد از مولانا، صفحات ۳۷۵، ۴۲۹؛ آداب وارکان مولوی، استانبول، کتابفروشی انقلاب، ۱۹۶۳، صفحه ۷۸). مضامین حروفی در اشعار بزرگان مولوی چون آقازاده محمد دده (۹۵۹ هـ / ۱۶۵۲ - ۱۶۵۳ م)، سیاهی دده (۱۱۹۲ هـ / ۱۷۱۰ م)، حتی اسرار دده (۱۲۱۱ هـ / ۱۷۹۶ - ۱۷۹۷ م)، و حتی حسین فخرالدین دده (فخری) شاعر، عارف، نی زن، آهنگساز شیخ

۱. یعنی: تو که در علم لدنی قاصری به اهل حق حروفی می گویی. آیا تو فهمیدی که حروف چیست، جوهر حروف قرآن چیست؟ اسم و صفات و مفردات و مرکبات آن نور است. تردید نیست کسانی که حروف قرآنی را نکوهش می کنند، شیطانی اند. خدا را شکر که اعتقاد ما پسندیده است و منسوب به حروف قرآنیم. ای الاغ ایشیق شدن برتر از نشدن است. شکی نیست که ریاکار بدتر از خراست.

مولویخانه بهاریه، نیز این تأثیر را نشان می‌دهد. اما در مولویه و ملامتیه (حمزویه، نگاه کنید: ملامتیه و ملامتیان، صص ۱۲۶-۱۲۸)، از حروفیه تنها به آن منظور بحث کرده‌اند که این عقیده هم مطرح باشد، و بگویند که این مسأله را هم می‌دانیم، هرگز فضل در میان آنان نه تنها در مرحله اول، حتی در مرحله ثانوی هم جای نگرفته است (مولویه بعد از مولانا، صص ۳۱۰-۳۱۷).

*

باتوجه به فراغنامه‌های متون حروفیه که فهرست آنها را عرضه می‌کنیم، مراکز فعالیت حروفیه عبارتند از: در روم ایلی، آلبانی و مخصوصاً ارگری (= Argyrocastro، مرکز ولایت یانیه، قاموس الاعلام، جلد ۲، صفحه ۸۳۶)؛ در مصر، اسکندریه؛ در آناتولی، آقچه حصار و استانبول مرکز دولت آل عثمان. از فراغنامه محبت‌نامه از کتابهای خطی فارسی علی امیری به شماره ۸۲۴ و فراغنامه کتاب عشق‌نامه به شماره ۱۳۶۸ در کتب شرعیّه همان کتابخانه معلوم می‌شود که «عرشی» در ارگری خانقاهی هم داشته است. در هر دو فراغنامه هم، «جعفر» که کتابها را استنساخ کرده است، می‌نویسد که خود او از محله دویتدار ارگری و از «خدا» عرشی دده» است. چون اولی در سال ۱۱۷۶ هـ و دومی در ۱۱۸۶ هـ استنساخ شده، باتوجه به اینکه «عرشی» در ۱۰۳۰ هـ در گذشته است، این شخص می‌تواند شیخ خانقاه عرشی باشد. مؤذن عیسی بن کمال‌الدین خواجه که از مردم ارگری است و بسیاری از متون حروفیه را استنساخ کرده است، در فراغنامه‌های استوانامه و محرم‌نامه که در ۱۲۰۰ و ۱۲۱۲ هـ استنساخ کرده است می‌نویسد که از «محله تکیه» است (کتابهای فارسی علی امیری، ۲۶۹، ۱۰۳۱). احتمالاً نام محله دویتدار به مرور زمان به محله تکیه بدل شده و یا محله دویتدار بنابر مشهور به این نام خوانده شده است و تکیه، همان تکیه‌یی است که عرشی آرمیده است و یا تکیه را به نام او بنا کرده‌اند. اگر توجه شود عبدالمجید که دو کتاب به نامهای عشق‌نامه و آخرت‌نامه دارد و خواب‌نامه را هم به ترکی ترجمه کرده است، از مردم تیره است و در آنجا دفن شده است، معلوم می‌شود که تیره هم در قرن ۱۰ هـ / ۱۶ م صحنه فعالیت حروفیه بوده است. اسناد موجود در آرشیو دولت نشان می‌دهند که حروفیان در قرنهای ۱۰-۱۲ هـ / ۱۶-۱۸ م در فیلیه، تاتار بازاری و آخیولی در روم ایلی، و در اسکی شهر و نواحی سیواس در آناتولی بوده‌اند. اسناد مزبور را در اینجا خلاصه کنیم:

در فرمانی که روز ۱۴ ذی‌الحجه ۹۸۰ هـ / ۱۵۷۳ م به قاضی فیلیه و تاتار بازاری فرستاده

شده، امر شده است که در روستای معروف به اموراو باسی دونفر به نامهای عیسی خلیفه و عثمان خلیفه و در روستای مندیس از توابع تاتار بازاری شخصی به نام مصطفی ایشیق را که حرفی اند، دستگیر کنند و بفرستند و حروفیان دیگر را هم به مجازات برسانند. در فرمانی که روز ۴ ذی القعدة ۹۸۴ هـ / ۱۵۷۷ م به قضات مزبور فرستاده شده خبر داده شده است که عیسی خلیفه و مصطفی به قتل رسیده‌اند و عثمان خلیفه هم دستگیر شده و معلوم شده است که شیخ سماو بوده (از پیروان سیماونه قاضیسی اوغلی بدرالدین)، امر شده است که نام حروفیان دیگر هم ثبت شود و در مورد بقیه تفتیش به عمل آید. بدین سان یک بار دیگر معلوم می‌شود که هم به علویان مرتبط با ایران و هم به حروفیان «ایشیق» می‌گفته‌اند (احمد رفیق: رافضیان و بکتاشیان در قرن ۱۶ م / ۱۰ م، استانبول، ۱۹۳۲، صص ۳۱-۳۲، ۳۶-۳۷).^۱ به علویان نواحی اسکی شهر «ایشیقهای سیدغازی» گفته می‌شود. امر شده است آنان که در ایام عید در شهرها طبل زنان گردش می‌کنند، ممنوع شود (صص ۱۶-۱۷). به درویشان مستقر در صاری صالتیق وارنه هم، ایشیق می‌گویند (صص ۱۷-۱۸). در آخیولی در قصبه خاتون ایلی هم ایشیق‌ها هستند و به درویشان زاویه صاری بابا هم ایشیق خطاب می‌کنند (صص ۱۶-۱۸، ۲۰-۲۳). در این بین متوجه می‌شویم که خانقاه آق‌یازیلی هم در وارنه واقع بوده است (صفحه ۹).

در دفتر شماره ۷ «دفتر مهمته» در آرشیو نخست وزیری، حکمی درباره تفتیش ایشیقهای آخیولی آمده است که در روز ۱۱ جمادی الاولی سال ۹۷۵ هـ / ۱۵۶۷ صادر شده است (حکم شماره ۴۴۲). حکمی در صفحه ۸۰ همان دفتر است که درباره حضور طایفه سماونی در ایالت سیواس در روز ۱۸ ذی الحجّه سال ۱۰۲۲ هـ / ۱۶۱۴ م به شماره ۹ صادر شده است. می‌بینیم صوفیان بدرالدین که بدرالدین (م ۸۲۰ هـ / ۱۴۱۷ یا ۸۲۳ هـ / ۱۴۲۰ م) را پیر خود می‌شناسند، با آنکه در بدرالدین تمایلی آشکار به حروقیه و حتی علویان دیده نمی‌شود، بنابر مشهور به سبب آنکه از سوی علویان به عنوان سید و پیر اجاق شناخته شده است، به وصفی درآمده‌اند که حروقیه را اگر به معنی کامل آن هم نباشد، لاقلاً به صورت ظاهر متعلق به خود می‌دانند.

۱. این مقاله به نام: شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم / شانزدهم...، به وسیله راقم این سطور ترجمه شده و در مجله معارف، دوره دهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۷۲، صص ۶۲-۱۱۶ به چاپ رسیده است.

باتوجه به متون، حروفیان که بکتاشی پنداشته می‌شده‌اند، در روم ایلی، مصر و در بعضی سرزمینهای آناتولی، مسلماً توانسته‌اند تا قرن ۱۳ هجری / ۱۹ میلادی معتقدات خود را حفظ کنند. حروفیان به ظاهر بکتاشی، نام حاجی بکتاش را تنها برای حفظ جان خود بر زبان می‌آوردند. به نظر آنان، هم پیر و هم خدا «فضل یزدان» است که او را «صاحب تأویل» و «صاحب بیان» می‌گویند. اما تردیدی نیست که همه بکتاشیان بر این اعتقاد نیستند. بعضی از آنان شاید تنها نام فضل را شنیده‌اند، ولی از حروفیه و تأویلات آنان خبری هم ندارند. آیا امروزه هم این اعتقاد کودکانه ادامه دارد؟ این را نمی‌دانیم، اما در اوایل قرن بیستم که هنوز بچه بودیم، از یک بکتاشی آلبانیایی شنیدیم که در میان بکتاشیان افرادی که مستطیع‌اند با پوشیدن لباس احرام و برپا کردن مراسم ابتدایی حج در میدان^۱ به صورت هفت بار رفتن و آمدن میان دو شمع به عنوان «سعی» به آیین حروفیه درمی‌آمده‌اند. العهده علی الراوی.

*

در فهرست متون حروفیه، ۵۷ کتاب توصیف شده است. اطلاعات به دست آمده درباره هر کتاب آن مقدار که ضروری است به دست داده شده است. تعداد کتابهای توصیف شده با توصیف رساله‌های موجود در مجموعه‌ها، کتابهای مکرر و گزیده‌ها و اشعار بالغ بر ۱۱۷ کتاب است. ۲۸ کتاب از میان آنها به ترکی و بقیه به فارسی است. از بین آنها دیوان نعیمی (فضل) دو جلد، جاودان، با یک نسخه ناقص، نوم‌نامه، عرش‌نامه و دیوان میرشریف هرکدام سه جلدند. بیان‌الواقع دو جلد، تراب‌نامه با یک نسخه ناقص، محشرنامه، یک رساله فارسی از میرفاضلی، و دیوان فارسی نسیمی هم هرکدام سه جلدند، دیوانهای مثالی و عرشی هرکدام دو جلد، عشق‌نامه عبدالمجید بن فرشته، سه جلد و آخرت‌نامه او دو جلد است. نسخه‌های مکرر را از آن جهت فرو نگذاشتیم که مقایسه مقدور باشد. اگر با این کوشش توانسته باشیم به عالم دانش خدمتی ارائه کنیم، خوشا به سعادت ما.

عبدالباقی گولپینارلی

۱. میدان: نامی است که به اتاق بزرگی که آیین‌های بکتاشی در آن اجرا می‌شد، داده‌اند.

کتابشناسی

کتابهایی که در تدوین مقدمه به آنها مراجعه کرده‌ایم
قرآن کریم، عهد عتیق، عهد جدید^۱

- ابن عربی: شجرة الکون، مصر، مطبعة البهیة، ۱۳۱۰.
- _____ : فتوحات مکیه، ۴ جلد، مصر، بولاق، ۱۲۷۲.
- احکام موجود در آرشو نخست وزیری، [استانبول].
- احمد رفیق: «رافضیان و بکتاشیان در قرن شانزدهم»، استانبول، کتابفروشی معلّم احمدخالد، ۱۹۳۲ [این مقاله به نام «شیعیان و بکتاشیان»] به وسیله راقم این سطور ترجمه شده، در مجله معارف، شماره ۱، ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است.
- اخبار الحلاج، تصحیح ماسینیون، پاریس، ۱۹۵۷.
- اسحاق (خواجه): کاشف الاسرار و دافع الاشرار، استانبول، ۱۲۹۱.
- اسحاق (سید): تراب نامه، کتابخانه ملت، نسخ خطی فارسی علی امیری، شماره ۱۰۳۴.
- _____ : بشارت نامه، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول شماره ۱۱۷۲.
- _____ : _____، (استانبول، ملت، کتب منظوم علی امیری، شماره ۹۴۳).
- _____ : خواب نامه، کتابخانه ملت، کتب منظوم علی امیری، شماره ۱۰۴۲.
- اشقورت، محمد: ایضاح الاسرار، نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۲۳۸۲.
- _____ : صلوات نامه، کتابخانه ملت، نسخ خطی فارسی علی امیری، شماره ۱۰۴۳.

۱. کتابهای یاد شده در صفحه ۱۵۳ متن اصلی را هم در این کتابشناسی وارد کرده‌ایم. - م.

- افلاکی، احمد (دده): مناقب العارفين، ۲ جلد، با مقدمه و یادداشت‌های پروفیسور تحسین یازیجی، آنکارا، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، ۱۹۵۲-۱۹۶۱.
- امین، محمد: وفیات پر عبر لاولی الالباب من اعتبر، نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه شماره ۲۴۱۸.
- استانبول، اورخان ف. کوپرلی: «گل بابا»، دایرة المعارف اسلام، جلد ۴، صص ۸۳۲-۸۳۴.
- جاویدی، علی: رساله، کتابخانه ملت، کتب خطی علی امیری، شماره ۴۳۷.
- حسین بن منصور [حلاج]: دیوان، ۱۹۳۱.
- _____ : کتاب الطواسین، تصحیح لویی ماسینیون، ۱۹۱۳.
- حامدی: دیوان، چاپ عکسی اسماعیل حکمت ارتایلان، استانبول، ۱۹۴۹.
- خواندمیر: حبیب السیر، جزء سیم از جلد سیم، بمبئی، ۱۲۷۳ هـ / ۱۸۵۸ م.
- رساله، نسب نامه فضل، کتابخانه ملت، کتابهای خطی علی امیری، شماره ۱۰۳۹.
- رفعت، احمد: مرآة المقاصد فی دفع المفاسد، استانبول، خان وزیر، مطبعة ابراهیم افندی، چاپ سنگی، ۱۲۹۳.
- رفیعی: بشارت نامه، کتب خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۷۷.
- سهی: تذکرة الشعراء، چاپ محمدشکری مدیر روزنامه عمید، ۱۳۲۵.
- شریف (میر): بیان الواقع، کتابخانه ملت، کتابهای خطی علی امیری، شماره ۱۰۲۷.
- _____ : _____، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۲۳۹.
- _____ : حج نامه، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۰۳۵.
- _____ : دیوان، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۵۲.
- شمس الدین، سامی: قاموس الاعلام، جلد ۲، استانبول، مطبعة مهران، ۱۳۱۶.
- شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی: الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، جزء ۶، مصر، قاهره، مطبعة القدس، ۱۳۵۴.
- عبدالمجید عزالدین بن فرشته: عشق نامه، استانبول، کتابخانه ملت، کتابهای خطی علی امیری، کتب شرعیته، شماره ۱۳۶۸.
- عرشی: دیوان، کتابخانه موزه مولانا در قونیه، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی.
- علی الاعلی: توحید نامه، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۱۵۸.

- _____ : قیامت‌نامه، کتابخانه پیشین، شماره ۱۱۹۵.
- غیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمدالاسترآبادی: استوانامه، کتابخانه ملت، کتابهای خطی
علی امیری، شماره ۲۶۹.
- غیبی، صنع‌الله: صحبت‌نامه، نسخه‌یی که از روی نسخه موزه مولانا و نسخه عثمان ارگین
استنساخ کرده‌ایم.
- فاضلی (میر): رساله، کتابخانه ملت، کتابهای خطی علی امیری، شماره ۱۳۰۹ و شماره ۹۹۰.
- _____ : رساله، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۲۹۲.
- _____ : موزه مولانا، کتابهای مولویخانه خانیه (= Hanya)، شماره ۶۱۲.
- فرهنگ جغرافیایی ایران، نشر دایره جغرافیایی ستاد ارتش، اسفند ۱۳۲۹ ه. ش. جلد ۹.
- فضل‌الله حروفی (نعیمی): جاودان‌نامه، کتابخانه ملت، کتب خطی فارسی علی امیری،
شماره‌های ۹۲، ۱۰۰۰، ۱۰۴۶.
- _____ : نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۸۶۹.
- _____ : دیوان، همان کتابخانه، شماره‌های ۱۸۶، ۹۸۹.
- _____ : عرش‌نامه، همان کتابخانه، شماره‌های ۹۹۲، ۱۰۰۳، ۱۰۱۱.
- _____ : محبت‌نامه، همان کتابخانه، شماره ۸۲۴.
- _____ : نوم‌نامه، همان کتابخانه، شماره‌های ۱۰۱۱، ۱۰۳۰.
- _____ : وصیت‌نامه، همان کتابخانه، شماره‌های ۹۹۳، ۱۰۰۹.
- کاتب چلبی: کشف‌الظنون، ۲ جلد، استانبول، مطبعة معارف، ۱۳۴۱-۱۳۴۲
ه / ۱۹۴۱-۱۹۴۳.
- کیا، دکتر صادق: «نقطویان و پسیخانیان»، ایران‌گوده، ۱۳، تیرماه ۱۳۲۰ یزدگردی.
- _____ : واژه‌نامه گرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ ه. ش.
- گوپینارلی، عبدالباقی: آداب و ارکان مولوی، استانبول، کتابفروشی انقلاب، ۱۹۶۳.
- _____ : «بکتاشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل‌الله»، مجله شرقیات،
جلد ۵، چاپخانه دانشکده ادبیات استانبول، ۱۹۶۴.
- _____ : «حروفیه و نامه‌یی از میرعالم جلال‌بیک»، مجله ترکیات دانشگاه استانبول،
شماره ۱۴، ۱۹۶۵.

- _____: «روحی بغدادی»، دایرةالمعارف ماهانه، شماره ۴۷، جلد ۴، مارس ۱۹۴۵.
- _____: «شاعران علوی - بکتاشی»، استانبول، کتابفروشی رمزی، ۱۹۶۳.
- _____: شیخ بدرالدین پسر قاضی سیماونه، استانبول، کتابفروشی ایتی، ۱۹۶۶.
- _____: «فضل الله حروفی»، دایرةالمعارف اسلام به زبان فرانسوی و انگلیسی، فرانسوی، صص ۷۵۱-۷۵۴، انگلیسی، صص ۷۳۳-۷۳۴.
- _____: فهرست نسخ خطی موزه مولانا، جلد ۱، سری ۳، شماره ۶، آنکارا، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، ۱۹۶۷.
- _____: فهرست نسخ خطی موزه مولانا، جلدهای منتشر نشده.
- _____: مولویه بعد از مولانا، استانبول، کتابفروشی انقلاب، ۱۹۵۳ [این کتاب به همین نام به وسیله مترجم این کتاب ترجمه و در ۱۳۶۵ در انتشارات کیهان به چاپ رسیده است].
- _____: «نامه‌یی از پسر فضل الله»، مجله شرقیات دانشگاه استانبول، شماره ۱، انتشارات انستیتوی شرقیات دانشگاه استانبول، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، آنکارا، ۱۹۵۶.
- _____: گولپینارلی، عبدالباقی: «نسیمی»، دایرةالمعارف اسلام، جزء ۹۲، استانبول، چاپخانه وزارت آموزش و پرورش، ۱۹۶۳.
- _____: «وصیت نامه یا وصایای فضل الله حروفی»، مجله شرقیات، شماره ۲، استانبول، مطبعه عثمان یالچین، ۱۹۵۸.
- _____: مجدی، ترجمه شقایق، استانبول، مطبعه عامره، ۱۲۶۹.
- _____: مجموعه، متعلق به رائف یلکنجی کتابفروشی که گویا در قرن ۱۶/۱۰ هـ مدون شده است.
- _____: مجموعه، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره‌های: ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۱۳۲، ۱۱۷۰، ۲۴۶۷.
- _____: مجموعه، کتابخانه ملت، کتب خطی علی امیری، شماره‌های ۱۸۶، ۹۹۳، ۱۰۵۲.
- _____: محمدبن حسن الدیلمی، قواعد عقاید آل محمد، مطبعه دولت، ۱۹۳۸.
- _____: مرتضی (درویش بکتاشی): درتیم، ترجمه جاودان، موزه مولانا در قونیه، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی.
- _____: مکرمین خلیل یینانچ: «جهانشاه»، دایرةالمعارف اسلام، جزء ۲۳، استانبول، مطبعه معارف، ۱۹۴۴.

- ناصر خسرو: *خوان الاخوان*، چاپ یحیی الخشاب، مصر، قاهره، ۱۳۵۹ هـ / ۱۹۴۰.
- _____ :وجه دین، چاپخانه شرکت کاویانی، برلین، ۱۳۴۳.
- نسیمی، عمادالدین (سید): *دیوان*، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۴۴۸.
- _____ : *دیوان*، کتابخانه ملت کتب خطی علی امیری، شماره های ۴۳۸، ۴۳۹.
- نشانچی، محمد پاشا: *نشانچی تاریخی*، استانبول، مطبعة عامره، ۱۲۷۹.
- نقیسی، سعید: *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ۲ جلد، تهران، ۱۳۴۴ هـ. ش.
- هدایت، رضاقلی خان: *ریاض العارفین*، تهران، ۱۳۰۵.
- هوار، کلیمان: «فضل الله»، ماده حروفی، *دایرة المعارف اسلام*، جزء ۳۵ و ۴۶، استانبول، ۱۹۴۷، ۱۹۵۰.
- یمینی، فضیلت نامه، چاپ علی حیدر و احمد خضر، استانبول، مطبعة جهان، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷.
- Clément Huart: "Textes Hourufis avec Traduction" (E. G. W. Gibb Memorial, Vol IX, Leyden, I. Brill Imprimerie Orientale, London. (1909).
- Osman Yahia: *Histoire et Clasification de L'oeuvre D'Ibn 'Arabi*, 2 vol. Enstitut Français de Damas, Damas, 1966.
- Ritter H. "Die Anfäge der Hurüfissette" (Oriense, NO. I, Vol. 7, 30. 6, 1945. Leiden, pp. 1-54).

بخش کتب فارسی

کتابخانه ملّت

(۱)

مجموعه، علی امیری، فارسی، شماره ۱۸۶

جلد تیماج نرم روی مقوّا، شیرازه دار، خط نستعلیق، کناره صفحات مجدول سرخ. آخرین ایات در وسط و مصراعها زیرهم نوشته شده، ۲۱۹ برگ، هر صفحه ۱۷ سطر، در هر سطر یک بیت، بین مصراعها مجدول مزدوج سرخ، اهدایی کنعان بیك (کنعان رفاعی، م ۱۹۵۰). ابعاد بیرونی: ۱۹/۶ x ۱۲؛ ابعاد درونی: ۱۴ x ۸/۵

I. ؟: دیوان فارسی

آغاز: بده ساقی ز جام جم شراب ناب مستانرا

مگر بیند در آن می جمال حسن جانان را
(ب ۱)

انجام و فراغنامه: کان ف که حیّ لاینام است

یک ذات و ورا هزار نام است
(ب ۱۷۷)

تمت الكتاب الشریف اللطیف علی ید المذنب المحتاج الرّاجی الی الرحمة والمغفرة ف ذوالرحمة الواسعة اقل عباد الله تراب اقدم اهل الله عبد ف آله کمال غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی شهر شعبان المعظم فی عشر آخر الیوم فی هجرة النبویّه سنه سبع و ثلثون و الف امیدواری

هست که چون عاشقان فآله بمطالعه شریفش مشرف گردند من نامراد را بفاتحه یاد کنند بحق
محمد و آله الامجاد (۱۷۸^آ).

در حرف «ا» ۹۰، «ب» ۳۴، در «ت» ۵۷، در «ث» ۱، در «ج» ۷، در «ح» ۷، در «خ» ۱، در «د»
۹۸، در «ر» ۵، در «ز» ۲، در «ش» ۱، در «ف» ۱، در «ق» ۳، در «ل» ۴، در «م» ۳۳، در «ن» ۱۶،
در «و» ۸، در «ه» ۲ و در «ی» ۴ غزل آمده است. ۳۷۴ غزل دارد. غزلیات در برگ ب ۱۴۶
پایان می یابد. بعد ترجیعات می آید. شاعر در هیچ شعری تخلّص نیاورده است. در هر غزل و
در هر بند ترجیع باستایش از «فضل» یاد می کند. همه اشعار درباره معتقدات حروفیه است. همان
گونه که در آ-ب ۱۶، آ-ب ۲۵، ب ۲۵-۲۶ هست، بعضی اشعار به لهجه گرگانی است.

II. فضل الله حروفی (م ۷۹۶ هـ / ۱۳۹۴ م): دیوان فارسی

۳۵ غزل، ۷ قطعه، ۸ رباعی، ۴ بیت و ۲ ترجیع بند دارد.

آغاز: بزرگوار خدایا برسینه آنها که علم و حکمت تو راه یافت دردل ایشان
(۱۷۸^ب).

انجام: کین همه طمطراق کن فیکون

شمه نیست پیش اهل جنون

(۱۹۴^ب)

(در این دیوان در حرف «ا» ۷، در «ت» ۱، در «د» ۷، در «ر» ۱، در «ز» ۳، در «س» ۱، در
«م» ۴، در «و» ۱، در «ه» ۱، در «ی» ۵، جمعاً ۳۱ غزل آمده، ضمناً در «د» ۱، در «ر» ۱، در
«ل» ۱، و در «م» هم یک غزل ناتمام جا دارد، ... دو شعر به عربی است. اشعار به ترتیب الفبایی
مرتب شده است.

III. تاریخ قتل فضل

آغاز: عالم الغیب وشهادت مالک ملک یقین

پادشاه قصرشش سو و بهرسو هفت تو

(۱۹۴^ب)

انجام: درالنجبه مشهد پاکش بیوس و بعد از آن
 سال تاریخش برون آر از «شهیدعشق او» (همان)
 (این تاریخ را در مقاله‌یی به‌نام بکتاشیه، حروفیه و سه ماده تاریخ درباره تاریخ قتل
 فضل‌الله، مجله شرقیات، شماره ۵، انستیتوی شرقیات دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول؛
 منتشر کرده‌ایم: چاپخانه دانشکده ادبیات، ۱۹۶۴، صص ۱۴-۲۲؛ این تاریخ در صفحات
 ۲۱-۲۲ است).

IV. علی: دیوان فارسی

آغاز: از فضل حق که هست خداوند روزدین رفتم به هفت بطن کتاب موحدین
 (۱۹۴ ب)

انجام: شد کشته علی و گشت فانی در نطق قدیم ف الله
 ف احدان خدای یکتا
 خلاق وجود کل اشیا

(آ ۲۱۱)

(در این دیوان کوچک دو قصیده به قافیه «ن»، در «و» ۱ و در «ت» یک قصیده و در همان
 حرف ۵ غزل، در «د» ۱۰، در «ر-ز» هر کدام یک غزل، در «م» ۲، در «ق، ه، ی» هر کدام
 یک غزل و یک ترجیع و جمعاً ۲۷ شعر آمده است. علی فانی از مریدان فضل است (نگاه
 کنید: دکتر صادق کیا: واژه‌نامه گرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ ه. ش، صص
 ۲۹۹-۳۰۰).

V. شریف: دو ترجیع بند فارسی

آغاز: ای مسافر به مسکن مألوف هست در راه ورطه‌های مخوف
 (آ ۲۱۱)

انجام: جز حروف اندر نهان و آشکار نیست چیزی گر تو می‌یابی بیار
 (آ ۲۱۶)

VI. کلیمی: ترجیع

آغاز: عیسی زشرف برآسمان شد
تا بنده صاحب بیان شد
(۲۱۶^آ)
انجام: ما بنده فی و ضاد و لامیم
داننده سر هر کلامیم (همان)

VII. رحمة الله: یک شعر فارسی

آغاز: ابتدای جاودان نامه چراشش ابتداست
هم الف در ابتدا و هم الف در انتهاست
(۲۱۷^آ)
انجام: رحمة الله هفت نقطه هفت اعضا هفت نیز
هفت رایک نقطه گرخوانی وگردانی رواست
(۲۱۸^آ)

VIII. علی: شعری در قالب مثنوی

آغاز: در طواف گرد کعبه از الف بی تی وئی
تا شود دو حرف و برخوانیش دیگر جیم وحی
(۲۱۸^آ)
انجام: چارنطق آدم از قول رسول کردگار
که حرف اند و نطق کس چون شد یکی (همان)
(به شماره ۴ مجموعه شماره ۱۰۵۲ نگاه کنید).

IX. شریف: شعر فارسی

آغاز: آمد حق از ره می که کسی را گمان نبود
آورد قصه که به کس در میان نبود
(۲۱۸^آ)
انجام: گنجی که مهدیش به خلیق عیان کند
جز جوهر شریف معانی بیان نبود
(۲۱۸^ب)
(درباره شریف به فهرست نسخ خطی موزه مولانا، جلد ۱، نگاه کنید: انتشارات مدیریت)

کَل آثار باستانی و موزه‌های وزارت آموزش و پرورش، سری ۳، شماره ۶، آنکارا، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، ۱۹۶۷، صص ۲۲۴-۲۲۶).

*

در پایان مجموعه این نوشته مربوط به جامع و کاتب آمده است:

صاحب این کتاب را یا رب از بلاهای دهرامانش ده
من ندانم که چیست مقصودش
آنچه مطلوب اوست آتش ده

(آ ۲۱۹)

(۲)

علی امیری، فارسی، شماره ۲۶۹

امیر غیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمدالاسترآبادی: استوانامه

جلد کاغذی ضخیم، ۱۰۸ برگ، هر صفحه ۱۴ سطر، خط نستعلیق، بالای آیات، احادیث و اسامی خاص خط قرمز کشیده‌اند، مجدول سرخ، از طرف کنعان بیک اهدا شده، ابعاد بیرونی ۱۵ × ۱۰/۸، درونی ۱۲ × ۶/۹.

آغاز: بسم... الحمد لله... ولا الضالین این سوره را حضرت لک صلعم از وحی الهی و کشف عالم نامتناهی به ده اسم خوانده است... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: در مقابل قلعه النجق امن من الآفات و البلیاتست که آنرا قلعه سنجریه می‌گویند بیندازند و از احرام بیرون آیند والسلام.

تمام شد از دست حقیرالفقیر درویش عیسی ابن کمال‌الدین خواجه عن مدینه ارکری کسری از محله تکیه غفرالله ذنوبهما و احسن عواقبهما سنه ۱۲۱۲ (ب ۱۰۱)

در برگ ۱ این نوشته‌ها هست:

تاریخ وفات مرحوم برقی افندی رحمه الله علیه فی سنه ۱۰۲۰.

ظهور علم فی سنه ۷۸۸ ولادت شریف صایل ج ه فی سنه ۷۴۰.

شهادت شریفی فی سنه ۷۹۶ عمر فی الدنيا فی سنه ۵۶ نقل علی اعلی فی الدارالبقاء م

فی سنه ۸۲۲ مقتول شدن دجال که مارانشاه است علیه لعنه فی سنه ۸۰۳. تا برگ آ ۱۰۴ اذان حروفی به ترکی، وضو، به هنگام شستن اعضای وضو اشعار سه‌بیتی و نماز است. در ب ۱۰۵ - ۱۰۸ دعا و توضیحاتی دربارهٔ صدقه به فارسی آمده است. امیر غیاث‌الدین محمد استرآبادی، این کتاب را دربارهٔ زندگانی فضل‌الله، مردانی که با وی مناسباتی داشته‌اند، خلفای او، جاهایی که سیاحت کرده و رفته است و دربارهٔ مرگ او به صحیح‌ترین وجه نوشته است و اکثر اوقات سال و ماه را تصریح کرده و اطلاعات به دست داده است و کتابی بسیار بااهمیت است. در ضمن از این کتاب دربارهٔ اعتقادات گوناگون حروفیه هم اطلاعاتی کسب می‌کنیم (به‌دایرةالمعارف اسلام به‌انگلیسی و فرانسوی، مقاله ما تحت عنوان فضل‌الله حروفی نگاه کنید: فرانسوی، صص ۷۵۱-۷۵۴، انگلیسی ۷۳۳-۷۳۵). از رسالهٔ موسوم به صلوات‌نامهٔ شیخ محمد که به نام اشقورت دده از او نام برده می‌شود، درمی‌یابیم که امیر غیاث‌الدین، خواهرزادهٔ علی‌الاعلی، برگزیده‌ترین خلیفهٔ فضل است و بجز استوانامه رسالهٔ دیگری به نام تراب‌نامه دارد (علی امیری، فارسی، ۱۰۴۳، آ ۵۰). در استوانامه خیر می‌دهد که بی‌بی‌ام‌الکتاب، امیرکلام‌الله، بی‌بی فاتحه‌الکتاب و امیرسلام‌الله از خاندان فضل در ۸۲۰ هـ به طاعون درگذشتند (۳۸). از ۱۵ رمضان سال ۸۴۶ هـ یاد می‌کند، می‌گوید جوابی که علی‌الاعلی به یک پرسش او می‌خواست بدهد، سی سال در میانه سپری شد (۹۶ آ - ۹۷ ب). از این نظر استوانامه بعد از نامه‌بی که در شمارهٔ ۸۲۵ آمده و در تاریخ ۸۳۶ هـ نوشته شده است و همچنین بعد از سال ۸۴۶ هـ تألیف شده است. غیاث‌الدین محمد از خلفای فضل است و بعد از آنکه یکی از خلفا، احمدلر روز جمعه ۲۳ ربیع‌الآخر ۸۳۰ هـ / ۱۴۲۷ م به شاهرخ (م ۸۵۰ هـ / ۱۴۴۷ م) سوء قصد کرد (نگاه کنید: شمس‌الدین محمدبن عبدالرحمن سخاوی: ضوء اللامع لأهل القرن التاسع، مصر، قاهره، مکتبه‌القدسی، ۱۳۵۴، جزء ۶، صفحه ۱۷۳؛ خواندمیر: حبیب‌السیر، جزء سیم از جلد سیم، بمبئی، ۱۲۷۳ هـ / ۱۸۵۸ م، صص ۱۲۷-۱۲۸) با امیرنورالله نوهٔ فضل دستگیر شد و مدتی طولانی در زندان ماند و

محاكمه شد و تمام این رویدادها را طی نامه‌ی طولانی که به یکی از خلفای فضل به نام حسن نوشته، بیان کرده است (متن این نامه را در اولین شماره مجله شرفیات منتشر کرده‌ایم، انستیتوی شرفیات دانشگاه استانبول، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، آنکارا، ۱۹۵۶، صص ۳۷-۵۷). با توجه به شجره نسب فضل که در برگ ۶۱ بیان‌الواقع از میرشریف که به شماره ۱۰۲۷ جزو کتابهای فارسی علی امیری در کتابخانه ملت ثبت شده است، امیر نورالله نوه فضل و پسر مخدوم زاده است. بنا به عبارت «رحمة الله علیها» که در بالای فراق‌نامه منسوب به علی الاعلی، مشهورترین خلیفه فضل که دومین رساله مجموعه شماره ۱۱۵۸ از نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول آمده است، «مخدوم زاده» دختر فضل است. در واژه‌نامه می‌نویسد که بعد از فضل، دخترش به جای وی نشست، در سال ۸۴۵ هـ / ۱۴۴۱ م در تبریز اغتشاشی برپا شد و به دست مظفردالدین جهانشاه قراقویونلو (م ۸۷۲ هـ / ۱۴۶۷ م) همراه پانصدتن دیگر اعدام شد و اجساد همه آنان به آتش کشیده شد (صفحه ۱۰، پاورقی ۲، و صفحه ۲۸۵. درباره جهانشاه به دایرة المعارف اسلام جزء ۲۳، صص ۱۷۳-۱۸۹ نگاه کنید. این واقعه در صفحه ۱۷۵ قید شده است).

(۳)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۴۳۷

کاغذ ضخیم، روی جلد کاغذ ابروباد، جلد شیرازه دار عطف و کناره میشن، ابعاد بیرونی ۱۴/۶ × ۹/۲ و ابعاد درونی ۱۰/۷ × ۵/۵، ۱۸۸ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر، مجدول سبز، خط نستعلیق، اهدایی کنعان بیک.

I. جاویدی، علی: رساله فارسی درباره شروع جاودان باشش «الف» (ابتدا).

آغاز: ای عاشق جمال خدا وای عارف رموز سراًخفا وای جوینده اسرار شش ابتدا عقل و هوش جمع کن... (ب ۱)

انجام: این بر چهار صفت در وقت ظهوران چهار کلمه است که به سبب خط استوا ظهور

می‌کند والسلام (۸۷^آ).

*

در برگ ۱^آ مَهْرِي بزرگ جا دارد. پس از آیه «الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدینا الله» (اعراف، ۷ / آیه ۴۳)، نوشته‌یی دارد به شکل طغرا که کلمه «وقف» و کلمات دیگر به خوبی خوانده نمی‌شود. در ۲^آ در جمله «این فقیر و حقیر بنده پرگناه خاک اقدام بنده گان ف‌الاه درویش علی‌الملقب بجاویدی...» نام خود و در عبارت: «در تاریخ هزار روز عید ابرار اواسط شوال این بار این معنی رونمود که شرح پنجاه پایه...» تاریخ آن را (۱۰۰۰ هـ / ۱۵۹۲ م) قید می‌کند. از صلوات‌نامه اشقورت دده که به شماره ۱۰۴۳ در همین کتابخانه ثبت شده است، خیردار می‌شویم که «جاویدی» خلیفه دست بریده محمد میرزا، خلیفه میرفاضلی است که او هم خلیفه علی‌الاعلی است. خلیفه جاویدی هم حمزه بیک است (۳۱^ب - ۳۱^آ). در مجموعه شماره ۱۰۳۴ در همین کتابخانه، برگ ۲^آ نوشته شده است که حمزه بیک در ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۳-۱۶۲۴ م وفات کرده است. در مجموعه ثبت شده در کتابهای فارسی علی‌امیری به شماره ۱۰۵۲ در برگ ۳^آ حمزه بیک توضیحی بر سوره فاتحه دارد.

II. جاویدی: شرح پنجاه پایه (به فارسی)

آغاز: بر براق درک پاکت شوسوار
تا به بینی آنچه دید آن شهسوار
(۸۷^ب)

انجام: در بسیار مواضع چنین ترکیبها صور و معنا مستعمل است انشاءالله درین ترکیب نیز همین معنی اراده فرموده باشند (۱۸۸^آ)

(۴)

ملّت، علی‌امیری، فارسی، شماره ۴۳۸

جلد تیماج نرم فرسوده، ابعاد بیرونی ۱۹×۲/۱۰، ابعاد درونی ۸×۱۳/۸ خط نستعلیق، ۷۸ برگ، سطور مختلف، عنوانها اکثر به سرخ، رنگ باخته.

نسیمی، عمادالدین: دیوان

آغاز: زلفت شبست ای سیم تن رویت مه تابان درو

خطّ تو پرگاری که هست اندیشه سرگردان درو
(۹^آ)

انجام: نسیمی رابه فضل حق چو وصل یار حاصل شد

منه کو مسند شاهی و بر سر تاج سلطانی
(۷۸^آ)

این نسخه با توجه به خطّ و کاغذ آن به اوایل قرن ۱۰ هـ / ۱۶ م و شاید هم به قبل از آن منسوب است. با آنکه نسخه‌ی صحیح و زیباست، در صحافی صفحات آن بهم خورده است. در آغاز آن رباعیات، ترجیع بند علی‌الاعلی و ترکیب بندی با عنوان «منقبت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه» و قصیده‌ی تحت عنوان «قصیده در مدح خندگار» آمده است (۱^آ - ۸^ب). در بیان‌الواقع میرشریف در شماره ۱۰۲۷ هم بنا بر نوشته‌ی که درباره‌ی خاندان فضل است، به خاتون بی بی دختر مخدومه نصرت، دختر فضل نیز «خاوندگار» گفته می‌شود (۶۱^آ). از ابیات زیر این قصیده (۷^آ - ۸^ب) چنین استنباط می‌شود که ممدوح با فضل نسبتی دارد و حتی کسی است که برجای او نشسته است:

در گلشن مدایح قطب سپهر فضل بر ساز زن نواء دلاویز چون هزار

.....

شاهنشاه ممالک جاه و جلال فضل صاحب قران عالم تأیید و اقتدار

.....

فهرست کارنامه تکوین نه سپهر مقصود کارنامه ابداع هفت و چار

.....

یعنی شهاب ملت دین کز علو قدر گشت از ازل مهّدا اوضاع روزگار

.....

مستدرک عیون شدی از گوهرش اگر جایز بدی مشاهده ذات کردگار

پایان این قصیده که از ۱^آ آغاز می‌شود و تا ۸^ب ادامه پیدا می‌کند، در ۷۳^ب است. قطعه‌ی که

در ۷۲^آ بابت زیر آغاز می‌شود، در ۷۴^ب است:

بزرگوار خدایا به سرّ سینه آنها که علم و حکمت تو راه یافت در دل ایشان

پایان مثنوی برگ آ - ۷۶^ب در آ - ۲۰^ب است. ۲۴ شعر با تخلص «نعمی» از فضل، ۲ شعر از

شریف، تنها یک مطلع از نسیمی و یک شعر ناتمام، و جمعاً ۱۴۳ شعر آمده است. همچنین در

آ-ب ۴۸ قطعه تاریخی به مطلع زیر درباره قتل فضل آمده که این شعر در دیوان موجود در شماره ۴۳۹ هم هست:

شرق و غرب از فتنه یا جوج چون شد پرفساد

تی و میم و واو وری قدکان جباراً عنید

در ب ۴۸ هم دومین قطعه تاریخ به مطلع زیر جا دارد (نگاه کنید: مقاله ما در مجله شرقیات، شماره ۵، چاپخانه دانشکده ادبیات، ۱۹۶۴، صص ۱۵-۲۲):

فضل یزدان شهاب ملت (و) دین که بُد از آفرینش او مقصد

(۵)

کتابخانه ملت، علی امیری، فارسی، شماره ۴۳۹

نسیمی، عمادالدین: (بیش از ۸۱۱ هـ / ۱۴۰۸ م): دیوان

دیوان، فارسی، جلد میشن، روی مقوایی، ۱۱۲ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، برگ اول سرلوح گل و بوته الوان و مذهب به شیوه عثمانی، مجدول طلایی و الوان، بعد از هر غزل یک بیت خالی رها شده و بدین سان غزلها از هم جدا شده اند، کاغذ ضخیم، آهارزده بدون فیلی گران، خط نستعلیق، از نظر خط و کاغذ و تذهیب به قرن ۹-۱۰ هـ / ۱۶-۱۷ م منسوب است، تخلص «نسیمی» به قرمز.

آغاز: ای بیخبر از حقیقت خویش از غصه بیش و کم دلت ریش
(ب ۱)

انجام: من با تو به صد زبان سخن می گویم سرتا قدمت منم کرامی طلبی
(ب ۱۱۲)

*

در آغاز دو مثنوی، مثنوی دیگر با عنوان قلندرنامه، مدیحه‌ی درباره حضرت علی (ع) که دو آن از ائمه اثنی عشر هم نام برده، مدیحه دیگر درباره حضرت علی (ع) آمده که از نجف یاد کرده، و در پایان به ذکر ائمه پرداخته است. شعری در قالب قصیده به نام فتوت نامه باتخلص «سید» دارد. در حرف «ا» ۱۴، در «ب» ۳، در «ت» ۴۳، در «د» ۷۴، در «ر» ۱۱، در

«ز» ۱، در «س» ۲، در «ش» ۲، در «ع» ف، ق، هر کدام ۱، در «ک» ۳، در «ل» ۴، در «م» ۲۳، در «ن» ۳۱، در «و» ۸ و در «ه» ۴۳ غزل و جمعاً ۲۷۰ غزل آمده، یک ترجیع بند. یک مستزاد و یک مخمس، یک قطعه درباره قتل فضل، یک قطعه دیگر و ۶۴ رباعی.

ماده تاریخی که درباره قتل فضل آمده، همان تاریخ دوم است که در مجله شرقیات منتشر کرده‌ایم (دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، انتشارات انستیتوی شرقیات، چاپخانه دانشکده ادبیات، ۱۹۶۴، بکتاشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل الله، صص ۱۵-۲۲، این تاریخ در صفحه ۲۱ است). قطعه ماده تاریخ که در مقاله ما شش بیت است، در این دیوان هفت بیتی است و بیت ۵ در مقاله ما نیست. در این کتاب بیتی که سال قتل را نشان می‌دهد، یک بیت قبل از آخرین بیت نوشته شده است. وقوع قتل در روز جمعه را هم به دست می‌دهد و صحت تاریخ اول را تأیید می‌کند (مقاله پیشین، صفحه ۲۰). چون بعضی خطاها در اینجا اصلاح شده، آخرین بیت را یک بیت جلوتر می‌آوریم و آن تاریخ را دوباره در اینجا قید می‌کنیم:

شرق و غرب از فتنه یا جوج چون پرشد فساد

تی و میم و واو و ری قدکان جباراً عنید
 مظهر لطف آلهی هادی انس و ملک
 آنکه مثلش کس ندید و هم نخواهد نیز دید
 چون بظلم از ملک شیروانش طلب کردند و رفت
 بر در آلتجه بود آن نطفه شمرو یزید
 خرس و خوک و بود ملعونی و مردود نجس
 بدفعال و بد سیر بدبخت مردار و پلید
 روز آدینه که بد عید مساکین از قضا
 سادس ماهی که خوانندش بتازی ذی القعید
 رفته از تاریخ هجرت بود ذال و صاد و واو

قل کفی بالله یعنی فضل یزدان شد شهید
 نسخه دیگری از دیوان فارسی نسیمی، چهارمین کتاب مجموعه شماره ۲۴۱۶ در موزه مولانا در قونیه است. همچنین نسخه دیگری در میان نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۴۴۸ است که فراغانمه «کته الفقیر الحقیر المحتاج الی حضرت ذات قدیر

مثالی خاک پای فضل الله کبیر فی نفس صولتق در روز یکشنبه اواسط ربیع الاول سنه ستّ و ستین و تسعمائه» (۱۱۵^آ) را دارد. در میان کتب فارسی علی امیری، به شماره ۴۳۸ نیز نسخه دیگری موجود است. این دیوان را باید با نسخه‌های عرضه شده مقایسه کرد (در دایرةالمعارف اسلام، به ماده «نسیمی» نگاه کنید، جزء ۹۲، استانبول، ۱۹۶۲، صص ۲۰۶-۲۰۷).

(۶)

علی امیری، فارسی، شماره ۸۲۴

جلد تیماج صاف، روی مقوّایی، ۱۱۹ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، خط نستعلیق، برگ ۳۰ خالی، با توجه به رادّه ب ۲۹ افتادگی ندارد.

فضل الله: محبت نامه

آغاز: بسم... هو در تقسیم و ه دوح بشناس و بخوان ای خواننده طوط و ه کریم د عکه
کے لے فرموده است حمص و علی ص الرحمٰن از تقسیم ط و ه که یکی موی سر
اوست و چهار مژه و دو ابرو... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: حضرت بخودی خود نوشت می کنند پس منزل آخر صم از علما و زاهدان و حکما و شهدا بعالم عشق می کشد که اذاقلته فانادیته تمت الكتاب الشریف اللطیف اقل عبادالله تراب اقدام اهل الله عبد ف آله جعفر ابن بکر ابن جعفر عن محله دیویتدار خدام عرشی دده غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی شهر رجب المرجب فی هجرة النبویه سنه ستّ و سبعین و مائه و الف فی یوم بازار فی وقت ساعت شب پنج (۱۱۹^آ) اگر توجه شود که کاتب خود را «خدام عرشی» معرفی کرده، درویش یا شیخ خانقاه منسوب به عرشی بوده است. «عرشی» بنا به اشاره نسخه ۱۰۳۴ در ۹۷۰ هـ / ۱۵۶۲-۱۵۶۳ م وفات کرده است (ب). درباره بعضی نسخه‌های محبت نامه به واژه نامه گرگانی (صص ۴۶-۴۷) نگاه کنید.

(۷)

علی امیری، فارسی، شماره ۸۲۵

غیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمد الحسنی الاسترابادی: مکتوب
غیاث‌الدین محمد از خلفای فضل است و پس از قتل او به دنبال سوء قصدی که علیه شاهرخ (م ۸۵۰ هـ) پسر تیمور صورت گرفت، با امیرنورالله، نوه فضل و چند درویش به جرم ترتیب دادن سوء قصد متهم شد و به زندان افتاد، مورد بازجویی قرار گرفت و سرانجام آزاد شد. در نامه این رویدادها را حکایت می‌کند و به شخصی به نام «حسن» از خلفای فضل فرستاده شده است. ۱۷ برگ دارد.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين يا كهيعص اعوذ بك من الذنوب التي توجب النقم ...
(ب ۱)

انجام: و این همه تنبیه و نمودارست والسلام این صحیفه الاخلاص در محروسه باعقبه در روز جمعه شانزدهم ماه جمادی الاول صورت تحریر یافت سنه ست و ثلاثین و ثمانمائه تمت المحب‌المشاق غیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمد الحسنی الاسترابادی (ب ۱۷)

※

این نامه را در مجله شرقیات منتشر کردیم. اینکه در آنجا به پسر فضل الله اسناد داده ایم، اشتباه است. برای توصیف و متن آن نگاه کنید: مجله شرقیات، شماره ۱، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، آنکارا، ۱۹۵۶، صص ۳۷-۵۷. استوانامه غیاث‌الدین در همان بخش در شماره ۲۶۹ است. نگاه کنید.

(۸)

علی امیری، فارسی، شماره ۹۲۰

فضل الله حروفی (نعیمی) (۷۹۶ هـ / ۱۳۹۴ م): جاودان نامه
به لهجه گرگانی، اهدایی کنعان بیک.

جلد تیماج آلبالویی پررنگ صاف، حاشیه زنجیره طلایی، لولادار، مسجدول مزدوج سرخ، در حاشیه به خط کاتب افزونیها و اصلاحاتی دارد که نشان می دهد با نسخه یی دیگر مقابله شده، خط نستعلیق خوش، ابعاد بیرونی ۱۷×۵/۹، ابعاد درونی ۱۳×۸/۶، ۴۳۷ برگ، هر صفحه ۲۱ سطر دارد.

آغاز: ابتدا ابتدا ابتدا ابتدا ابتدا ابتداء خلقت ازینجا نهاد اوراق دیگر که آنها (اینجا: درهامش) مبنی بر سؤالات است که جای دیگر نیست الا اینجا بسم الله الرحمن الرحيم ولقد آتيناك سبعاً من المثاني که هفت شب و روز بود که شش باز... (ب ۱)

انجام: شانزده جلد دیگر است فی رق منشور که شانزده رق کج است اصلاحی ط حق را وان صدق الله العظيم و عبده من عباده الشاهدين الحمد لله رب العالمين نامه جاودانی که آسمانی است ایراد برادر عزیز عیسی الله دام توفیقه از جانب کرسی خدا از باکویه در حالت انزوا در مقام سدره المنتهی عندها جنة المأوی تشریف ارزانی فرمود بهمان قلم که بر احرام پاک حضرت مخدوم زاده خود در کتابت ج ی و محبت نامه الهی و عرش نامه الهی رفته بود ج ه بنده فقیر و حقیر علی بن محمد حسینی بکتابه آن مشرف و مفاخر و مباهی دو جهانی جاودانی شد و شک نیست که بهمت روح پاک حضرت خداوند زاده این کمترین بنده بود و شک نیست که اگر ح فضل غفار الذنوب بنظر عنایت و مغفرت التفاتی نفرمودی در چنین حالت این دولت و سعادت میسر نشدی الحمد لله لولئ التعم (ب ۴۲۳)

چنانک ص صبح دو رکعت است و دو که است و شام سه رکعت است دال سه که است و پیشین و عصر و خفتن چهار رکعت است و لام الف غیر مکرر چهار که است والله اعلم و احکم تمّت (ب ۴۳۶)

فراغنامه: تمت الكتاب الشريف تأويل ربّاني وصله نجات امید دو جهانی اعنی نامه جاودانی ازدم فیض فضل سبحانی از دست تراب اقدام اهل الله عبد ف آله وجهی روسیاه و پرگناه امیدوار برحمت بی دریغ ف غفور و غفار عیب پوش و ستار جاعل اللیل و النهار کردگار صورت نگار در روز هفدهم ماه رمضان فی هجرة النبوية سنة اثنی و تسعین و تسعمایه مقصود مراد بحرمت نبی و آله الامجاد عاشقان آله که بمطالعه شریفش مشرف

و سرافراز گردند بآب روی دوازده امام صلوات الله سلام الله بعزت و عظمت فضل الله
ذات الله من نامراد را فاتحه و فایحه برسانند نسخه اصل نه چندان بود گر خطایی
سهوا قلمی رفته بجرم و گناه ما رقم عفو بکشند و بدامن کرم گستاخی کمینه را
پوشانند بآرک الله لصاحبه غفر الله لکاتبه

گر بخوانی از دم ف خدایی جاودان

بهر وجهی عاشق صادق بخوان سبع المشان

وصف این را کی توان کردن که وصافش خداست

راه حق این مذهب این و کیش اینست عاشقان

والصلوات والسلام علی محمد وآله الطیبین الطاهیرین ائمة المعصومین (۴۳۷۰)

(در ب ۴۳۷ با عنوان «الراقمه الفقیر»، در آ ۴۳۸ با همان خط غزلی ۹ بیتی به ترکی است که

با مقطع زیر و با عنوان «المحرزه» آمده است و یک بیت به فارسی دارد:

صورتاً گرچه گدای فضل حقوز وجهی لیک

معنیه کون و مکان ملکنه سلطان اولمشوز^۱

این نسخه که روز ۱۷ ماه رمضان سال ۹۹۲ به دست شخصی حروفی با تخلص «وجهی»

استنساخ شده است، چنانکه در ب ۴۲۳ در تتمه نسخه اصلی هم بیان کرده است، از نسخه

جاودان نامه که به خط علی بن محمد حسینی از دستخط مخدوم زاده نوشته شده و برادر عزیزی

به نام عیسی آن را از باکویه آورده است، استنساخ شده است. از برگ ب ۶۱ رساله معادیه

شماره ۱۰۲۷ کتابهای فارسی علی امیری که به خطی دیگر اسامی افرادی که از جهت نسب با

فضل ارتباطی دارند، نوشته شده است، در می یابیم که دختر فضل به نام نصرت، دختری دارد

به نام خاتون بی بی که «خاوندگار» خوانده می شود، نام پسر او امیر نورالله، «عیسی» است. این

نسخه از آن نظر هم که به لهجه گرگانی نوشته شده است، یکی از کهن ترین و صحیح ترین

نسخه های جاودان است. در همان کتابخانه و در همان بخش به شماره ۱۰۰۰، نسخه سالم و

۱. یعنی: ای «وجهی» اگرچه به ظاهر گدای فضل حقیق ولی در معنی سلطان ملک کون و مکان شده ایم.

بسیار زیبایی از جاودان به فارسی رایج (نه به لهجه گرگانی) موجود است که در دهه اول ذی الحجه ۸۴۵، یعنی ۴۸ سال و اندی پس از کشته شدن فضل استنساخ شده است (نگاه کنید). یک نسخه کهن تر دیگر هم در میان کتابهای فاتح، وابسته به کتابخانه سلیمانیة استانبول به شماره ۳۷۲۸ ثبت شده است. این نسخه به ابعاد بیرونی ۱۷/۵ x ۱۲/۵ و ابعاد درونی ۱۴ x ۱۰ و به خط نستعلیق نوشته شده است، هرچند تاریخ کتابت ندارد، از کاغذ و شیوه املاي آن چنین استنباط می شود که این نسخه حداکثر در نیمه دوم قرن ۹ هـ / ۱۵ م استنساخ شده است. یکی از متملکان آن در رویه برگ اول آن این قید را افزوده است: «کتاب جاودان کبیر لفضل الله الحروفی ترکی به ترجمه سی وارد و مشهور متداولدر و مترجمی بکاشی درویش مرتضادر انجق ترجمه سی تمامیه اصلنه مطابق دگلدر نساخ تزید و تقصیر ایتمش اولمق احتمالی وارد»^۱. درویش مرتضی، جاودان را در ۱۰۴۸ هـ / ۱۶۳۸-۱۶۳۹ م ترجمه کرده است. این نسخه چنانکه از تصحیحات حواشی آن استنباط می شود، به خط خود اوست، در میان کتابهایی است که به کتابخانه موزه حضرت مولانا وقف کرده ایم. نسخه دیگر از این ترجمه که در تیم نام دارد، باز در همان کتابخانه موجود است. جاودان که به شماره ۸۶۹ در نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول ثبت شده است، به خط همان نسخه یی است که به کتابخانه موزه مولانا در قونیه وقف کرده ایم. این نسخه را درویش مرتضی در اوایل ربیع الاول ۱۰۴۹ هـ / ۱۶۳۹ م استنساخ کرده است. به شماره ۱۲۵۶ در کتابخانه مزبور نسخه جدیدی از جاودان موجود است.

از استوانامه (ملت، فارسی، ۲۶۹، ب ۲۹) و از شعر شخصی به نام رحمة الله (نگاه کنید: شماره ۱۱۸۶، VII) در می یابیم که جاودان نامه با شش «ابتدا» آغاز می شود. در نسخه های فارسی با عبارت: «از جمیع اطراف روی به کعبه می باید کردن...» آغاز شده است. معلوم می شود که فضل، جاودان را به لهجه گرگانی نوشته است و بعد برای اشاعه آن، خود وی و یا یکی از خلفایش آن را به فارسی معمولی برگردانده است.

۱. یعنی: ترجمه ترکی دارد که مشهور [و] متداول است، مترجم آن درویش مرتضی بکاشی است، اما ترجمه آن کاملاً منطبق با اصل نیست، احتمال می رود که کاتبان در آن کم و زیاد کرده باشند.

(۹)

علی امیری، فارسی، شماره ۹۸۹

فضل الله حروفی (نعیمی) (۷۹۶ هـ / ۱۳۹۴ م): دیوان فارسی

جلد مقوایی روی آن کاغذ ابر و باد، ۲۶ برگ، در هر صفحه ۱۶ سطر دارد، مقطع غزلها مصراع به مصراع زیرهم نوشته شده، حاشیه صفحات و میان مصراعها مجدول سرخ، در هر سطر یک بیت، از ۵ آغاز می شود و در ۲۵ پایان می یابد، ابعاد بیرونی ۱۷/۶ × ۱۲، ابعاد درونی ۸/۱۲ × ۷/۸، اهدایی کنعان بیک.

آغاز: بزرگوار خدایا به سرّ سینه آنها که علم و حکمت تو راه یافت در دل ایشان (۵ ب)

انجام و فراغنامه: کین همه طمطراق کن فیکون

شمة نیست پیش اهل جنون
تمام شد از دست حقیرالفقیر المؤذن درویش عیسی بن کمال الدین خواجه عن مدینه
ارکری کسری غفرالله ذونوبهما و احسن عواقبهما فی الدارین آمین بحرمة و آله اجمعین سنه
۱۲۰۹

علی المرتضی یار کسی باد که کاتب را به الحمدی کند یاد

(۲۵ آ)

*

در این دیوان کوچک که بدون ترتیب الفبایی نوشته شده است، در حرف «ا» ۷، در «ت» ۱، در «د» ۸، در «ر» ۱، در «ز» ۳، در «س» ۱، در «م» ۵، در «ن» بدون بیت مقطع ۱، در «و» ۱، در «ه» ۱، در «ی» ۲، جمعاً ۳۱ غزل، ۵ قطعه، ۲۵ رباعی، ۷ بیت و مفرد، و ۲ ترجیع بند و بدین ترتیب ۷۰ شعر موجود است. در برگ ۱ «نادعلی»، در ۴ یک بیت فارسی، دو رباعی با عنوان «از رباعیات سید اسحق»، «دیگر رباعی منه» آمده است. چون این رباعیها را در ترجمه حال سید اسحاق با اهمیت تشخیص دادیم، در اینجا می آوریم:

از رباعیات سید اسحق

سی سال فتاده مرده بودم در خاک ناگاه ندا رسید از عالم پاک

کز خاک برآر سر کزین پس جاوید از ف خدا نمآند بنیاد هلاک
دیگر رباعی منه

سی سال ز بعد مرگ از ف خدا ناگاه به گوشم آمد از غیب ندا
کای مرده سی سال چه خفتی در خاک برخیز که هنگام حسابست و جزا
در ب^{۲۵} - ۲۶ حلیه عربی و بعضی عبارات ترکی درباره حلیه؛ در ب^{۲۶} از «محیطی» و
«عرشی» هر کدام یک بیت ترکی، و دوسطر نوشته فارسی با عنوان «نصایح» آمده است
(به کتاب دوم مجموعه مندرج در شماره ۱۸۶ نگاه کنید).

(۱۰)

علی امیری، فارسی، شماره ۹۹۰

جلد مقوایی ابر و باد عطف و حاشیه میشن، ابعاد بیرونی ۱۵/۲ × ۸/۱۰، ابعاد درونی
۱۱/۷ × ۹/۱، خط نستعلیق، هدایی کنعان بیک، ۶۳ برگ.

میرفاضلی: رساله

۵۸ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، نام این رساله فارسی که درباره حروفیه است در
متن و فراغنامه قید نشده است.

آغاز: بسم... قوله ج ج ج کلام صاحب کمال که بیان و همه اشیا... (ب^۱)
انجام و فراغنامه: وح کلام الله ناطق را امیر النحل خوانند زیرا که انسان کامل بغیر از یک
خدا نمی پرستد پس او امیر موحدان باشد چون او اول در امت او دانست و این
جماعت ز نابیر نیز غیر یک پادشاه قبول ندارند فافهم تمت فی سنة ثمانه و اربعین و
مائة و الف از دست الفقیر الحقیر درویش با یزید بن ممی خلیفه من ارکری قصری
(۵۸^آ)

*

در برگ ۵۳^آ رساله، ۶ بیت از شیخ ابوالحسن با قید «رضوان الله علیه» نقل شده است. در
۵۴^ب جمله «وقتی که سنت خلیل آه را که ادراک اقل عباد الله درویش حبیب الله دریابند...»
آمده است. از خواب نامه سید اسحاق که در همین قسمت کتابخانه به شماره ۱۰۴۲ ثبت است،

درمی‌یابیم که ابوالحسن از خلفای فضل است. در دومین رساله مندرج در مجموعه شماره ۱۰۳۰، صاحب رساله خود را «اقل عبادالله المتوکل بفضل الله حبیب الله» یاد می‌کند (ب ۳۹). در نسخه ۱۰۲۷ در شجره کتاب المعادیه میرشریف خبر می‌دهد که امیر نورالله، نوه فضل، پسری به نام حبیب‌الله داشته است (ب ۶۱). از صلوات‌نامه اشقورت دده به شماره ۱۰۴۳ برمی‌آید که میرفاضلی، خلیفه علی‌الاعلی بوده که در ۸۲۲ درگذشته یا کشته شده است (نگاه کنید: عبدالباقی گولپینارلی: بکتاشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل‌الله، مجله شرقیات، ۵، ۱۹۶۴، صص ۱۵-۲۲). این رساله نخستین رساله مجموعه شماره ۱۰۳۹ است. در مجموعه شماره ۶۱۲۰ در کتابخانه موزه مولانا در قونیه در میان کتابهایی که از مولویخانه خانیه (= Hanya) آمده است نیز این رساله اولین رساله است.

در ب ۵۸ - ۶۲^آ بعضی مباحث درباره حروفیه به ترکی و مطالبی از محشرنامه علی‌الاعلی آمده است. در ۶۳^آ این نوشته آمده است: «صاحب بیان حضرتلرینک مرقد شریفلری تبریزدن اوته استرآباد یاننده النجه در لربرقصبه در آنده واقع اولوب زیرزمینده در علی‌الاعلی حضرتلری دخی آنده دفن اولوب آندن غیری دخی برمزار وارد و حضرتک اورتسی سیاه و علی‌الاعلی نک یشیلدر و اول برمزارک قرمزی در م»^۱.

این رساله در مجموعه‌یی میان نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول که در شماره ۱۶۲ ثبت شده است و در سال زلغ (۱۰۳۷) به خط درویش عبدالله بسنوی استنساخ شده است، اولین رساله است. نسخه دیگر آن که در ۱۱۹۳ به خط باقر قاموزاده عبدالجلیل استنساخ شده در همان بخش همان کتابخانه در شماره ۱۲۹۲ ثبت شده است.

(۱۱)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۹۹۱

[شعر]

جلد میشن لولادار، ابعاد بیرونی ۱۷/۷ x ۱۰/۲ و ابعاد درونی مختلف. در این مجموعه

۱. ترجمه این عبارت در مقدمه آمده است.

که اشعاری از مولانا، ابوسعید ابوالخیر، حافظ، باقی و دیگران آمده، بعضی قسمتها از آغاز حدیقه السعد را دربردارد و به خط نستعلیق کتابت شده است، در آ^{۱۷}، ب^{۲۰}، ب^{۲۳} - آ^{۲۴} از فضل (نعیمی) ۵ غزل، در ب^{۸۱} - ب^{۸۴} ترجیع بندی از نعیمی، و در ب^{۶۶} از شریف ۴ رباعی آمده، آغاز و انجام کتاب افتاده است.

(۱۲)

علی امیری، فارسی، شماره ۹۹۲

فضل الله حروفی: عرش نامه

جلد تیماج سرخ، روی آن کاغذی ضخیم، ابعاد بیرونی $۹/۸ \times ۱۴/۶$ ، ابعاد بیرونی $۹/۷ \times ۴/۵$ ، ۷۶ برگ، هر صفحه ۱۵ سطر دارد، در هر سطر یک بیت، بعضی مصراعها و ابیات زیرهم و در وسط کتابت شده، خط نستعلیق، اهدایی کنعان بیک.

آغاز: بی بسم الله الرحمن الرحیم
آدم خاکست ای دیو رجیم
(ب^۱)

انجام و فراغنامه: چون کلام حق زحق نبود جدا

تو خدا را میطلب در جمله جا

فقیر و حقیر روی سیاه کمترین بنده گان فضل یزدان درویش محمدابن صالح اقچه حصاری

غفرالله لکاتبه فی شهر سفر [کذا] سنه ۱۱۶۷

هر که خواند یک دعا از بهر ما
یا رب او را حشر کن با اولیا (ب^{۷۶})
در آ^{۷۶} می گوید:

کرد این را عرش نامه نام حق کس نگیرد تا ابد براین سبق

جاودان نامه باشد نام او باز چون جاوید هست اکرام او

تا بود آوازه عرش و کلام از منت بر عاشقان حق سلام

و عرش نامه را جاودان نامه نام می نهد، ولی جاودان مشهور و اصلی جز این است. امیرغیاث الدین در استوانا، سه کتاب به نامهای: جاودان نامه، عرش نامه و محبت نامه را به فضل اسناد می دهد (شماره ۲۶۹، ب^{۲۹}) و از عرش نامه به ابیاتی استشهاد می کند (همان،

ب ۷، به واژه‌نامه گرگانی دکتر صادق کیا هم نگاه کنید، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰، صص ۲۸-۲۹ و صفحه ۳۰۲).

(۱۳)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۹۹۳

جلد اصلی افتاده، روی کاغذ پوشیده، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی $۱۳/۵ \times ۸/۸$ ، ابعاد درونی $۱۰/۲ \times ۵/۷$ ، ۱۲۹ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، اهدایی کنعان بیک.

I. ؟: نفائس الحقایق

رساله‌ی منشور و فارسی که بنا بر اعتقادات حروفیه، «حروف تهجی» را تأویل می‌کند. آغاز: بسم... وصف جمیل بوجه تعظیم و تبجیل سزاوار آن صاحب جمالیست که نفایس حقایق انفاس خلایق را گردانید (ب ۱) انجام و تاریخ: امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام گفته است که من اشارالیه فقد حدّه و من حدّه فقد عدّه یعنی هرکه او را حدی پیدا کرد پس نشاید به او اشارت و التّلام تمت رساله سنه ۱۰۳۴ (ب ۱۹)

II. جاویدی، علی: رساله‌ی درباره‌ی حروف

آغاز: بسم... ستایش مالایحسی و سپاس در غایت اقصی مرآن عالمی را که هرکه را عارف بر حقیقت اشیا و واقف از ماهیت اسم و مستأگردانید... (ب ۱۹) انجام: هرکه اقراری و انکاری بفتنی می‌کند که بود صاحب و قوف او ازو شاید شنید وانکه علم از صاحب فتنی فراگیرد ازو هرچه گوید از ره سمع رضا باید شنید (ب ۳۹)

*

این رساله از مدیحه‌ی است که در ب ۲۱ با بیت زیر آغاز می‌شود:

هرکرا دولت قرین آمد زبخت کامکار جز در تحقیق دیگر در نزد از هیچ باب
و در آ ۲۳ با بیت زیر ختم می‌شود، و چنین برمی آید که این رساله به نام یکی از امرانوشته شده است:

بر سریر سلطنت بادی به کام دوستان کامران و کامجوی و کامبخش و کامیاب
در آ^{۲۶} از سخنان زیر درمی یابیم که از جاویدی، مؤلف شرح پنجاه پایه است:
از آن جمله یکی این بود که در اوّل عرش نامه این بیت چه معنی دارد که
بیء بسم الله الرحمن الرحیم
آدم خاکبست ای دیو رجیم
این فقیر چون درین بیت سابق توجیه چند کرده بود و بدل بر پنجاه بیت که در اوّل عرش نامه که
در بیان خلقتست رساله نوشته بود...

از عبارات زیر در آ^{۳۸} درمی یابیم که با شرف الدین یزدی (م ۸۵۸ هـ / ۱۴۵۴ م؛ درباره
ترجمه حال و آثار او به: سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن
دهم هجری، جلد ۱، ۱۳۴۴ هـ. ش. صص ۲۴۸-۲۴۹؛ جلد ۲، صفحه ۷۷۵ نگاه کنید)
مناسباتی داشته است (درباره علی جاویدی به توضیح رساله اوّل مجموعه شماره ۴۳۷ نگاه
کنید):

«وقتی در شهر یزد مولانا شرف الدین یزد که مشهور است در علوم فنون ریاضیات
به تخصص در فنّ معما که حالیا در میان مستعدان است به این فقیر گفت که...».

III. سید شریف: رساله اسم و مسما

آغاز: بسم... ستایش بر کمال نثار ذاتیست که اسماء خود را از روی احدیت ذات عین مسما
گردانید.

انجام: اگر اسم عین مسما نباشد از تسبیح مسما لازم نباید (نیاید) والسلام. (آ^{۴۷})
باتوجه به جمله «و این فقیر با بسیاری از طلبه که خود را مستعد می داشتند به تخصص در
مملکت روم مباحثه اسم و معما کرده است». از آ^ب-۴۲ معلوم می شود که در آناطولی بوده
و باتوجه به اسلوب وی، همان سید علی از خلفای فضل است (فهرست نسخ خطی موزه
مولانا، جلد ۱، آنکارا، ۱۹۶۷، مجموعه ۱۶۴۳، صفحه ۲۲۴ و بعد). این رساله، رساله سوم
مجموعه شماره ۱۱۳۲ در میان نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول است که در
۱۲۰۰ هـ به خط درویش علی بن درویش حسن استنساخ شده است و در تمه آن قید «تمت
هذه نسخه لطیف اسم و مسما سید شریف» آمده است. شریف، دیوانی ۷۷ برگی در میان
نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۱۳۰ دارد که به ترتیب قافیه ها مرتب

شده، در ترجیع‌بندی در این دیوان تصریح می‌کند که محضر فضل را درک کرده است (ب۷۳). آغاز این دیوان افتادگی دارد؛ در فهرست موزه مولانا از این دیوان بحث کرده‌ایم، صفحه ۲۲۵. رساله اسم و مسما هفتمین رساله است که در *Textes Hourufis*، تصحیح کلمان هوار، لندن، ۱۹۰۹، صص ۹۰-۹۸ انتشار یافته است.

IV. ؟: رساله

آغاز: بسم... بدان که در عرش نامه آلهی این کلمه بسیار می‌آید که بشنو از من عنده علم‌الکتاب (ب۴۷)

انجام: در نقش جهان به غیر نقاش کس راه نبرد گفتمت فاش
و حروفی را ضبط این مسئله از مهماتست والسلام تمت بعون ف قدیم (ب۴۸)
برآئیم این رساله که مصراع «بشنو از من عنده علم‌الکتاب» را شرح می‌کند، از جاویدی است.

V. ؟: رساله

آغاز: بسم... شکر و سپاس زداینده تفرقه و وسواس و دفع کننده تخیل و قیاس را که... (ب۴۹)

انجام: فصل نماند وصل نباشد و هذا فراق بینی و بینک والسلام علی من اتبع الهدی (آ۵۱)

VI. ؟: رساله

آغاز: همه اشیا که مظاهر حروفند محکوم حکم حروفند... (آ۵۱)
انجام: جمله بیاد بردهی بازهری زانس و جان (آ۵۲)

VII. ؟: رساله

آغاز: بسم... حمد ییحد و ثنای ییعد شایسته حضرت جوادیست که... (آ۵۲)
انجام: اینچنین انسان کامل دانشم لاجرم من کون جامع دانشم
والسلام علی من اتبع الهدی (ب۶۱)

VIII. اسحق: رساله

آغاز: بسم... بدان ای طالب سرالله که بحکم کنت کنزاً مخفياً... (آ ۶۲)

انجام: هر که جزا نقطه خواهد آنچه خواست

دزد دین است نیست او بر راه راست

(ب ۶۶)

چنین استنباط می‌کنیم که این رساله از سید اسحاق مؤلف خواب‌نامه است که دربارهٔ حیات فضل به اندازه استوانه اهمیت دارد. این مطلب از آخرین بیت مثنوی ۴۶ بیتی او که ذیلاً نقل می‌کنیم، استنباط می‌شود:

با خود آ اسحق وزین در درگذر چند گویی قصه گم کرده سر

(ب ۶۶، بیت ۷. دربارهٔ سید اسحاق به توضیح نسخه شماره ۱۰۳۱ نگاه کنید).

IX. ابوالحسن: زبده النجاة

آغاز: بسم... بدان ای طالب صراط مستقیم وای جوینده راه نجات و رستگاری که... (آ ۶۷)

انجام: و بی محبت و متابعت ایشان به خدا نتوان رسید و م علی من اتبع الهدی تمت رساله زبده النجات شیخ ابوالحسن نورالله قبره تمت (آ ۷۱).

شیخ ابوالحسن از خلفای فضل است. در خواب‌نامه سید اسحاق به صورت عمده ترین راوی دیده می‌شود (به شماره ۱۰۴۲ نگاه کنید). سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر... می‌نویسد که در سال ۷۷۱ در نوزده (در اصل: هیجده) سالگی در اصفهان به خدمت فضل رسیده و در ۸۰۲ هـ جاودان‌نامه وی را به نظم آورده است (جلد ۲، صفحه ۷۷۱).

X. اسحق: رساله

آغاز: بسم... شکر و سپاس حضرت خالق را که از فوایح کلام تفرقه صوری و معنوی ما را در

سلک نظام کشید (آ ۷۱)

انجام: و محبت و محبوب و ناظر و منظوراند تمام کرد و الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان

ربنا لغفور شکور والسلام علی من اتبع الهدی (ب ۸۱)

در شعر ب ۷۸ تخلص «اسحق» آمده است:

اسحق صفت اگر شوی عین خدا و نطق او جمله به باد برده‌ی بازری زاین جهان
اگر مؤلف رساله این شعر را به عنوان استشهاد اخذ نکرده باشد و از سروده‌های خود او باشد،
رساله از «اسحاق» است. رساله ششم هم با همین بیت پایان می‌یابد.

XI. ؟: رساله

آغاز: ... بسم... قوله تعالى الا انه بكلّ شیء محیط بدان ای طالب اسرار آلهی...

(۸۲^آ)

کی توان کردن زیکدیگر جدا

انجام: بے و کله نطق خدا

(۹۹^آ)

XII. بخشی از عرش نامه

آغاز: قوله جّه در عّی

موسی آتش را که می‌دید از درخت میوه توحید میچید از درخت

(۹۹^ب)

که جز از خاک نیست مظهر کل

انجام: خاک شو خاک تا بروید گل

(۱۰۱^آ)

بیت پایانی بر وزنی دیگر است، باید از کتابی دیگر اخذ شده باشد.

XIII. مبحثی از جاودان

آغاز: ج ی ج ه قوله ج ه اول اول بسم الله الرحمن الرحیم... (ب ۱۰۱)

انجام: و در آن مرتبه او را صفات می‌گویند اگرچه صفات عین ذاتست (ب ۱۰۲)

XIV. ؟: [رساله]

آغاز: بسم... ان للقرآن ظهراً و بطناً... (ب ۱۰۲)

انجام: اقرأ القرآن علی حرف واحد و السلام (آ ۱۰۴)

XV. فضل الله حروفی: وصیتنامه

وصیتنامه سواد خط مبارک ح ق ج ه بر قطعه کاغذ نوشته در میان اوراق محبتنامه ٔ بود

یکدل از شوق تو بر سینه سخنها دارم قاصدی نیست که در پیش تو تقریر کند
خدا بر حال این فقیر گواه است که بغیر از تفرقه اطفال و مفارقت اصحاب هیچ نگرانی
نمانده است مسئله چند که نگران بود تسلیم آن عزیز و عزیزان کرده است اگر حق تع بجمعی
نیکی خواسته باشد برسد باقی تا چه خواهد کرد یارب یارب شهبای من

بیت

من حسین وقت و نااهلان یزید و شمر من

روزگارم جمله عاشورا و شیروان کربلا

در همه شیروان مرا حاصل نیامدیم دوست

دوست خود ناممکنست ای کاش بودی آشنا

بر آن عزیزان پوشیده نیست که این فقیر را از جهت این نگرانی نمانده است سلام و دعای
ما در این آخر باصحاب و یاران و دوستان برسانند و نوعی سازند که این قاعده‌ها و این حقایق
و این آیات بایشان برسد روزی چند بگوشه ناشناخته فروکش کنند و آنرا ضبط بکنند این توقع
است از آن فرزند و وامانده گان و محنت زده گانرا از ما بپرسند والسلام. (آ-ب ۱۰۴)

این وصیتنامه نسبت به وصیتنامه‌یی که در مجموعه شماره ۱۲۹۱ نسخ خطی فارسی
کتابخانه دانشگاه استانبول آمده و از طرف ما انتشار یافته است، بسیار کوتاه‌تر است (نگاه
کنید: مجله شرقیات، شماره ۲، ۱۹۵۸، صص ۵۳-۶۲). در واژه‌نامه گرگانی نیز با اختلاف
جزئی از مقاله پروفیسور براون در مجله انجمن آسیایی (۱۹۰۷) انتشار یافته، اخذ و منتشر
شده است (صص ۳۰-۳۱).

XVI. اسامی بعضی خلفای فضل

امیر سیدعلی (علی‌الاعلی)، حسین کیابن نقیب، مولانا مجدالدین، مولانا محمود، مولانا
کمال‌الدین هاشمی، حافظ حسن، شیخ علی مغزایش، مولانا بایزید، توکل بن دارا، مولانا
ابوالحسن.

XVII. جلال سافر شاه: مثنوی فارسی

آغاز: به ثنای مقدر بیچون
خالق کل به امر کن فیکون
(۱۰۵^آ)

انجام: چون بخوانی ز تو دعا خواهد
فاتحه گر بخوانی هم شاید
(۱۰۹^آ)

*

این مثنوی ۱۲۴ بیتی در مجموعه بسیار ارزشمند شماره ۱۶۴۴ در موزه مولانا در قونیه، رساله هشتم است (نگاه کنید: فهرست نسخ خطی موزه مولانا، جلد ۱، آنکارا، ۱۹۶۷، صص ۲۲۹-۲۳۰)

XVIII. اسحق: رساله

آغاز: بسم... اما بعد به التماس فرزند صدیق دینی و رفیق طریق یقینی درویش محمد حیدری
اصلح الله تعالی فی زمره اهل الفضل شانه... (۱۰۹^ب)

انجام: همچو اسحق ارکنی خالی دل از غیر خدا
بازبی معنی الآ زلاء لآله (؟)
(۱۱۷^ب)

XIX. ؟: رساله

آغاز: بسم... علمادین من تحقّق بمعرفة الله عزّ و علا... (۱۱۷^ب)
انجام: پس آیه فاخذه الله نکال الآخرة والاولی مستحق و منصوص شد والسلام (۱۲۴^ب)

XX. ؟: رساله

آغاز: قوله تع والطیر صافات قد علم صلوته و تسیحه چون لغت و زبان مرغان را فهم کرد...
(۱۲۵^آ)

انجام و فراغنامه: وهو السمع البصیر اما باید که کاف را زید نکیری (؟) تا کم نیای و م علی من
اتبع الهدی تمت الكتاب... درویش الماس بن حسین بن الیاس قره بیج فی شهر شعبان

المکرم فی یوم پنجشنبه در ساعت پنج فی ستهست عشر و مأتین والف (۱۲۹)

(۱۴)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۰۰

فضل الله حروفی: جاودان نامه

جلد مقوایی روی کاغذ ابر و باد، لولادار، روی آن کاغذ ضخیم کشیده‌اند، ابعاد بیرونی ۱۷/۸ x ۱۳، ابعاد درونی ۱۳/۷ x ۹/۷، ۲۵۱ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، دو صفحه اول مجدول سرخ، خط نستعلیق، فصلها، آیات و احادیث به سرخ، اهدایی کنعان بیک. آغاز: بسم... از جمیع اطراف روی بکعبه می‌باید کردن بحکم حدیث نبوی که خلق الله رأس آدم و جبهته من تربة الکعبة... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: خورشید ازل نمی‌توان گفت که چون

می‌بالدومی بالبدو خواهد بالید

تم الكتاب الالهية الفضيلة الازلية الابدية السرمدية التي هي ذوالفضل العظيم من يد العبد الضعيف النحيف الفقير الحقير بنده فضل قیاض خاک پای اهل الله درویش علی سرخانی طول الله عمره و ثبت لقاءه فی الوجه الآدمية فی شهر المبارک المعظم المفخم ذی الحجج فی یوم الاربعاء فی عشر الاول تاریخ سنه خمسة و اربعین و ثمانمائه (۲۵۱) این نسخه که ۴۹ سال پس از کشته شدن فضل استنساخ شده نسخه‌ی کهن و صحیح است.

(۱۵)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۰۳

جلد تیماج ضخیم لولادار، روی آن کاغذ چسبانده‌اند، ۱۷۷ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر و در هر سطر یک بیت دارد، بیت‌های پایانی مصراع به مصراع زیرهم نوشته شده، ابعاد بیرونی ۱۵/۳ x ۹، ابعاد درونی ۱۰/۱ x ۵، اهدایی کنعان بیک.

I. فضل الله حروفی: عرش نامه

آغاز: بی بسم الله الرحمن الرحیم
آدم خاکبست ای دیو رجیم
(ب ۱)

انجام و فراغنامه: چون کلام حق ز حق نبود جدا

تو خدا را میطلب در جمله جا

تم الرسالة... درویش محمد عبد مملوک اثنی عشر ۱۱۶۶ ربیع الاول (ب ۷۶)
(به توضیح نسخه شماره ۹۹۲ نگاه کنید).

II. رحمة الله: دیوان

آغاز: افتتاح سخن به نام خدا
بشنو ای مه رخ سمن سیما
(ب ۷۷)

انجام و فراغنامه: مجموع کتاب آسمانی یک نقطه بود اگر بدانی
تمت... محمد قلندر آقچه حصارلی فی شهر آشوره (کذا) سه سته و ستین و ما و الف
[کذا]. (آ ۱۶۳)

*

در ب ۱۶۳ - ۱۶۷ شعرى از رحمة الله، در ب ۱۷۲ - آ ۱۸۶، امامت ائمه اثنی عشر وفات و مدفن آنان، مثنوی به ترکی از «عرشی». در ب ۱۷۲ - آ ۱۷۷ نوشته یی به ترکی درباره نمازها و تأویل آنها به اعتقاد حروفیه. رحمة الله درباره رمز آنکه جاودان باش «ابتدا» شروع می شود، در مجموعه شماره ۱۸۶ شعرى به فارسی دارد (به رساله هفتم بنگرید).

(۱۶)

علی امیری، شماره ۱۰۰۴

[درباره سوره ها و آیات]

جلد تیماج نرم، کاغذ پوشیده، ۱۵۵ برگ، به فارسی، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، کاغذ کم آهار با فیلی گران، منسوب به قرنهای ۹-۱۰ هـ / ۱۶-۱۷ م، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی

۱۶/۲ x ۱۱، ابعاد درونی ۵/۲ x ۱۰/۶، نام این کتاب و مؤلف آن معلوم نیست، درباره تعداد آیات سوره‌های قرآن کریم، احادیث درباره سوره‌ها، ثوابی که به تلاوت کننده آن می‌دهند، و هر سوره به اعتقاد حروفیه تأویل شده است.

آغاز: بسم... قال النبى م من قال بسم الله الرحمن الرحيم كتب الله له بكل حرف يجرى على لسانه... (ب)

انجام: وله بكل آية قرأها مثل ثواب من يقدر وصيته بعد موته صدق رسول الله صلى الله عليه وسلم (أ ۱۵۵)

(۱۷)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۰۶

«شعار و...»

جلد تیماج ساده مشکی شمشه‌دار، روی آن کاغذ پوشیده، ۲۰۴ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، خط نستعلیق خوش ایرانی، منسوب به قرن ۱۰ هـ / ۱۶ م، ابعاد بیرونی ۲۲ x ۱۴، ابعاد درونی ۱۵/۱ x ۳/۳، هدایی کنعان بیک.

در این مجموعه یک مثنوی صوفیانه از شاه داعی (در خاتمه «نظامی» تخلص کرده و گفته است که این مثنوی را در ۸۳۶ هـ نوشته است: ۲۲. باید مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی نظامی از شاعران قرن ۷-۸ هـ باشد: تاریخ نظم و نثر در ایران، جلد ۲، صفحه ۷۴۴)، یک ترجیع بند از نسیمی، دو ترجیع بند از سید شریف، یک ترجیع بند از عراقی، دو ترجیع بند از اوحدالدین یک ترجیع بند از نسیمی (فضل الله)، دو ترجیع بند از شاه نعمت الله، یک ترجیع بند از عراقی، دو ترجیع بند از جامی، یک ترجیع بند از قاسم انوار، چهار ترجیع بند و یک مثنوی، ۳۷ غزل، ۲۶ رباعی از مغربی، ۱۴ رباعی از افضل الدین کاشی، ۵۰ غزل، مثنوی، باز ۶ غزل، ۴ رباعی، یک مستزاد، باز ۸ رباعی از شاه نعمت الله، ۷۴ غزل از نسیمی

۱. این مثنوی عرفانی، مشاهده و اولین مثنوی از «سنه داعی» است، که در ۸۳۶ هـ سروده شده است. اسناد آن به مجدالدین... نظامی از سوی مؤلف صحیح نیست. - م.

(ب ۱۲۰ - ۱۴۶)، اشعار شیخ جنید (؟) هشت شعر از نعیمی (فضل الله) (ب ۱۵۰ - ۱۵۳)،
گزیده‌هایی از حدیقه سنایی، قصیده‌یی از قاسم انوار، اشعاری از سعدی و سلمان، رساله
قلندرینه منثور از شاه نعمت‌الله، و رساله جارویبه او، رساله‌یی درباره نفس و مقامات توحید،
رساله طریقه، رساله فقریه و مقامات امیرسیدعلی همدانی، رساله هشت فریضه حاتم اصم و
حکایات شیخ حسن بصری آمده است.

آغاز: بسم... بلبل اگر ناله برآرد رواست خاصه که از طرف گلستان جداست
(ب ۱)

انجام: در بقای اوشوی فانی تمام باقی و جاوید کردی والسلام
(آ ۲۰۴)

در رویه «ب» برگ اول قصیده ناقصی از «آذری» و در برگ آ ۲ فهرست مجموعه
جای دارد.

(۱۸)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۰۹

جلد تیماج نرم کاغذ پوشیده، «بیت» و عنوانهای دیگر به قرمز، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی
۱۵/۴ x ۱۱/۵، ابعاد درونی ۱۰/۸ x ۵/۷، سطور مختلف.

I. فضل الله حروفی: وصیت‌نامه

آغاز: بسم... وصیت‌نامه این پدر آنست که قضیه ما حالیا با ق تع افتاده است... (ب ۱)
انجام: سوار دولت جاوید درگذار آمد عنان او نگرفتند از گذار برفت
تمت وصیت‌نامه ح ی ج ه و عم نواله و لاله غیره (آ ۹)

این وصیت‌نامه همان است که در مجموعه شماره ۱۲۹۱ نسخ خطی فارسی کتابخانه
دانشگاه استانبول، آ ۳۸ - ۴۵ آمده است. متن آن را در مجله شریقات منتشر کرده‌ایم (جلد
۲، ۱۹۵۸، صص ۵۳-۶۲).

II. رساله‌ی درباره‌ی حروفیه

آغاز: بسم... محموداً مقام من حمد واجب الوجود الذی کان وجوب وجوده عن لوازم ذاته
غیر ممکن... (۹ ب)
انجام: این عطیه بهر کسی ندهند
حَبِّ ایشان عطای لم یزلیست
تمت سنه ۱۲۱۲

(۱۹^آ)

III. بخشی از محشرنامه

IV. تقسیم چهل شبانه‌روزی

آغاز: بسم... تقسیم چهل شبانه‌روز که ح ی فرموده‌اند... (۱۹ ب)
انجام: و ایشانرا از تقلید و حماقت که دارند محقق و مدقق تصوّر کنند غضب الله علیهم ولعنهم
و اعدّ لهم جهنّم و سائت مصیراً (۵۵^آ)
این رساله در مجموعه شماره ۱۳۹ نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، رساله
ششم است.

(۱۹)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۱۱

جلد تیماج کاغذ پوشیده، لولادار، ۱۳۶ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، ابعاد بیرونی
۱۴/۳ x ۱۰/۵، ابعاد درونی ۱۰/۲ x ۶، هدایی کنعان بیک.

I. فضل الله حروفی: عرشنامه

آغاز: بی بسم الله الرحمن الرحیم
ادم خاکبست ای دیو رجیم
(۲ ب)
انجام: چون کلام حق زحق نبود جدا
تو خدا را می طلب در جمله جا
(۷۸^آ)

در شماره ۹۹۲ و ۱۰۰۳ هم نسخه‌یی از این کتاب هست.

II. فضل الله حروفی: نوم‌نامه

آغاز: بسم... در حدیث قدسی حضرت عزّت می‌فرماید که لولاک لما خلقت الافلاک و چون حضرت رسالت عم می‌فرماید که من که محمّد از طرف دست راست الله برخیزم (۸۲ب)

انجام: این همه رو لایح و فایض و ظاهر تابان است بی‌شک و بی‌تردد والسلام علی من اتبع الهدی (۱۲۰ب)

نسخه کامل نیست، به شماره ۱۰۳۰ نگاه کنید.

کتابخانه

III. اسحاق: اشارت‌نامه

آغاز: بسم... یا ای هوشمند حکمت آموز بفضل ایزدی شمعی برافروز (۱۲۶ب)

انجام و فراغت‌نامه: دعایی همراه اسحاق گردان

زمردان همتی جویند مردان

گذشته ضادوزی انشاء این راز

نهادم در جمادی‌الثانی آغاز

چو عقد چارده شد از رجب تام

رسید از فیض ف ق با تمام

تمت الكتاب بعون ف وهاب سنه ۱۱۱۹ عن يد عبدالضعيف النحيف على بن موسى في قصة

اسكندريه في محلة روس (رواس؟) (۱۳۴ب)

این مثنوی در سال «ضاد» و «زی»، یعنی جمادی‌الآخره سال ۸۰۷ هـ / ۱۴۰۴ م آغاز شده

و در چهارده رجب همان سال به اتمام رسیده است. در بین نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه

استانبول به شماره ۱۱۷۲ نسخه دیگری است و در آن تصریح شده است که استوانامه

سید اسحاق است. در شش جای این رساله که در قالب مثنوی سروده شده، بیت زیر تکرار و

توصیه می‌شود که جاودان را به دست آور و بخوان:

اگر خواهی رسی ای دوست کامه به دست آور برو جاویدنامه
(به‌واژه‌نامه‌گرگانی، صص ۲۸۰-۲۸۱، پاورقی ۲ نگاه کنید).

(۲۰)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۱۲

جلد تیماج شمسه‌دار که به شکل لوزی در بالا و پایین از مربعهای کوچک تشکیل شده، روی جلد کاغذ ضخیم پوشیده، خط نستعلیق، کلماتی چون: «بیت، قوله ج ه» با سرخ، بر بالای عبارات مهم خط سرخ کشیده‌اند، ۲۱۴ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، پایان ناقص، ابعاد بیرونی ۲۰/۵ × ۱۴/۵.

مثالی: رساله

آغاز: بسم... خلقه من تراب آئی جاعل فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها الایه
قوله ج ه اول اختلاف میان حق و ملائکه... (ب)

انجام: روزی از حضرت او پرسیدند از تعریف ق فرمودند هو جیل فی مکه (۲۱۴)
در برگ آ نام «مألی حمزه بیک» قید شده است. در برگ آ مجموعه شماره ۱۰۳۴ نوشته‌اند که حمزه بیک در ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۳-۱۶۲۴ م وفات کرده است. دیوان فارسی نسیمی به شماره ۴۴۸ جزو نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، در اواسط ربیع الاول ۹۶۶ هـ / ۱۵۵۸ م به خط «مثالی» استنساخ شده است. در بخش آثار منظوم کتابخانه علی امیری، در شماره ۹۳۰، در پایان دیوان، قطعه زیر و تاریخ ۹۸۵ هـ / ۱۵۶۷-۱۵۶۸ م آمده است:

چون تمام اولدی بو نظم استاد اولیسر دائم او قویان دلشاد

محشری دیدی انک تاریخن قودی دنیاده مثالی ده برآدا

از اطلاق کلمه «استاد» در این قطعه «محشری» که نسخه را استنساخ کرده، برمی آید که

۱- یعنی: چون این نظم استاد تمام شد، خواننده آن دائماً دلشادباد. محشری تاریخ آن را سرود: مثالی هم در جهان نامی باقی گذاشت.

منسوب به «مثالی» است و بیش از آنکه به تاریخ استنساخ شباهت داشته باشد، به تاریخ وفات شبیه است. اما اگر در مصراع مربوط به تاریخ، مدّ موجود در کلمه «آد» به حساب ابجد علاوه نشود، سال ۹۹۱ و اگر علاوه شود سال ۹۹۲ را نشان می‌دهد. اگر کلمه «دنیاده» به صورت «دنیّد» نوشته شود، سال ۹۸۵ می‌شود. احتمالاً «مثالی» با حمزه بیک مناسباتی داشته است. بکتاشیان می‌پذیرند که «مثالی»، همان گل باباست که در بودون (= Budun) مدفون است. بنا به روایت، گل بابا در ۹۸۵ هـ / ۱۵۴۱ م در جنگ بودون شرکت کرده و در این جنگ به شهادت رسیده است. در مجموعه ثبت شده در بخش کتابهای منظوم علی امیری، در پایان مثنوی موسوم به فیض‌نامه که پیش از دیوان جای دارد، بیت زیر به صراحت نشان می‌دهد که «مثالی» در بودون بوده است (۳۷^ا):

اردی اتمامه بودون تختنده گونیده سه‌شنبه در ای کام جوا

در دیوان، بیت متکرّر مخمّسی که در مدح ائمه اثنی عشر است، بکتاشی بودن وی را بیان می‌کند (ب ۲۰۱ - ۲۰۲^ا).

شمع جمع اولیا ای حاجی بکتاش ولی

اما شهید شدن او در جنگ بودون نمی‌تواند صحیح باشد. اگر صحیح باشد که خانقاه او در ۹۵۰-۹۵۵ هـ / ۱۵۴۳-۱۵۴۴ م بنا شده است، بنای این خانقاه در زمان حیات مثالی بوده است (به‌دایرة‌المعارف اسلام، مقاله گل بابا از اورخان فؤاد کوپرلی نگاه کنید و با اطلاعاتی که ما به دست داده‌ایم، مقایسه کنید: جزء ۳۸ استانبول، ۱۹۴۸، صص ۸۲۲-۸۳۴).

(۲۱)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۱۹

جلد تیماج سرخ پررنگ شمس‌دار و گل و مرغ، کناره‌ها مجدول ساده، خط نستعلیق، در ابتدا و انتهای جمله‌ها، شعرها و مصراعهای شایان توجه نقطه سرخ نسبتاً بزرگ گذاشته‌اند، ۱۹۱ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، ابعاد بیرونی ۱۶/۱۰ x ۱۳، ابعاد درونی

۱. یعنی: این [کتاب] در تخت بودون به پایان رسید، روز آن هم سه‌شنبه است ای کام جو.

۱۴/۲ x ۷/۳، اهدایی کنعان بیک.

شریف: محشرنامه

آغاز: بسم... یا کهیص ذات حق که وجود ککی کلمه حضرت فضل حق است ج ه مجموع موجودات و مکنونات را از آن ککی کلمه اصل در وجود آورد که... (ب) انجام و فراغنامه: از حضرت فضل علام و خداوند ککی کلام ج ه این که این مسئله هم در ماه رجب در چاشتگاه سه شنبه بعد از اوراد نماز صبح ظهور کرد و از براه ارشاد خلایق از حضرة فضل خالق ج ه در سلک کتاب آمد به یادگار بماناد و السلام علی من اتبع الهدی و خشی عواقب الردی تمت تم الكتاب بعون ف ا ه الدوار فی لیلة الجمعة من اواخر ربیع الاولی المبارک من شهر سنه سته و ثمانین و تسعمائه علی ید العبد الضعیف النحیف الفقیر الحقیر درویش نبی فلورنوی و ذلک فی ملازمة قسطنطیه... (آ ۱۹۱) در صلوات نامه اشقورت دده از کتابهای فارسی کتابخانه ملت به شماره ۱۰۴۳ به وضوح می نویسد که محشرنامه از شریف است (آ ۱۸). تاریخ نظم و نثر در نسبت دادن این کتاب به علی الاعلی خطا کرده است (جلد ۲، صفحه ۷۹۱). درباره شریف به فهرست نسخ خطی موزه مولانا (جلد ۱، مجموعه شماره ۱۶۴۴، صص ۲۲۴-۲۳۱) نگاه کنید.

در ب ۱۹۱ - آ ۱۹۵ دو ترجیع بند از فضل، حاوی بیتهای ترجیع آن:

سیمرغ جهان لامکانیم مقصود زمین و آسمانیم

*

کین همه طمطراق کن فیکون شمه نیست پیش اهل جنون

در آ ۲۰۴، ۳۷ غزل، یک ترجیع بند از علی (علی الاعلی یا علی فانی)، و در حاشیه یک رباعی از نسیمی آمده است.

(۲۲)

ملت، علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۲۷

جلد قهوه‌یی شمس‌دار، مجدول مزدوج ضربی در حاشیه، ۶۱ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، خط نستعلیق مایل به شکسته، برگ ۱۹ به خطی جدید بعداً الحاق شده، ابعاد بیرونی

۴/۲۰ × ۵/۱۳، ابعاد درونی ۵/۱۵ × ۷/۸، اهدایی کنعان بیک.

میرشریف: بیان الواقع

آغاز: بسم... حمد حمید و شکر مجید مرآن مبدئ معید را که مبدأ و معاد سالکان مسلک مولی و سایر ان طرایق مدارک درک سلوک ممالک معنی را مخصوص به صورت منصوص

و نفخت فیه من روحی گردانید... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: هرکرا زین گونه نبود اعتقاد اندر معاد

گر همه خود بوعلی سیناست بی شک خبط کرد

تمت المعادیة الفضلیة الہیة علی [ید] اضعف الضعفا وخادم الفقرا بنده ف خ د (ر) ویش
رجالی الشهیر به مصاحب محمد بک در نفس بغداد فی عشر اول شهر ربیع الاخر من
شهور سنه الف که از بغداد الی جانب استنبول متوجه شده بود که لواء واسط را از سر
دجاجیل ضبط نتوان کردن والسلام (آ ۶۱)

این کتاب - چنانکه از تنمّه هم معلوم می شود - به نام معادیّه هم خوانده شده است، از جمله
«اکنون شروع کنیم در تحریر مقصودی که سبب انشاء این رساله که مسماست به بیان الواقع» از
بخش «فاتحة الكتاب» برمی آید که بیان الواقع است و برای شخصی به نام خواجه شیخ علی
زین الدین نوشته شده است. مرحوم سعید نفیسی می نویسد که شریف از مردم شیراز است و از
شاگردان امیر شمس الدین. محمّد، پسر سید شریف گرگانی (م ۸۱۶ هـ / ۱۴۱۳-۱۴۱۴ م)
است و کتاب بیان الواقع را به نام زین الدین علی وزیر نوشته است، اما درباره زین الدین
اطلاعی به دست نمی دهد (تاریخ نظم و نثر، جلد ۱، صفحه ۳۲۷، سال وفات شمس الدین
محمّد را در جلد ۱، ۸۳۶ هـ / ۱۴۳۲-۱۴۳۳ م، و در جلد ۲، صفحه ۷۵۳ سال ۸۳۸ هـ /
۱۴۳۴-۱۴۳۵ م قید کرده است).

*

در این کتاب که نشان می دهد شریف حقیقتاً در مسائل علمی احاطه وسیعی دارد، آرای
فلاسفه کهن یونان، افلاطون (م ۳۴۷ یا ۳۴۸ قبل از میلاد)، ارسطو (م ۳۲۲ قبل از میلاد)،
اشراقیون، رواقیون، طبیعیون و متکلمان و حکمای اسلام درباره معاد، یعنی حیات پس از
مرگ و آخرت را مورد بررسی قرار می دهد و در اثنای آن از کتابها، سخنان و اشعار افرادی
چون: شیخ مفید از علمای بزرگ امامیه (م ۴۱۳ هـ / ۱۰۲۲ م)، ناصر خسرو از اسماعیلیه (م

۴۸۱ هـ / ۱۰۸۸ م)، افضل‌الدین کاشی (م ۶۱۰ هـ / ۱۲۱۳ م)، شهاب‌الدین سهروردی، شیخ اشراقیون (م ۵۸۷ هـ / ۱۲۷۳ م)، نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ هـ / ۱۲۷۴ م)، صدرالدین قونیوی (م ۶۷۳ هـ / ۱۲۷۴ م)، قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰ هـ / ۱۳۱۰ م)، کمال‌الدین کاشی (م ۷۳۰ یا ۷۳۵ هـ / ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۴ م)، سیدشریف گرگانی (م ۸۱۶ هـ / ۱۴۱۳-۱۴۱۴ م)، نعمت‌الله ولی (م ۸۳۴ هـ / ۱۴۳۱ م) و بسیار کسان دیگر استشهاد کرده است. منابع اصلی کتاب، جاودان، محبت‌نامه، دیگر کتابها و اشعار فضل‌الله است. در قسمت پایانی کتاب، غزل ۱۵ بیتی فضل به مطلع زیر را شرح کرده‌اند:

ارواح مردمانی کزدام تن جدا شد ای خواجه هیچ دانی تا بعد از آن کجا شد
نسخه دیگر بیان‌الواقع که در سال ۱۰۳۶ استنساخ شده به شماره ۱۰۵۲ در همان بخش موجود است؛ در کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخ خطی فارسی، به شماره ۲۳۹ نسخه دیگری است که در رجب سال ۹۶۹ هـ به خط درویش هدایت بن ناصرالدین بن علی خلیل‌البغدادی استنساخ شده است. نسخه دیگری در همان بخش به شماره ۱۱۷۰ موجود است که در رجب ۹۸۷ هـ به خط محمدبن علی قزوینی نوشته شده است (در واژه‌نامه گرگانی می‌نویسد که نسخه دیگری که در ۹۷۹ نوشته شده است در کتابخانه ملی [ملک] موجود است که حروفیان غزلها و دیگر شعرهای فضل را به دلیل آنکه پیش از آثار منشور او سروده شده‌اند، «کلام قدیم» نام داده‌اند؛ صص ۳۰۰-۳۰۱ و پاورقیهای همین صفحات).

در ب ۶۱ در نوشته‌بی درباره خانواده فضل این اطلاع را به دست می‌دهد:
«تناسل توالد حضرت ایشان اول حضرت مخدومه بزرگ فاطمه و دوم حضرت مخدوم‌زاده و حضرت مخدومه دیگر نصرت فرزندان آن حضرت مخدوم‌زاده حضرت امیر نورالله و بی‌بی ام‌الکتاب و امیر کلیم‌الله و امیر سلام‌الله فرزندان حضرت مخدومه نصرت اول حضرت خاتون بی‌بی لقب خواندگار و امیر مسیح‌الله و بی‌بی علم‌الکتاب و امیر حبیب‌الله فرزندان حضرت امیرنورالله اول بی‌بی علم‌الکتاب و امیر حبیب‌الله فرزندان حضرت امیر نورالله اول بی‌بی ام‌الکتاب و عیسی‌اه و وجه‌اه از حضرت خواندگار و فرزندان حضرت امیر مسیح‌الله بی‌بی علم‌الکتاب و بی‌بی ام‌القری و امیر روح‌الله از یک مادر بی‌بی علم‌الکتاب از یک مادر بی‌بی ام‌القری و امیر روح‌الله از یک مادر صلوات‌الله‌الفضل والسلام و رضوانه اجمعین»

بعد از این نوشته، یک معماً از شریف درباره نام فضل و یک غزل ۶ بیتی از فضل نوشته شده است:

باسم فضل الله سید شریف رحمه الله
 من صورت وصل ترا پیوسته می بندم خیال باشد که در این حالت یاری دهد نام خدا
 حضرت می فرماید حَـ
 آخر چرا وجود طبیعی خراب شد وین جوهرین تو خراب و بیاب شد (?)

 وین امهات روی کند پس به سیر باز کوتاه شد ای نعیمی و حل مشکلات شد

(۲۳)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۳۰

جلد مقوایی عطف میشن، خط نستعلیق، ۴۲ برگ، در هر صفحه ۱۴ سطر دارد، ابعاد بیرونی ۱۶/۷ x ۱۲، ابعاد درونی ۷/۵ x ۱۲، هدایی کنعان بیک.

I. فضل الله حروفی: نوم نامه

آغاز: بسم... در حدیث قدسی حضرت عزت می فرماید که لولاک لما خلقت الافلاک و چون حضرت رسالت عدم می فرماید که من که محمدم از طرف دست راست الله برخیزم در روز قیامت... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: جمیع حلات (حالات) اوینا شو که این همه درو لایح و فایض و ظاهر و تابانست بی شک و بی تردّد والسلام کتاب نومنامه تمام شد از دست فقیر قاسم عن محله دوناوات ۱۵ مارت سنه بیک ایکیوزیدی [۱۲۰۷] (۳۸^آ).

نسخه‌یی که در ۱۰۳۲ استنساخ شده، اولین کتاب در مجموعه شماره ۱۷۲۳ کتابخانه موزه مولانا در قونیه است.

II. ؟: رساله

آغاز: بسم... قال النبّی علیه السّلام انّ للقرآن ظهراً وبطناً ولبطنه بطناً... (ب ۲۸)
انجام: و حضرت موسی صاحب بیست ودو بود او بجایی کرد که مقرّ این نطقه است و
حضرت محمّد چون صاحب یک بود رو بجای وجه کرد که مظهر بیست وهشت بود
والسلام (آ ۴۲)

آخرین تاریخی که در نومنامه که به لهجه گرگانی نوشته شده، با آنکه درباره رؤیاهای
فضل است، درباره حیات او هم اطلاعات بسیار ارزشمندی را دربردارد، و بعدها مأخذ
بسیاری از کتب حروفیه قرار گرفته است، سال ۷۹۶ هـ است. این کتاب از مأخذ استوانامه هم
بوده است (به شماره ۲۶۹ نگاه کنید. درباره ارزش نومنامه، زبان و املائی آن، بخشهای اخذ
شده از آن و ترجمه های فارسی آن به واژه نامه گرگانی بنگرید).
رساله II صورت کامل رساله XIV مجموعه شماره ۹۹۳ است.

(۲۴)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۳۱

جلد نرم کاغذی، آیات، احادیث و اکثر کلمات نظیر مصراع و بیت به سرخ نوشته شده یا
چون رمزها بر بالای آن خط سرخ کشیده شده، خط نستعلیق، از برگ ۱۲ شروع و در ب ۵۷
ختم می شود، در هر صفحه ۱۶ سطر دارد، کناره سطور مجدول سرخ، ابعاد بیرونی
۱۵/۷ × ۱۰، ابعاد درونی ۱۲ × ۵/۷، اهدایی کنعان بیک.

سید اسحاق، محرم نامه، به لهجه گرگانی

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم نستعين بفضلك على اتمامها الحمد لله الذي حق له لباس القدم و
ماسواه قابل الفناء والعدم والصلوات على خير الرسل و على آله واصحابه مصاييح الامم و
مفاتيح النعم اما بعد در صبيحة يوم الاربعاء كه بيست و يكم ربيع الاولى بود از سال
هشتصد و هجریه امير سرا پرده غيب در عرصه ضمير پاك از خاشاك شبهه و رب
نزول فرموده و بحكم محكم ضمير اين فقير مأمور به آن شد كه آنچه محصل بدايات و
نهايات و مقصود اظهار دور است جهت همدمان محرم و محرمان همدم بی پرده تقیه

کتابت کند... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: اگر به این کلمه کار کوی بتمامی کلمات جاودان نامه الهی و محبت نامه الهی و عرش نامه الهی کار کبیبی و هدایت یافته بی که ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم تمام شد محرم نامه سید اسحق بعون ف خلاق از دست حقیرالفقیر المؤذن درویش عیسی ابن کمال الدین خواجه عن مدینه ارگری کسری از محله تکیه غفرالله... فی سنه مائین والف سنه ۱۲۰۰ (ب ۵۶- ۵۷آ).

چنانکه در ب ۱ در دیباچه توضیح داده شده، کتاب که کتابت آن در روز ۲۱ ربیع الاول ۸۲۸ هـ / ۱۴۲۵ م آغاز شده است، با توجه به عبارت ب ۴۰ «و اکنون که این کلمات در سلک کتابت همیایوی سال تاریخ بر هشتصد و سی وهی بو...»، احتمالاً با استنساخ فاصله دار در ۸۳۲ هـ / ۱۴۲۸ م و شاید در اواخر همین سال پایان یافته است. اگرچه نام این رساله منثور در بعضی نسخه‌ها، با حرف (ر) مشدد و به صورت محرم نامه است، اما با توجه به عبارت: «جهت همدمان محرم و محرمان همدم بی پرده تقیه...» در دیباچه، باید محرم نامه باشد. و چنانکه از سطور زیر با عنوان «مقدمه» برمی آید، از بیست و یک «مقدمه» پدید آمده است: «و تا غایت در رسایل و محافل به رنگ آمیزی تکلف در عبارت و دست آویز کنایه و استعارت مؤدی می شد مشخص گردد الموسوم به محرم نامه مشتمل بر بیست و یک مقدمه و خاتمه و بالله التوفیق». بیان می کند که بعد از دور نبوت، دور ولایت با حضرت علی (ع) آغاز می شود و در یازدهمین امام، امام حسن العسکری به پایان می رسد و دور الوهیت با فضل که مهدی است آغاز می گردد. در مقدمه ۱۹ در سطور «و از ابتداء زمان ولادت نویسنده این کلمات که در هفتصد و هفتاد و یک بی...» ولادت او در سال ۷۷۱ هـ / ۱۳۶۹-۱۳۷۰ م را بیان می کند (آ ۴۱). جاودان و عرش نامه فضل دو مأخذ عمده آن است. و از افرادی چون: کمال الدین هاشمی، امیر علی دامغانی، پیر حسن دامغانی و سید تاج الدین بیهقی، کسان فضل روایات و مباحثی آورده است (آ ۲۸، ب ۳۹، ب ۴۱، ب ۴۵- آ- ب ۵۰، ب ۵۷). می گوید که پیر حسن دامغانی حاکم خراسان بوده است، و امیر علی با آنکه ابتدا از مقربان سلطان اویس (۷۵۷-۷۷۶ هـ / ۱۳۵۶-۱۳۷۴ م) بود، بعد مرتباً در مجالس فضل حاضر می شد و ملازمت اویس را رها کرده بود (آ- ب ۳۹). در آ- ب ۴۱ هم کوشیده است دوبیت عربی را که سعدالدین حمویه (م ۶۵۰ هـ / ۱۲۵۳ م) درباره زمان ظهور مهدی سروده است، با زمان فضل

تطبیق دهد. در ب ۵۷ - آ ۵۹ ایات ترکی و فارسی و مطالب دیگر آمده است.

*

محرم‌نامه راکلمان هوار در *Texte Hourufis avec Traduction*, E. T. C. Etides
دومین رساله منتشر کرده است، E. J. W. Gibb Memorial. Vol. X; Leyden: E. J. Brill,
Imprimerie Orientale; London, 1959, pp13-58.

از روی نسخه‌یی که «ضعیفی» در س ۷، ۱۱۴۱ نوشته است استنساخ کرده است. «س» باید
«ش» یعنی شوال باشد.

(۲۵)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۳۲

بدون جلد، کاغذ پوشیده، ۴۵ برگ، در هر صفحه ۱۱ سطر دارد، خط نستعلیق، ابعاد
بیرونی ۱۵/۵ x ۱۰/۷، ابعاد درونی ۱۰/۹ x ۶/۸، اهدایی کنعان بیک.
سید اسحق: تراب‌نامه

آغاز: بسم... به نام عاشق اول و محب ازل که بنظر جمیل نگران جمال و بدیده تفصیل حیران
اجمال خودست عزّشانه و لاآله غیره... (ب ۱)

انجام: همین صورت انسانی که احسن صورت خدای است مسجود ملائکه است گرداند که
الفقر سواد الوجه فی الدّارین خالدین فیها ابدأ رضی الله عنه و رضوانه ذلک
هو الفوز العظیم یختص برحمته من یشاء والله ذوالفضل العظیم والسلام علی من
اتبع الهدی تمت رساله سید اسحق از دست قاسم خواجه (آ ۳۵)

*

در ب ۵ - آ ۶ در جملات زیر:

«اما بعد باعث بر تحریر این مقدمات آن که در شهر شوال سنه اربع عشر و ثمان مائة در
بقعه متبرّکه سوغند که منشأ ترتیب و تسوید کلمات قدسیّه و حقایق دینی یه ج ی ء
خدایست از نسخه اصل در خواب جنان دیدمی که گوید ح بزرگوار عزّضله و ج ه
هم در قریه مذکوره در حوالی قبر ابو مسلم نشسته بودی...» بیان می‌کند که در شوال

۸۱۴ هـ / ۱۴۱۴ م فضل را در خواب دید، او با انگشت خطی روی خاک کشید و گفت که آسمان متعلق به نبوت و زمین هم متعلق به ولایت و اولیاست، به سبب همین روایست که وی این کتاب را در باب نبوت و الوهیت که در هر باب آن هم یک خاتمه دارد، در سه باب تألیف کرده، آن را *تراب‌نامه* نام نهاده است. ظاهراً مدعی است که حضرت مولانا ابیات زیر را برای فضل سروده است (آ ۱۰):

گفتم که آنچه از آسمان جستم بدیدم در زمین

ناگاه فضل ایزدی شد چاره بیچاره‌ها

و: بر سر بازار می‌جستم ترا درین بازار چونت یافتم

در ب ۲۲ - آ ۲۳ به هنگام بحث از الوهیت، در جمله‌های: «چون شرح این مقدمه علی‌حده در رساله دیگر که موسومست به *محرم‌نامه* مذکورست اینجا بر سبیل رمز ایما رفت والسلام»، توصیه می‌کند که به *محرم‌نامه* نگاه کنند. چون *محرم‌نامه* را در ۸۲۸ هـ آغاز کرده و در ۸۳۵ هـ به پایان رسانده است (به نسخه شماره ۱۰۳۱ نگاه کنید)، رویای خود را در ۸۱۴ هـ دیده، اما این کتاب را بعد از تألیف *محرم‌نامه*، یعنی بعد از ۸۳۵ هـ تدوین کرده است. در ب ۲۹ - آ ۳۰ از *خطبه‌البیان* که به حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند، استشهاد جسته است. نسخه دیگری از آن در شماره ۱۰۳۴ است و همچنین در مجموعه شماره ۱۳۹، نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، چهارمین رساله، *تراب‌نامه* است (ب ۸۵ - آ ۱۰۷).
هـ. ش، جلد ۹، صفحه ۲۲۷).

(۲۶)

ملت، مجموعه فارسی، شماره ۱۰۳۴

جلد تیماج نرم، کاغذ پوشیده، ۷۱ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی ۱۵/۲ × ۱۰، ابعاد درونی ۱۲ × ۵/۷، اهدایی کنعان یک.

I. سید اسحق: تراب نامه

آغاز: بسم... بنام عاشق اول و محب ازل که به نظر جمیل نگران جمال و بدیده تفصیل حیران
اجمال خودست عزّ شانه و لاله غیر... (آ ۷)

انجام و فراغنامه: و این عمل چون خاصه صورت انسانست که مستحق خلافتست ایشان را در
عالم آخرت پذیرای همین صورت انسانی و صورت خدای است و مسجود ملائکه
است گرداند که الفقر سواد الوجه فی الدّارین خالدین فیها ابدأ رضی الله عنهم و رضوا
عنه ذلك هو الفوز العظيم والله يختص برحمته من يشاء والله ذو الفضل العظيم والسلام
على من اتبع الهدى تمت الرسالة سلطان العارفين قطب المحققين سيد اسحق بعون ف
خلاق از دست حقیر فقیر و ذلیل پرگناه المحتاج بف رب العالمین مرتضی ابن علی ابن
مصطفی عن قصبه ارکری کسری فی سنه ثمانه و سبعین و مائه و الف فی شهر رجب سنه
۱۱۷۸ (آ ۳۳).

II. جاویدی: شرح پنجاه بیت عرش نامه

آغاز: بسم... حمدی حد ذاتی را که از عرش نامه معرفت خود بخاصان فرش خاک خود
فرستاد و هریکی را از حسیض باوج تحقیق رسانید... (ب ۳۹)

انجام: و اگر همه وجه بی موبودی همچنین خوانده شدی پس بعضی را بیاض گردانید و بعضی
را سواد و الله اعلم بالصواب والیه المرجع المأب (آ ۶۸)

در ب ۴۵ در جمله: «خليفة فضل الله و واقف اسرار سراير كلام الله امير سيد علي نور الله قبره
فرموده است...» از خليفة فضل الله بحث کرده است، در ب ۴۷ با توجه به سطور زیر معلوم
می شود که دیباچه تا این صفحه ادامه دارد و شرح اصلی از این صفحه آغاز می شود و این
شرح از تحریر تقریرات پدید آمده است:

«پنجاه بیت که در اول عرش نامه الهی واقع شده است مشتمل است بر اثبات کلمه الهی و
بحسب اصل نطق و برین فقیر بعضی از برادران حقیقی می خوانند به قدر فهم ایشان نکته چند
تقریر می رفت در بیان آن ابیات و اختصار را رعایت کرده می شد از جهت آنکه احاطت بر
بسط کلمات و تطویل و اطناب آن نتوانستند نمودن تا یکی از برادران التماس نمود که همین
تقریر که در انشاء قرأت می رود و اگر بیاض نبشته گردد و سواد کرده آید برای ضبط مبتدیان

آسان تر باشد در قید کتابت آورده تا تذکره باشد در نزد اصحاب فضل و بالله التوفیق
بسم الله الرحمن الرحيم

گر کسی پرسد که ای مرد حکیم بی بسم الله الرحمن الرحيم

«.....»

از صلوات نامه اشقورت دده برمی آید که او این را شرح جاودان دانسته است (نگاه کنید
به توضیح شماره ۱۰۴۳). از رساله او در شماره ۹۹۳ هم از طریق خود او خبردار می شویم که
پنجاه بیت آغاز عرش نامه را شرح کرده است (به توضیح رساله دوم نگاه کنید). اما به هر حال
شرح پنجاه پایه نیست (شماره ۴۳۷، رساله دوم).

در دیگر صفحات مجموعه بعضی اشعار و بعضی مطالب درباره حروفیه آمده است.
در آ ۲ این نوشته ها آمده است:

تاریخ حمزه بک ولادت محیطی دده ولادت عرشی دده وفات عرشی

سنه

۱۰۳۰

۹۷۰

۹۶۰

۱۰۳۳

در آ ۲ دو رباعی و یک قطعه از سید اسحاق جای دارد. این دو رباعی در دیوان نعیمی
(فضل) در شماره ۹۸۹ در آ ۱ نیز آمده است (به توضیح مجموعه مذکور نگاه کنید). جاویدی
در ۱۰۰۰ هجری / ۱۵۹۲ م در حیات بوده است و این رساله خود را در همین سال نوشته
است (به توضیح رساله اول مجموعه شماره ۴۳۷ نگاه کنید).

(۲۷)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۳۵

جلد تیماج نرم، لولادار وارونه، کاغذ پوشیده، ۸۹ برگ، در هر صفحه ۱۴ سطر و در هر
سطر یک بیت دارد، خط نستعلیق، منظوم در قالب مثنوی. در اواخر در بیت:

چون به راه حج شد این نامه تمام کردم او را زان جهت حج نامه نام

(۸۸ ب)

بیان می کند که چون در راه حج به پایان رسیده، حج نامه نامش کرده است. کتاب درباره

اعتقادات حروفیه است، اهدایی کنعان بیک، ابعاد بیرون ۴×۱۱ ، ابعاد درونی $۷/۴ \times ۱۱$.
سید شریف: حج نامه

آغاز: جاودان نامه و عرش نامه را
کرد ظاهر از قلم اول خدا
(ب ۱)

انجام و فراغنامه: چون زرو شد ست سر حجاز

رو بروی فضل کن وقت نماز
تمت الكتاب بعون اه الملك الوهاب حج نامه شریف عن يد حقير الفقير قطب محمد ابن
احمد ابن كاظم (كذا) ابن علی رو سیاه پرگناه... سنه ۱۲۱۵ (۸۹۳)
پس از آخرین بیت با همان خط بیت زیر نوشته شده:

هست تمنا ز عاشقان محترم چون به بینند خط زشت احقرم
بنگردند با چشم عیب پوش از کرم
چون سرعت امداست اندر قلم

و در حاشیه قید کرده اند: «حضرت جاویدی راست». درباره شریف از خلفای فضل الله
به رساله سوم از مجموعه شماره ۹۹۳؛ و درباره جاویدی به رساله اول و دوم مجموعه شماره
۴۳۷ نگاه کنید.

(۲۸)

علی امیری، فارسی مجموعه شماره ۱۰۳۷

جلد بیاضی و پاره شده چرمی، کاغذ پوشیده، ابعاد بیرونی $۱۵ \times ۱۰/۵$ ، ابعاد درونی
 $۱۱/۵ \times ۶/۲$ ، خط نستعلیق، ۶۸ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد.

I. سید اسحق: تراب نامه

آغاز: بنام عاشقان اول و محب ازل که به نظر جمیل نگران جمال و به دیده تفصیل حیران
اجمال خودست... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: والله ذوالفضل العظیم والسلام علی من اتبع الهدی تمت الرساله سلطان

سلاطین العارفين قطب المحققين سيد اسحق بعون ف صدق (نام را پاک کرده‌اند) سنه
۱۱۷۹ (آ ۳۵)

II. سيد اسحق: ولايت نامه

آغاز: شکر و سپاس و حمد بی قیاس بانی علم را بوهم و قیاس و تفریقہ (کذا) و وسواس
جمع سر پرده پیراهن سرادقات ذات و صفات نتوان گشت (آ ۳۶)
انجام و فراغ نامه: شد ولايت نامه در چارم تمام از مه ربیع الاول والسلام
رفت ضاد ویسی و واو از هجرت احمد مرسل نبی خاص و عام
تمت الكتاب... عن دست حقیر ذلیل پرگناه منلا درویش (محمد نوشته‌اند، بعد شخصی
روی آن «مرتضی» نوشته و خواسته است آن را به نام خود کند. رساله اول هم به همین
دلیل پاک شده است. آ - ب ۶۴).

*

تراب نامه در شماره‌های ۱۰۳۲ و ۱۰۳۴ هم موجود است. ولايت نامه برای شخصی به نام
«علی» نوشته شده است. در آن از نبوت، ولايت و الوهیت بحث شده است، و هشت باب دارد.

(۲۹)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۳۹

جلد میشن نرم، کاغذ پوشیده، خط نستعلیق، خطی سرخ بر بالای نامهای خاص، کلمات
شایان توجه و آیات کشیده‌اند، ابعاد بیرونی ۱۴/۵ x ۱۰، ابعاد درونی ۱۰/۵ x ۵/۸، اهدایی
کنعان بیک.

I. میر فاضلی: رساله

آغاز: بسم... قوله ح ی ح ع کلام صاحب کمال که بیان کلمه و همه اشیا... (ب ۱)
انجام و فراغ نامه: پس او امیر موحدان باشد چون اول در امت او دانست (دانست) و این
جماعت زنا بیز نیز غیریک پادشاه قبول ندارند فافهم تمت فی سته احد و عشرین مأیة

والف... الحقیقیر محمدابن علی سنه ۱۱۲۱ (۷۰آ)

(این رساله در شماره ۹۹۰ آمده، درباره فاضلی و نسخه‌های رساله‌های دیگر او به همانجا نگاه کنید).

II. نسب‌نامه حضرت صائل ج ه نسب صاحب‌التأویل‌الذی وردفی شأنه بتعین اسمه و زمانه بلسان رسول آه و هوالمسمی بف اه
شجره‌یی که نسب فضل را به حضرت علی (ع) می‌رساند (ب ۸۰). (در این شجره میان او و حضرت علی ۲۲ نفر قرار دارد).

III. نوشته فارسی در بیان تأویل قربانی (آ ۸۱)

IV. ترجمه ترکی و تلخیص اولین رساله میرفاضلی.

آغاز: بسم... قوله ج ی ج ه کلام صاحب کمال که... بیررلر بر وقت که سر توحید...
انجام: بوندن آرتق منزلت وارمی قوله کم‌سوزی فضل خدانطقی اوله^۱
تمت ج ه و عم نواله... (آ ۸۶)

V. لغت لهجه گرگانی به فارسی. معانی فارسی در زیر کلمات نوشته شده.

آغاز: آوی آورد آون آوردن... (ب ۸۸)

انجام: نفس توده‌های مشک (ب ۹۰)

(به صفحات ۴۰-۴۵، ۴۰۸-۲۰۹، ۲۴۷ و ۳۱۴-۳۳۳ واژه‌نامه گرگانی نگاه کنید).

VI. نوشته‌یی به ترکی در بیان نماز عید. (آ ۹۲)

در پایان این صفحه نوشته «صاحب بیان حضر تلرنیک مرقد شریفلری تبریزدن اوته...» که در شماره ۹۹۰ در رساله میرفاضلی آمده بود، جا دارد و به‌طور موزب از بالا به پایین نوشته

۱. یعنی: آیا بنده را منزلتی بالاتر از این هست که سخشن نطق فضل‌الله باشد؟

شده است (نگاه کنید)

VII. فاضلی: شرح تقسیمات (ترجمه به ترکی)

آغاز: بسم... قوله جَ عَ جَ تَ کلام صاحب کمال که بیان کلمه و اشیا... بونده که بیورر لر بر وقت

که سرّ تو حید... (ب ۹۴)

انجام و فراغنامه: چارمژه هردو ابرو موی سر

هفت خطند از خدای دادگر

صدق الله... تمت شرح تقسیمات رساله سلطان العارفين مير فاضلي... من يد اقرر الفقرا على بن محمد

عن ارگري کسرى... للسنة عشرين ومائة والى شهر شعبان المعظم في ۹ يوم اربعة (ب ۱۱۱)

این رساله به خط درویش عبدالله بُسنوی در ۱۰۳۷ هـ استنساخ شده در نسخ خطی فارسی

کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۱۳۹ در ب ۵۹- ۷۱ آ آمده است. چهارمین رساله

مجموعه هم همان است.

(۳۰)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۴۱

جلد تیماج معمولی کاغذ پوشیده، ۱۴۰ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، خط نستعلیق،

ابعاد بیرونی ۱۴/۸ x ۸/۵، ابعاد درونی ۱۱/۱ x ۵، هدایی کنعان بیک.

I. ابوالحسن: بشارت نامه

با حریف حوروش بودم یقین

آغاز: دوش در هنگام صبح اولین

(ب ۱)

انجام: و این را اقایم ثلاثه می گفتند (ب ۵۴)

*

در این رساله که در قالب مثنوی است، اگرچه نام «ابوالحسن» اکثر اوقات حضرت علی (ع)

را به خاطر می آورد، ولی از ابیات زیر (ب ۳۸) و مخصوصاً عبارت مثنوی که در شرح چند

بیت آمده، نشان می‌دهد که این رساله از ابوالحسن است:

سال هشتصد در جمادی‌الآخرین	این بشارت نامه شد فتح مبین
ماه روزه هم در آن سالِ زَمَن	یافته جاوید نامه بوالحسن
بر لب دریای قلزم یافتش	در میان آب از آن بشتافتش
کان کتاب جاودانست از مآب	محوگشتن نیستش از هیچ باب
زود آن دریای قلزم در عراق	سر نهد آفاق گیر [د] باتفاق
کشف سائل را مؤید شد علی	سیف راندن نیست جز کارولی
فتح شد زین هر سه نامه کاردین	مِنَّةُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

«و از لباس هرچه داد بآن داد می‌گویند که بوالحسن پای مردی کرد از برای آن سائل مسکین چنانکه صاحب این کتاب بوالحسن است.»

قسمت منظوم با ابیات زیر پایان می‌یابد (ب ۵۲):

جاودان‌نامه بخوان پس بدان	طلعت مه‌پیکر صاحب زمان
رَبَّنَا آتَا رَجْعَنَا تَائِبِينَ	تَب عَلَيْنَا اِنَّتَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

بعد شرح آغاز می‌شود (در واژه‌نامه می‌نویسد که در کتابخانه ملی در مجموعه‌یی که بخشهای مربوط به سیداسحق بهم خورده است، این مثنوی به سیداسحق اسناد داده شده است؛ صفحه ۲۸۰، پاورقی ۲. درباره ابوالحسن به توضیح رساله اول در شماره ۱۰۵۲ نگاه کنید. در آ-ب ۶ می‌گوید که حضرت علی (ع) را به خواب دید و به ارشاد آن حضرت به حضور فضل واصل شد که می‌توان اندیشید که تَخَلَّص «ابوالحسن»، نام بشارت‌نامه که به این مثنوی داده شده و این رؤیا باهم مناسبتی دارند. نسخه‌یی هم در نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۷۸۵ موجود است).

II. رفیعی: بشارت‌نامه

آغاز: اَوَّلُ سَبْعِ الْمَثَانِي اَي حَكِيم

گلدی بسم الله الرحمن الرحيم
(۵۶ب)

انجام: بُوَدَعَائِي مُسْتَجَابِ اَيْتِ يَا مُجِيب

فَضْلُكَ اَظْهَارِ اَيْتِ بَدِيدَارِ حَبِيب
(۱۰۳ب)

در ابیات زیر انتساب خود را به نسیمی اظهار می‌کند و می‌گوید که بشارت‌نامه را در اوّلین جمعه ماه رمضان «راه خدا»، یعنی ۸۱۱ هـ / ۱۴۰۹ م به پایان رسانده است (ب ۹۶ - ۹۷آ):

اول نسیمی رحمت ف خدا	اول عماد الدّین سرّ مرتضی
اول شهید عشق ف ذوالجلال	بندو زندانلرده اولدی ماه و سال
اول بلادن آه و افغان ایتمین	سویله یوب اسراری پنهان ایتمین
قطب عالم پیشوای اهل دین	سرور آفاق امیرالمؤمنین

بوشارت‌نامه قلدم تمام	صومک اوّل جمعه گونِ والسّلام
تاریخی کندولین راه خدا	سر بسر ایاتی اولدی رهنما ^۱

در اواخر در بیت زیر تخلّص خود را هم ذکر می‌کند (ب ۱۰۳):

گج رفیعینک سوچندن یاآله گرچه بی حد اشدلی جرم وگناه^۲

چون رفیعی این رساله را در ۸۱۱ هـ نوشته است، باید در نیمه اوّل قرن نهم وفات کرده باشد و ضمناً معلوم می‌شود که نسیمی قبل از ۸۱۱ کشته شده است (نگاه کنید: بکتاشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل‌الله، مجله شرقیات، شماره ۵، استانبول، ۱۹۶۴، صص ۱۴-۲۲).

در کتابخانه‌های ما و در دست مردم نسخه‌های این رساله منظوم رفیعی فراوان است. دوّمین رساله در میان نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۳۱۰ بشارت‌نامه است. در کتابهای منظوم علی‌امیری، شماره ۹۴۳ بشارت‌نامه است، در کتب فارسی به شماره ۹۲۰ نسخه‌یی است که در ۹۹۲ هجری به خط کاتب جاودان، «وجهی» است. در پایان آن مناجات‌نامه‌یی دارد که با ابیات زیر پایان می‌یابد (ب ۱۰۹):

وجهی پرگناهی ایلمه رد مدد ای فضل کردگار مدد

۱. یعنی: آن نسیمی رحمت فضل خدا، آن عمادالدین سرّمرتضی، آن شهید عشق فضل ذوالجلال، ماه و سال در بندها و زندانها بود، او از بلا آه و فغان نمی‌کرد، اسرار را می‌گفت و پنهان نمی‌کرد. قطب... این بشارت‌نامه را تمام کردم، اوّلین روز جمعه صیام والسّلام، تاریخ آن خود به خود «راه خدا» شد و سربر ایات آن راهنما آمد.

۲. یعنی: پروردگارا از گناه رفیعی درگذر، اگرچه بی حد جرم و گناه کرده است.

حرمته علیّ اعلانک رحمت ایت با که گتر احسانک
بنی باغشله شیخ ابوالحسنه سیّاتم یاز ای خدا حسنه
در آ ۱۱۰- ۱۱۴ به همان خط غزلهایی با تخلّص «وجهی» آمده است (به نسخه ۹۲۰ نگاه
کنید)

III. رفیعی: گنج نامه

آغاز: ای گنج نهان بی هدایت وی بحر محیط بی نهایت
(۱۰۴ب)

انجام و فراغنامه: گرواریسه سنده عقل کامل

زهار کاوزکدن اولمه غافل
تمت بعون الوهاب فی سنه احدی و ثلثون و الف الحقیق علی بن مصطفی المؤذین [کذا]
(۱۱۰آ)

این مثنوی هم سومین رساله در نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۳۱۰
است.

IV. پناهی: رساله بی ترکی در قالب مثنوی

آغاز: ابتدا در ابتدا در ابتدا ابتدادن ظاهر اولدی انتها
(۱۱۴ب)

انجام: ساعتی وقت زحل در مشتری آلوب ایندردی النندن دفتری
(۱۲۶ب)

در آ ۱۲۶ در بیت زیر تخلّص خود را بیان می کند:

گل پناهی سوز لرنی گوش قیل زنده اول آب حیاتی نوش قیل
و در ب ۱۲۶ در ابیات زیر تاریخ آن را قید می کند:

۱. یعنی: وجهی پرگناه را رد مکن، مدد... به حرمت علیّ اعلی به من رحم کن و احسان خود را بگستران.
مرا بر شیخ ابوالحسن بیخش، ای خدا سیّاتم را حسنات بنویس.

ی‌ل‌ل‌ر‌ن‌د‌ن‌ گ‌ر‌ ت‌و‌ا‌ر‌ی‌خ‌ ا‌س‌ت‌ه‌ س‌ک
 د‌ر‌س‌ک‌ز‌ی‌و‌ز‌ی‌ل‌ و‌ آ‌ل‌ت‌م‌ش‌ ی‌ل‌ ا‌ی‌د‌ی
 ن‌ط‌ق‌ ح‌ق‌د‌ن‌ ا‌و‌ل‌د‌ی‌ ب‌و‌س‌و‌ز‌ل‌ر‌ ت‌م‌ا‌م
 گ‌و‌ن‌ل‌ر‌ن‌د‌ه‌ د‌و‌ل‌د‌ی‌ ش‌ر‌ح‌ی‌ م‌ج‌م‌ل‌ی
 گ‌و‌ر‌ه‌ی‌م‌ ب‌ر‌ت‌ا‌ر‌ی‌خ‌ی‌ ن‌د‌ر‌د‌ی‌س‌ک
 ب‌و‌ت‌م‌ا‌م‌ ا‌و‌ل‌م‌غ‌ل‌غ‌ه‌ ت‌ح‌و‌ی‌ل‌ ا‌ی‌د‌ی
 آ‌ی‌ل‌ر‌ن‌د‌ه‌ آ‌د‌ی‌د‌ر‌ م‌ا‌ه‌ ص‌ی‌ا‌م
 چ‌ا‌ر‌د‌ه‌ گ‌و‌ن‌د‌ه‌ و‌ ر‌و‌ز‌ ر‌ا‌ب‌ع‌ی
 چ‌ه‌ا‌ر‌م‌ی‌ن‌ ر‌س‌ال‌ه‌ ن‌سخ‌ه‌ خ‌ط‌ی‌ ت‌ر‌ک‌ی‌ ش‌م‌ا‌ر‌ه‌ ۳۱۰ در کتابخانه دانشگاه استانبول همین رساله
 ا‌س‌ت‌. ا‌ی‌ن‌ ر‌س‌ال‌ه‌ ک‌ه‌ ه‌ف‌د‌ه‌م‌ی‌ن‌ ر‌س‌ال‌ه‌ ن‌سخ‌ه‌ ش‌م‌ا‌ر‌ه‌ ۲۴۶۷ م‌وز‌ه‌ م‌و‌ل‌ا‌ن‌ا‌ در قونیه ا‌س‌ت‌ و‌ ۳۵۸
 ب‌ی‌ت‌ د‌ا‌ر‌د‌ (ب ۳۷ - ب ۵۹)، ت‌خ‌ل‌ص‌ «ن‌س‌ی‌م‌ی‌» د‌ا‌ر‌د‌ (ب‌ه‌م‌ق‌ال‌ه‌ م‌ا‌ در مجله ش‌ر‌ق‌ی‌ا‌ت‌، ش‌م‌ا‌ر‌ه‌ ۵،
 ص‌ص‌ ۱۸-۲۰ ن‌گ‌ا‌ه‌ ک‌ن‌ی‌د‌). د‌ا‌ن‌ش‌ج‌و‌ی‌ ق‌د‌ی‌م‌ی‌ م‌ن‌ ا‌ب‌ر‌ا‌ه‌ی‌م‌ ا‌و‌ل‌غ‌و‌ن‌ ن‌سخ‌ه‌ی‌ی‌ د‌ا‌ر‌د‌ ک‌ه‌ در ۱۱۴۱ هـ
 در اسکندریه نوشته شده، آن نسخه ت‌خ‌ل‌ص‌ «پ‌ن‌ا‌ه‌ی‌» د‌ا‌ر‌د‌. «س‌ه‌ی‌» ک‌ه‌ در ۹۵۵ هـ/۱۴۵۱ م
 و‌ف‌ا‌ت‌ ک‌ر‌د‌ه‌، و‌ ت‌ذ‌ک‌ر‌ه‌ خ‌و‌د‌ ر‌ا‌ در ۹۴۵ هـ/۱۴۴۱-۱۴۴۲ م نوشته ا‌س‌ت‌، از ش‌ا‌ع‌ر‌ی‌ ب‌ه‌ن‌ا‌م
 «پ‌ن‌ا‌ه‌ی‌»، «خ‌و‌ش‌ ت‌ا‌ب‌ و‌ د‌ر‌و‌ی‌ش‌ ن‌ه‌ا‌د‌» ب‌ح‌ث‌ م‌ی‌ک‌ن‌د‌ (ا‌س‌ت‌ا‌ن‌ب‌ول‌، ۱۳۲۵، ص‌ف‌ح‌ه‌ ۱۱۳). ا‌ح‌ت‌م‌الاً
 از آثار این شاعر ا‌س‌ت‌ و‌ یا از آن‌ ک‌س‌ی‌ ا‌س‌ت‌ ک‌ه‌ ب‌ه‌س‌ب‌ ش‌ه‌ر‌ت‌ و‌ م‌ذ‌ه‌ب‌ش‌ ت‌خ‌ل‌ص‌ ن‌س‌ی‌م‌ی‌ ر‌ا
 ب‌ر‌گ‌ز‌ی‌د‌ه‌ ا‌س‌ت‌.

۷. مثالی: مفتاح‌الغیب (به ترکی)

آغاز: بسم ... ح ف خدا ذی‌هم‌ت‌اع‌ نام‌ه‌ ی‌ و‌ ت‌ا‌و‌ی‌ل‌ ک‌لا‌م‌ ن‌ا‌م‌ت‌ن‌ا‌ه‌ی‌ س‌ن‌د‌ه‌ ک‌ه‌ ج‌و‌ا‌ه‌ر‌ د‌رّ م‌ک‌ن‌و‌ن‌د‌ر
 (ب ۱۲۸)

انجام و فراغنامه: زی سعادت طالع قدر سعید

ک‌ا‌و‌ل‌د‌ی‌ ق‌د‌ر‌ا‌خ‌ش‌ا‌م‌ی‌ ا‌ن‌ک‌ ر‌و‌ز‌ ع‌ی‌د
 ت‌م‌ت‌ ر‌س‌ال‌ه‌ م‌ف‌ت‌ا‌ح‌ ا‌ل‌غ‌ی‌ب‌ م‌ث‌ا‌لی‌ ر‌ح‌م‌ت‌ آ‌ه‌ ت‌ع‌ ال‌ک‌ت‌ا‌ب‌ه‌ الض‌عی‌ف‌ م‌ل‌ا‌ ع‌ل‌و‌ش‌ ا‌ب‌ن‌ د‌ر‌و‌ی‌ش
 ا‌ب‌ر‌ا‌ه‌ی‌م‌ ب‌ن‌ م‌خ‌ت‌ا‌ر‌ب‌ن‌ ع‌ل‌ی‌ ب‌ن‌ م‌ح‌م‌د‌ خ‌و‌ا‌ج‌ه‌ ع‌ن‌ ا‌ر‌گ‌ر‌ی‌ ک‌س‌ر‌ی‌ از م‌ح‌ل‌ه‌ م‌س‌ج‌د‌ل‌ر‌ س‌ن‌ه
 ۱۲۵۶ م ۱۱ (آ ۱۴۰)

(این رساله نسخه‌ی به‌ش‌م‌ا‌ر‌ه‌ ۲۴۱۶ در کتابخانه موزه مولانا در قونیه دارد، رساله
 س‌و‌م‌. د‌ر‌ب‌ا‌ر‌ه‌ م‌ث‌ا‌لی‌ ب‌ه‌ ت‌و‌ض‌ی‌ح‌ ن‌سخ‌ه‌ ش‌م‌ا‌ر‌ه‌ ۱۰۱۲ ن‌گ‌ا‌ه‌ ک‌ن‌ی‌د‌).

(۳۱)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۴۲

جلد مقوایی عطف میشن معمولی، خط نسخ بد اما خوانا، ۶۹ برگ، سطور مختلف، بالا یا پایین کلمات شایان دقت خط قرمز کشیده‌اند، ابعاد بیرونی ۱۶×۱۱/۲، ابعاد درونی ۸/۱۰×۷/۵، هدایی کنعان بیک.

سید اسحق استرآبادی: خواب‌نامه

آغاز: بسم ... الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً... اما بعد بدان ای طالب اسرار علم غیب و حقایق اعوجاج و ریب که ادق و اشرف اطوار علوم آلهیه علم تأویل است...

(ب ۱)

انجام و فراغنامه: حضرت بزرگواری فرمودند که این صالحه پاک دامن است و خاطر بیننده تسکین یافت و تمام شد کتاب خواب نامه سید اسحق بعون ف خلاق از دست حقیر الفقیر تراب اقدام بندگان اهل عارفان رموز حکمت و محبّ خاندان اهل نبوت درویش الماس ابن حسین بروج عن مدینه ارکری کسری غفرالله ذنوبهما و احسن عواقبهما فی الدارين آمین بحق سید المرسلین و آله اجمعین سنه ۱۲۱۴ (ب ۶۹)

*

امیر اسحق استرآبادی که در صلات نامه اشقورت دده، نام او در میان خلفای فضل آمده (ب ۵۱ - ۵۲)، در استوانه امیر غیاث الدین به عنوان پیشوای مردم خراسان معرفی می‌شود، و با عبارت «جناب سید السادات امیر اسحاق - رضی الله عنه» از وی یاد می‌کند (ب ۲۹)، کسی که در قبایل حروفیه گیلان که می‌گفتند «صاحب تأویل» یعنی فضل همه عبادات را به جای آورد و دیگر تکلیف از ما ساقط شد، گفت مادام که در قید بشریت بمانید عبادت ساقط نمی‌شود (ب ۴۱)، مؤلف کتابی به نام محرم‌نامه یا محرم‌نامه به لهجه گرگانی (همان بخش، نسخه ۱۰۳۱)، و کتابی دیگر به نام تراب‌نامه (شماره ۱۰۳۷) و رسالات متعدد دیگر و اشعار دارد، و در بیان‌الواقع سید شریف، نام وی در میان خلفا برده می‌شود (ب ۵۱)، این کتاب وی به اندازه استوانه امیر غیاث الدین با اهمیت است. از زندگانی فضل بحث می‌کند، مطالبی از کتابهای او می‌آورد، مخصوصاً بیان می‌کند که او چگونه و در چه زمانی به سلوک در طریق

تصوّف پرداخت، و تأویل رؤیا به‌وی در سال ۷۵۶ از طرف حضرت محمد (ص) داده شد (۱۹آ)، دربارهٔ ماه رمضان سال ۷۷۵ که وی مظهر تأویل در امور شرعی شد، اطلاعاتی به‌دست می‌دهد، رؤیای فضل و تعبیرهای او را بیان می‌کند. تمام جزئیات زندگانی فضل قدم به‌قدم تا اعدام او دنبال می‌شود. از آنجایی که در آ ۶۱ می‌نویسد که در سال ۸۱۶ هـ/۱۴۱۴-۱۴۱۵ م در سبزوار بوده است، پس خواب‌نامه را بعد از این سال تألیف کرده است. در این کتاب شیخ ابوالحسن از خلفای فضل یکی از راویان درجهٔ اول است. سیداسحاق در این کتاب خود از بعضی مسایل فقهی هم بحث می‌کند و فتاوی علم الهدی سیدمرتضی از علمای مشهور امامیه (م ۴۳۶ هـ/۱۰۴۴ م) و فخرالدین رازی، صاحب تفسیر (م ۶۰۶ هـ/۱۲۶۰ م) را بیان می‌کند (آ - ب ۵۲). هیچ جای تردید نیست که سید اسحاق در این کتاب، نوم‌نامهٔ فضل‌الله را سرمشق قرار داده و از آن الهام گرفته است. خواب‌نامه به‌وسیلهٔ یکی از حروفیان قرن نهم/پانزدهم میلادی، عبدالمجیدبن فرشته عزالدین التیراوی، مؤلف عشق‌نامه به‌ترکی ترجمه شده است. نسخه‌ی از این ترجمه در میان نسخ خطی ترکی کتابخانهٔ دانشگاه استانبول به‌شمارهٔ ۹۶۸۵ موجود است.

(۳۲)

علی امیری، فارسی، شمارهٔ ۱۰۴۳

جلد تیماج معمولی، کاغذ پوشیده، ۵۵ برگ، مجدول سرخ، خط نستعلیق، در هر صفحه ۱۴ سطر دارد، هدایی کنعان بیک.

اشقورت دده: صلوات نامه (صلوأة‌نامهٔ اشقورت دده رحمة‌الله علیه رحمةً واسعة)^۱

آغاز: بسم ... اکنون بدان ای طالب اسرار آلهی معانی و حقایق چند که از روی تأویل براسرار صلوة و نیت هر نماز از فرض و سنن و قرائت التحیات ... (ب ۴)

انجام و فراغنامه: و مجموعش چهار صد سید بودند که شب و روز باخ سفر کردند و مّ علی

۱. مرحوم مؤلف این کتاب را همه جا به‌صورت Salat-Name (صلات نامه) آورده است. بر من معلوم نیست که این کتاب «صلواتنامه» است یا «صلات نامه». - م.

من أتبع الهدى تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب از دست ضعیف نحیف پرگناه امیدوار بمغفرت ف غفّار جّ ة المؤذن درویش عیسی ابن کمال الدین خواجه عن مدینه ارکری کسری فی غره رجب در روز چهارشنبه فی وقت صلوت ظهر فی سنه ۱۱۸۶ ای طالب هرگاه که در این کتاب مطلع (مطالعه) کنی این فقیر را نیز بسبب نوشتن بدعاء خیر یاد فرمائی زیرا که دعاء طالبان و نویازان نزد حضرت عزّت مقبولست و السلام علی من أتبع الهدی (۵۲آ)

در ب ۵۲، مثنوی چهارده بیتی است که بابت زیر آغاز می شود:

الهی آگهی از هر نیازی که کس را از تو پنهان نیست رازی
و بابت زیر پایان می یابد:

بف رحمت امیدوارم که باشد برشهادت ختم کارم
از بیت زیر معلوم می شود که از ابن کمال، یعنی کاتب نسخه عیسی بن کمال الدین است:
و گر ابن کمال از ره بیرون [بیرون] رفت

بگیر این ره برو یارب که چون رفت

در ب ۱ غزل ۵ بیتی از فضل الله به مطلع زیر آمده:

در کلبه گدایان سلطان چه کار دارد

در ملک ژنده پوشان خاقان چه کار دارد

(در واژه نامه گرگانی چهار بیت است، صفحه ۱۶)، در ب ۱- ۲آ، ابیات و قطعات شعر ترکی و فارسی، در ب ۲- ۳آ امامزاده ها و محل دفن آنان که بکتابشیان چهارده معصوم نامیده اند آمده است و افرادی هستند که قبل از رسیدن به سن بلوغ شهادت را پذیرفته اند، در ۳آ با عنوان «تاریخ شهادت حضرت ف یزدان»، در هفت بیت تاریخ وفات به مطلع زیر آمده:

فضل یزدان شهاب ملة دین که بُد از آفرینش او مقصد

(نگاه کنید: بکتابشیه - حروفیه و سه ماده تاریخ درباره قتل فضل، مجله شرقیات، شماره

۵، صفحه ۲۰. در این مقاله دو بیت فراموش شده است)، در ب ۳- ۴آ ابیات و مفردات فارسی از صائب، علی الاعلی، انوری و دیگران و همچنین ابیاتی به ترکی آمده است، رساله از ب ۴ آغاز می شود. اشقورت دده در آ- ب ۳۱ می گوید که او خلیفه حمزه است، حمزه هم «سرچشمه خلفای جاویدی» است، جاویدی از دست بریده محمد میرزا و او نیز از میرفاضلی

خلافت گرفته، او نیز خلیفه علیّ الاعلی، خلیفه فضل بوده است. در برگ ۲آ مجموعه شماره ۱۰۳۴ در همان بخش کتابخانه قید شده که حمزه در ۱۰۳۳ هجری وفات کرده است، بنابراین اشقورت دده در قرن ۱۱۱هـ/ ۱۷م می زیسته است.

در رساله از وُضوی حروفیه، ابیاتی که در وضو به هنگام شستن هر عضو و مسح آن باید خوانده شود، از قامت و از ضرورت خواندن ابیات زیر در هر رکعت برای تکمیل سی و دو حرف:

چارمژه هر دو ابرو موی سر هفت خطند از خدای دادگر
 همچو موی و فرق و پیشانی بهم می شکافش از الم نشرح تو هم
 و از نمازهای جمعه و عید، سنت و شرکت در نمازهای حضری و سفری، تراویح، نمازهای قدر، روزه، غسل، و از مراسم حج که باید به جای آورد و یا خریداری کرد بحث شده است، در ب ۳۹-۴۳ از اوراد حروفی، در ب ۵۰-۵۱ تحت عنوان «نسب نامه ح صائل ج ه» شجره نسب فضل قید شده است.

در صلوات نامه (صلواتنامه) بیش از همه از آثاری چون جاودان و نوم نامه (۲۵آ-۱۹آ) از علیّ الاعلی (آ-ب ۱۱، آ-ب ۱۶، ب ۳۰)، محشرنامه (آ-ب ۱۸، ب ۳۷)، از جاودان صغیر ابوالحسن (ب ۱۰-۱۱آ)، تراب نامه سید اسحاق (ب ۲۹، ب ۳۱، ب ۴۹)، از رساله میرفاضلی (ب ۱۹، ب ۲۰، آ ۳۱)، از عمادالدین نسیمی (آ ۱۸)، بشارت نامه رفیعی (ب ۳۶، آ-ب ۴۴)، شرح جاویدی (ب ۸، آ-ب ۱۶، آ-ب ۳۸)، اطاعت نامه کمال القیتاغی (آ-ب ۲۲)، خلاصه از منابع عمده حروفیه استشهاد شده است. از شرح حمزه با عبارت «قدّس سرّه و طاب مثواه و جعل الفردوس مأواه» بحث می شود (ب ۱۲). از این نکته در می یابیم که این کتاب بعد از ۱۰۳۰ تألیف شده است. در ب ۵۱-۵۲ با قید «و بعضی خلفاء ح که یاد دارم اینند» از: امیر سید علی، حسین کیابن ناقب (نقیب؟)، مجدالدین، محمود، کمال الدین هاشمی، خواجه حافظ حسن، علی مغزایش، بایزید، توکل بن دارا، ابوالحسن، امیر سید اسحاق، امیر سید نسیمی، حسن بن حیدر، حسین غازی و سلیمان نام می برد و می گوید که جمع آنان چهارصد سید بوده اند. در ۵۳ سبب «دست بریده» شدن میرزا محمد را از جاویدی نقل می کند. در زیر این نوشته افزوده اند: «راوی این حکایه اشقورت دده است رحمة الله علیه»، این نوشته تردیدی باقی نمی گذارد که نسخه از روی نسخه فردی استنساخ شده

است که اشقورت را دیده بوده است.

صلات نامه همان قدر که از دیدگاه اعتقادات حروفیه مهم است، از نظر تاریخ حروفیه هم کتابی با اهمیت است. سومین رساله نسخه شماره ۶۱۲۰ در موزه مولانا در قونیه که از مولویخانه خانیه آورده‌اند، صلات نامه است (به توضیحات رسالات در این مجموعه نگاه کنید).

(۳۳)

ملت، فارسی، شماره ۱۰۴۶

جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه زنجیره‌یی، روی کاغذ پوشیده، ۳۲۲ برگ، در هر صفحه ۲۷ سطر دارد، عنوانها، فصلها و بعضی کلمات به قرمز، رموز با اشارات سرخ، مجدول مزدوج، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی ۵/۲۰×۱۲/۵، ابعاد درونی ۱/۱۴×۶/۳، اهدایی کنعان بیک.

فضل الله حروفی: جاودان نامه

آغاز: ابتدا ابتدا ابتدا ابتداء خلقت ازینجا نه از اوراق دیگر که اینها مبنی بر سوالات... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: قال عم خلق الله تع رأس و جبهته من تربة الكعبة و صدره و ظهره من بیت المقدس صدق الله العظیم و انا عبده من عباده الشاهدين الحمد لله رب العالمين نامه جاودانی که آسمانی است بعد از هجرة صاحب نبوت هزار و صد و نود و پنج سال رفته بود بنده ف غفار زکریابن حسین گوشه تجرد پنج و شش ماه اختیار و بکتابت آن افتخار دو جهانی جاودان کرد و در هر مصرعی که درین سه بیت است لنامقه

از هجدهم شعبان تا هشتم محرم شد نسخه جاودان تکمیل بعزم اهم
تزیین و تحشیه شد بشرح آن کامل را یعنی که میر حمزه شاگرد جاویدی را
تاریخ تمام آمد بعون ف یزدان سرعجیب دید آن خواننده جاودان
تاریخش را گفته است و شک نیست که اگر ف غفار الذنوب بنظر عنایت و مغفرت
التفاتی نفرمودی این کتابت میسر نشدی الحمد لولی التعم (آ ۳۲۲)

در عبارت «سر عجیب دیدان خواننده جاودان» اگر «همزه» حساب نشود، معادل سال ۱۱۹۵ می‌شود. شرحهای هاشم در ب ۱ با اولین کلمه «ابتدا» آغاز می‌شود و تا ب ۲۷۳ ادامه می‌یابد. تقریباً صفحه‌یی نیست که شرحی نداشته باشد. شرحها به لهجه گرگانی نیست، به فارسی رایج است. با استثنای بسیار نادر، در پایان هر شرحی، «میرحمزه»، یا «حمزه» قید شده است. با عبارت «قوله تع» یا «قوله ج ه» به شرح می‌پردازد. در آ ۹۳ در میان شرح به شیوه زیر بهیتی از نسیمی استشهد می‌کند:

جانک ح سید رحمة الله علیه فرموده اند

لطف و قهرک علتی معنی ده واحد در ولی

بلمدی شیطان بو توحیدی احددن دوشدی دورا

در ب ۱۱۹ با عبارت: «حضرت پیر طالبان حق و مرشد عاشقان مطلق جاویدی سلمه الله تع فی الدارین چهار حرفرا تقسیم کرده اند...» از «جاویدی» مثال آورده است. شرح در ب ۱ با جملات زیر آغاز می‌شود:

«بسم... در اول کلام قدیم و کتاب کریم و عظیم که میفرماید که ابتداء خل از اینجا نه از اوراق دیگر که اینها مبنی بر سؤالاتیست که جای دیگر نیست الا اینجا یعنی در اول کتاب مجید خود آغاز کردند در اوراق نوشته اند که اوراق چند بوده است...»
و در آ ۲۷۳ با جمله: «در حقیقت مفهوم این چهار همین یکیست و السلام حمزه» پایان می‌یابد (درباره حمزه به توضیح نسخه‌های ۱۰۳۴ و ۱۰۴۳ نگاه کنید).

(۳۴)

علی امیری، فارسی مجموعه شماره ۱۰۵۲

جلد کاغذی ضخیم، هدایی کنعان بیک، ابعاد بیرونی ۱۱/۸×۱۶/۲، ابعاد درونی ۷/۳×۱۱، خط نستعلیق، تا پایان مجموعه به همان خط ادامه می‌یابد، ۷۲ برگ، در صفحات کهن ۱۵ سطر دارد.

۱. یعنی: در معنی علت لطف و قهر واحد است، شیطان چون این توحید را ندانست از آحد دور افتاد.

I. ابوالحسن: شعری در ۷۶ بیت در قالب مثنوی:

آغاز: نکته بشنو ز کشف بوالحسن
در بیان آل از وجه حسن
(۱^ب)

انجام: اعتقاد اهلی حقست این چنین
باش صادق تابری ره را بدین
(۳^آ)

در خوابنامه تألیف سیداسحاق از خلفای فضل که همچون استوانامه که درباره زندگانی فضل اطلاعات مفصّلی دارد، روایات بسیاری از شیخ ابوالحسن اصفهانی نقل شده است (کتب فارسی علی امیری، شماره ۱۰۴۲، ۱۹^آ، ۲۵^آ، ۳۴^آ، ۳۹^آ، ۴۲^آ و جاهای دیگر). از این کتاب در می‌یابیم که این شخص کتابی هم به نام فتحنامه دارد (۳۹^آ). این مثنوی ممکن است از ابوالحسن مذکور باشد.

در ۳^آ باقید «شرح حمزه بک عم» توضیحی به فارسی درباره سوره فاتحه آمده است. در ۳^ب - ۴^آ ابیاتی به فارسی درباره حروفیه و توضیحاتی به ترکی و دو حدیث موضوع [جعلی] جادارد، در ۶^آ - ۸^آ باز ابیات فارسی دارد، در ۷^آ نوشته زیر از نظر تاریخی حروفیه مهم است:

«ظهور و بروز فضل خدا از هجرت حبیب خدا عم در هفت صد و هشتاد و هشت شد و ولادت او در هفت صد و چهل واقع شد و شهادت او در هفت صد و نود و شش شد و مقتول شد دجال که میرانشاه پلید است در هشت صد و سه».

همه این نوشته‌ها نسبت به خط متن با نستعلیق ریزتر نوشته شده، اما به خط کاتب مجموعه است. در برگ ۲^آ در مجموعه شماره ۱۰۳۴ در کتب فارسی کتابخانه ملت، نوشته «تاریخ حمزه بک ۱۰۳۳» به خطی بجز خط کاتب مجموعه، تولّد «محیطی» و تولّد و مرگ «عرشی» آمده است؛ در رساله شماره ۱۰۴۳ هم آمده است که «حمزه» خلیفه «جاویدی» است (نگاه کنید).

II. اطاعت نامه (رساله القیتاغ)

آغاز: بسم... اگر سائل واژه که ابتدا در جمیع حساب از هی و نیکو کین و شک نی که یهودانن
شنبه و سبت هفتم بو... (۸^ب)

انجام و فراغنامه: و صاحب شرح بوجهی آلهی از برای حکمت همچنین کرده فرموده باشد

تمت الرسالة الشریفة المکمل الکیمال القیتاغ سلام الف علیه و علینا الموسوم باطاعت نامہ فی وسط ربیع الاول سنہ ۱۲۱۳ تمت الرسالة اطاعت نامہ القیتاغ رحمۃ اللہ علیہ عن ید اقل العباد و اضعف الضعفا بندہ کمتر و روسیاه پرگناہ امیدوار بمغفرت ف ستارج ہ قطب تراب اقدام اہل اللہ عن مدینہ ارکری قصری فی محالہ (محلہ) اپلاقہ عنی عنہم (۴۲^آ) این رسالہ منشور کہ بہ لہجہ گرگانی نوشتہ شدہ، بنا بہ فراغنامہ آن کہ با عباراتی نادرست فراہم آمدہ از شخصی بہ نام کمال الدین قیتاغ (؟) است. در میان خلفای فضل دو تن بہ نامہای کمال الدین ہاشمی و کمال الدین رومی ہستند کہ این دو، جزو «چہاریار» «صاحب دولت»، یعنی فضل شمرده شدہ اند (نگاہ کنید:

C. Huart: *Textes Persans Relatifs a La secte de Hourufi*; Leyden: E.J.Brill, Imprimerie Orientale; 1909; London; E.F.W. Gibb Memorial series; p.43;

میرفاضلی: رسالہ، کتب فارسی کتابخانہ ملت، شماره ۹۹۰، آخرین برگ).

III. رسالہ فارسی

آغاز: و قولہ ج ہ تا عقل و معقول و مدرک شی واحد نبیند بوجہی از وجوہ و عاشق و معشوق عاقل معقول معقول عاقل نتواند شد معنی چون باشد مثلاً کسی ادراک کرد کہ او ادراک کنندہ است... (۴۲^ب)

انجام: ہمہ اشیا را میخواد کہ آدم جامع جمیع اشیاست و السلام. (۴۵^ب)

IV. ہشت بیت از شخصی بہ نام علی:

آغاز: در طواف آگرد کعبہ از الف تابی و تی

تا شود دو ہفت بر خون ثی و دیگر جیم وحی
(۴۶^ب)

انجام: دین اثنی عشری می کند از سیف ظہور

رکن اسلام و حسن ہر دو برین اند شہید
(۵۴^آ)

در اولین برگ استوانامه که امیرغیاث‌الدین محمد بن حسین بن محمدالاسترآبادی، گویا بعد از ۱۵ رمضان سال ۸۴۶هـ/۱۴۳۳ م تألیف کرده (کتب فارسی کتابخانه ملت، شماره ۲۶۹، ۳۷^آ) و مفصل‌ترین اطلاعات درباره حیات فضل را به دست داده است، آمده است که علی‌الاعلی در ۸۲۲هـ/۱۴۱۹ م در گذشته است. همچنین در آغاز کتاب شرح پنجاه پایه جاویدی، به شماره ۴۳۷ در همان بخش، قید شده است که نام همین شخص هم «علی» است. چون دومین نفر تخلّص «جاویدی» را به کار برده است، این ۸ بیت از علی‌الاعلی یا شخصی دیگر به نام «علی» باید باشد. در استوانامه به همراه امیرنورالله نوه فضل از شخصی دیگر به نام «درویش عزیز مغفور مرحوم مبرور خادم الحرمین درویش علی» یاد می‌کند. (ب ۱۲، ۳۷^آ).

۷. رساله فارسی درباره صلوات به اعتقاد حروفیه

آغاز: بسم... ان الله و ملئکته یصلون علی النبی... ای طالب حقیقت صلوات بدانکه الله و ملائکه و اهل ایمان که صلوات بر نبی محترم و مکرم... (۵۴^آ)
انجام و فراغنامه: قل الله اعلم بما لبثوا له غیب السموات و الارض که بکرامت از برای دلیل خدایی اظهار غیبت خود فرمودیم الحقیقیر محمد قطب عن مدینه ارکری قصر فی محاله (محلّه) اپلاقه فی سنه ۱۲۰۳ (ب ۶۴)

VI. رساله‌ی درباره حروفیه (به ترکی)

آغاز: بیت سطرها (را) از پدر میراث یافت

پیش ازان کاندیره وحدت شتافت

(۶۵^آ)

انجام: و هر کیم ابا ایتدی مظهر جلال اولوب زمرة شیطانہ ملحق اولدی ته که ملا رفیعی

حضر تلری پیروزده مدفوندر بشارت نامه سنده بیور مشلر در

اوگر نن اسما مقربدر امین دیو چون اوگر نمدی اولدی لعین

اولاین دیرسک حقه لایق ملک آدمک اسماسن اوگر نمک گرگ

وم اسم شریفی محمد سید سعادات (سادات) نسیمک ارشادیدر (آ ۷۰)۱
(تا پایان مجموعه بعضی نوشته‌ها درباره حروفیه آمده است).

(۳۵)

علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۵۳

جلد تیماج سرخ زنجیره‌دار و لولادار کاغذ پوشیده، ۱۱۳ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، آیات و احادیث به قلم سرخ، خط نستعلیق خوش، گمان می‌کنیم که از کتب قرن ۱۰ هجری/۱۷ میلادی باشد، ابعاد بیرونی ۱۸/۵ x ۱۱/۸، ابعاد درونی ۱۱/۷ x ۶/۶، اهدایی کنعان بیک.

شریف: بیان‌الواقِع

آغاز: بسم... حمد حمید و شکر مجید مران مبدئ معید را که مبدأ و معاد سالکان مسالک معرفت مولی... (ب ۱)

انجام: هر که از این گونه نبود اعتقاد اندر معاد

گر همه خود بوعلی سیناست بیشک حبیط کرد

تمت بالخیر (ب ۱۱۳)

در آ ۱۱۴ یک غزل ۵ بیتی فارسی از شریف، در ب ۱۱۵ - ۱۱۸ با عنوان «قصیده طالع الملوک شاه فضل الله نعیمی رحمة الله علیه»، در قافیه «نون» استخراج [نجمی] هست که در پایان آن نوشته‌اند: «تمام شد در روز پنجشنبه ۵ ذوالقعدة سنه ۱۰۳۶ هجریه». از تاریخ تنمّه این استخراج هم که به خطی دیگر نوشته شده معلوم می‌شود که کتاب مقدم‌تر استنساخ شده است (درباره بیان‌الواقِع به توضیح نسخه ۱۰۲۷ نگاه کنید).

۱. یعنی: و هرکس اباکرد مظهر جلال شد و به‌زمره شیطان پیوست، چنانکه حضرت ملا رفیعی [که] در پژوهش مدفون است، در بشارت‌نامه فرموده است: هرکه اسما را آموخت، مقرب امین است، شیطان چون نیاموخت، ملعون شد. اگر می‌خواهی فرشته لایق حق شوی، باید اسمای آدم را بیاموزی.

(۳۶)

علی امیری، فارسی، مجموعه شماره ۱۰۵۴

جلد تیماج نرم کاغذ پوشیده، مجدول سرخ، ۱۱۳ برگ، در هر صفحه (به صفحه ۱۱۱ نگاه کنید) تا پایان ۱۳ سطر دارد، بالای پاره‌بی رموز و کلمات خط قرمز کشیده‌اند، ابعاد بیرونی $۱۶/۲ \times ۱۱/۲$ ، ابعاد درونی $۱۱/۴ \times ۶/۳$ ، اهدایی کنعان بیک.

I. میرفاضلی: رساله

آغاز: بسم... قوله ج ج ه کلام صاحب کمال که بیان کلمه و همه اشیا... (ب ۱)
انجام و فراغنامه: و این جماعت زناپیر نیز غیر یک پادشاه قبول ندارند... عن يد بنده ف خدا حسین بن احمد (۸۴^آ)

II. رساله‌یی به ماهیت شرح مواردی از جاودان

آغاز: بسم... شکر و سپاس و حمد بی قیاس حضرت احدیت قدیمی راج ه که...
انجام: و چه حرف (حروف) مقطعه کتاب خاتم منقسم شد و منحصر گشت کما قال عم الرؤیا الصالحة جزء من ستة و اربعین جزء من النبوة الا المبشرات و السلام علی من اتبع الهدی

*

رساله اول در شماره ۹۹۰ و ۱۰۳۰ گذشت. به توضیح نسخه شماره ۹۹۰ نگاه کنید. پدر کاتب رساله دوم در ب ۱۱۲ - ۱۱۳ می نویسد که پسرش منلاحسین که در ۱۱۳۶ هـ متولد شده و در ۱۱۶۰ هـ به مرض طاعون در گذشته، کتاب را در ۱۱۵۰ استنساخ کرده است و کتاب «میرفضلی اسمیله مستی» است. رساله‌یی از میرفاضلی است، اما چنانکه از اواخر نوشته هم برمی آید، خطاهای فراوان دارد.

استانبول

کتابخانه ملّت، کتب شرعیّه

(۳۷)

ملّت، شرعیّه، شماره ۹۴۶

جلد مقوایی رویه کاغذ ابر و باد، ۳۷ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، ترکی، ابعاد بیرونی ۲۱/۶ x ۱۲/۸، ابعاد درونی ۱۴/۸ x ۶/۳، رساله‌یی منشور، کتابی جدید.

نسیمی: مقدّمه الحقایق

آغاز: بسم... قال النَّبِيُّ عليه السلام فاتحة الكتاب سبع آيات احديهن بسم الرحمن الرحيم... (ب ۱).

انجام: و حقدن يوز چویردی و مستحق لعنت جاوید اولدی و انلرک تابعلری نار اهلندن اولدیلر سبحان ربّ العزّة عمّا یصفون... (ب ۳۷)

(۳۸)

ملّت، شرعیّه، شماره ۱۲۳۸

جلد میشن فرسوده، کوچک تر از کتاب که احتمالاً بعد یافته و صحافی کرده‌اند، کتاب از

۱. یعنی: و از حق روی گردان شد و مستحق لعنت جاویدان گشت و تابعان آنها از اهل آتش شدند.
سبحان...

جلد جدا شده، ابعاد بیرونی ۱۴/۵ x ۱۰/۳، ابعاد درونی ۱۱/۳ x ۷، اهدایی کنعان بیک،
مفهرس در آغاز، خط نسخ بد، ۱۳۷ برگ.

عبدالمجید بن فرشته: عشق نامه

آغاز: بسم... و مظهر ذات احدیته حمدایتدکدنصکره ورسول حضرتنه سلام ایتدو کمزدن
صکره معلوم و مفهوم اوله که بو علم لدونیة الهیه که علم تا ویلدر فارسی اوزینه ایدی
بعد از آن بوروم ملکنده فارسی لسانن بیلنر قلیلدر...^۱ (ب ۳)

انجام و تتمه: یوخسه بزهدایت بولمزدک اگر هدایت ایلمسه ترجمه سی تمت الکتاب... سنه
عشرین و ما و الف (۱۱۲۰) (ب ۱۳۷)^۲
(به شماره ۱۳۶۲ ۱۳۶۲ نگاه کنید).

(۳۹)

علی امیری، شرعیّه، شماره ۱۳۴۰

عطف و حاشیه میشن روی جلد مقوایی، کاغذ رطوبت زده و لگه دار، نوشته آسیب دیده،
۸۸ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، مجدول مزدوج سرخ، ابعاد بیرونی ۲۵/۵ x ۱۶/۸،
ابعاد درونی ۱۷/۶ x ۱۰/۷، ترکی، اهدایی کنعان بیک.

رساله بدون نام درباره حروفیه

آغاز: بسم... الحمد لله فاطر السموات والارض و جاعل الملائكة رسلاً اولی اجنحة مثنی و
ثلاث و رباع و یزید فی الخلق ما یشاء انّ الله علی کلّ شیء قدیر یعنی اجنحة ملائکه که
مثنی و ثلاث و رباع واقع اولمشدر... (ب ۱)

انجام: مثلاً احمد و محمد دیدو کلری وقت شو یله گرک ایدی که الف حی میم دال و میم حی
و میم دال دیالر ایدی و مع هذا اصطلاحلری بویله دگل و بو غایت باطل تصوّر در و

۱. یعنی: و بعد از حمد به مظهر ذات احدیت و پس از سلام بر حضرت رسول، معلوم و مفهوم شود که این
علم لدنیة الهیه که علم تاویل است به فارسی بود و در این دیار روم افرادی که زبان فارسی بدانند اندکند...
۲. یعنی: والّا اگر هدایت نمی کرد، هدایت نمی یافتیم...

اعتقاد عامدرا^۱ (ب ۸۸)

فراغنامه ندارد، با توجه به خط و کاغذ نسخه‌ی است از قرن ۱۲ هجری/۱۸ م. کتابی از حروفیه است که از نماز، اذان، شب قدر، نماز قدر، تراویح، مقطعات حروفی، قیامت، محرّمات و چیزهای دیگر بحث می‌کند و هر بحثی را هم با عنوان «مسئله» آغاز می‌کند و بر تأویل تکیه دارد. جای جای از جاودان، نوم‌نامه، عرش‌نامه، اسم و مستی و دیگر کتابهای عمده حروفیه شاهد می‌آورد.

(۴۰)

علی امیری، شرعیّه، شماره ۱۳۶۵

جلد تیماج نرم، خط نستعلیق، آیات و کلمات شایان دقت مانند «مسئله» با قلم سرخ، بر بالای رمزها خط سرخ کشیده‌اند، ۹۶ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، ابعاد بیرونی ۱۷ × ۱۰/۷، ابعاد درونی ۱۱/۵ × ۶/۳، ترکی.

محیطی: کشف‌نامه

آغاز: بسم... ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو فضل العظیم الحمد لله که الله اسمیله تسمیه لمنشدر و امّ الكتاب فاتحة الكتاب و سورة کتر...

انجام و فراغنامه: و خلقت آدمه خود بوجمله مذکورات موجود در والسلام علی من اتبع

الهدی وم تمت ۱۵ صفر الخیرک فی وقت شام

تحریر شد سنه ۱۱۸۸ (ب ۹۶)

*

در مجموعه حاوی تراب‌نامه که در بخش کتابهای فارسی علی امیری به شماره ۱۰۳۴ ثبت شده، در برگ ۲ تولد «محیطی» سال ۹۶۰ و وفات «عرشی» سال ۱۰۳۰ قید شده است. چون

۱. یعنی: مثلاً هنگامی که می‌خواستند احمد و محمد بگویند، لازم بود چنین گویند که الف حی میم دال و میم حی و میم دال و با این همه اصطلاحات آنان چنین نیست و این تصویری بی‌نهایت باطل و عقیده عوام است.

مرثیه «عرشی» که برای محیطی سروده است در دست است (دیوان عرشی، متعلق به نگارنده، ب ۷۴ - ۷۶^آ)، پس وفاتش پیش از ۱۰۳۰ روی داده است. دیوانش به شماره ۱۱ در میان کتابهایی است که به موزه مولانا وقف کرده ایم و در ۱۱۷۳ هـ استنساخ شده است.

(۴۱)

علی امیری، شرعیّه، مجموعه شماره ۱۳۶۲

جلد مقوایی عطف میشن، روی کاغذ پوشیده، ۱۷۹ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، اهدایی کنعان بیک، ابعاد بیرونی ۱۵ x ۹/۸، ابعاد درونی ۱۰/۷ x ۵/۷.

I. مقیمی: وحدت نامه

آغاز: بسم... حمد بی عد و ثنای بی حد اول عالم لک پروردگانه کم بنی آدمی... (ب ۱)
انجام: و کندولر قورقو و محزونلق قومیوب انبیا و اولیا زمره سندن اولمشلر در که الا ان اولیا
الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون و تم بالخیر (۵۷^آ)

*

در ب ۱ در عبارت: «بوضعیف نحیف درویش مقیمی که بنده فضل الله در...» نامش را بیان کرده است. در کتابخانه موزه مولانا در قونیه در میان کتابهای عبدالباقی گولپینارلی نسخه بی به شماره ۲۳ موجود است. همچنین در بین نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۶۸۲۱ نسخه دیگری است. گمان می کنیم که مقیمی در قرنهای ۹-۱۰ هـ/۱۶-۱۷ م می زیسته است. وحدت نامه خلاصه جاودان و عشق نامه است.

II. عبدالمجید بن فرشته: عشق نامه

آغاز: بسم... حضرت احدیته حمد ایتدکدن صکره و رسول حضرتته سلام ایتدکدن صکره...
(۵۸^ب)

انجام و فراغنامه: نچه خلائق طالب اسرار آلهی اوله لر و بله لر و ایریشه لر و خداشناس اوله لر که لایحیطیون بشی... تحریر فی اواسط جماز یلاخر المضفر (کذا) خمس و سبعین و

مائة و الف^۱ (۱۷۹)

※

در آغاز، در آ^{۵۷} - ب^{۵۸} فهرست دارد، در ب^{۵۸} عبدالمجید در عبارات: «فقیر عبدالمجید ابن فرشته عزالدین... حضرت رسالت هجرتنک سکزیوز اوتوز اوچ یلنده شوال آئنده بورسالنه یازدی بورسالنک آدنی عشق نامه قودی»، بیان می‌کند این رساله را که ملخصی از جاودان به ترکی است در شوال ۸۳۳ هـ / ۱۴۳۰ ق.م فراموش کرده است. در شماره‌های ۳۱۰ و ۸۳۴ نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول اولین رساله‌های هر دو مجموعه عشق نامه است. درباره ترجمه حال عبدالمجید در ترجمه شقایق مجدی به ترجمه حال «عبداللطیف بن ملک» نگاه کنید: استانبول، مطبعة عامره، ۱۲۶۹، صفحه ۶۷. عشق نامه در قرن نوزدهم میلادی در استانبول به چاپ سنگی رسیده است. در همان بخش کتابخانه ملت در شماره ۱۲۳۸ نسخه دیگری موجود است که به سال ۱۱۲۰ هـ استنساخ شده است. خواجه اسحاق (م ۱۳۱۰ هـ / ۱۸۹۲-۱۸۹۳ م) در کاشف الاسرار و دافع الاشرار خود نوشته است که ابن فرشته به شخصی بانام بایزید انتساب جسته که او از شمس الدین و شمس الدین نیز از فضل خلافت گرفته است، و وفات او را در ۸۶۴ هـ / ۱۴۵۹-۱۴۶۰ م قید کرده است، اما توضیح نداده است که این اطلاعات را از کجا برگرفته است (استانبول، ۱۲۹۱، صفحه ۱۵۷).

(۴۲)

علی امیری، شرعیته، شماره ۱۳۶۳

جلد عطف و گوشه‌ها میشن، روی مقوایی با کاغذ ابر و باد، ۶۱ برگ، در هر صفحه ۱۳ سطر دارد، خط نستعلیق، آیات، احادیث و رمزها به قلم سرخ، نسخه متأخر، ابعاد بیرونی ۱۸ × ۱۲، ابعاد درونی ۱۱/۲ × ۵/۸، ترکی.
عبدالمجید بن فرشته: آخرت نامه

۱. یعنی: خلاق چگونه می‌توانند طالب اسرار الهی شوند و بجویند و واصل شوند و خداشناس گردند که لایحیطون...

آغاز: بسم... اما بعد بوفقییر عبدالمجیدبن فرشته عزالدین اصلح الله شأنه و صانه عمّا شأنه یقول
نفسه و بصره و جعل عزّه خیر من آمنه (امسه) ایدور کلام ربانی و کتاب آسمانی ایچنده
احادیث نبویده... (ب ۱)

انجام: و بووچ قسم اوزرینه منقسم اولمقلغک رمزی بودر و الله اعلم بالصواب یاربّ العباد
تمت الرّساله... (آ ۶۱)

(۴۳)

ملت، شرعیّه، شماره ۱۳۶۴

جلد تیماج نرم معمولی، ۲۷ برگ، در هر صفحه ۱۶ سطر دارد، خط نستعلیق، اهدایی
کنعان بیک، ابعاد بیرونی ۱۵/۷ x ۱۰/۵، ابعاد درونی ۱۲ x ۷/۵، ترکی.

عبدالمجیدبن فرشته: آخرت نامه

آغاز: بسم... الحمد لله ربّ العالمین... اما بعد فقییر عبدالمجیدبن فرشته عزالدین اصلح الله شأنه
و صانه عمّا شأنه و بصر بعیوب نفسه و جعل غیره خیراً بلطفه ایدر کلام ربانی و کتاب
آسمانی ایچنده و احادیث نبویده گوردم که... (ب ۱)

انجام و فراغنامه: پس صلوة اوچ قسم اوزرینه اولدوغنک سری بودر و الله اعلم بالصواب
تمت الكتاب بعون ف وهاب والسلام علی من اتبع الهدی حرره الفقییر الحقییر درویش
عمر ابن عبدالکریم بربربنده ف خلاق تحریراً فی آخر شهر شوال المعظم سنه ۱۱۹۲
(آ ۲۷)

(به نسخه شماره ۱۳۶۳ نگاه کنید).

(۴۴)

علی امیری، شرعیّه، شماره ۱۳۶۸، ترکی

جلد تیماج قهوه بی نرم، چون شمس در رویه قرار گرفته، گویا جلدی کهنه بر کتاب
گرفته اند، خط نستعلیق، ۱۲۸ برگ، از ب ۴۸ تا پایان با خط جلی نوشته اند، در آ ۴۹ خط

عروض شده است، از اینجا به بعد مجدول سرخ، در بخش اول بالای بابها، آیات و احادیث خط سرخ کشیده اند، فقط بابها به سرخ، در بخش اول سطور مختلف، در بخش دوم هر صفحه ۱۵ سطر دارد، مفهرس در آغاز.

عبدالمجید بن فرشته: عشق نامه

آغاز: بسم... حضرت احدیته حمد و ثنا اتمکدنصکره و حضرت رسول (سلام) اتمکدنصکره معلوم و مفهوم اوله که بو علم لدنیه الهیه که علم تأویلدر فارسی لسانی اوزره ایدی بعد از آن بوروم ملکنده فارسی لسانن بلنلر قلیل در...
انجام و فراغنامه: خلائق طالب اسرار آلهی اولالر و بیله لر و ایرشه لر و خداشناس اولالر که لایحیطون بشی...

گریبایی غیر ازین کوشی بگذر از این روی خود را کن بوی

تمت از دست درویش جعفر بن ابوبکر بن جعفر عن قصبه ارگری قصری عن محله دیوتدار خدام عرشی دده سته ثمانین و مائة و الف

بوکتابک تاریخن هرکم دیلر غین و قاف و فی و واو گلدی بیله

قسمت اخیر از کاتب است. در آ ۱۲۸ - آ ۱۳۳ بعضی فواید به ترکی درباره حروفیه آمده است. به توضیح نسخه شماره ۱۳۶۲، رساله دوم نگاه کنید.

علی امیری

آثار منظوم

(۴۵)

علی امیری، آثار منظوم، شماره ۲۸۵

جلد تیماج نرم قهوه‌یی، کاغذ پوشیده، ۱۰۹ برگ، در هر صفحه ۱۶ سطر دارد، خط نستعلیق، مطلعها مصراع به مصراع اکثر زیر هم نوشته شده، مجدول مزدوج سرخ، ابعاد بیرونی ۲۱/۲ x ۱۵، ابعاد درونی ۱۶ x ۱۰/۳، اهدایی کنعان بیک، در آغاز و انجام اشعاری است که بیشتر آنها درباره حروفیه است.

عرشی: دیوان

آغاز: بسم...

بسم الله ایله قرآنه ایتدم ابتدا

قاف و یا و دالی قیلدم حرف واحده ادا

(آ ۶)

انجام و فراغنامه:

گوردیکه معلم اولدم اسماء کله

باش اندروبن سجوده یوز قویدی سروش

تمام شد نسخه دیوان قدوت المحققین زیدت العارفین عرشی دده رحمة الله علیه رحمة واسعة صورت قلمی تحریر یافت از دست حقیرالفقیر خاکپای موحدین حروفی درویش عیسی ابن کمال الدین خوجه عن مدینه ارکری کسری غفرالله ذنوبهما و حسن

عواقبهما فی الدارین آمین یا معین (آ ۱۰۹)

بعد از فراغنامه، در پایین:

علی المرتضی یار کسی باد که کاتب را بالحمدی کند یاد
و در کنار آن بیت زیر را کاتب نوشته است:

عاشقان ف حق هربار که خوانند این کتاب

دارم امّیدی بخوانند بهر ما امّ الکتاب

دستم بزیر خاک چو خواهد شدن تباه

باری بیادگار ماند این خط سیاه

در آغاز ۸ بیت از فتحنامه (آ ۱)، اشعار کامل و ناقصی از: رحمة الله، مثالی، نسیمی، وحدتی، عزّی شروانی، فضل، فردوسی، فضولی، فتحی، جامی، عبدالله هاتفی و صادق علی، و ۱۰ بیت از کرسی نامه آمده است (آب - ب ۶). در پایان از طفیلی، احمد داعی، مسیحی، گواهی، سقّای صاحب بیان، مولانا، سیفی (نظام اوغلی) هر کدام یک غزل، قطعه‌یی از نسیمی (ب ۱۰۹ - آ ۱۱۱) بعضی نوشته‌های منثور به ترکی، سه شعر از رحمة الله، دو شعر از خطایی و دو شعر از نیازی (مصری)، دو بخش از فضیلت نامه یمینی و بعضی ابیات آمده است. (ب ۱۱۱ - ب ۱۱۹).

*

در دیوان عرشی در حرف «ا» ۱۷، در «ب» ۱۰، در «ت» ۸، در «ث» ۱، در «ج» ۳، در «ح» ۲، در «خ» ۳، در «د» ۱۰، «ذ» ۱، «ر» ۵۶، «ز» ۲۱، «س» ۳، «ش» ۴، «ص» ۱، «ض» ۱، «ط» ۳، «ظ» ۱، «ع» ۳، «غ» ۳، «ف» ۳، «ق» ۷، «ک» ۱۴، «ل» ۱۵، «م» ۳۴ ترکیب بندی در مرثیه «محیطی»، ۶ مثنی، ۱ مستزاد، ۳۵ قطعه، ۱ مخمّس، ۲ مسدّس، برای «محیطی» یک تسدیس، ۲ تخمیس، یک بحر طویل، ۲۸ ترانه (= tuguk = تویق) و ۲۶ رباعی موجود است. تعداد غزلیات ۳۱۶ است.

چون در غزل آ-ب ۱۰ می گوید:

فضل احده ولیّ والا کیمدر دیرایسه ک علی اعلا

۱. یعنی: ولیّ والای فضل احد کیست اگر بگویی؟ علی الاعلی.

و در ترجیع بند^ب ۸۱ می‌گوید:

عاشقان جمال فضل حقز خاکپای علی الاعلاز^ا

سلسله نسبت او به علی‌الاعلی برگزیده‌ترین خلیفه فضل می‌رسد. در حرف «د» سه غزل مانده به آخر در بالا به فارسی نوشته است که فضل در سال ۷۴۰ تولد یافته و خود او در ۹۷۰ هجری متولد شده است و در میانشان دوست و سی سال فاصله است که به حساب ابجد مطابق با «یاری داد» است، غزل ۷ بیتی به مطلع زیر نوشته شده است:

بحمدالله که عرشی بنده را آن فضل یاری داد

بیاموزند علم من لدن از لطف شد استاد

این تاریخ منطبق با تاریخ مجموعه ثبت شده به شماره ۱۰۳۴ در کتب فارسی علی امیری است (نگاه کنید). در^ب ۷۴ در غزلی به ردیف «استرآبادی» هم فضل و هم استرآباد و آن نواحی را مدح می‌کند. در غزلی به ردیف «یوف» (=اف، وای) شام و مردم شام را ذم کرده است (آ-ب^{۴۴}). از غزلی به ردیف «ارگری قصری» و همچنین از غزلی به مطلع:

آب رحمتله یودی عالمی خلاق جهان

جوی کوثرگبی هر سویه یورر آب روان^ا

معلوم می‌شود که در ارگری قصری و کربلا هم بوده است. در غزلی مولویه را نکوهش می‌کند (ب^{۶۴} - آ^{۶۵})، و در غزلی دیگر هم اهل تصوف را به باد انتقاد می‌گیرد (آ-ب^{۶۶})، اما در غزلی به مطلع زیر بکناشیه را می‌ستاید و بکناشی بودن خود را بیان می‌کند (آ^{۸۱}):

کلاه حاجی بکناش ولی‌یی گین ادراک ایدرسر علی‌یی^ا

برای «محیطی» (متولد ۹۶۰ هـ: کتب فارسی علی امیری، شماره ۱۰۳۴، آ^۲) چند تخمیس و یک تسدیس ساخته (ب^{۹۴} - آ^{۹۶}) و همچنین مرثیه‌یی برای او دارد (آ^{۸۷} - آ^{۸۹}). غزل زیر انتساب او به «محیطی» را نشان می‌دهد:

۱. یعنی: عاشقان جمال فضل حقیم، خاکپای علی الاعلایم.

۲. یعنی: خلاق جهان عالم را با آب رحمت شست، آب روان هرسوی چون جوی کوثر جاری است.

۳. یعنی: آن کس که کلاه حاجی بکناش ولی را برسر نهد، سر علی (ع) را ادراک می‌کند.

غروب ایتدی اگر چه نیر معنی محیطیدن
طلوع ایتدی دل عرشیدن آخرگون گبی روشن^۱

.....
.....
محیطینک دروننده اولان در دانه وحدت

صدف آسا دل عرشیده قیلدی عاقب مسکن^۲
نسخه دیگری از دیوان عرشی به شماره ۲۸۳ در همان بخش است که به دست «عبد فضل آه یوسف» در ۱۱۸۹ استنساخ شده، در شماره ۲۸۲ نسخه دیگری است که در سال ۱۲۸۱ استنساخ شده، در شماره ۲۸۴ نسخه جدید و مقابله شده دیگر دیوان او موجود است. نسخه‌یی که جزو کتابهایی است که به موزه مولانا در قونیه وقف کرده ایم، کاملاً مطابق با این نسخه است. تذکره اسرار که «عرشی» را مولوی معرفی کرده است، خطاست. هرچند قاطعانه نمی‌دانیم عرشی که روایت می‌کنند اهل «تیره» بود، در کجا وفات کرده است، اما گمان می‌کنیم که در روم ایلی در گذشته باشد.

(۴۶)

علی امیری، آثار منظوم، مجموعه شماره ۳۹۰

جلد سرخ عثمانی زنجیره دار ولولادار، ابعاد بیرونی ۲۱ x ۱۳، ابعاد درونی ۸/۲ x ۱۵/۵، این مجموعه که دو رساله و دیوان «مثالی» را دربردارد، ۲۲۱ برگ است، در هر صفحه ۱۹ سطر دارد، خط نستعلیق، عنوانها به شیوه کهن مذهب، مجدول طلایی در حاشیه و میان مصراعها.

I. مثالی: مفتاح الغیب (ترکی، منظوم)

آغاز: ف بسم... حضرت ف خدا ذات بی همتا عرش نامه الهی و تأویل کلام نامتناهیسنده که

۱. یعنی: اگرچه نیر معنی از محیطی غروب کرد، سرانجام چون خورشیدی روشن از دل عرشی طلوع کرد.
۲. یعنی: دُرْدانه وحدت که در دل محیطی بود، عاقبت صدف آسا در دل عرشی جا گرفت.

جواهر درّ مکنوندر... (ب^۱)

انجام: زی سعادت طالع سعد سعید کاولدی قدر آخشامی انک روز عید
(ا^۸)

قسمت منشور با عبارت: «الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الذي احلنا دارالمقامة من فضله تمت اوسلوب نثر» در همان صفحه پایان می‌یابد. تتمه منظوم در ا^۸ با بیت زیر به پایان می‌رسد:

چون تمام اولدی مثالی نسخه سی آب کوثر در دهانی نفعه سی^۱
(در کتب فارسی علی امیری، به توضیح رساله پنجم در شماره ۱۰۴۱ نگاه کنید؛ درباره
مثالی به توضیح نسخه شماره ۱۰۱۲ بنگرید).

II. مثالی: فیض نامه

آغاز: بسم...

سطر بسم الله الرحمن الرحيم آدم و حوّا در ای دیورجیم
(ب^۸)

انجام: فیض نامه اولدی نام نسخه هم فیضه ایرور هر کیم اوقوربی الم

هم جمادی الاولی ای کان جود ماهدیر بولدی اواسطده وجود
اردی اتمامه بودون تختندهبو گونیده سه شنبه درای کام جو
هم بیك اللی التی بیت اولدی تمام اوتوز اوچ کزکجه در والسلام
خیریله ال قالدوره سوی سما فاتحه احسان ایده قیله ثنا^۲
(ا^{۳۷})

۱. یعنی: چون نسخه مثالی تمام شد، نفعه دهان او آب کوثر است.

۲. یعنی: سطر بسم... ای دیورجیم آدم و حوّا است. نام نسخه هم فیض نامه شد، هرکس بخواند بی‌الم به فیض می‌رسد. این کان وجود هم در اواسط جمادی الاولی در وجود آمد. این [نسخه] در تخت بودون به اتمام رسید، ای کام جو روز آن هم سه شنبه بود. هزاروپنجاه و شش بیت شد، سی و سه بار سی دو والسلام با خیر دست به آسمان بلند کند و فاتحه احسان کند و ثنا گوید.

سی و دوبار، سی و سه، ۱۰۵۶ می شود که تعداد ابیات را نشان می دهد.

III. مثالی: دیوان، ترکی

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم از کبریا
یعنی تأویله شروع اولندی از سر ابتدا
(۳۷ب)

انجام: جام دیدارین تماشا ایلین
بلدی سرّ اون سکریک عالمی^۱
(ب۳۷)

چون تمام اولدی بونظم اوستاد
اولیسردائم اوقویان دلشاد
محشری دیسدی انک تاریخن
قودی دنیا ده مثالی ده برآد^۲

۹۸۵

(آ ۲۲۱)

گمان می کنیم که قطعه اخیر ماده تاریخ باشد که شاعری به نام محشری درباره وفات مثالی سروده است. اما برای آنکه ۹۸۵ به دست آید باید کلمه «دنیا ده» به صورت «دُنید» خوانده شود. این نسخه باید از دیوانی که محشری نوشته استنساخ شده باشد. از مصراع متکرر که در آ ۲۰۱ - ب ۲۰۲ آمده معلوم می شود که «مثالی» بکتاشی بوده است:

شمع جمع اولیا ای حاجی بکتاش ولی

قطعه تاریخی که دو بیت پایانی آن را نوشته ایم، ۹ بیت است.

(۴۷)

علی امیری، آثار منظوم، شماره ۳۹۱

جلد با عطف و کناره های میشن، رویه مقوای ابرو باد، خط نسخ بد، از آ ۱۳۰ به بعد به خطی دیگر به اتمام رسیده است، ۱۶۶ برگ، در بخش اول هر صفحه ۲۳ سطر و در بخش دوم ۱۷

۱. یعنی: بسم... از کبریا، یعنی از ابتدا به تأویل آغاز شد. آن کس که جام دیدارش را تماشا کند سرّ هیجده هزار عالم را درمی یابد.

۲. این دو بیت قبلاً ترجمه شده است.

سطر دارد، ابعاد بیرونی ۲۳ x ۱۵/۶، ابعاد درونی بخش اول ۱۶/۵ x ۱۰/۵، بخش دوم متفرقه نوشته شده، اهدایی کنعان بیک، ترکی.

مثالی: دیوان

آغاز: بسم ف الرحمن الرحیم از کبریا

یعنی تأویله شروع اولندی از سر ابتدا
(۱۰۰)

انجام و فراغنامه: جام دیدارین تماشا ایلین

بلدی سـرّاون سکـزیک عالمی

※

.....
چون تمام اولدی بونظم اوستاد
اولیسر دائم اوقویان دلشاد
محشری دیدی انک تاریخن
قودی دیناده مثالی ده برآد
۱۲۷۵ سنه تمت رون ق ف ج ه آله رونقی

(۱۶۶۰)

(این دیوان از دیوان شماره ۳۹۰ استنساخ شده است).

این رونقی خلیل بابا در استانبول سیلیوری قاپوسی در روبروی درگاه سید نظام الدین مشرف به خیابان آرمیده است. برسنگ مزار او، تاجی «ادهمی» یعنی تاج دستاردار چهار ترک (تارک) بکتاشی قرار دارد. کتیبه آن عیناً چنین است:

هو

طریقت علیّه نازنیندن
مرشد آگاه واصل الی الله
بنده آل عبا صاحب الادب
والحیا السید خلیل
رونقی بابا وکافه
اهل ایمانک ارواح
شریفری شادخندان اوله

۱۲۶۷

سنه

فی ه د

با توجه به این کتیبه خلیل رونقی بابا در روز ۵ ذی القعدة سال ۱۲۶۷ هجری وفات کرده است.

الیف رفقی در کتاب موسوم به بکتاشی سرّی، می نویسد که خلیل رونقی بابا پس از الغای ینی چریان و به دنبال سرکوب بکتاشیان، صوفیان درگاه شاه قولی واقع در «مردیوان کوی» استانبول را به شورش واداشت، اما درباره این شخص اطلاع دیگری به دست نمی دهد (استانبول، کتابفروشی عصر، وزیرخان، مطبعة بکرافندی، ۱۳۲۵، صص ۱۴۷-۱۴۸).^۱

۱. توضیح اخیر درباره رونقی در صفحه ۱۵۰ کتاب آمده بود چون به این قسمت مربوط بود به جای اصلی آن منتقل شد. - م.

نسخ خطی

کتابخانه دانشگاه استانبول

(۴۸)

نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۵۰

جلد عطف و حاشیه میشن رویه مقوایی لولادار، ابعاد بیرونی $۱۷ \times ۵۳/۲$ ، ابعاد درونی $۱۵/۳ \times ۱۵$ ، برگ، در هر صفحه ۲۵ سطر دارد، خط نسخ، کلماتی مانند «دیگر، بیت، قطعه» که شایان دقت است به قلم سرخ، بالای آیات، احادیث و بعضی کلمات خط سرخ کشیده اند، کاغذ زرد نازک کم آهار و بدون فیلی گران، در آخرین برگ که ۱۹۶ است، بخش حاوی فراغنامه را بریده اند، با توجه به خط، جلد و کاغذ نسخه جدیدی است، اما جای جای در حاشیه نسخه بدلهایی قید شده است که نشان می دهد با نسخه یی دیگر مقابله شده است. با آنکه حتی در آیات هم خطاهایی هست اما این خطاها چنان نیست که قابل اصلاح نباشد و متن را خراب کند. عبارات: «علیه السلام، علیهما السلام و علیهم السلام» که در نسخه پس از نامهای حضرت علی (ع) و دیگر ائمه اهل بیت نوشته شده، از طرف یکی از افرادی که نسخه را در مالکیت خود داشته با مرکب سرخ پاک شده است. احتمالاً در فراغنامه هم درباره فضل به اعتقاد حروفیه کلماتی که نسبت الوهیت به او می داده وجود داشته است که به این دلیل بریده شده است.

سید شریف: شرح قصیده

آغاز: هذا شرح قصیده سید شریف علیه الرحمه

بسم... ستایش بر کمال لایق ذات کریمست که سؤالاته سایلان و تقاضا محتاجان در

خزاین موهبه وجود او هیچ تنقیص و تنفیضی پیدانمی‌کند که... (ب ۱)
 انجام: بدانکه هر جا که در قرآن بحث لقا حق می‌کند بر طریق تشنیع و تفریع است که نسبت با
 منکرانش می‌باشد همچنانکه قد خسرالذین کذبوا بقاء الله آیات که مشتمل برین بحث
 و صلی الله علی سیدنام محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیمات کثیراً (آ ۱۹۶)
 این کتاب قصیده میرشریف است که به نام سید شریف یاد می‌شود. با بیت زیر آغاز
 می‌شود و به وسیله خود او به نثر شرح داده شده است:

زاهل مدرسه و خانقاه جمله دیار سؤالهاست مرا بر طریق استفسار
 در دو برگ آغاز کتاب، قصیده شرح شده را نوشته‌اند، این برگها صفحه شمار ندارند. در
 کنار هر بیت شماره‌هایی به قلم سرخ نوشته‌اند که نشان می‌دهد شرح آن در کدام صفحه است.
 قصیده ۷۷ بیت است. اما در دیوان ثبت شده در شماره ۱۵۲ کتابخانه دانشگاه استانبول در
 همان بخش ۱۱۶ بیت دارد. معلوم می‌شود که ۷۷ بیت آن را شرح کرده‌اند. در ب ۱ در
 عبارات زیر بیان می‌کند که در جوانی با علی‌الاعلی، خلیفه فضل دیدار کرده و این قصیده را
 نوشته است:

«اما بعد بر حسب سؤال بعضی از اصحاب که در ادراک مسائل تحقیق و تعقل ضوابط اهل
 توفیق غایه اجتهاد و کمال اعتقاد داشتند این وسیله مکتوب می‌گردد در حلّ ایات قصیده که
 مشتمل است بر سؤالاتی که در اعوان [کذا] عنفوان شباب که از هر شیخ و شاب این فقیر حقیر
 استفسار و استکشاف حقایق می‌کرد تا چون اتفاق نزول ببلده تبریز و شرف صحبت حضرت
 خلافت مآبی حقایق ایابی امیر سیدعلی رحمه الله که ملاح کوکب عن المشرق المشهود من
 حکمة العلی مشرف شد و متصدی باستنساخ کتاب جاودان نامه آلهی ج ه و باقی نسخها گشت
 ناگاه در اثناء کتابت در زاویه متبرّ که شرفها الله تع باليمن والبرکه این معنی در خاطر متمکن
 شد که اگر قصیده در عقیده اهل تحقیق گفته شود مبتنی بر سؤالات ممکن که تذکره گردد در
 نزد اصحاب فضل و ارباب تدقیق...».

می‌نویسد که قصیده را بعد از وفات علی‌الاعلی، یعنی بعد از ۸۲۲هـ/ ۱۴۱۹م در زاویه‌یی
 که فضل در آن مدفون است، شرح کرده است. در آ-ب ۱۶ می‌نویسد که اهل آمل است،
 به هرات سفر کرده، در خراسان امیر اسحاق سوقندی را دیده است. در ب ۲۸ - آ ۲۹ نوشته
 است که امیر سید علی با محمد شیرین مغربی (م ۸۰۷ یا ۸۱۹ یا ۸۰۹ هـ/ ۱۴۰۷م) دیدار

داشته است. از کتابهای فضل و علی‌الاعلی و آثار بسیاری از صوفیان و حکما استنباطاتی کرده است و در ضمن مطالبی هم از بیان‌الواقع نقل کرده که بدین نحو معلوم می‌شود شرح خود را پس از بیان‌الواقع تألیف کرده است.

کتابی است که درباره تاریخ حروفیه به‌اندازه بیان‌الواقع اهمیت دارد (در کتابهای فارسی علی‌امیری به مجموعه‌ها و کتابهای شماره ۱۸۶، ۹۹۲، ۱۰۱۹، ۱۰۲۷، ۱۰۳۵، ۱۰۵۳ و در کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخ خطی فارسی به توضیحات دیوانهای شماره ۱۳۰ و ۱۵۲ نگاه کنید).

(۴۹)

کتاب خطی فارسی دانشگاه استانبول، شماره ۱۳۰

جلد تیماج سیاه، شمسه معمولی در وسط، حاشیه زنجیره‌دار، خط نستعلیق بد، ۷۷ برگ، سطور مختلف، آغاز افتاده، اشعار به ترتیب قوافی مرتب شده، ابعاد بیرونی ۱۷/۷ x ۱۳، ابعاد درونی ۱۲ x ۹/۵.

میرشریف: دیوان

آغاز: گرچه نقاش ازل کرد بسی نقاشی
خوشر از دایره روی (تو) نقشی نکشد
(ب-۱)

انجام: صیت و صدای ما بجهان در معارفست

نی در طریق بخشش سیم است یا زرست
(آ-۷۷)

*

باتوجه به ابیات زیر از شریف، مسلم است که او به‌محضر فضل یا خلیفه او بایزید گیلانی رسیده است (به‌فهرست نسخ خطی موزه مولانا در قونیه، جلد ۱ صص ۲۲۴-۲۲۶ نگاه کنید):

سر خدا که بود نهان از همه جهان شد آشکار از کرم فضل غیب‌دان
(آ-ب-۶)

.....
بوده‌ام در مقام اهل شکوک	مدّتی در جهان سیرو سلوک
یارغار جماعت مفلوک	گاه در ظاهر علوم بدم
بوده‌ام باحث از فصوص و فکوک	گاه در طمطراق صوفیه

.....
برمثال ملوک این مملوک	ناگهان فضل ایزدی بناوخت
شدم آگه ز قصد اهل شکوک	کشته‌ام عارف از حقیقت او
(أ- ب۷۳)	

.....

شریف نیز مانند همه حروفیان، صوفیه را به شدت نکوهش می‌کند. مثلاً غزلی که با بیت زیر آغاز می‌شود از آن جمله است (ب۵):

ای وجودی چند لافی از فصوص و از فکوک

کی فتوحات فیوضات رسد با این شکوک
 در ب۶۸- ۷۲ آ و ۷۲- ۷۴ آ دو ترجیع‌بند آمده است. اولین ترجیع‌بند در مجموعه شماره ۱۸۶ نیز درج شده است (به نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخه شماره ۱۵۲ هم نگاه کنید).

(۵۰)

نسخ فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۵۲

جلد مقوایی معمولی روی آن می‌شن‌نرم، مجدول مزدوج سرخ، ۹۴ برگ، در هر صفحه ۱۶ سطر دارد، خط نستعلیق، کلماتی نظیر «وله ایضاً» در آغاز، بعضی بیت‌های متکرر در ترکیب‌بند یا بندها به قلم سرخ.

میرشریف: دیوان

آغاز: فی توحید باری سبحانه و تعالی و تقدّس جل جلاله و عمّ نواله و عزّ اسمه

ای در وجود واجب تو محو کاینات وز مقتضای جود تو موجود ممکنات

(ب۱)

انجام و فراغنامه: اسرار خدا بر تو نگردد روشن

تا در ره جست و جو حروفی نشوی

تمت الديوان الشریف بعون الله الملك اللطيف عن يد عبدالضعيف على بن محمد عن ساکین (کذا) بقچه لق من محلات اسکندریه فی ماه جمادى الاخر سنه اربع و عشرين و مایه و الف (۹۴^آ)

*

ترکیب‌بندی در تحمید، نعت، متضمن مدح حضرت علی، و شعری در ۱۱۶ بیت دارد که به مطلع زیر آغاز می‌شود:

ز اهل مدرسه و خانقاه جمله دیار سؤاله‌است مرا بر طریق استفسار
قصیده‌یی با عنوان: «این قصیده مشتمل است بر اثبات وجود که از پیر تاج گیلانی پرسیده شده است»، دو ترجیع با عنوان «در مدح حضرت صائیل ج ه» در ۵۲ بیت و مدیحه‌یی که در زمان حیات فضل سروده شده، ۱۸۰ شعر که برخی از آنها قصیده است، یک قطعه، یک ماده تاریخ و ۱۹ رباعی در کتاب موجود است. تاریخ درباره شخصی به نام علاء‌الدین است که در ۸۴۳ وفات کرده است (آ-ب ۹۲). یکی از قصاید عنوان «فی صفت‌المهدی» دارد و در قصیده مهدویت فضل تلقین شده است (آ-ب ۷۸). در یک شعر قطعه‌یی از سعدالدین حمویه (م ۶۵۰ هـ / ۱۲۵۳ م) که درباره ظهور مهدی (عج) سروده شرح داده شده و به مثابه مطابقت آن با زمان فضل است (آ ۷۹ - ب ۸۱). شعر دیگری این عنوان را دارد: «این چند بیت منسوب است به سید محمد که مشهور است به نوربخش که دعوی می‌کند که مهدی آخر زمان اوست در رد مدعایش نسخه مستوفی از روی لطایف نوشته بتخصیص درین چند بیت و علی‌الاجمال در نفی مضمون این ابیات هم بیت چند گفته شده است...» (آ-ب ۸۱). از این شعر در می‌یابیم که سید محمد نوربخش، پیر طریقت نوربخشیه (م ۸۶۹ هـ / ۱۴۶۴ م) دعوی مهدویت یا نیابت مهدی را داشته، یا از طرف نزدیکان او چنین ادعایی مطرح شده است (پیر تاج گیلانی باید همان شخصی باشد که در میان نزدیکان فضل او را نام برده می‌شود؛ واژه‌نامه، صفحه ۳۶، پاورقی ۲ و صفحات ۲۳۷، ۳۱۱-۳۱۳. درباره محمد نوربخش، نگاه کنید: ریحانه، جلد ۲۴ چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۷۱ هـ. ق/ ۱۳۳۱ هـ. ش، صص ۲۴۳-۲۴۴). میرشریف برسر این ادعا تأمل کرده، در آ ۸۱ - ب ۸۳ هم کوشیده است که در چهار شعر

بطلان آن و به اعتقاد خود مهدویت فضل را اثبات کند (به نسخه شماره ۱۳۰ در نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول هم نگاه کنید).

(۵۱)

نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۴۴۸

جلد عطف میشن رویه پارچه‌یی معمولی، ۱۱۵ برگ، در هر صفحه ۱۲ سطر دارد، خط نستعلیق خوش، ابعاد بیرونی ۱۵ x ۱۰/۵، ابعاد درونی ۳/۱۰ x ۳/۶، بیت مَقْطَع و ترجیع و عنوانها به قلم سرخ، سرخها رنگ باخته، فراغنامه هم سرخ است.

نسیمی، عمادالدین: دیوان

آغاز: دیوان نسیمی رحمة الله علیه

بذات پاک خدای کریم بی‌همتا که از ارادت او گشت سرکن پیدا
(ب)

انجام و فراغنامه: تا بکشف انبیا ره یافتم

مو بسمو اسرار حق بشکافتم

کتبه الفقیر الحقیر المحتاج الی حضرت ذات قدیر مثالی خاک پای فضل الله کبیر فی
نفس صولتق روز یکشنبه اواسط ربیع الاولی سنه ست و ستین و تسعمایه (۱۱۵)

※

صولی (= Souli)، قصبه‌یی است نزدیک یانیه (قاموس الاعلام، جلد ۴، استانبول،

مطبعة مهران، ۱۳۱۱، صفحه ۲۶۹۱). صولتق باید همین محل باشد.

دیوان در ۱۱۰ آ پایان می‌یابد. در آغاز یک قصیده، در حرف «ا» ۳، در «و» ۷، «ه»

۱۳، «ی» ۹ شعر دارد. پس از آن مطابق ترتیب قوافی در حرف «ا» ۲، «ب» ۳، در «ت»

با یک مخمس ۳۸، در «د» غزلی که حاوی بیت تاریخی درباره قتل فضل با بیت:

رفته از تاریخ هجرت بود ذال و صاد و واو

قل کفی بالله یعنی فضل یزدان شد شهید

۵۴ شعر آمده است (تاریخ در برگ ب ۶۶ - آ ۶۷)، در «ر» ۶، «س» ۱، «ش» ۲، «ع» ۱، «ک» ۱، «ل» ۴، «م» ۲۲، «ن» ۱۵، «ی» ۱۰ غزل؛ بعد از آن ۴۳ رباعی که یکی فقط یک بیت دارد، و یک قطعه آمده است. بدین سان ۱۹۳ قصیده و غزل، ۴۳ رباعی، یک قطعه و جمعاً ۲۳۶ شعر دارد.

آخرین بیت اشعار نسیمی بیت زیر است (آ ۱۱۰):

جمله گوی سیودو حرف ذات من گشت صامت هرکه یابد این مقام
در ب ۱۱۰ - آ ۱۱۵ ترجیع بند نعیمی (فضل) به بیت ترجیع:
کین همه طمطراق کن فیکون شمه نیست پیش اهل جنون
و غزلهای او به مطلعهای:

ارواح مردمانی کز دام تن جدا شد ای خواجه هیچ دانی تا بعد از آن کجا شد

*

اگر مردان را سرّ حجاب از پیش برخیزد

هزار آئی انا الله کوزهر سویش برخیزد

و چهار بیت از غزل او به مطلع آمده است:

در کلبه گدایان سلطان چه کار دارد

با ملک ژنده پوشان خاقان چه کار دارد

که نشان می دهد پیر او شیخ حسن بوده است، و یک مثنوی ۱۶ بیتی دارد. در

ب ۱۱۵ - آ ۱۱۷ یک مثنوی نسیمی به خطی دیگر نوشته شده است:

دریای محیط جوشه گلدی کون ایله مکان خروشه گلدی

(به دیوانهای شماره ۴۳۸ و ۴۳۹ در کتب فارسی علی امیری هم نگاه کنید).

(۵۲)

نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، مجموعه شماره ۱۱۵۸

جلد نرم قهوه‌یی حاشیه زنجیره‌دار، ۷۱ برگ، در هر صفحه ۱۷ سطر دارد، مصراعها با

جدول سرخ مزدوج از هم جدا شده، مجدول سرخ، خط نستعلیق، ابعاد بیرونی ۱۶ x ۹/۲،

ابعاد درونی ۱۰/۳ x ۵/۵.

I. علی الاعلی: توحیدنامه

آغاز: بود واجب در جمیع کارها
حمد و شکر کاشف اسرارها
(۲ب)

انجام و فراغنامه: چون خدا با صابرانست شد تمام

این سخن کوتاه کردم و السلام
قد وقع الفراغ عن تحریر هذه النسخة الغرّاء المسمّی بتوحید نامه لامیر علی اعلا سر
خلیفه ف خدا عن یدالفقییر مصطفی بن ابدال آلهی مرتضی فی الیوم الثامن من شعبان
المعظم لسنة اربع و ثلثین و مائة و الف (۳۶آ)
در ابیات زیر نام کتاب را بیان کرده است:

انکه این گفتار را اوراد ساخت بی گمان از خود خدا را و شناخت
هرکه این توحیدنامه را بخواند سرّ ق براو دگر مخفی نماند
بندۀ فظلم ولی شاه جهان هستم از معنی و صّ جاودان
(۱۵آ)

در کنار بیتی که کلمه «توحیدنامه» آمده در محل حاشیه به قلم سرخ نوشته اند «اسم کتاب»
(۱۵آ). همچنین در ابیات زیر نیز نام کتاب ذکر می شود (۳۲ب):

این سخن کامد بیان انبیا انکه بخشش کردف کبریا
خواست نامی در میان نامها تا شود روشن در و سرّ خدا
لاجرم توحیدنامه نام گشت بود چون یک کج و س

در اواخر کتاب می نویسد که کتاب را به درخواست جوانی به نام علی شاه شیرازی تألیف
کرده است و از کتاب جاودان نامه که به خطّ فضل استنساخ شده الهام گرفته است (۳۴ب).
با توجه به بیت زیر، بعد از سال ۸۰۵ هـ تألیف شده است (۲۷ب):

حالیا رفتم سوی شرق باز رفته نه سال از شهید بی نیاز
در ۳۰ آ با بیت زیر بیان می کند خوابی را که دیده بود در اصفهان به فضل گفته است:
عرضه کردم خوابرا در اصفهان هم به پیش آن خداوند جهان

II. علی الاعلی: فراق نامه

آغاز: آه ازین رنج که آمد به پیش جان مراباز زکردار خویش
(۴۱^ب)

انجام: فصل ربیع است ولیکن بدیع بود که یکبار خزان شد ربیع
(۵۴^آ)

*

عنوان این مثنوی چنین است: «از مرثیه میرعلی الاعلا صلوات الله علیه که از برای مخدوم زاده رحمة الله علیها گفته است». با توجه به این عنوان، کسی که با لقب «مخدوم زاده» یاد شده، دختر فضل است. «مخدوم زاده» که در شجره پایان نسخه ثبت شده در ۱۰۲۷ از بیان الواقع آمده باید مادر «سرور شهدا امیر نورالله» که در نسخه ۲۶۹ استوانامه (۳۳^آ) یاد شده، باشد (به نسخه شماره ۸۲۵ و مقاله ما در مجله شرقیات، جلد ۱، ۱۹۵۶، صص ۳۷-۵۷ نگاه کنید).

III. علی الاعلی: مرثیه (از مرثیه برادرش که برای هجران فرموده اند)

آغاز: دیده خونبار و درین نوبهار کرد زمین را همگی لاله زار
(۵۷^ب)

انجام: بهر خداوند جهان آفرین ورد کند حمد و ثنا بعد ازین
(۶۱^ب)

IV. علی الاعلی: مرثیه (درباره قتل سید کمال الدین حسین)

آغاز: باز از تدبیر و فکر ناصواب قلعه اسلام و ایمان شد خراب
(۶۱^ب)

انجام: از خدا و انبیا بروی سلام باد هر دم شد برین ختم کلام
(۶۴^آ)

*

از ابیات زیر این مرثیه معلوم می شود که درباره سید کمال الدین حسین سروده شده (۶۲^آ):
صفدر غازی امیرالمؤمنین قاتل و مقتول امام المسلمین

میردین سید کمال‌الدین حسین کرده مصحف را بخون سرخ زین
و معلوم می‌شود که این شخص در خوزستان به قتل رسیده است (همان برگ). بیت زیر هم
بیان می‌کند که پس از گذشتن «یک بدر تمام» از کشته شدن فضل، یعنی چهارده سال بعد از آن
به قتل رسیده است (۶۲^ب):

گشته از تاریخ فی و ضاد و لام تا باین ذی القعدة یک بدر تمام
بیت زیر نشان می‌دهد که مرثیه از علی‌الاعلی است و علی‌الاعلی سید حسین را بسیار
دوست می‌داشته است (۶۳^آ):

شد فروع چشم بی و لام و عین قلب کردی روزم ای سید حسین
در همان برگ می‌نویسد که او به فتوای شیخ ابراهیم شروانی به قتل رسیده است، پس از
کشتن جنازه او را پنج روز در بیابان گذاشتند، بعد سر و دستهای او را بریدند و سرانجام
جسدش را بردار کردند و بالاخره در محلی در خوزستان که تُرکِ شاهان (یا تُرکِ شاهان)
خوانده می‌شد به خاک سپردند. شخصی به نام «دیزگی» هم در درگیری کشته شد
(۶۲^ب - ۶۳^آ).

۷. مثنوی بر همان وزن

آغاز: انکه در اشیا جز او موجود نیست

دارد صفات و خود یکیست
(۶۵^آ)

انجام و فراغنامه:

واجب است از بهر هریک یک سجود از برای ف خلاق وجود
قد وقع الفراغ علی ید الفقیر راجی شیخ مرتضی بن ضعیفی مرتضی فی عشرة اول من
جمادی الاولى لسنه خمس و اربعین و مائة و الف من هجرة من له العز و الشرف (۶۹^آ)
احتمال می‌رود که این بخش مربوط به مرثیه بی باشد که پیش از این آمده است و این بخش
که درباره حروفیه است بعد افزوده شده باشد. سید کمال‌الدین حسین ممکن است کمال‌الدین
هاشمی باشد که در صلوات‌نامه در میان خلفا از وی نام برده شده است (شماره ۱۰۴۳).
در آغاز در برگ ۱^ب - ۲^آ قصیده ۲۸ بیتی که گویا برای فضل سروده شده که با بیت زیر

آغاز می‌شود، اما تصریح نشده است که سراینده آن کیست:
ای کشته نور دَ زروی تو آشکار وی نسخه وجود تو فهرست روزگار

(۵۳)

نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۱۹۵

جلد مقوایی رویه پارچه‌یی، پایان ناقص، دره‌امش اختلاف نسخه‌ها، ترجمه‌ها و شرح‌هایی است، بعضی ابیات با قلم سرخ در وسط نوشته شده، خط نستعلیق، در هر صفحه ۱۵ سطر، ابعاد بیرونی ۱۵/۷ x ۱۰/۲، ابعاد درونی ۱۰/۷ x ۶.

علی‌الاعلی: قیامت‌نامه

آغاز: آغاز سخن زف الله
کردیم که اوست هادئ راه
(۱ ب)

انجام: فاسق که نکرد هیچ کاری
دریاب بخود که کیست باری
(از قول راژه)
(۹۰ ب)

در ۹۰ ب در ابیات زیر کشته شدن فضل را تثبیت کرده است:

کین ذوالقعدة چو روز نوشد	کین داسه ماه جان دروشد
تا روح روان ز تن بدر شد	تن نیز روانش بر اثر شد
طوفان ز تنور جوش برزد	آتش بوجود خشک ترزد
گویا که بجمعه روز آخر	طوفان ز تنور گشته ظاهر

در شد بسفینه مکرم	هم ماه حرام چون محرم
مانند حسین شهید مرحوم	از دست لعین شمر میشوم

بگذاشت ز ذال ست‌تسعین
هشت صد نشده تمام ازین دین
(در آ- ۶۷ ب در حاشیه آخرین بیت نوشته شده است: «قال عدم لایتم الثمانیه الای بمصیبه

عظیمه صدق رسول الله». در ۷ ب هم نام خود را ذکر کرده است:

بر تخت بزرگواری از ف بنشست علی بکام هر وصل
 دیدی چو علی اگر تو دیدار در سجده در آ و شکر بگذار
 در ۹۱ تحت عنوان « گلبانگ غزا » این گلبانگ آمده:
 باد هر دم بر سرگردن کشان تیغ تیزش از خدای غیبدان
 حق اولادگسزین با صفا یاورش بادا علی المرتضی
 هم باذن عاشقان پاک دین معنی ف خدای عالمین
 به یمن ف کردگار احمد مختار سر حیدر کزار دوازده امام چه معصوم پاک هفته کمر بسته
 امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه شهیدان هفتاد و دو تن دشت کربلا قدم مسافران
 سلامت مجاوران قوت حاجیان فرصت غازیان دولت پادشاه اسلام اولین آخرین طیبین
 طاهرین فخر درویشان معنی پیران حضور حاضران معنی ف یزدان تکبیر الله اکبر الله اکبر لاله
 الله و الله اکبر والله الحمد

غازیان مایازی نیستند کافرند آنها که غازی نیستند
 در این گلبانگ که به خط نستعلیق دیگر نوشته شده، علاوه بر دوازده امام، قید جدا گانه از
 چهارده معصوم و ذکر نام هفده کمر بسته آشکارا تأثیر بکتاشیه را نشان می دهد.

(۵۴)

نسخ خطی ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول، مجموعه شماره ۹۶۸۵

جلد عطف میشن رویه پارچه‌یی معمولی، کاغذ نازک آهارزده بدون فیلی گران، خط
 نستعلیق خوش، ۹۳ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، و از کاغذ و خط آن استنباط می شود
 که در قرن ۹ و نهایتاً در قرن ۱۰ هـ/ ۱۵-۱۶ م استنساخ شده است، نسخه صحیح و زیبایی
 است، ابعاد بیرونی ۲۱/۷ x ۱۳/۵، ابعاد درونی ۱۰/۶ x ۵/۴. رسالات موجود در مجموعه
 عبارتند از:

I. عبدالمجید بن فرشته عزالدین: ترجمه خوابنامه

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي يتحير عند ادراك جلاله القلوب... في مبادی

اشراق الانوار الاحداق و التواظر المطلاع علی خفیات السرایر... اما بعد الله تعالی حضرتنه حمد ایتمکدن صکره و رسول حضرتنه سلامدن صکره معلوم اوله که بورساله که خوابنامه در فارسی لسان اوزرینه ایدی شیخ ابوالحسن اصفهانی قد (س) سره روایت یا تألیف (کاغذ روی آن چسبیده و جدا شده) ایتمش معتمد کشیلرک روایتلریله (پاک شده، قابل خواندن نیست) امدی بعض اخو (ان خوانده نمی‌شود) شویله تمنا و التماس ایتمیلرکه ترکی لسانه گله (...). اولمق ایچون اندن اوتوری که روم ملکنده پارسی (بیلنر، شاید چنین باشد) قلیلدر بلمیوب انکار ایدنلر عندالله ذلیلدر ذلیلک افعالی علیلدر هم ذهنی دخی کلیلدر ایمدی بو بنده فضل الله که فقیر عبدالمجید ابن فرشته عزالدین التروی بلد الحقانی مذهبا (ب ۱) بو خوابنامه ترکیه ترجمه ایدوب تا که مطالعه ایدنلر فی الجملة دعادن اوتتمیه لر اهل اللهک دعاسی عندالله مقبولدر بسم الله الرحمن الرحیم اول ابتدا حضرت صاحب تأویلک سلوکی نیجه اولدی و نیجه اولوب طریق سلوک اختیار ایدوب...^(۲)

انجام: و حضرت رسول اندن خبر ویردی و آنکله حقه یول بولمشدر سندخی اولولر سرایرینه یول بولاسن و کندو و جهکده او قویاسن که فرزند حقیقی آدم و خاتم اولاسن دیدیلر والسلام علی من اتبع الهدی تمت (۵۳)

※

متن خوابنامه در کتابخانه ملت، کتب فارسی علی امیری، به شماره ۱۰۴۲ است (نگاه کنید). ترجمه یی موفق و کلمه به کلمه است، اما در اواخر ابن فرشته بعضی تصرّفات کرده است.

۱. یعنی: بسم... اما بعد از حمد به حضرت الله تعالی و بعد از سلام بر پیشگاه رسول معلوم شود که این رساله که خوابنامه است به زبان فارسی بود، شیخ ابوالحسن اصفهانی قد (س) سره روایت یا تألیف [...] کرده به روایت مردان معتمد [...] اکنون بعضی اخوان [...] چنین تمنا و التماس کردند که به زبان ترکی ترجمه شود (...) زیرا که اکنون فارسی دانان در دیار روم کم‌اند. آن‌کس که نداند و انکار کند نزد خدا ذلیل است و افعال او علیل و ذهن او کلیل است. حال این بنده فضل الله که فقیر عبدالمجید ابن عزالدین التروی بلد و حقانی مذهب، این خوابنامه را به ترکی ترجمه کردم تا مطالعه کنندگان فی الجملة مرا از دعا فراموش نکنند. دعای اهل الله عندالله مقبول است...

II. عبدالمجیدبن فرشته عزالدین: هدایت‌نامه، ترکی

آغاز: بسم... بنام قدیم لایزال و علیم متعال و یقول الذین کفروا لست مرسلا قل کفی بالله شهیداً
بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب حمد بی حد و ثنای بی عد حد خالق را که از برای
اظهار ذات و انتشار صفات جمیع مخلوقات و مصنوعات را... اما بعد باعث این تحریر
و سبب این تقریر آن بود که آن یاران همدم و همدمان محرم طالبان صادقان دینی و
صادقان مستحق یقینی ازین فقیر داعی بنده ف یزدان عبدالمجید ابن فرشته عزّ الدّین
اصلح الله شانہ التماس کردند که یک رساله جمع کنم در معرفت ذات و صفات و
معرفت رب الارباب... (۵۳^ب)

انجام: و انک قان بهاسی بن اولم شویله که حصائل عز فضلہ و جلت کلمتہ بیور مشلر کلررو
عاشق وجه خدا وجه خداست عاشقی ای یار طور کبریاست

هستی و پندار عاشق شد تمام کشته شد در عشق حق قائم مقام
و تمت کلمات ربک صدقاً و عدلاً لامبدل لکلماته و هو السميع العليم و ان الفضل
بیدالله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم (۷۲^ب - ۷۳^آ)

دیباچه هدایت‌نامه به فارسی و متن آن به ترکی است، به نام آن، و در عبارت: «فی شهر
ربیع الاول فی تاریخ ثمانیه ثلاثین و ثمان مائه»، هـ به تألیف آن در ربیع الاول
۸۳۸ هـ/۱۴۳۴ م اشاره شده است. این غیر از هدایت‌نامه‌یی است که کلیمان هوار منتشر کرده
است: (Textes Hourufis avec Traducton: E.j.w.Gibb Memorial, Vol. IX, Leyden: E.j-Brill
Imprimerie Oriental, London, 1909, pp. 1-12)

چون این کتاب ابن فرشته در آغاز مبحث با کلمه «هدایه» شروع می‌شود، به نام هدایت‌نامه
خوانده شده است، به مثابه ترجمه محبت‌نامه فضل است.

III. عبدالمجیدبن فرشته عزالدین: آخرت‌نامه

آغاز: بسم... الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین... اما بعده فقیر حقیر عبدالمجیدبن فرشته
عزّ الدّین اصلح الله شانہ و صانه عمّا شانہ و بصر عیون نفسه و جعل غیره خیراً بلطفه ایدر
کمال ربّانی و آسمانی ایچنده احادیث نبویده گوردم که... (۷۳^ب)

انجام: ص حضرتقه ص جم په سفرته پس اوچ قسم اوزرینه اولدیغنک سری بودر والله اعلم
بالصواب تمت الكتاب بعون ف وهاب والسلام علی من اتبع الهدی (آ ۹۳)
در کتابخانه ملت، علی امیری، بخش شرعیه، در شماره های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ در هر یک
نسخه یی هست (نگاه کنید).

قونیه، کتابخانه موزه مولانا

کتابهای عبدالباقی گولپینارلی

(۵۵)

کتابخانه موزه مولانا، قونیه، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی، شماره ۱۱

جلد مقوایی رویه پارچه‌یی، ۶۴ برگ، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، کاغذ بدون فیلی‌گران، آهارزده، به رنگ زرد، خط نستعلیق خوش، مرتب به ترتیب قوافی، با ترجیع، ترانه و قطعات حاوی ۳۶۸ شعر.

محیطی: دیوان

آغاز: کسب نطق فضل حق کیم ذات بی امکاندر

دارنده ارض و سما خلّاق انس و جاندر

(۱ ب)

انجام و تاریخ: عاشقک دائم لباسی دوستدر

هم غداسی لقمه بی پوستدر

تمت شد دیوانی محیطی دده سنه غ ق ع ح

تاریخ که به حساب ابجد بیان شده سال ۱۱۷۸ را نشان می‌دهد. چون عرشی مرثیه‌یی

در باره محیطی دارد و عرشی در ۱۰۳۰ هـ در گذشته است، محیطی پیش از ۱۰۳۰ در گذشته است.

(۵۶)

کتابخانه موزه حضرت مولانا، قونیه، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی

جلد با عطف و کنارها میشن رویه مقوایی، به ابعاد بیرونی ۲۱ x ۱۶، ابعاد درونی ۱۵/۸ x ۱۰/۷، خط نسخ، مقاطع اشعار، بندهای ترجیع مصراع به مصراع زیر هم در وسط نوشته شده، ۹۵ برگ، در هر صفحه ۱۹ سطر دارد و در هر سطر یک بیت نوشته شده است، رمزها، حروف، تخلص عرشی و عنوانهای نشان دهنده قوافی به سرخ.

عرشی: دیوان

آغاز: دیوان عرشی بابا قدس سره الاعلی

باء بسم الله ایله قرآنه ایتدم ابتدا قاف ویا ودالی قیلدم حرف واحده ادا

(ب ۱)

انجام و فراغنامه: گوردیکه معلم اولدم اسماء کله

باش اندروین سجوده یوز قودی سروش

کتبه بنده ف ج ه خدای ازلی السید حافظ محمد شکری سنه سته و ستین و مأتین و الف

من هجرت من له العزّ و الشرف فی جمادی الاخره م (آ ۹۵)

*

در نسخه با آنکه خطهای املائی و عروضی وجود دارد، نسخه کاملی است و خطاها قابل اصلاح است. چون کاملاً منطبق با دیوان شماره ۲۸۵ در کتابخانه ملت، بخش آثار منظوم است، می توان حکم کرد که از روی آن استنساخ شده است (درباره عرشی در بخش آثار منظوم علی امیری به توضیح نسخه ثبت شده در شماره ۲۸۵ نگاه کنید).

(۵۷)

کتابخانه موزه مولانا، قونیه، کتابهای عبدالباقی گولپینارلی

جلد سرخ گل لاله در بالا و پایین شمشه دار، لولادار، شمشه و لولا به شیوه عثمانی، تعمیر شده خط نسخ معرب، آیات، احادیث و رموز به قلم سرخ، کاغذ کم آهار و زرد بدون

فیلی‌گران، بعضی جاها لگه‌دار، ۳۲۹ برگ، در هر صفحه ۲۱ سطر دارد، برگهای ۱-۱۸، ۲۰-۳۲ و ۳۴۷-۳۴۹ دارای فیلی‌گران و رنگ روشن و کاملاً آهارزده، بدون اعراب، نسبت به دیگر جاهای نسخه با خط نسخ بد نوشته شده و نقص کتاب برطرف شده است، عنوانهای این بخش (سرخ) خوب آماده نشده، نسبت به اصل نسخه کم رنگ تر است و رنگ باخته است، تمه کتاب با توجه به خط و کاغذ احتمالاً باید از قرن ۱۲ هـ/ ۱۸ م باشد.

درویش مرتضی: جاودان

آغاز: بِسْمِ... الحمد لله الذي له ملك السموات والارض ولم يتخذ ولداً... (ب ۱)
انجام: و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على نبينا و آله و على جميع الانبياء و المرسلين و الحمد لله رب العالمين (۳۴۹^ا)

※

در آغاز در ۱۰ برگ با عنوان: «فهرست الابواب ترجمه جاودان صغير» به قلم سرخ فهرستی دارد. بعدها شخصی «جاودان صغير» را پاک کرده، روی آن «الهی نامه صغير» نوشته است. بعد از دیباچه، متن با عبارات زیر آغاز می‌شود:

«بعد از حمد و ثناء حضرت حق عزّ شانه ای طالب اسرار آلهی وای عاشق حقایق نامتناهی بویله معلوم اولسونکه علم آلهی علم تاویلدر یعنی علم حضرة علی المرتضی در...»
و با جمله زیر به پایان می‌رسد:

«همیشه بنم جان و تنمی یراتمق استدی و جان و تنه خورشید ازل دیمک اولمز چون می‌بالد و می‌بالد و خواهد بالید یعنی نیجه بُویر و بُویر و دخی بویک اولسه گرگ».

مترجم در عبارات زیر نام خود، نام ترجمه و سال ۱۰۴۸ هجری را که سال ترجمه کتاب است بیان می‌کند:

«فقیرالحقیر درویش مرتضی بکناشی من فقراء حضرت شاه نجف بعد از هجرت حضرت رسول علیه الصلوة و السلام فی تاریخ غین وحی و میم فی الزمان مطلوب طالبان و معشوق عاشقان و محل عارفان رحمة الله علیه بوج نامه آلهی لسان ترکی اوزرینه ترجمه ایلدی و بو نامه آلهی درتیم دیو اسم ویردی که...».

در همین صفحه و در این جملات، روی عبارت زیر را با مرکب سیاه رو به بالا خطوط ریزی به شکل برگ کشیده و خراب کرده‌اند. اما نوشته آن باز هم خوانده می‌شود:

«و بهمت قطب الاولیاء الحاج بکتاش ولی الخراسانی صلوة الله تعالی علیهم اجمعین فقیر الحقیر درویش مرتضی بکتاشی» و «درویش مرتضی بکتاشی» «قطب الاولیا الحاج بکتاش ولی الخراسانی».

کسی که این کار را کرده در حاشیه این نوشته را افزوده است:

«ق ۱۲۹ ال ۶۱ ل ۱۱ ال ۲۳۱۸ ک ت، ا ش ۱ ل ی ال خ ر س ا ن ی ص ل ۱۶
ت ال ل ه ت ع ال اع ل ی م ۳۱ م ع ی ن فقیر الحقیر درویش مرتضی ۲ ک ت ۱
۳۰۰ ی من ف ق ۲۰۰ ا ۸۶ ا ض ر ۴۰۰ ش ا ه ن ۳ ف»

یعنی بعضی از حروف موجود در آن نوشته را به صورت حرف و بعضی از آنها را با معادل عددی آنها در حساب ابجد قید کرده است (۲). ما در حاشیه صفحه تاریخ ۱۰۴۸ را که به حساب ابجد بود، به رقم نوشته ایم و نوشته یی را که با رقم نوشته شده به صورت «قطب الاولیا الحاج...» افزوده ایم (۲). چنانکه در ب ۲۸، آ ۳۱، ب ۳۱ می بینیم، بعضی جملات را در بعضی برگها با مرکب سرخ پاک کرده اند، یا پاک کرده و اصلاح کرده اند.

صفحاتی که در آن مثل ب ۲۷ کلمه فراموش شده در بالای آن نوشته شده، یا با اشاره به محل آن حتی جمله را - چنانکه در آ ۳۴، ب ۳۶ و آ ۳۹ می بینیم - افزوده اند، بسیار زیاد است. چنانکه در ب ۴۰ دیده می شود، کلمه نوشته شده را با مرکب سرخ پاک کرده اند و در همان سطر آن را به صورتی دیگر نوشته اند. در تمام این «اصلاحات» که در متن یا در حاشیه اعمال شده است، کلمه یی مانند «نسخه» که مقابله را نشان دهد، دیده نمی شود. اما چنانکه در آ ۴۲ می بینیم، در مواردی که روی سطر یا در حاشیه جمله یی افزوده اند و «صح» بر آن قید کرده اند نیز هست. زبان کاملاً زبان همان دوره است. مثلاً:

«فَقْتَقِدُرُ دَيْسَه جَوَابُ بُودَ زِ كِه بَر وَجَه اَيْلَه حَدِيثِ قُدْسِي نُكُ بَر بَطْنِنْدَن وَ حَدِيثِ تَبْوِينُكُ
بَر وَجِهِي اَيْلَه بِيُورْدِي هَر نَه كِه بَنْدَن رَوَايَتِ اَيْدَه لَزْ اَكْرُ قُرْآنَه مُوَاقِدِر قَبُولِ اَيْلُكُ وَ اَكْرُ مُوَافِقِ
اَوْلَمَسَه اِنِي رَدَّ اَيْدُكُ دِيدِي پَس اَنْكُ سُوْرِي قُرْآنِ كِيْبِي اَوْلَه... وَ اَنْ يَدِي سُوْرَه هَر قَتَقِي سِنْدَن
كِه اُقَمَقُ اِسْتَرُ اُقُوِيَه جَايَزْدُر وَ جُمَعَه كُوْنِنْدَه» (ب ۳۲) «دَخِي بُونَجَلِيْن اَوْن بِيَش رُكْعَتْ وَ اَوْن
بِيَش اَلْحَمْدُ وَ اَوْن بِيَش اَيْتْ اُقُوِيَه كِه... وَ وَاَجِبْدُر كِه هَر كَاه اِسْتَبَه كِه ذَبَح حَيَّوَان اَيْدَه قُرْبَان وَ
غَيْر قُرْبَانِد كِه»، (ب ۳۸) «اِسْمَعِيْل حَضْرَتِ اِبْرَاهِيْم ع م اِسْتَدِي كِه قُرْبَان اَيْدَه شُوَيْلَه كِه حَوَابَدَه

كُوزِمِشْ اِيْدَه كِه اِسْمَاعِلِكْ يُوْزْنِي خَانَه كَعْبِيَه اَيْلِمِشْ كِه قُرْبَان اِيْدَه...»^۱
 این جملات، ترکیب جمله، ویژگیهای املائی روزگار خود را کاملاً نشان می‌دهد. همه این
 ویژگیها نشان دهنده آن است که نسخه به دستخط مترجم است. نسخه جاودان ثبت شده
 به شماره ۸۶۹ در نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول به همین خط است و این تتمه و
 تاریخ را در بردارد: «تم الكتاب الالهی الفضلی فی اوایل شهر ربیع الاول من سنین ۱۰۴۹»
 (ب ۲۳۰). این نیز دلیل دیگری است بر آنکه نسخه دریتیم به خط مترجم آن است.
 دیباچه در ترجمه تا ۶ ادامه پیدا می‌کند. متن در ۶ با کلمه «باب» آغاز می‌شود:
 «بسم الله... و من حیث خرجت فولّ وجهک... ای طالب اسرار الهی چون جمیع اطرافدن یوز
 کعبه یه ایلمک کرک...».

این ترجمه از نسخه‌ی نیست که با کلمه «ابتدا» آغاز می‌شود و به لهجه گرگانی نوشته شده
 است (نسخه‌های شماره ۹۲۰، ۱۰۴۶)، بلکه ترجمه نسخه‌ی است که با جمله «از جمیع عالم
 روی به کعبه می‌باید کردن» است که به فارسی متعارف نوشته شده است (به توضیح نسخه شماره
 ۹۲۰ و نسخه شماره ۱۰۰۰ نگاه کنید. در موزه حضرت مولانا در قونیه نسخه خطی جدیدی
 هم موجود است).

۱. یعنی: «اگر بگویند کدام است، جواب این است که به وجهی از بطن یک حدیث قدسی و بر وجهی از
 حدیث نبوی، فرمود که هرچه از من روایت کنند، اگر موافق قرآن است بپذیرید و اگر موافق نباشد، آن را رد
 کنید، پس سخن او همانند قرآن است... و از هفده سوره از هر کدام که بخواهد تلاوت کند جایز است و در
 روز جمعه (۳۲^ب) همچنین به این ترتیب پانزده رکعت و پانزده الحمد و پانزده آیه بخواند... و واجب است
 که هرگاه بخواهد حیوانی ذبح کند در قربان یا در غیر از قربان که (ب ۳۸). حضرت ابراهیم علیه السلام
 خواست که اسماعیل را قربان کند. بدین سان که در خواب دیده بود که روی اسماعیل را به جانب کعبه کرده
 است که قربانش کند...»

رموز به کار رفته در متن از سوی حروفیان

شماره ۱۰۰۹ بعد از این رمز، «عمّ	ط: خط	خ: خدا
نواله» نوشته شده، جلّ جلاله	طو: خطوط	خَل: خلقت
جم: جمعه	ع: وجه	خمص: خلقت الله آدم علی صورته
ج ی: جاودان نامه الهی	وم: والسلام	ق: حق
چه: چهارده	ومّ: والسلام	قّ: حق
چّه: چهارده	بیکه: یازده	ق تع: حق تعالی
د: آدم	بیه: یازده	صمه: قیامت
فمّ: فضل	ذّ: ذات	کک: کمت
فر: فضل	آه: الله	لمّ: رسالت
فراه: فضل اله، فضل الله	اه: الله	م: علیه السلام
فرخ: فضل خدا	اه تع: الله تعالی	په: پانزده
فه: هفده	ع: علیه السلام	پّه: پانزده
فّه: هفده	ء: علیه السلام	ص: صلوات
ح: حضرت	ء م: علیه السلام	صایل: صاحب تأویل (فضل)
ح: حضرت	ع نامه الهی: عرش نامه الهی	صّ: صورت
حک: حضرت	ع ی: عرش نامه الهی	صلعم: صلی الله علیه و آله وسلّم
ح ی: حضرت الهی (فضل)	مک: بیست و هشت	کک: سی و دو
	ج ه: جلّ اسمه (چون در نسخه)	تع: تعالی

رموز متون حروفیه

رمزهایی که در زیر آورده‌ایم در کتابهای فهرست شده به کار نرفته اما در دیگر کتابهای حروفیه به آنها برخورد می‌شود، این رموز را در مجموعه شماره ۷۸۵ (ب ۶) در بخش منظوم کتابخانه ملت یافته‌ایم، نقل آنها را در اینجا مفید تشخیص دادیم.^۱

الخ: الی آخره	صر: صورت	ك: كلمه
ب: لب	صرطم: صراط مستقیم	كت: ركعت
بش: بهشت	طا: شیطان	كی: كرسی
یع: به عدد	طس: خط استوا	ل: لوح
تابه: کتابت	طع: طبع	لظ: لوح محفوظ
جه: درجه	ع: علم	لك: ملك
جیل: جبرئیل	ع: علی (ع)	لم: قلم
چان: چنانکه	ع: عناصر	م: محمد (ص)
ح: حرف	عبه: کعبه	م: مهدی
ح: حور	عت: ساعت	محا: محاسن
خت: خلقت	عص: عصا	مر: امرد
خه: خد	عض: عرض	مف: مصحف
دا: آدم	علما: علم آدم‌الاسماء	مقط: مقطع
دخ: دوزخ	عم: علم	مه: مهدی
س: استوا	عیل: عزرائیل	میل: میکائیل
سبعم: سبع المثانی	غ: غلمان	ن: نقطه
سدر: سدره‌المتهی	فك: فلک	نس: انسان، انسانی
سظم: اسم اعظم	فلج: فلک البروج	وا: حوا
سی: کرسی	فیل: اسرافیل	ه: الله
ش: عرش	قبه: قبله	
شب: شارب	قت: قیامت	
شمع: شب معراج	قن: قرآن	
شه: شانزده		

۱. این رمزها را برای سهولت مراجعه به ترتیب الفبایی فارسی آورده‌ایم - مترجم.

نامهای الفبایی کاتبان و محل استنساخ نسخه‌ها
تاریخ کتابت و صفحات آن در فهرست

زکریا بن حسین ۱۱۹۵ هـ، ۱۰۱	درویش الماس بن حسین بن الیاس قره بچ
السید حافظ محمد شکری ۱۲۶۶ هـ، ۱۳۹	۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ هـ ۷۰، ۹۷
شیخ مرتضی بن ضعیفی مرتضی ۱۱۴۵ هـ، ۱۳۲	درویش بایزید بن ممی خلیفه ۱۱۴۸ هـ،
علی بن محمد ۱۱۲۴ هـ، اسکندریه ۱۲۷	ارگری قصری ۶۱
علی بن محمد ۱۱۸۰ هـ، ارگری قصری، ۹۲	درویش جعفر بن ابوبکر بن جعفر، ۱۱۸۰ هـ
علی بن مصطفی ۱۰۳۱ هـ، ۹۵	ارگری قصری ۵۵، ۱۱۴
علی بن موسی ۱۱۱۹ هـ، اسکندریه، ۷۶	درویش رجالی الشهیریه مصاحب محمد بیگ
قاسم ۱۵ مارس ۱۲۰۷ هـ، ۸۲	۱۰۰۰ هـ، ۸۰
قاسم خواجه ۸۵	درویش علی سرخانی ۸۴۵ هـ، ۷۱
قطب محمد بن احمد بن کاظم ابن علی، ۱۲۰۳	درویش عمر بن عبدالکریم بربر ۱۱۹۲ هـ، ۱۱۳
۱۲۱۳، ۱۲۱۵ هـ، ارگری قصری، ۸۹	درویش عیسی بن کمال الدین خواجه ۱۱۸۶،
۱۰۵، ۱۰۴	۱۲۰۰، ۱۱۸۶، ۱۲۰۹ هـ، ۴۸، ۶۰، ۸۴، ۱۱۵
کمال ۱۳۰۷ هـ، ۴۴	درویش محمد بن صالح آقچه حصارى ۱۱۶۷
محمد بن علی ۱۱۲۱ هـ، ۴۴	هـ، ۶۳ (این شخص هم از نظر تاریخی و هم
محمد قلندر آقچه حصارى ۱۱۰۶ هـ، ۷۲	از نظر اسم همان است که در نسخه شماره
مرتضی بن علی مصطفی ۹۷	۱۷ آمده است.)
مصطفی بن ابدال الهی مرتضی ۱۱۳۴ هـ، ۱۳۰	درویش محمد عبدملوک ۱۱۶۶ هـ، ۷۲
ملاً علوش بن درویش ابراهیم بن علی بن محمد بن	درویش مرتضی بکتاشی ۱۰۴۸ هـ، قریه حاجی
محمد خواجه ۱۲۵۶ هـ ارگری قصری، ۹۶	بکتاش، ۱۴۰، ۱۴۱
ملا درویش ۹۰	درویش نبی فلورنوی ۹۸۶ هـ، ۷۹
وجهی ۹۹۲ هـ، ۵۷، ۱۵۸	رونقی ۱۲۷۵ هـ، ۱۲۱

فهرست راهنما

ابوالحسن اصفهانی ۶، ۱۷، ۲۸، ۶۱، ۶۲،
۶۷، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳

۱۲۹، ۱۳۵

ابوسعید ابوالخیر ۶۳

ابومسلم ۸۵

ابیات و مفردات فارسی ۹۹

احمدخضر ۲۹

احمد داعی ۱۱۶

احمد رفعت ۱۱

احمد رفیق ۳۷

احمد لری ۳، ۱۸، ۳۰، ۴۹

اخبار الحلاج ۱۹

ادرنه ۳۳

ارسطو ۸۰

ارگری کسری (ارگری قصری) ۴۸

۶۰، ۶۱، ۸۴، ۸۷، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۹

۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷

از مرثیه برادرش ۱۳۱

اسامی بعضی خلفای فضل ۶۹

استانبول ۲، ۳، ۱۲، ۲۸، ۲۹، ۳۱-۳۳،

۳۵-۳۷، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۷۹، ۸۰

۹۴، ۹۶، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۲

۱۲۸، ۱۴۲

استرآباد ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۱۷

«آ»

آخرت نامه ۲۸، ۳۶، ۳۸، ۱۱۲، ۱۳۶

آخیولی (در روم ایلی) ۳۶، ۳۷

آداب وارکان مولوی ۳۵

آدم (ع) ۲۲

آذربایجان ۸، ۲۸

آذری ۷۴

آقازاده محمد دده ۳۵

آق باغا ۲۶

آقچه حصار ۳۶

آق یازیلی، ابراهیم ثانی ۲۸، ۲۹، ۳۴

۳۵، ۳۷

آلبانی ۳۶

آل عثمان ۳۲، ۳۳

آلنجه - النجه (قلعه)

آمل ۱۲۴

آناطولی ۱۷، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۶

۳۸، ۶۵

آنکارا ۲۰، ۳۲، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۵، ۷۰

«ا»

ابن عربی ۱۹

ابن فرشته - عبدالمجید بن فرشته

- استروسمان، ر. ۵
 استوانامه ۳، ۴، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۵۹، ۵۶، ۴۹، ۴۸، ۳۶، ۳۲، ۳۰-۲۸
 ۶۳، ۶۷، ۷۶، ۸۳، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۵
- ۱۳۱
 اسحق ← امیر اسحاق
 اسرار دده ۳۵
 اس ظفر ۳۱
 اسکندرنامه ۱
 اسکندر تیه (محلّه روس یا رواس) ۳۶، ۱۲۷، ۹۶، ۷۶
 اسکی شهر ۳۶، ۳۷
 اسلام ۲۲، ۲۳، ۸۰
 اسماعیل حکمت ارتایلان ۳۳
 اسماعیلیّه ۸۰
 اسم و مسما ۲۸، ۱۱۰
 اشارت نامه ۲۸، ۷۶
 اشراقیون ۸۰
 اشعار و... ۷۳
 اشقورت محمد دده ۵، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۴۹، ۵۱، ۶۲، ۷۹، ۸۸
 ۹۷-۱۰۱
 اصفهان ۵، ۷، ۸، ۲۶، ۶۷، ۱۳۰
 اصفهانی، صابن الدین علی ۱۸
 اطاعت نامه ۲۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴
 افضل الدین کاشانی ۷۳، ۸۱
 افلاطون ۸۰
 الغ بیک ۳۱
 النجق ← النجه (قلعه)
 النجه (قلعه) ۹، ۱۱-۱۴، ۲۹-۳۲، ۴۶
- ۶۲، ۴۸
 الهی نامه صغیر ۱۴۰
 الیف رفقی ۱۲۲
 امورا و باسی ۳۷
 امیر اسحاق ۱۶، ۲۶، ۶۸، ۷۰، ۷۶، ۱۰۰
 ۱۱۲، ۱۲۴
 امیر حبیب الله ۱۰، ۸۱
 امیر روح الله ۱۰، ۸۱
 امیر سلام الله ۱۰، ۲۶، ۴۹، ۸۱
 امیر سیّد اسحاق ← امیر اسحاق
 امیر سیّد علی ← علی الاعلی
 امیر سیّد نسیمی ← نسیمی، عماد الدین
 امیر شمس الدین محمد (پسر سید شریف
 گرگانی) ۸۰
 امیر علی دامغانی ۱۷، ۸۴
 امیر علی کیوان ۲۶
 امیر غیاث الدین محمد بن حسین بن
 محمد الاسترآبادی ۳، ۱۴، ۱۷، ۲۸، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۳، ۹۷، ۱۰۵
 امیر کلام الله ۴۹
 امیر کلیم الله ۱۰، ۲۶، ۸۱
 امیر مسیح الله ۱۰
 امیر نور الله (نوه فضل) ۳، ۱۰، ۳۰، ۴۹
 ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۱۳۱
 امیری، علی در اکثر صفحات
 انجمن تاریخ ترک ۴۹، ۵۰، ۵۶
 انوری ۹۹
 اوحد الدین ۷۳
 اوغلانلر شیخی ابراهیم ۳۲
 اولغون ابراهیم ۹۶

مصطفی بکتاشی
بکتاشیه - حروفیه وسه ماده تاریخ دربارۀ
قتل فضل ۱۲، ۴۶، ۵۴، ۶۲، ۹۴،
۹۹

بکتاشی سرّی ۱۲۲

بمبئی ۳، ۴۹

بودون ۷۸، ۱۱۹

بولاق ۱۹

بهاء الله ۳۰

بهاء الدین (پدر فضل) ۵

بهاء الدین حسن (پدر وجد فضل) ۵

بهاء الدین (درویش) ۵، ۱۶

بهایان ۲۲، ۲۳، ۳۰

بی بی ام القری ۱۰، ۸۱

بی ام الكتاب ۱۰، ۲۶، ۴۹، ۸۱

بی بی علم الكتاب ۱۰

بی بی فاتحه الكتاب ۲۶، ۴۹

بیان الواقع ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۲۸، ۳۸،

۵۰، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۷، ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۳۱

«پ»

پاریس ۱۹

پناهی ۹۵، ۹۶

پَرَوَز ۳۲، ۱۰۵، ۱۰۶

پریوز ← پروز

پیرتاج گیلانی ۱۲۷

پیرحسن دامغانی ۱۷، ۸۴

«ت»

تاتاربازاری ۳۶

اونات فائق رشید ۱۳

ایران ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۷

ایشیق ۳۴، ۳۷

ایضاح الاسرار ۳۱

«ب»

باطیّه ۵، ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۳۰

باعنقه (محلّ) ۵۶

باقر قاموزاده عبدالجلیل ۶۲

باقی (شاعر) ۶۳

باکویه (= باکو) ۹، ۱۶، ۵۷، ۵۸

بالی سلطان (= بالیم سلطان) ۳۳

باونات ۲

بایزید ۱۶، ۶۹، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۵

بتلیس ۱۶، ۲۶

بخشی از عرش نامه ۶۸

بخشی از محشر نامه ۷۵

بدایع الوقائع ۵

بدرالدین ۳۷

براون، پروفورادوارد ۱۰، ۶۹

برقی افندی ۴۸

برلین ۱۹

بروجرد ۱۶

بشارت نامه ۱۳، ۲۳، ۲۸، ۹۲-۹۴،

۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶

بغداد ۲۶، ۳۴، ۸۰

بقچه نقی ۱۲۷

بکتاشیان ۲۹، ۳۱-۳۴، ۳۸، ۷۸، ۹۹،

۱۱۷، ۱۲۲

بکتاشی درویش مرتضی ← درویش

- تاج‌الدین ۱۶
تاریخ قتل فضل‌الله ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۶۲
تاریخ نشانجی ۳۳
تاریخ نظم و نثر در ایران ۱۸، ۶۵، ۶۷، ۷۳، ۷۹
تبریز ۱، ۷، ۱۲، ۱۵، ۳۱، ۵۰، ۶۲، ۹۱، ۱۲۴
تذکره اسرار ۱۱۸
تراب‌نامه ۴، ۱۷، ۲۸، ۳۸، ۴۹، ۸۵-۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۰
ترجمه خواب‌نامه ۱۳۴، ۱۳۵
ترجیع ۴۷
تُرک شاهان (یا ترک شاهان) ۱۳۲
تقسیم چهل شبانه‌روزی ۷۵
تقی‌الدین محمدبن معین‌الدین ۲
توحید‌نامه ۴، ۵، ۲۲، ۲۸، ۱۳۰
توفیق، دکتر رضا ۱
توفیق‌نی‌زن ۳۵
توقتمش خان ۱۵
توقچی = توخچی ۷، ۸
توکل بن دارا ۱۶، ۶۹، ۱۰۰
تهران ۱
تیرگر محمد ۱۶
تیره (محل) ۳۶، ۱۱۸
تیمورگورگانی ۲، ۱۵
- «ج»
جامی، نورالدین عبدالرحمن ۷۳، ۱۱۶
جاودان ۳، ۷، ۹، ۱۴-۱۸، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۸، ۴۷، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۵۹
- ۶۳، ۶۸، ۷۱، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰-۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۲
جاودان کبیر ۱۴، ۱۵۹
جاودان‌نامه - جاودان
جاودان‌نامه صغیر ۱۴، ۱۵، ۱۰۰
جاویدنامه - جاودان
جاویدی علی ۱۶، ۲۸، ۵۰، ۵۱، ۶۴ -
۶۶، ۸۷، ۸۸، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۲
جعفر ۳۶
جلال بروجردی ۸
جلال بیگ - میر علم جلال بیگ
جلال‌الدین - فضل‌الله حروفی
جلال‌الدین رومی ۶، ۶۳، ۸۶، ۱۱۶
جلال سافر شاه ۷۰
جهانشاه - مظفرالدین جهان‌شاه قراقویونلو
- «ج»
چهارده معصوم ۲۳، ۹۹
- «ح»
حاجی، بایرام ولی ۳۲
حاجی بکتاش ولی ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۷۸، ۱۲۰، ۱۴۱
حافظ شمس‌الدین محمد ۱۴، ۶۳
حافظ حسن ۶۹
حالی ۳۵
حامدی ۳۳
حبیب‌الله (پسر امیر نورالله) ۶۲
حبیب‌السیر ۳، ۳۰، ۳۱، ۴۹

- حمزه بیک ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۵۱، ۷۸،
 ۸۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳
- حوّا ۲۱
 حیرتی ۳۵
 خاتون ایلی ۳۷
 خاتون بی بی خواندگار ۱۰، ۵۲، ۵۸، ۸۱
 خراسان ۵، ۱۷، ۸۴، ۹۷، ۱۲۴
 خطائی ۱۱۶
 خطبة البیان ۸۶
 خلیفه الله ← علی الاعلی
 خلیل رونقی بابا ← رونقی خلیل بابا
 خواب نامه ۵-۱۰، ۱۴، ۱۵، ۲۸، ۳۶،
 ۶۱، ۶۷، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۳۵
 خواجه اسحاق ← امیر اسحاق
 خواجه حافظ حسن ۱۶، ۱۰۰
 خواجه شیخ علی زین الدّین ۸۰
 خواجه عضدالدین (خواهرزاده فضل) ۳
 خوارزم ۶، ۷
 خوزستان ۱۳۲
 خوان الاخوان ناصر خسرو ۱۹
 خواندگار ← خاتون بی بی خواندگار
 خواندمیر ۳، ۴۹
 دامغان ۹
 دانشگاه استانبول ۱، ۴، ۵، ۱۰، ۱۳، ۲۳،
 ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۹، ۷۴-۷۷، ۸۱
 ۸۶، ۹۲-۹۶، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۲
 ۱۲۳-۱۲۶، ۱۲۸، ۱۱۳، ۱۳۴
 دانشگاه تهران ۱، ۴۶، ۶۴
 دانشمندان آذربایجان ۱۷، ۳۱
 دانیال ۱۸
- حج نامه ۸، ۹، ۲۸، ۳۲، ۸۸، ۸۹
 حدیقة السعدا ۶۳
 حروفی فضل الله ۱-۱۹، ۲۲-۳۲، ۳۵
 ۳۶، ۳۸، ۴۴-۴۶، ۴۹-۵۱، ۵۵، ۵۶
 ۵۸-۶۰، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۸۱-۸۴
 ۸۷-۸۹، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۱۸
 ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۶
 حروفیه ۱، ۲، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸
 ۲۱-۲۳، ۲۶-۳۴، ۳۶-۳۸، ۴۴، ۴۶
 ۴۹، ۵۴، ۶۱، ۶۲، ۷۳، ۷۵، ۱۰۰
 ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰
 ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۲
 حروفیه گیلان ۹۷
 حزقیال ۱۸
 حسام الدین یزدجردی ۱۶
 حسن (از خلفای فضل) ۳، ۵، ۶، ۸،
 ۵۰، ۵۶
 حسن استرآبادی ۱
 حسن بن حیدر ۱۰۰
 حسن العسکری (ع) ۲، ۸۴
 حسین بن احمد ۱۰۷
 حسین بن علی (ع) ۱۰، ۲۷، ۶۹، ۱۳۳
 حسین غازی ۱۶، ۱۰۰
 حسین فخرالدین دده (فخری) ۳۵
 حسین کیابن نقیب ۱۶، ۶۹، ۱۰۰
 حسینی ۸
 حکایت شیخ حسن بصری ۷۴
 حلاج، حسین بن منصور ۱۹
 حلب ۳۲
 حمدالله مستوفی ۱۸

- ۶۳
 درویش محمدحیدری ۷۰
 درویش محمدعبدمملوک ۷۲
 درویش مرتضی بکتاشی ۵۹، ۲۹
 ۱۴۰، ۱۴۱
 درویش ممی بایزیدبن ممی خلیفه ۶۱
 درویش مولانا حسن یزدجردی ۲۶
 درویش نبی فلورنوی ۷۹
 درویش هدایت بن ناصرالدین بن علی
 خلیل البغدادی ۸۱
 دریای سیاه ۳۲
 دُرَیْمِیم ۱۴، ۲۹، ۵۹، ۱۴۰، ۱۴۲
 دست بریده محمدمیرزا ۱۶، ۲۸، ۹۹،
 ۱۰۰
 دشت (رشت؟) ۸
 دفتر مهمه ۳۷
 دکن ۲
 دو ترجیع بند فارسی ۴۶
 دویتدار ارگری (محلّه) ← محلّه دویتدار
 دیزگی (شخص) ۱۳۲
 دیوان ۷۲
 دیوان ترکی ۱۲۰
 دیوان الحلاج ۱۹
 دیوان عرشی ۲۸، ۳۸، ۱۱۱، ۱۱۵
 ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۳۹
 دیوان فارسی ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۶۰، ۷۴
 ۷۵، ۷۷
 دیوان فارسی (نسیمی) ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۸
 ۳۸، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۷۷، ۱۲۸
 دیوان مثالی ۳۸، ۱۲۰
- دایرةالمعارف اسلام ۲، ۳۲، ۴۹، ۵۰،
 ۵۵، ۷۸
 دایرةالمعارف ماهانه ۳۴
 دربارهٔ سوره‌ها و آیات ۷۲
 دربارهٔ نفس و مقامات توحید ۷۴
 در تعریف ذره ۱
 درگاه شاه قولی ۱۲۲
 درگاه سیدنظام الدین ۱۲۱
 درویش الماس بن حسین بن الیاس قره‌بج
 ۷۰، ۹۷
 درویش بایزیدبن ممی خلیفه ۶۱
 درویش بهاءالدین ۲۶
 درویش جعفر بن ابوبکر بن جعفر ۵۵ و
 ۱۱۴
 درویش حبیب‌الله ۶۱
 درویش حسام‌الدین یزدجردی ۸
 درویش حسن ۲۶
 درویش رجالی الشهیر به مصاحب
 محمددیک ۸۰
 درویش صدرضیا ۲۶
 درویش عبدالله بُسنوی ۶۲، ۹۲
 درویش علی ۲۶، ۱۰۵
 درویش علی سرخانی ۷۱
 درویش علی الملقب به جاویدی ۵۱،
 ۶۴
 درویش عمر بن عبدالکریم ۱۱۳
 درویش عیسی بن کمال‌الدین خواجه
 ۴۸، ۶۰، ۸۴، ۱۱۵
 درویش محمد ۲۶، ۹۰
 درویش محمد بن صالح آقچه حصاری

- دیوان محیطی ۱۳۸
 دیوان (میرشریف) ۱۳۵، ۳۸، ۲۳
 دیوان نعیمی ۸۸، ۳۸
- «ز»
 رائف یلکنجی ۱۱
 رافضیان و بکتاشیان ۳۷
 راهنمای تبدیل تاریخهای هجری
 به تاریخ میلادی ۱۳
 رباعیات سید اسحاق ۶۰
 رحمة الله ۷۲، ۵۹، ۴۷
 رسائل و دیوان مثالی ۷۷، ۲۸
 رسائل و دیوان محیطی ۲۸
 رساله ۸۳، ۶۸
 رساله (اسحاق) ۷۰، ۶۷، ۶۶
 رساله اسم و مسما ۶۵
 رساله بدون نام درباره حروفیه ۱۰۹
 رساله جاروبیه ۷۴
 رساله طریقه ۷۴
 رساله فارسی ۱۰۴
 رساله فارسی درباره شروع جاودان با
 شش الف ۶۱، ۵۰
 رساله فارسی درباره صلوات به اعتقاد
 حروفیه ۱۰۵
 رساله فقریه ۷۴
 رساله قلندریه منشور ۷۴
 رساله معادیه المعادیه ۵۸
 رساله (میرفاضلی) ۹۱، ۹۰، ۶۱، ۲۸
 ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰، ۹۲
 رساله هشت فریضه حاتم اصم ۷۴
- رساله‌یی به ماهیت شرح مواردی از
 جاودان ۱۰۷
 رساله‌یی ترکی در قالب مثنوی ۹۵
 رساله‌یی درباره حروف ۶۴
 رساله‌یی درباره حروفیه ۷۵، ۱۰۵
 ۱۰۹
 رفیعی ۱۳، ۲۳، ۲۸، ۹۳-۹۵، ۱۰۰،
 ۱۰۶، ۱۰۵
 رواقیون ۸۰
 روحی بغدادی ۳۵، ۳۴، ۲۵
 روم ۱۳۵، ۱۱۴، ۱۰۹، ۶۵، ۲۶
 روم ایلی ۱۱۸، ۳۸، ۳۶، ۳۱
 رونقی خلیل بابا ۱۲۱
 ریاض العارفین ۳
 ریتز، پروفور هلموت ۲
 ریحانه الادب ۱۲۷
- «ز»
 زاویه صاری بابا ۳۷
 زیده النجات ۶۷، ۲۸
 زکریا بن حسین ۱۰۱
 زکریا وزیر ۷
 زین الدین علی وزیر ۸۰
- «س»
 سیزوار ۹۸
 سته داعی ۷۳
 سخاوی، شمس الدین محمد بن
 عبدالرحمن ۲ و ۳۰، ۴۹
 سعدالدین حمویه ۸۴، ۱۲۷

- سعدی ۱۴، ۷۴
 سقّای صاحب بیان ۱۱۶
 سلام اللہ - امیر سلام اللہ
 سلجوقیان ۱۳
 سلطان اویس پسر حسن جلایری ۷، ۱۵،
 ۱۷، ۸۴
 سلمان ۷۴
 سلیمان پیامبر ۶، ۱۰۰
 سلیمان (خلیفہ فضل) ۱۶
 سلیمان قانونی ۳۳
 سمرقند ۱۸، ۳۱
 سنائی ۷۴
 سنجر یہ، قلعه - النجہ
 سوغند (= سوغند) ۸۵، ۸۶
 سہی (مؤلف) ۹۶
 سیاہی ددہ ۳۵
 سید (مؤلف) ۵۳
 سید ابو الحسن ۱۷
 سید اسحاق ۱، ۳-۶، ۱۴، ۱۶، ۱۷،
 ۲۳، ۳۱، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۶،
 ۸۳-۸۵، ۸۷-۹۰، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰،
 ۱۰۳
 سید تاج الدین کھنای بیہقی ۱۷، ۸۴
 سید حافظ محمد شکر ی ۱۳۹
 سید حسن (مرید فضل) ۹
 سید سعید شہید ۲۷
 سید شریف (میر شریف) - میر شریف
 سید صابن الدین بیہقی ۱۸
 سید عبدالقادر بلخی قطب ملامتی
 (حمزوی) ۳۵
- سید علی ۶۵
 سید علی سلطان ۳۵، ۶۵
 سید غازی ۳۷
 سید فخر الدین قروینی ۱۸
 کمال الدین ہاشمی ۶، ۱۰، ۱۷، ۱۸،
 ۲۸، ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۳۲
 سید کمال الدین حسین - سید کمال الدین
 ہاشمی
 سید محمد (نور بخش) ۱۲۷
 سید مظفر ۱۶
 سیفی (نظام اوغلی) ۱۱۶
 سیلوری قاپوسی ۱۲۱
 سیماونہ قاضیسی اوغلی بدر الدین ۲۸
 سیماونہ قاضیسی اوغلی بدر الدین ۳۷
 سیواس ۳۶، ۳۷
- «ش»
 شاعران علوی - بکتاشی ۲۹، ۳۳، ۳۵
 شام ۱۱۷
 شاہ داعی ۷۳
 شاہرخ ۲ و ۳، ۳۰، ۴۹، ۵۶
 شاہ منصور ۸
 شاہ نجف - علی (ع)
 شجرۃ الکون ۱۹
 شرح پنجاہ بیت عرش نامہ ۸۷
 شرح پنجاہ پایہ جاویدی ۵۱، ۶۵، ۱۰۵
 شرح تقسیمات ۲۸، ۹۲
 شرح جاویدی ۱۰۰
 شرح حمزہ ۱۰۰، ۱۰۳
 شرح قصیدہ ۱۲۳

- شرف‌الدین یزدی ۶۵
 شرقیات (مجله) - مجله شرقیات
 شریف - میر شریف
 شریفی ۴۸
 شعر ۶۲
 شعر فارسی ۴۷
 شعری در قالب مثنوی ۴۷
 شعری در ۷۶ بیت در قالب مثنوی
 ۱۰۳
 شعر فارسی ۴۷
 شقایق مجدی ۱۱۲
 شقائق النعمانیه ۳۳
 شماخی ۹
 شمر ۱۰، ۶۹، ۱۳۳
 شمس‌الدین ۱۱۲
 شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی
 - سخاوی شمس‌الدین محمد بن
 عبدالرحمن
 شهاب‌الدین - حروفی فضل‌الله
 شهاب‌الدین سهروردی ۸۱
 شیخ ابراهیم شروانی ۹، ۱۳۲
 شیخ ابوالحسن اصفهانی - ابوالحسن
 اصفهانی
 شیخ بدرالدین ۲۸
 شیخ جنید ۷۴
 شیخ خواجه صاحب صدر ۷
 شیخ سماو ۳۷
 شیخ علی مغزایش - علی مغزایش
 شیخ محمد - اشقورت محمد دده
 شیخ مرتضی بن ضعیفی مرتضی ۱۳۲
- شیخ مفید ۸۰
 شیراز ۸، ۸۰
 شیروان ۶۹، ۱۰۰
 شیعه ۲۳، ۲۵، ۲۹
- «ص»
 صائب ۹۹
 صاحب بیان - حروفی فضل‌الله
 صادق علی ۱۱۶
 صاری صالقیق ۳۷
 صحبت‌نامه ۳۲
 صدرالدین قونیوی ۸۱
 صلوات‌نامه ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۸، ۳۰،
 ۴۹، ۶۲، ۷۹، ۸۸، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۳۲
 صنع‌الله غیبی ۳۲
 صوقیه ۲۳
 صولتق ۵۵، ۱۲۸
 صولی ۱۲۸
- «ض»
 ضعیفی ۸۵
 ضوء‌الأمع لاهل القرن التاسع ۲، ۳،
 ۳۰، ۴۹
- «ط»
 طائفه سماونی ۳۷
 طبعیون ۸۰
 طفیلی ۱۱۶
- «ع»
 عالی ۳۴

- ۱۴۰
 علی (نام شخص) ۱۰۵، ۹۳، ۹۰
 علی (مؤلف) ۱۰۴، ۴۷، ۴۶
 علی الاعلیٰ ۳ - ۵، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۶،
 ۱۷، ۲۶ - ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۸ - ۵۲،
 ۶۲، ۷۹، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۶،
 ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۰ - ۱۳۳
 علی امیری - امیری، علی
 علی بن محمد ۹۲، ۱۲۷
 علی بن محمد حسینی ۵۷، ۵۸
 علی بن مصطفیٰ المؤذن ۹۵
 علی بن موسیٰ ۷۶
 علی حیدر ۲۹
 علیشاه شیرازی ۱۳۰
 علی مغزایش ۱۰۶ و ۶۹ و ۱۰۰
 عمادالدین نسیمی - نسیمی عمادالدین
 عهد جدید ۱۸ و ۱۹
 عهد عتیق ۱۸ و ۱۹
 عیسیٰ (ع) ۲۱، ۲۲
 عیسیٰ (حروفی) ۱۰، ۵۸، ۸۱
 عیسیٰ خلیفه ۳۷
 عیسیٰ الله ۵۷
 غیاث الدین محمد بن حسین بن
 محمد الحسنی الاسترآبادی ۱،
 ۲۶-۲۸، ۵۶
- عبدالحی ۱۸
 عبدالرحمن - حروفی فضل الله
 عبدل اصفهانی ۸
 عبدالله هاتفی ۱۱۶
 عبداللطیف بن ملک ۱۱۲
 عبدالمجید بن فرشته عزالدین ۱۴، ۱۵
 ۱۷، ۲۸، ۳۶، ۳۸، ۳۸، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۱،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
 عثمان بابا ۲۸، ۲۹، ۳۴
 عثمان خلیفه ۳۷
 عثمان یحییٰ ۱۹
 عراق ۹۳
 عراقی فخرالدین ۷۳
 عرب ۲۵
 عرش نامه ۲، ۷، ۱۴، ۱۵، ۲۹، ۳۸، ۵۷،
 ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۲، ۷۵، ۸۴،
 ۸۷-۸۹، ۱۱۰، ۱۱۸
 عرفات العاشقین ۲
 عرشى ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۵۵،
 ۶۱، ۷۲، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱،
 ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۹
 عزالدین شاه شجاع ۱۵
 عزى شروانى ۱۱۶
 عشق نامه ۱۴، ۲۸، ۳۶، ۹۸، ۱۰۹،
 ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴
 علاء الدین ۱۲۷
 علم الهدی سید مرتضیٰ ۹۸
 علویان ۳۲، ۳۷
 علی (ع) ۵، ۲۲، ۲۳، ۵۳، ۶۴، ۸۴،
 ۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۳، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۴
- «ف»
 فاتح سلطان محمد ۳۲
 فاتحة الكتاب - بی بی فاتحة الكتاب
 فاضلی - میر فاضلی

- فاطمه، مخدومه بزرگ ۸۱، ۱۰
 فتح نامه ۱۱۶، ۱۰۳، ۱۸
 فتحی ۱۱۶
 فتوت نامه ۱۱۶
 فتوحات مکیه ۱۹
 فخرالدین ۸
 فخرالدین رازی ۹۸
 فخرالدین عجمی ۳۲
 فخری بیلگه ۱۱
 فراق نامه ۱۳۱
 فردوسی ابوالقاسم ۱۱۶
 فرهنگ جغرافیایی ایران ۸۶
 فضل الله حروفی - حروفی فضل الله
 فضل الله خراسانی ۸
 فضولی ۱۱۶
 فضیلت نامه ۱۱۶، ۲۹
 فؤاد کوپرلی اورخان ۷۸
 فهرست موزه های آثار عتیقه استانبول
 ۳۲
 فهرست نسخ خطی موزه مولانا ۴۷،
 ۷۰، ۶۶، ۶۵
 فی صفة المهدی ۱۲۷
 فیض نامه ۱۱۹، ۷۸
 فیلیه ۳۶
- «ق»
 قاسم ۸۲
 قاسم الانوار تبریزی ۷۳، ۳۱، ۳۰، ۱۸
 ۷۴
 قاسم خواجه ۸۵
- قاسمی ۲۹
 قاضی بایزید ۹
 قاموس الاعلام ۱۲۸، ۳۶
 قاهره ۴۹، ۱۹، ۲
 قایغوسز ابدال ۳۵
 قرآن کریم ۶، ۱۳، ۱۹-۲۱، ۲۵، ۲۸،
 ۱۲۴، ۷۳
 قرّة العین فضل ۳۱
 قزوینی سید فخرالدین ۱۸
 قسطنطنیه - استانبول
 قصیده طالع الملوک ۱۰۶
 قطب الدین شیرازی ۸۱
 قطب محمد بن احمد بن کاظم (کذا)
 ابن علی ۸۸-۸۹، ۱۰۴، ۱۰۵
 قلعه النجق - النجه
 قلعه سنجریه - النجه
 قلندر نامه ۵۳
 قواعد عقاید آل محمد ۵
 قونیه ۵۹، ۶۲، ۷۰، ۹۶، ۱۳۸
 قیامت نامه ۳، ۹، ۲۸، ۱۳۳
- «ک»
 کاشف الاسرار ودافع الاسرار ۱۱۲، ۳۱
 کتاب الطّوا سین ۱۹
 کتابخانه دانشگاه استانبول ۵۹، ۶۲، ۱۶۲
 کتابخانه سلیمانیه استانبول ۵۹
 کتابخانه ملّی (ملک) ۸۱
 کتابخانه موزه مولانا ۶۲، ۹۶، ۱۳۸
 ۱۳۹
 کربلا ۱۰، ۶۹، ۱۱۷، ۱۳۴

کرسی نامه [= حج نامه] ۱۱۶، ۱۸، ۹، ۷، ۴

کشف الظنون ۳

کشف نامه ۱۱۰

کعبه ۱۴، ۱۳

کلام قدیم (اشعار فضل) ۸۱

کلمة الله هي العليا ۳۱

کلیمی ۴۷

کمال ۴۴

کمال الدین هاشمی اصفهانی ۶، ۱۰

۱۶-۱۸، ۲۸، ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۳۱

۱۳۲ ← سید کمال الدین حسینی

کمال الدین هاشمی رومی ۱۷، ۶۹ و

۱۰۴

کمال الدین کاشی ۸۱

کمال القیتاغ ۲۸، ۱۰۰، ۱۰۴

کنعان بیگ رفاعی ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰

۶۳، ۶۴، ۷۱، ۷۹، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۹

۹۰، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶

۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۱

کوچک ابدال ۲۹

کیا، دکتر صادق ۱، ۲، ۲۵، ۴۶، ۶۴

«گ»

گل بابا ← مثالی

گلشن راز ۱۸

گنج نامه ۲۸، ۹۵

گواهی ۱۱۶

گوپینارلی، عبدالباقی ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۵

۳۸، ۶۲، ۱۱۱، ۱۳۸

گیلان ۹

«ل»

لغت لهجه گرگانی به فارسی ۹۱

لندن ۶۶

«م»

مازندران ۲۶

ماسینیون، لوئی ۱۹

مألی حمزه بیگ ۷۷

میحتی از جاودان ۶۸

متکلمان ۸۰

مثالی ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۵۵، ۷۷، ۷۸، ۹۶

۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۸

مثنوی ۱۳۲

مثنوی فارسی ۷۰

مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی

نظامی ۷۳

مجد المله والدین (مجد) ۱۷

مجدی ۳۳

مجله انجمن آسیائی ۶۹

مجله شرقیات ۳، ۱۰، ۱۲، ۴۶، ۵۰

۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۲، ۶۹، ۷۴، ۹۶، ۹۷

۹۹، ۱۳۱

مجموعه ۴۴، ۵۰، ۶۲، ۶۴، ۷۳-۷۵

۸۲، ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۱

۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹

مجموعه رسائل حروفیه ۱۷

محبّت نامه الهی ۷، ۹، ۱۰، ۱۳-۱۵

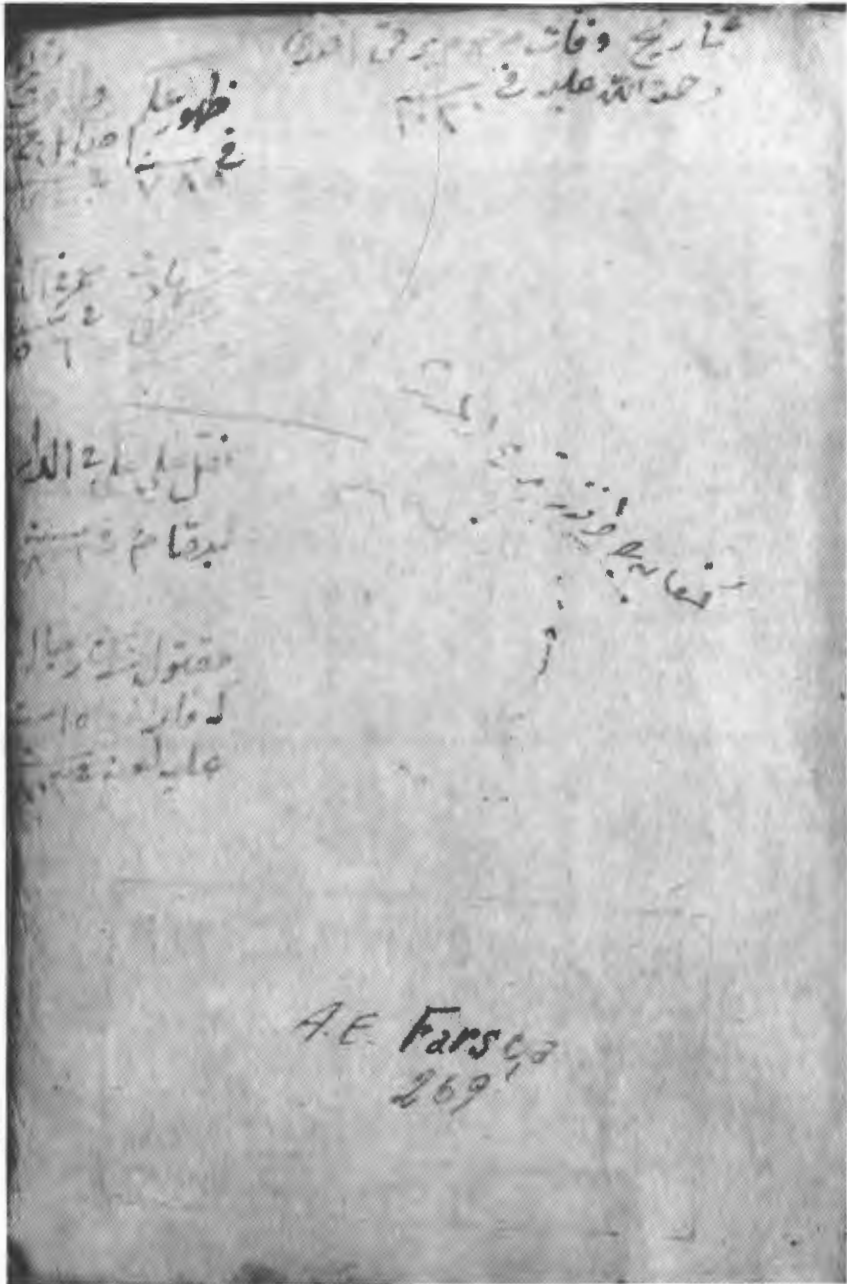
۳۶، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۶۹، ۸۱، ۸۴، ۱۳۶

محرابی ابراهیم بابا ۳۵

- مخدومه بزرگ، فاطمه ← فاطمه مخدومه بزرگ
 مخدومه نصرت (دختر فضل) ← نصرت (دختر فضل)
 مرآة المقاصد فی دفع المفساد ۱۱
 مرتضی (کاتب) ۹۰
 مرتضی (بن علی بن مصطفی) ۸۷
 مرثیه ۱۳۱
 مرثیه عرشى ۱۱۱
 مرثیه محیطی ۱۱۶
 مردیوان کوی ۱۲۲
 مسافر (شیخ فضل) ۸
 مسجد اوج شرفه لی ۳۳
 مسیح ۲۰
 مسیحی ۱۱۶
 مسیحیت ۲۲
 مشهد ۱۸، ۳
 مصر ۲، ۱۹، ۳۶، ۳۸، ۴۹
 مصطفی ایشیق ۳۷
 مصطفی بن ابدال الهی مرتضی ۱۳۰
 مظفرالدین جهانشاه قراقویونلو ۳۱، ۵۰
 المعادیه ۵۸، ۶۲، ۸۰
 مغربی ۷۳
 مفتاح الغیب ۳۴، ۹۶، ۱۱۸
 مقامات امیرسیدعلی همدانی ۷۴
 مقدمه الحقایق ۲۸ و ۱۰۸
 مقیمی ۱۱۱
 مکتوب ۵۶
 ملاعلوش ابن درویش ابراهیم بن علی بن محمد بن محمد خواجه ۹۶
 محرم نامه ۱، ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۱، ۳۶، ۸۳-۸۵، ۸۶، ۹۷
 محشری ۷۷، ۱۲۰
 محشرنامه ۲۸، ۳۸، ۶۲، ۷۹، ۱۰۰
 محله تکیه ۳۶، ۴۸، ۸۴
 محله دوناوات ۸۲
 محله دویتدار ۳۶، ۵۵، ۱۱۴
 محله مسجدلر ۹۶
 محله ولی دوله ۷
 محمدابن احمدابن کاظم ← قطب محمدین احمد بن کاظم ۸۸
 محمدین حسن الدیلمی ۵
 محمدین عبدالله (ص) ۹۸، ۱۲۴، ۱۳۵
 محمدین علی ۹۱
 محمدین علی قزوینی ۸۱
 محمدسیدسعادات (سادات) ۱۰۶
 محمدشیرین مغربی ۱۲۴
 محمدقطب ← قطب محمدین احمدین کاظم ابن علی
 محمدقلندر آقچه حصارى ۷۲
 محمدنائینی درویش علی ۱۶
 محمدالبینی ۵
 محمود (یا محمود مطرود) ۲۵، ۱۰۰
 محمود پاشا ۳۳
 محمود راشائى ۲۶، ۲۷
 محیی الدین ابدال ۲۹، ۳۴
 محیطی ۴، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۶-۱۱۸، ۱۳۸
 مخدوم زاده (دختر فضل) ۳، ۱۰، ۱۶، ۵۰، ۵۷، ۵۸، ۸۱، ۱۳۱

- ملا متیہ (حمزویہ) ۳۶
 ملا متیہ و ملا متیان ۳۶
 مناقب العارفين ۳۶
 منديس ۳۷
 منلاحسين ۱۰۷
 منلادرويش ۹۰
 مؤذن عيسى بن كمال الدين خواجه ۳۶،
 ۹۹
 موزة مولانا (قونیه) ۳۲، ۵۴، ۵۹، ۶۲،
 ۸۲، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲
 موزة واتيكان ۱۳
 مولانا ابوالحسن ۶۹، ۱۶
 مولانا بايزيد ← بايزيد
 مولانا حسن بن حيدر ۱۶، ۲۶
 مولانا كمال الدين هاشمي ← كمال الدين
 هاشمي اصفهاني
 مولانا مجد الدين ۱۶، ۶۹، ۱۰۰
 مولانا محمود ۱۶، ۱۷، ۶۹
 مولانا معروف (خطاط) ۳۰
 مولويخانه بهاريه ۳۶
 مولويخانه خاتيه ۱۰۱، ۶۲
 مولويه ۳۵، ۳۶، ۱۱۷
 مولويه بعد از مولانا ۳۵، ۳۶
 مهدی (عج) ۲۰-۲۳، ۱۲۷
 ميرانشاه ۳، ۹، ۲۹، ۴۹، ۱۰۳
 ميرحمزه (شاگرد جاويدی) ۱۰۱،
 ۱۰۲
 ميرزا محمد ← دست بریده ميرزا محمد
 مير شريف ۱، ۵، ۸، ۱۰، ۱۶، ۲۳، ۲۷،
 ۲۸، ۳۲، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۶۲، ۶۳
- ۶۵، ۷۳، ۷۹، ۸۰-۸۲، ۸۹، ۹۷
 ۱۰۶، ۱۲۴-۱۲۷
 مير علم جلال بيك ۳۴
 ميرفاضلي ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۸
 ۵۱، ۶۱، ۶۲، ۹۰، ۹۲، ۹۹، ۱۰۰،
 ۱۰۴، ۱۰۷
- «ن»
 ناصر خسرو ۸۰
 نابين ۸
 نائيني، مولانا محمد ۲۶
 نجف ۵۳
 نسب نامه حضرت صائل ۹۱
 نسخ خطی موزة مولانا در قونیه ۱۲۵
 نسیمی (مقاله) ۵۵
 نسیمی، عمادالدين ۱۱، ۲۳، ۲۶-۲۸،
 ۳۲، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۷۳، ۷۹، ۹۴
 ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۸
 نسیمی، عمادالدين (ديوان) ۵۱، ۵۳
 نصايح ۶۱
 نصرت (دختر فضل) ۱۰، ۵۲، ۵۸، ۸۱
 نصيرالدين طوسي ۸۱
 نعمت الله ولي ۷۳، ۷۴، ۸۱
 نعيمی ← فضل الله حروفی
 نفائس الحقايق ۶۴
 نفیسی، سعيد ۱۸، ۶۵، ۶۷، ۸۰
 نقطويه ۲۵
 تقطويان يا پسيخانيان ۲۵
 نور بخشیه ۱۲۷
 نوشته فارسی در بيان تاويل قرباني ۹۱

- نوشته‌یی به ترکی در بیان نماز عید ۹۱
 نوم‌نامه ۴، ۲۸، ۴، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۸، ۳۸،
 ۷۶، ۸۲، ۸۳، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۰
- نهایت‌نامه ۱
 نیازی (مصری) ۱۱۶
 نیشابور ۸۶
- «و»
 وارنه ۳۷
 واژه‌نامه گرجانی ۱، ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۳،
 ۱۴، ۱۷، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۴۶، ۵۰، ۵۵،
 ۶۴، ۶۹، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۹۱، ۹۳، ۹۹،
 ۱۰۱، ۱۲۷
 وجه‌الله ۸۱
 وجه‌دین ۱۹
 وجهی (شاعر خطاط) ۱۶، ۵۷، ۵۸، ۹۴،
 ۹۵
 وحدت‌نامه ۱۱۱
 وحدتی ۱۱۶
 وزیر محمود پاشا ۳۲
 وصیت‌نامه ۶۹، ۷۴
 وفیات پرعبر لاولی الالباب من اعتبار ۳۳
 ولایت‌نامه شاهمی ۲۹، ۹۰
 ویرانی ۳۵
- «ی»
 یازبجی، پروفیسور تحسین ۲۰
 یانیه ۳۶، ۱۲۸
 یحیی‌الخشاب ۱۹
 یزدی ۷، ۶۵
 یزید ۱۰، ۶۹
 یک شعر فارسی ۴۷
 یمن ۵
 یمینی ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۱۱۶
 ینی‌چریان ۱۲۲
 یوحنا ۱۸
 یوسف (حروفی) ۳۱
 یوسف سینه چاک ۳۴
 یونان ۲۷ و ۸۰
 یهود ۲۲
- Argyrocastro ۳۶
 Budun ۷۸، ۱۹۹
 Die Anfänge der Hurufisette ۲۰
 Die Geheimlehre der Batiniten ۵
 Hanya ۶۲
 Histoire et Classification... ۱۹
 Huart Clémen ۱، ۱۴
 Journal of Asiatic Society ۱۰
 Leyden ۱، ۱۵۸
 London ۱
 Onat ۲۳
 Oriens ۲
 Souli ۱۲۸
 Tevfik, Dr. Riza ۱
 Textes Hourufis..., ۱، ۶۶، ۸۵، ۱۳۶
 Textes Persans..., ۱۰۴
- «ه»
 هدایت، رضاقلی خان ۳
 هدایت‌نامه ۱ و ۳، ۱۵، ۱۳۶
 هرات ۱۸، ۳۱، ۱۲۴
 هشت بیت از شخصی به نام علی ۱۰۴
 هوار، کلیمان ۱، ۲، ۱۷، ۶۶، ۸۵، ۱۳۶



استوانه، کتابخانه علی امیری، فارسی، شماره ۲۶۹ یادداشت موجود در برگ آ

(فهرست متون حروفیه، صص ۲۸ - ۴۹)



آنکه بر خطا تو وقتش از او ان طوار سرتو از غافل استوار
ست و دست و شست و بر آنال هم صاحب است و از تو صاحب
ست پس شاد در شش و در نماز پیوسته ز منت حق روح که برین
که کلام هم در خطای تو و در سجده و در استعاذت از شیطان
یعنی روح و بیخود و قضا و قدر است پس چون سجده کنی و در
جهره را که از حق و از بجز و کت و جهره از شش ترا صاحب
است پس هر چه شش تو را که بر او شش ترا شش ترا شش ترا
دوم و در خطای کلمات بیخود است و در خطای کلمات
آن که برین کلام از او شست و بر آنال هم صاحب است
و در دست و شست و بر آنال هم صاحب است و در دست
و در خطای کلمات بیخود است و در خطای کلمات
یعنی روح و بیخود و قضا و قدر است پس چون سجده کنی و در
جهره را که از حق و از بجز و کت و جهره از شش ترا صاحب
است پس هر چه شش تو را که بر او شش ترا شش ترا شش ترا

باید که از حق و از بجز و کت و جهره از شش ترا صاحب
است پس هر چه شش تو را که بر او شش ترا شش ترا شش ترا
دوم و در خطای کلمات بیخود است و در خطای کلمات
آن که برین کلام از او شست و بر آنال هم صاحب است
و در دست و شست و بر آنال هم صاحب است و در دست
و در خطای کلمات بیخود است و در خطای کلمات
یعنی روح و بیخود و قضا و قدر است پس چون سجده کنی و در
جهره را که از حق و از بجز و کت و جهره از شش ترا صاحب
است پس هر چه شش تو را که بر او شش ترا شش ترا شش ترا

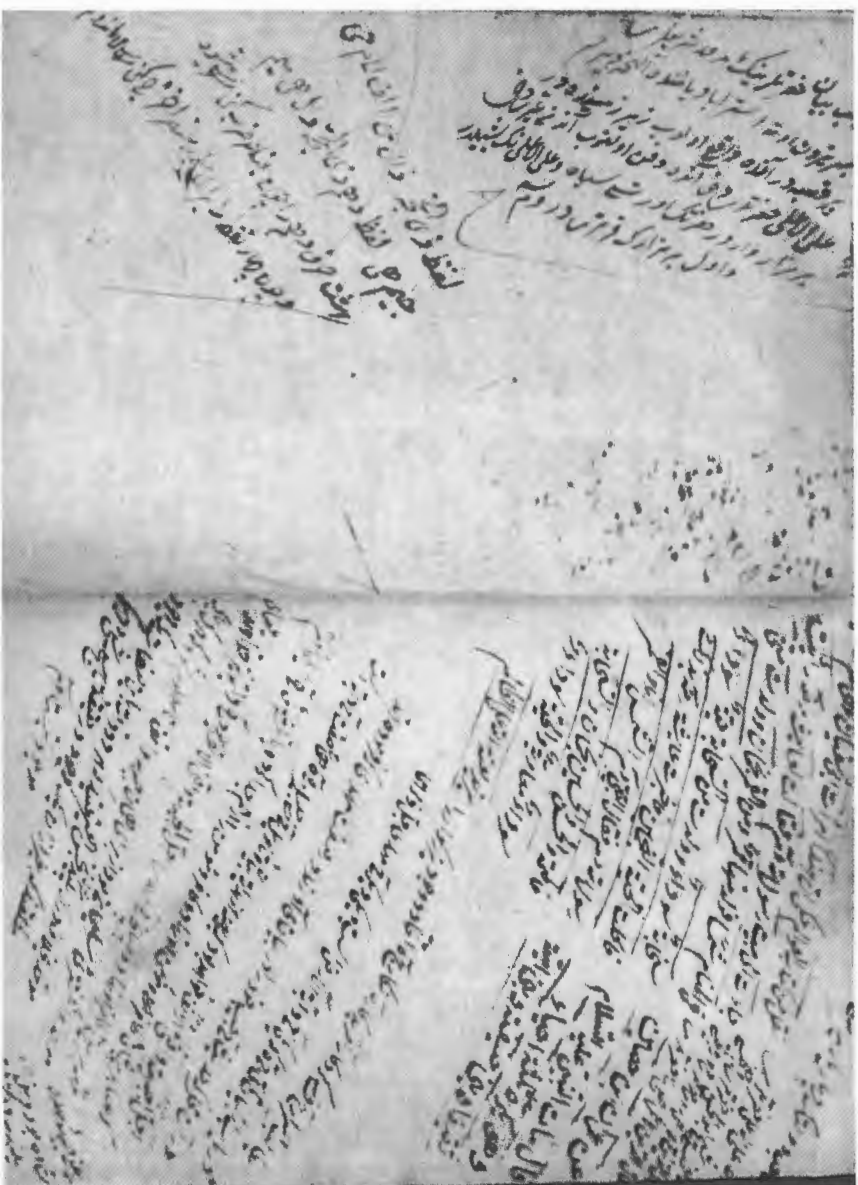
تصویر دو صفحه از جلیویدان نامه، کتابخانه ملی امپری، قازسی، شماره ۹۲۰
(نهرست منون حورو قده، صص ۵۶-۵۹)

زنگارانی که در صحنه شادمانی مخفی با بوی بسیار شده است آیت عشق را با این سرشته است این صفت بر روی شاه است	جان بودیم بسم اللفق بگرفت درد با هم جهان وجود گرفت بیلای لایکن عاریت هر که در دنیا گرفت درین عالم	این هم غم زینین برداری دست یافت در کمر داری خوبی باشا کی کبیر داری سوزش از آفتاب خوش برداری دست هست بوی کار کرداری شتم نیست پیش این غم بوی	گر بیخ دم نظر دارم خندم که در عشق می در زیم اصل و فرع همه تخیل اموز که بر بیجاها افتخ می اما بخی بر بدن شاه تازی بیت به طوطی آن که بگفت	شتم نیست پیش این غم بوی
کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد

آیت کل در رسات به نام بود بسم این سخن ترا بود کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد
کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد
کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد
کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد
کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد	کتابت با کمالی کند یاد

صفحات پایانی دیوان فضل، کتب فارسی کتابخانه ملی امیری، شماره: ۹۸۹

(فهرست متون حروفیه، صص ۶۰-۶۱)



باداشت مندرج در برگ ۴۳ رساله میر قاضی کاتبخانه علی امیری، فارسی، شماره: ۹۹۰
(نهرست متون حروفیه، صص ۶۱-۶۲)

تفاتی اول حضرت ایشان اول حضرت خدومه بزرگ خانم و دوم حضرت خدومه زاده
و حضرت خدومه دیگر حضرت فرزند حضرت خدومه زاده حضرت میر نور آق و بدو
آق کتاب و امیر کلیم آق و امیر سلام آق فرزندان حضرت خدومه حضرت
اول حضرت خانم بدو لقب خواندگار و امیر مسیح آق و بدو علم الکتاب
و امیر حبیب آق فرزندان حضرت میر نور آق اول بدو علم الکتاب مسیح
و امیر حبیب آق فرزندان حضرت امیر نور آق اول بدو علم الکتاب مسیح
و بدو آق از حضرت خواندگار فرزندان حضرت امیر مسیح آق بدو علم الکتاب
و بدو آق امیر روح آق از یک نهاد بدو علم الکتاب آق مادر
بدو آق امیر روح آق از یک نهاد صلوات آق الفضل و سلام
و رضوانه حسین همایون فضل آق شریف رحمت آق
من صورت وصل ترا پیوسته می بندم خیال بکنده در این حالت می یاری دهنده خدا
حضرت میرماییده

آجر او وجود طبعی خراب شده وین جوهرین تو حیرت و بیانش
چندین هزار بار وجود گوئیگان با باران و ابرو و خاک زمین و نبات
بگذشت قرنی دیگر بعد از آن روز تا باز گشت آتش و صاحب حیانت
بن جوهر یک یافت چنین فروز زنگی به یک گوگرد شش را این تاج شریف
نزد او گذر نکرد میورد آن را بازار مقام خویش زبیر ازوق
وین اموات روی کند پس بسیر بار
کوته شد ای بیخی و حل مشکلات

شجره مندرج در برگ ۶۱ بیان الواقع

(فهرست متون حروقیه، صفحه ۸۱)

داکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم سبحانک محمد مجید
و سلام و ستایش بر او لاد فست سبحانک
و سلام و ستایش بر او و سبحانک و سبحانک
الصلوات که حضرت خلیفه الاول و رسول الله و انبیا علیهم
الصلوات است و تم = و در کوع و ست بر زانو نهاد بگوید
یا فست سبحانک العظیم کلما یکبار سه بار و در سجده ذکر
بر زانو نهاد بگوید یا فست سبحانک الاعلی مجده و ست
بگوید = سبحانک لک حق حقیقه جنهایی که بنده اول
بیت قدم بگوید = سبحانک میگویم که ای آدم بهشت طهارت
قوم دراز و یا فست کلما و گنا بیست مرتبه یا ست تو یا بگوید
الله الخ = سبحانک میگویم که ای آدم بهشت طهارت
دراز و یا فست کلما و گنا بیست مرتبه یا ست الله الخ
ذات الله یا فست الله الله اکبر = سبحانک طهارت
مکرمه سبحانک میگویم که ای آدم بهشت طهارت مکره دراز

سبحانک

کلما بیست و بیست بار بخواند خوار است
بیازده دور و بروی سر او سبحانک از خداوند
بهری فرق و بیست و نهم سبحانک تا از کونین توام
و بیست تا از بیست جنهایی باید کرد که بیست میگویم که بزرگوار
کست تا از بیست دراز و اجزا به کلام حکایت تو تو تر آید
که بیست طهارت میگویم که ای آدم بهشت طهارت مکره
اصل دراز و در نماز وضو است و بیست کلما اجزا علم بیست
که سبحانک را از بیست یا بیست که تا از اوج را ایک
دو بار و بیست کلما تا علم که تا از اوج است و تا ای
سجدهات خوانند آیتها که است نکات الصلوات اللطیف
تا که سلام حاکم ایها الذی ورعیت الله و برکت آت الله
علفنا و علی عباد الله الصالحین آمین سبحانک لا اله الا انت
الله و هو لا شریک له و شهادتک آمین علیه السلام حضرت
و در هر دو شهادت می آید و در سجده صلوات بر

اللهم

تصویر در صفحه از صلوات نامه از نسخه شماره ۱۰۳۳ کتابخانه ملی امیری، تارسی

(نهرست همون حروقیه، صص ۹۸ - ۱۰۱)

راه که در راه دین او بود
 هست برقیتش علم گواه
 تا بکشف انبیا ره یافتم
 مومنو اسرار حق بشکافتم

کتب الفقیه الخیر المحتاج الی المعرفت ذات غیر
 مثالی خاک پای فضل آینه کسیری فی نفس صولتی
 روز کیشنه او اسطریح الاهی
 سزشت وستین متعایه

گفته محمدیه
 سالکان در کت را بر دو عالم یک نفر
 این حضرت را از حور و جنات عدل
 وی روز بود ولم آیمدی میداشت
 او ز برقت و نانا بیدم بگذاشت

جاحضیت کند و کتیب
 دین زمانه که کوه کتیب

تصویر آخرین صفحه دیوان لسمی، از نسخ خطی فارسی دانشگاه استانبول، شماره ۴۴۸

(فهرست متون حروفیه، صص ۱۲۸-۱۲۹)

وكتبه في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة

في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة
 في سنة ١٠٠٠ هـ في شهر ربيع الثاني
 في مكة المكرمة بمكة

مذبحن العيان و ارض اليك اني كنت اعجز
اولي و اولئك و يذوقون نبيته عجزت اولئك اني
بش يبعثون اهل علك اولئك و تلك العناء و اهل بيت
عظمت و عذابات كبر و يذوقون آفة الله و حيا العناء و اهل بيت
و بيت و سبائك حرمي و تلك حيا تلك وجه اولئك و عجب
و تلك اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
بش و اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
صوت يذوقون و تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
ظاهره و ذلك وجهه و يقدر و انما و عجب

فانما و اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
صوت يذوقون و تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
ظاهره و ذلك وجهه و يقدر و انما و عجب
فانما و اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
صوت يذوقون و تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
ظاهره و ذلك وجهه و يقدر و انما و عجب

انما و اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
صوت يذوقون و تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
ظاهره و ذلك وجهه و يقدر و انما و عجب

فانما و اولئك انهم و يذوقون تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
صوت يذوقون و تلك وجهه و يقدر و انما و عجب
ظاهره و ذلك وجهه و يقدر و انما و عجب

والتفت وجه الله ورد ابراهيم وقضى الرب ان يرحم
الارضانية وايضا في الامبياء والمسيح وتبعهم فيهم
في يوم قربان الله وبعده انفس في الرب
من ابن الخريف وكانوا جميعا سمعت الله في قلوبهم كيف
الامر في الرب والشهود وسيد الله في
الانوار ام الله قابل وحسن في الادراك وتبع الامبيات
والارض من ابراهيم وابراهيم وانت وسكناء الشهاد
الفسن والعشق والحب والحقه كبريت قال اعني
بالسواء الاطعم في سببهم في سببهم في سببهم
بطنا الامبيات في الرب والادام وسوال عن ما هي
الاء في توطئة اية الاصل الخوف ووجد اختلاف في الاء
في سبب الام وكتبت باي الرب اليهود والرسول
من سببهم في حقيقتهم في الاء والاكانيات العمل اصل
والغيرها وكيفية حقيقتهم في الاء العمل اصل
اول اول الميت الله الهية في حقيقتهم عملت الموت
واقسمها في الامبيات والاداء والاداء في حقيقتهم
اليعون في حقيقتهم في حقيقتهم في حقيقتهم
حقيقة رسفة الاشارة في حقيقتهم في حقيقتهم
في سبب الامبيات في حقيقتهم في حقيقتهم
خلقت الاشارة في حقيقتهم في حقيقتهم
والاداء وايضا في حقيقتهم في حقيقتهم
في حقيقتهم في حقيقتهم في حقيقتهم
في حقيقتهم في حقيقتهم في حقيقتهم
في حقيقتهم في حقيقتهم في حقيقتهم
في حقيقتهم في حقيقتهم في حقيقتهم

تصوير دو صفحه آغازين از متن جاويدان به خط درويش مرتضى مرتضى جاويدانيه تركي، نسخ خطي كتابخانه دانشگاه استانبول شماره ۸۶۹

(نهرست ميونخ حروفیه، صص ۱۳۱ - ۱۳۲)

في امام مبين السؤال كذا في رسول الله بيان حقيقة
 وكنت بعثت لبيان الشريعة لا لبيان الحقيقة
 انت كذا رسول الله رسول الخواص زمان بود و بعد از
 پيامبري بخواست است و نيز داده بود كه چنانچه
 من بهفتاد وجه فرقه شوند حفظا درود بدو
 الايك فرقه و گفته بود شيعه بل ما كنت من هؤلاء
 نغاي انكس است كه من علم الكتاب است و باه
 شهيد بيايد و كوايه بدهد في شيعه است لم من
 و عتاق علم من اخذ في نغاي و ظاهر كردند
 نغاي روشن شود كه او انكس است كه از پيش خداست
 بعلم خدايي فرقه ناهيه را آوردند و بويدي ديگر است
 كه تا خلافت پس طالب اسرار خدايي كودند و بدان
 برسند و بدانند كه لا يعطون بشي من علم الا بما
 شاء و من كلامه الاول رسا دريا بايد كه بشما
 پدر خوي نور سينه و كين كه بيان تن بر خواست هميشه
 افرينان و تن نور شيد ازل نبي توان گفت چو داني
 وي بالذ و خواهد بايد تم الكتاب الاله العتق
 الازلي الابدی الحمد لله رب العالمين
 في اربل شهر ربيع الاخر من سنه
 ١٠٤٩
 م
 م



